

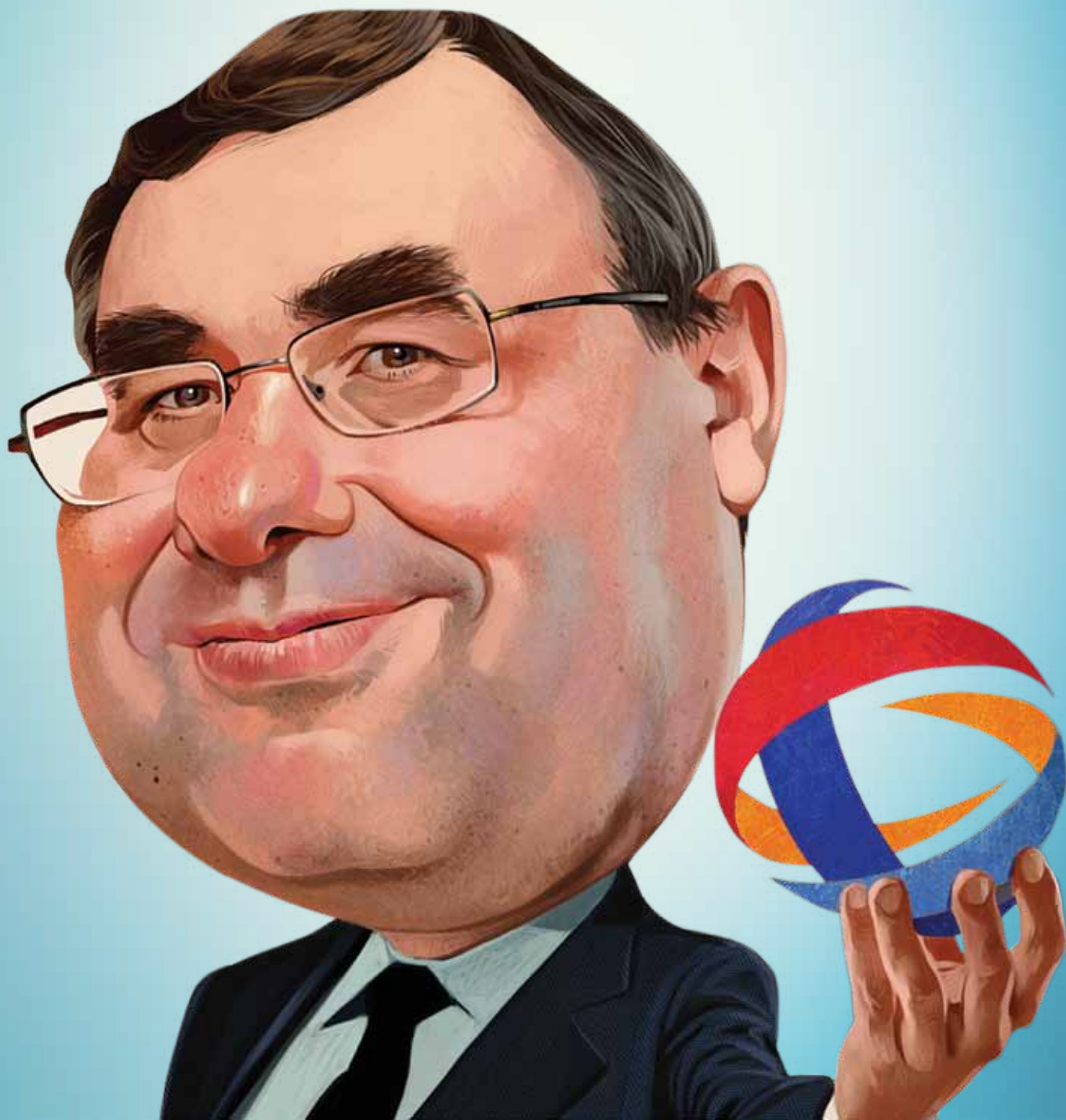
✓ ۴ نامه سرگشاده به معاون اول

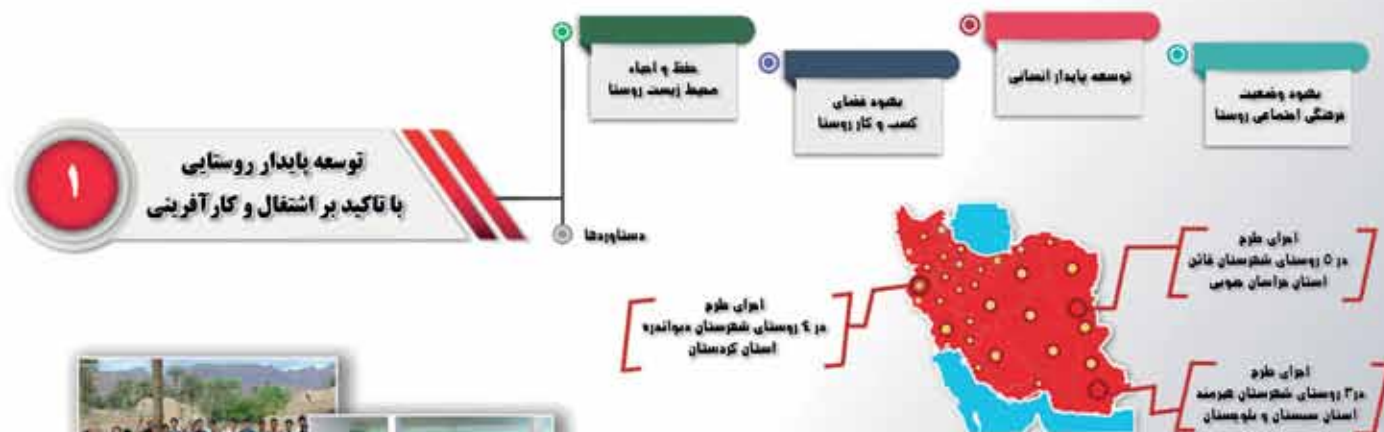
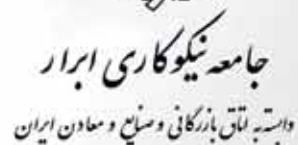
✓ تحریم با صنعت چه می کند؟

✓ دولت ضرر نکرد، تولید و مردم آسیب دیدند

✓ در کوتاه مدت چه می شود کرد

سرمایه‌اش را برداشت و برد





**تربیت نیروی انسانی توانمند،
خلاق و ارزش آفرین**



مشارکت در ایجاد مراکز آموزشی، فرهنگی، مذهبی و تولیدی



ایجاد و تجهیز
۱ فضای آموزشی
و ۲ مرکز تولیدی

طائفہ اول مدرس
امام کاظمؑ کی مثنوی

! اطلاعات تماس :

فکس: ۸۸۳۴۶۷۲۵

شماره دفتر مرکزی: ۸۵۷۳۲۸۳۱

آدرس سایت: www.abrarcharity.ir | ایمیل: abrar@iccima.ir



مدیر هنری: علی صائی
ویراستار: فاطمه ابراهیمیان
حروفچین: حمیدرضا خدابخش
ویرایش عکس: عرفان اسلامی

نشان: تهران، خیابان طالقانی،
نبش خیابان شهید موسوی
(فرست)، پلاک ۱۷۵
کد پستی: ۱۵۸۳۶۴۸۴۹۹
چاپ: ایماژ
تلفن: ۰۰۰ ۸۵۷۳ (۰۲۱)
فاکس: ۸۵۷۳۳۳۳۳ (۰۲۱)

جانشین مدیر مسئول: محمدرضا عرب
سر دبیر: محمدصادق جنان صفت

معاون سر دبیر:
محمدعلی توحید

تحریریه:
محمدرضا ستاری، منصوره نصرتی کردکندی
حمید باقریان، مونا مشهدی رجبی
حسن صادقی و سمیه سایش

با تشکر از: حجت سپهوند



شماره ۱۱۶
شهریور و مهر ماه
۱۳۹۷

صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع
معادن و کشاورزی ایران
زیر نظر شورای سیاستگذاری
مدیر مسئول: علیرضا اشرف

در این شماره می‌خوانید:

اقتصاد سیاسی



۷

بازارها



۱۱

مطالبه‌گری



۲۳

دولت رانتیر



۳۱

نگاه دیگران



۳۷

رانت پتروشیمی



۴۱

چه باید کرد



۴۹

تحریم



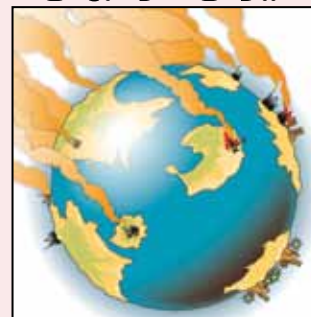
۶۱

روزگار صنعت



۷۱

ایران در جهان



۸۳

مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت مطرح کردند

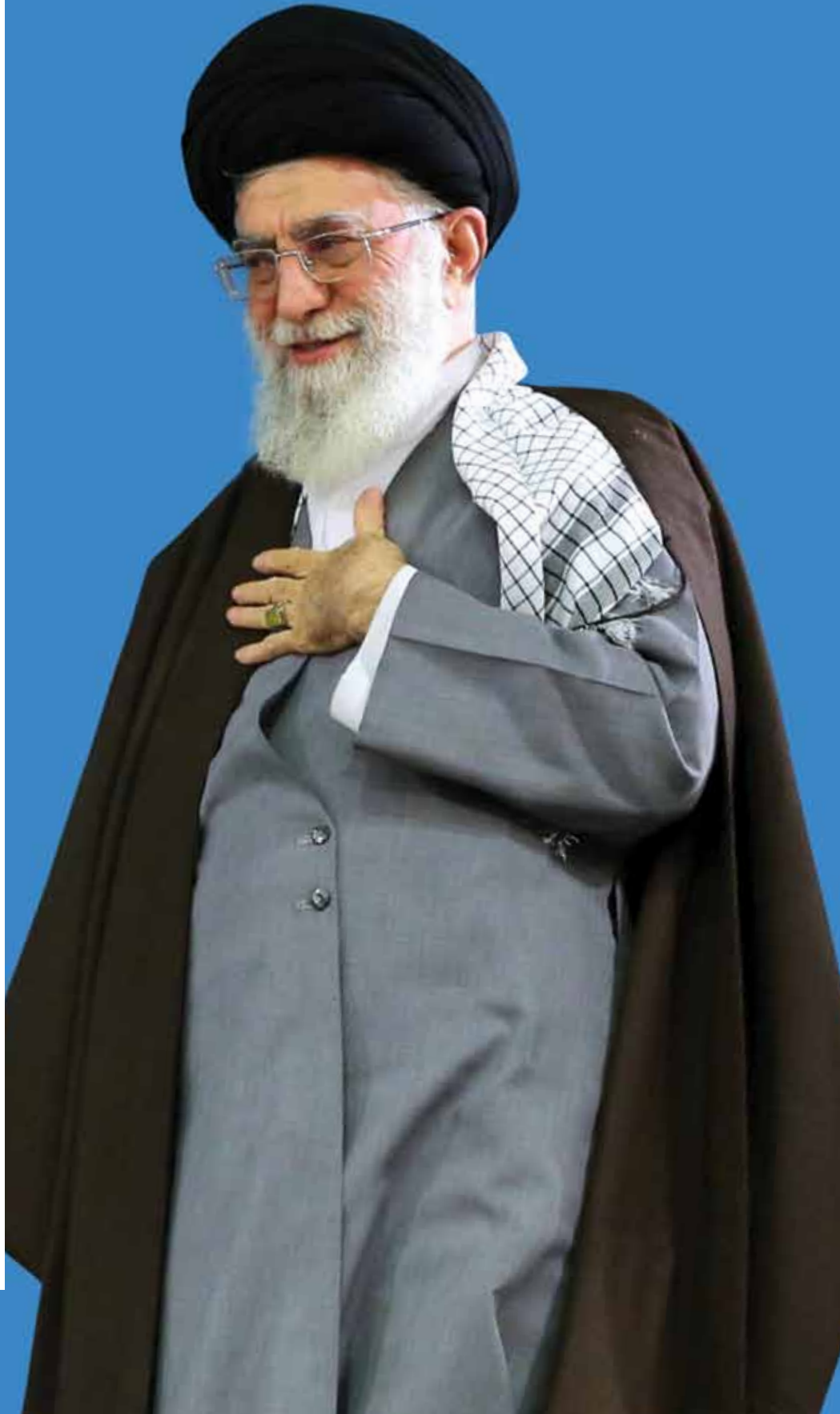
ما باید از ظرفیت‌های بخش خصوصی استفاده کنیم

همزمان با هفته دولت و در آستانه سالروز شهادت شهیدان رجایی و باهنر، رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت پیش از ظهر روز چهارشنبه هفتم شهریور با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند که ایشان در این دیدار توصیه‌ها و راهکارهای مهمی را به دولتمردان ارائه دادند. خلاصه‌ای از توصیه‌ها و راهنمایی‌های ایشان که درباره مسائل اقتصادی است را در ادامه می‌خوانید:

به گزارش ایسنا، ایشان در این دیدار گفتند: من تذکراتی را امروز عرض می‌کنم درباره سه مطلب: یکی راجع به همین مسائل اقتصادی که مسأله اساسی امروز ما است؛ یکی درباره مسائل خارجی یا سیاست خارجی؛ یکی هم درباره اتحاد و انسجام داخلی که آقای رئیس‌جمهور هم اشاره کردند. در مورد اقتصاد، باید قوی و پر حجم کار کرد. ببینید دوستان! دشمن متمرکز شده روی مسأله اقتصاد، علتش هم این است که در زمینه مسائل اقتصاد یک به اصطلاح خلأهایی وجود داشته، یک ضعف‌هایی وجود داشته، به تعبیر نظامی‌ها یک نقاط کور راداری وجود داشته که دشمن از آنجاها توانسته نفوذ بکند و وارد بشود؛ ما باید این نقاط کور راداری را ببندیم، ما باید نقطه ضعف‌ها را درست بشناسیم و اینها را برطرف کنیم؛ می‌توانیم. همه این کارهایی را که باید انجام بگیرد - حالا من اشاره می‌کنم به بعضی از اینها - ما می‌توانیم. در اداره اقتصادی کشور راه وجود دارد؛ این جور نیست که ما دچار بُن‌بست باشیم؛ نه، راه‌هایی وجود دارد و می‌شود این راه‌ها را با قدرت پیمود و رفت ان شاء الله. بایستی بکنید؛ بایستی وارد بشوید؛ بایستی پر حجم و با کیفیت کار کنید؛ مسئولین اقتصادی کشور باید شب و روز شناسند.

یک مسأله هم مسأله معیشت مردم است که باز به همین تولید ارتباط پیدا می‌کند؛ یعنی یکی از بهترین راه‌ها برای اینکه ما بخواهیم معیشت مردم را ترمیم کنیم و اصلاح کنیم - که الان مردم دچار مشکلات هستند در امر معیشت، بخش مهمی از مردم دچار مشکلاتند - واقعاً باید تکیه کنیم روی مسأله تولید داخلی. خوب، یک تلاش همه‌جانبه‌ای باید بشود برای جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها یا زیر ظرفیت کار کردن کارخانه‌ها.

یک مسأله مهم دیگری که من اینجا به مناسبت مسائل اقتصادی عرض می‌کنم، این است که کشور ما از لحاظ ظرفیت‌های اقتصادی، یک کشور برجسته است، یک کشور سطح بالا است؛ ظرفیت‌های اقتصادی ما خیلی خوب است. اگر از این ظرفیت‌ها استفاده نکنیم، واقعاً کفران نعمت کرده‌ایم؛ خدای متعال [می‌فرماید]: *الْم تَرِ الٰی الذّٰیْنَ بَدَلُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ کُفْرًا*؛ ما نعمت خدا را نپایست تبدیل کنیم به کفران. ما ظرفیت‌های



فوق‌العاده [داریم]. یک مطالعاتی انجام گرفته در موسسات بین‌المللی مثل همین صندوق بین‌المللی و امثال اینها که اینجا برای من گزارشش را آورده‌اند؛ می‌گویند تولید ناخالص داخلی ایران - که تولید ناخالص، در واقع ظرفیت بالفعل موجود تحقق‌یافته کشور است دیگر، یعنی آنچه بالفعل تحقق پیدا کرده - در رتبه هجده جهان قرار دارد، یعنی در بین دویست و خرده‌ای کشور، ما در رتبه هجدهم هستیم از لحاظ تولید ناخالص داخلی، که این تولید ناخالص داخلی یعنی آن چیزی که شما از ظرفیت‌های کشور بهره برده‌اید، تحقق داده‌اید و به دست آورده‌اید. این خب خیلی چیز بالایی است، این تحقیقات بین‌المللی است.

یک تحقیق دیگری هست باز در کنار این - مال بانک جهانی است؛ در سال ۲۰۱۳ - که از لحاظ ظرفیت‌های استفاده‌نشده داخلی، ایران در رتبه اول جهان است؛ شما چه احساسی پیدا می‌کنید از این؟ این دیگر حرفی نیست که یک اقتصاددانی در داخل بگوید تا حمل بشود بر یک معنایی، نه، این را یک مرکز بین‌المللی نگاه می‌کند به ظرفیت‌های کشور - ظرفیت جغرافیایی، ظرفیت انسانی، ظرفیت‌های اقلیمی، ظرفیت‌های کانی و امکانات زیرزمینی و امثال اینها - می‌گوید مجموع ظرفیت‌های استفاده‌نشده کشور ما، آن قدر بالا است که ما در این زمینه در دنیا رتبه اول هستیم؛ در سال ۹۲ این گفته شده و مال ۲۰۱۳ است.

بنابراین استفاده نکردن از ظرفیت‌ها چیز مهمی است. این را بنده البته بارها در صحبت‌های گوناگون گفته‌ام و مواردی را هم ذکر کردم از آن ظرفیت‌های استفاده نشده که حالا لزومی ندارد [بگویم]؛ بحث اینها در جلسات تخصصی بیشتر لازم و مهم است که انجام بگیرد که چه چیزهایی ظرفیت‌های استفاده‌نشده است؛ یک فهرستی وجود دارد از ظرفیت‌های استفاده‌نشده؛ یکی این است.

یکی از مسائل مهم اقتصادی ما، ظرفیت بخش خصوصی است؛ ما از ظرفیت بخش خصوصی استفاده نمی‌کنیم. حالا [همان‌طور که] عرض کردم، گاهی اوقات کارخانه‌ها را بر طبق سیاست‌های اصل ۴۴ آن‌جوری می‌دهیم دست آدم‌هایی که نابابند، اما به‌طور رایج و معمول، بخش خصوصی را ما واقعاً وارد نمی‌کنیم و از سرمایه‌های مردم، درست استفاده نمی‌کنیم. مجموعه اتاق بازرگانی یک دیداری با دبیرخانه شورای عالی امنیت داشتند و یک حرف‌های مفصلی زدند که بنده آن حرف‌ها را خواندم؛ به نظر من آقایان بخوانید آن حرف‌ها را، آقایان بشنوید و ببینید آن حرف‌ها را؛ حرف‌های درستی است؛ ما باید از ظرفیت‌های بخش خصوصی

استفاده کنیم؛ بخش خصوصی آماده است. یک مسأله مهم دیگر در زمینه اقتصاد که موضوع چهارمی است که دارم عرض می‌کنم، مسأله مدیریت نقدینگی کشور [است] که حالا آقای رئیس‌جمهور اشاره کردند به نقدینگی. اولاً اینکه ما اجازه دادیم که نقدینگی افزایش پیدا کند، از اول خطا بوده؛ نباید می‌گذاشتیم؛ از اول باید ما جلوی افزایش نقدینگی را می‌گرفتیم؛ حالا هم اینکه نقدینگی رها بماند که به هر طرفی حمله کند ویرانی به وجود بیاورد، این هم باز یک خطای دیگر است؛ نقدینگی باید مدیریت بشود. اینکه ما این‌جوری فرض کنیم که «نه، کاری‌اش نمی‌شود کرد نقدینگی را»، نه، این‌جوری نیست؛ نقدینگی را می‌شود کنترل کرد، می‌شود مدیریت کرد؛ البته احتیاج دارد به یک مجموعه تمام‌وقت فعال؛ یک مجموعه تمام‌وقت. چندی پیش نمایندگان مجلس از رئیس‌جمهور محترم درخواست کرده بودند که یک تیم اقتصادی فعال [تعیین بشود]؛ خیلی خوب، یک تیمی زیر نظر همین مجموعه‌ای که الان دارید هم می‌خواهید بگذارید - بحث تغییر و تبدیل و مانند اینها را بنده هیچ‌وقت مطرح نمی‌کنم و نکرده‌ام - بالاخره یک مجموعه فعال شبانه‌روزی از عناصری که اهل کار جهادی باشند، یعنی واقعاً بخواهند کار بکنند، شب و روز نشناسند، اهل ابتکار و مانند اینها هم باشند، دنبال این قضیه بگذارید و بگویید نقدینگی را مدیریت کنند؛ می‌توانید این کار را بکنید. ما به قولی چهارصد هزار میلیارد تومان، به قولی ششصد هزار میلیارد تومان، پروژه نیمه‌تمام داریم؛ خب جاذبه درست کنید برای بخش خصوصی که این نقدینگی به این طرف هدایت بشود؛ می‌شود این کارها را کرد؛ امتیاز بدهید، جاذبه درست کنید. ما برای فروش نفتمان یک مواردی اتفاق افتاده که برای اینکه بتوانیم کار را پیش ببریم یک مسامحه‌ای در قیمت کرده‌ایم، مثلاً فرض کنید که یک تخفیفی به یکی دادیم؛ خب این کار را در داخل انجام بدهیم؛ بخش خصوصی را وادار کنیم، کارهای مهمی می‌شود انجام داد. آن روز به‌نظرم در همین جلسه دولت بود که گفتم، فرض بفرمایید که همین الان این نیروگاه‌های سی‌مگاواتی را که گفتند روسیه می‌سازد - بنده خیال می‌کردم کمتر از صد مگاواتی نداریم؛ معلوم شد نه، پنجاه مگاواتی و سی مگاواتی [هم] داریم - خیلی خب، اینها قیمتش هم نباید خیلی بالا باشد، این درآمدزا است؛ بخش خصوصی را تشویق کنید، تحریص کنید برون‌داز اینها ده تا، بیست تا، بگیرند بیاورند و جاهای مختلف نصب بکنند؛ هم انرژی است، هم جذب نقدینگی است، هم آب شیرین‌کن است و فواید فراوانی از این قبیل دارد. منظورم جذب نقدینگی است؛

این نقدینگی زیاد، این نقدینگی که امروز وجود دارد، خطر بزرگی است، این را اقتصاددان‌ها بهتر از ما می‌دانند که این، هر طرف رو کند ویرانگر است؛ خب می‌آید یک‌وقت طرف سکه، می‌آید طرف ارز - [مثل] همین که اتفاق می‌افتد و شما می‌بینید - یک‌وقت می‌رود طرف مسکن یک‌جور دیگر می‌شود. نباید بگذارید، باید این مدیریت بشود؛ یعنی رها نمی‌شود گذاشت نقدینگی را. نمی‌شود گفت که حالا این اضافه شده و هیچ کاری‌اش نمی‌شود کرد؛ خیر، این را می‌شود کنترل کرد، می‌شود مهار کرد و این باید مهار بشود.

البته مسأله بانک‌ها که ایشان گفتند مسأله درستی است؛ یعنی بانک‌ها، بانک مرکزی را بین دو محذور قرار می‌دهند؛ این هم علاج دارد. بانکی که نتوانسته خودش را اداره کند و مردم را به صف کرده، اعتبار این بانک را سلب کنید. اولاً نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها موجب می‌شود که به این وضع نرسند - اگر چنانچه نظارت مستمری از اول وجود داشته باشد - وقتی هم که به این زمینه رسید بالاخره باید با بانک برخورد بشود. این همه بانک خصوصی! بانک‌ها چرا مشکل نقدینگی پیدا می‌کنند؟ برای خاطر اینکه شعبه زیاد می‌کنند، برای اینکه آسایشگاه برای افراد خودشان [درست می‌کنند]. این را من یک وقتی به جناب‌عالی هم گفتم که بنده در تهران با ماشین از یک جایی عبور می‌کردم، یک دیوار طولانی بود که همین‌طور که با ماشین رفتیم، دائم دیدیم این دیوار هست، هست، هست؛ من پرسیدم این مال کیست؟ چیست اینجا به این بزرگی؟ یک تشکیلات عظیمی [بود]! گفتند بله، برای بانک فلان است. خب این بانک غلط می‌کند که یک چنین کاری را [کرده]، می‌خواهد چه بکند این را؛ یعنی واقعاً این چیز مهمی است، پول‌های مردم را می‌گیرند و این‌جوری امکانات درست می‌کنند؛ حالا اینکه یک تشکیلاتی است که لابد برای تفریح و مانند این حرف‌ها است؛ نه، بانک‌ها بنگاه‌داری می‌کنند. بنده همین‌جا در همین جلسه یک بار گفتم که جلوی بنگاه‌داری بانک‌ها را بگیرد؛ بانک برای بنگاه‌داری که نیست. خب پول‌های مردم این‌جوری [صرف می‌شود]؛ کنترل قوی و مدیریت قوی بانک مرکزی بر بانک‌ها موجب می‌شود که به اینجا نرسند که بانک مرکزی بین دو محذور گیر کند؛ یا بدهد، یک‌جور مشکل برایش درست بشود؛ یا پول و نقدینگی را افزایش ندهد، یک‌جور دیگر محذور درست بشود. یعنی این بالاخره جزو مسائل مهم است. به نظر من به وضع بانک‌ها برسید و نقدینگی را به‌طور جدی اهمیت بدهید و دنبال بکنید.



لازم نیست تا عمق کاراکاس برویم



محمدصادق جنان صفت
سردبیر

هوگو چاوز رئیس‌جمهور متوفی ونزوئلا در سال ۲۰۰۳ چند خیال خود را به جای واقعیت نشاند و تصور کرد همان‌طور که توانسته از پله‌های سیاست بالا بیاید و نفر اول کاراکاس شود می‌تواند اسب چموش اقتصاد را نیز مهار کند. چاوز در خیال و رویا خود را نجات بخش توده‌های تهیدست ونزوئلایی تصور کرد و به دوستان و همراهانش دستور اکید داد به هر شکل و به هر ترتیب باید قیمت کالاهای اساسی در کشور تثبیت شود و تا تهیدستان احساس آرامش کنند و لابد در هر انتخاباتی به او رای دهند. این اشتباه چاوز بود که تصور می‌کرد می‌تواند قیمت‌ها را با استفاده از درآمد نفت مهار کند. اما چاوز تصور نمی‌کرد در وضعیت دستور دادن به قیمت‌ها که باید بایستند تا فقرا احساس آرامش کنند روی دیگری دارد و آن بی‌میلی و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری است. این‌گونه بود که تولید داخلی روندی کاهنده را تجربه کرد و چاوز برای مهار قیمت‌ها به عنصر واردات چشم دوخت. در این وضعیت اما تقاضا برای دلار آمریکا به عنوان ارز برتر افزایش یافت و نرخ تبدیل دلار به پول ونزوئلا افزایش یافت. پس چاوز چاره را در تثبیت قیمت دلار دید و سیاست سرکوب ارزی را در پیش گرفت. به زودی اما این بازار چند تکه شد و بازاری با نرخ‌های متفاوت شکل گرفت و دولت با دست‌های خودش بازار سیاه ایجاد کرد. حالا دولت چاوز برای اینکه پول کافی داشته باشد دستور داد اوراق قرضه منتشر شود. ارزش اوراق قرضه منتشر شده تا سال ۲۰۱۷ به عدد ۱۴۰ میلیارد دلار رسید که ۷۰ میلیارد دلار آن را دو کشور روسیه و چین خریداری کردند و ۷۰ میلیارد دلار آن نیز در داخل فروخته شد. دولت چاوز و جانشین او می‌دیدند و می‌فهمیدند اگر مالکان اوراق قرضه اراده کنند که در یک زمان واحد این اوراق را بفروشند دولت پول کافی برای خرید ندارد و به همین دلیل

نرخ بهره اوراق را در هر دوره افزایش داد تا صاحبان اوراق همچنان مدارا کنند. با توجه به اینکه در حدود ۹۰ درصد درآمدهای ارزی دولت از محل فروش و صادرات نفت تامین می‌شود، با شروع بحران و اعتصاب‌ها در صنعت نفت ونزوئلا تولید نفت این کشور از ۲/۶۸ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۴ به ۱/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۸ رسید. این رخداد با کاهش قیمت نفت نیز همراه شد و درآمد دولت ونزوئلا را باز هم کاهش داد. کاهش دولت از محل صادرات نفت به کاهش واردات منجر شد و همین عامل به کاهش واردات کالای اساسی در ونزوئلا منجر شد و قیمت کالاهای روند فزاینده‌ای را تجربه کرد. کاهش ارزش پول ونزوئلا در برابر ارزهای معتبر روندی فزاینده گرفت و ماریپیج تورم - کاهش ارزش پول در این کشور تشدید شد. آخرین آمارهای ارائه شده از سوی منابع جهانی از نرخ تورم نجومی در این کشور خبر می‌دهند. شهروندان ونزوئلایی در یک دوره میان‌مدت و با اتخاذ سیاست‌های ارزی، تجاری و صنعتی غیرکارشناسانه و مبتنی بر توهم و خرید محبوبیت در بدترین وضعیت قرار گرفته و هر روز شمار قابل‌اعتنایی از آنها به سوی کشورهای همسایه مثل کلمبیا، پرو و برزیل مهاجرت می‌کنند. در شرایط حاضر نیز هیچ چشم‌اندازی از بهبود وضعیت اقتصادی در ونزوئلا دیده نمی‌شود و شهروندان بیشتری با فقر و بدبختی دست و پنجه نرم می‌کنند.

متأسفانه باید نوشت که اقتصاد ایران در راهی افتاده است که اگر به آن رسیدگی نشود می‌تواند به ونزوئلایی شدن منجر شود. دولت‌های ایران از زمان دولت نهم تا حتی امروز البته با شدت و ضعف و به دلایل برخاسته از سیاست داخلی و البته محدودیت‌های اعمال شده از سیاست خارجی رمز و راز ماندگاری خود را با محبوبیت بالا در سیاستگذاری ناکارآمد و جلب نظر مردم دیدند. دولت احمدی‌نژاد در شرایطی اقتصاد را تحویل دولت روحانی داد که برخی از شاخص‌های اقتصادی در بدترین وضعیت بودند. یکی از وخیم‌ترین شرایط اقتصاد کلان در دو سال آخر دولت احمدی‌نژاد سیاست‌های ارزی ناکارآمد

و مبتنی بر توهم بود. دولت وقت تلاش می‌کرد با اراده سیاسی و با استفاده از همه ابزارهایی که در اختیارش است نرخ دلار را تثبیت کند اما معلوم بود که این اراده و توهم به جایی نمی‌رسد. تشدید تحریم‌های آمریکا و غرب اقتصاد ایران را در بدترین موقعیت قرار داد. شوربختانه باید گفت از تابستان پارسال تا امروز سیاست‌های ارزی ناکارآمد و مبتنی بر خیال از طرف دولت دوازدهم به هر حال اتخاذ شد و توصیه‌های اقتصاددانان به دولت که نباید از یک محل دوبار نیش بخوریم به جایی نرسید و نرخ تبدیل دلار به ریال در نیمه اول امسال از مهار خارج شد.

واقعیت این است که نشانه‌هایی از ونزوئلایی شدن اقتصاد ایران دیده می‌شود و ایران در ابتدای راهی قرار گرفته است که اگر در همان مسیر ادامه یابد شاید با شدت کمتر اما به کاراکاسی شدن منجر خواهد شد. آنهایی که تحولات نرخ ارز و تحولات قیمت نسبی کالاها و خدمات در ایران را دنبال می‌کنند و نگاهی هم به تصمیم‌های غیرکارشناسانه دولت دارند احساس خوبی ندارند. شاید برای برخی افراد حتی در سطح کارشناسان تصور ونزوئلایی شدن اقتصاد ایران سخت باشد اما نمی‌توان واقعیت‌ها را ندید. در همان روزهایی که چاوز در مسیری بیراهه رفت و شهروندان ونزوئلا را به این بدبختی رساند، برای برخی باورکردنی نبود که روزی برسد کشوری با ذخایر نخست نفت و گاز نتواند نیازهای روزمره مردم را تامین کند، اما این اتفاق افتاده است. آیا باید اقتصاد ایران به اعماق کاراکاس برود و همان تجربه تلخ و شوخ را تکرار کند تا بدانیم که نمی‌شود با سازوکارهای اقتصاد شوخی کرد؟ آیا زمزمه‌های مهاجرت در میان جوانان ایرانی بلند شده است و روزبه‌روز تمایل به مهاجرت افزایش می‌یابد یا نه؟ نمی‌شنویم؟ آیا نمی‌بینیم که قیمت نسبی کالاها و خدمات با دلار سازگار شده است؟ آیا نمی‌بینیم قدرت خرید شهروندان ایرانی هر روز کمتر می‌شود و سفره‌ها کوچک‌تر و کیک تولید کمتر می‌شود؟ به نظر می‌رسد ایران استعداد دارد از این راه برگردد و البته استعداد این را نیز دارد تا به اعمال کاراکاسی شدن برسد.

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



اقتصاد سیاسی نیمه نخست ۱۳۹۷

شروع کردند. در آن روزهای تازه سبز شده طبیعت در شروع بهار ۱۳۹۷ برخی انگار اطلاعاتی داشتند که ممکن است نرخ تبدیل دلار به ریال قرار است افزایش یابد. این گروه از آگاهان شروع به خرید دلار با قیمت‌های بالاتر از قیمت ۳۸۰۰۰ ریال دولت فرموده زمستان ۱۳۹۶ کردند. در حالی که کسی باور نمی‌کرد هر دلار آمریکا معادل ۵۰ هزار ریال شود اما این اتفاق در برابر چشم‌های نگران مدیران دولت و شهروندان رخ داد. نرخ دلار آمریکا به زودی حتی از ۶۰ هزار ریال فراتر رفت.

شاید آقای روحانی با توجه به سپهر شاد ایران و ایرانیان در روزهای آغاز بهار نگرانی‌ها را برای خود نگه داشته بود. اما حال که این نوشته برای علاقمندان به اقتصاد سیاسی ایران آماده می‌شود و در سطرهای بعدی قرار است تصویری از برخی رخداد‌های اقتصاد سیاسی ایران در نیمه نخست سال ۱۳۹۷ به طور خلاصه آورده شود آقای روحانی نگران‌ترین ایرانی مسوول باشد.

۱- نافرمانی دلار

هنوز شمار بیشتری از ایرانیان در جشن و خوشی نوروز بودند و به شهرهایی غیر از پایتخت رفته بودند که صراف‌ها کارشان را

پیام حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران در دقایق نخست شروع سال ۱۳۹۷ از تلویزیون ایران به سمع و نظر میلیون‌ها ایرانی علاقمند به این پیام رسید. در پیام آقای روحانی هیچ ردی از نگرانی درباره نرخ تحولات احتمالی در اقتصاد ایران که از پاییز و زمستان پارسال خود را نشان می‌دادند، دیده نمی‌شد. رئیس دولت دوازدهم در پیام خود دو وعده داد: اشتغال بیشتر و کاهش میزان فقر و شمار فقرا. شاید نویسنده متن پیام رئیس‌جمهور به خواست ایشان نخواست به جشن نوروز شهروندان را خراب کند. این البته کار پسندیده‌ای است و

سرمایه‌هایشان را در ایران حفظ کنند. شرکت توتال فرانسه که در دهه ۱۳۷۰ یک بار پیش‌ستاز نادیده گرفتن تحریم‌های آمریکا بود اما این بار هرگز حاضر نشد در ایران بماند. اگر این غول اروپایی در ایران می‌ماند شاید می‌شد امیدوار بود که بقیه شرکت‌های فرانسوی و آلمانی در ایران بمانند. غول فرانسوی سرمایه‌اش را در دست گرفت و برد و ایران در وضعیت نامناسبی قرار گرفت. آیا روزی شاهد برگشت توتال، پژو، ایرباس، زیمنس، هیوندایی و سایر شرکت‌های بزرگ خواهیم بود.

۴- اصرار سیاستمداران

آنجلا مرکل آلمانی، امانوئل ماکرون فرانسوی و تراز می انگلیسی به همراه موگرینی رئیس سیاسی اتحادیه اروپا در دور جدید تحریم آمریکا علیه ایران هرگز حاضر به همراهی نشدند. این سیاستمداران اروپایی در شرایط تازه‌ای قرار گرفتند و اصرار دارند که در برابر یکجانبه‌گرایی آمریکا قد علم کنند. اتحادیه اروپا در همه ماه‌های پس از خروج آمریکا از برجام راه‌های گوناگونی برای عبور از تله تحریم آمریکایی را بررسی کردند. ایجاد سوئیفت اروپایی، تاسیس بانک سرمایه‌ای که فقط با یورو کار کند، استفاده از قانونی که می‌تواند در برابر تحریم‌های آمریکایی ایستادگی کند و یکبار درباره کوبا به کار گرفته شده بود برخی از این چاره‌اندیشی‌ها بود. سیاست‌ورزان درجه اول اروپایی شامل ۳ رئیس دولت، وزیران خارجه و وزیران اقتصاد آلمان، فرانسه و انگلستان در نیمه نخست امسال دنبال تکنیک‌های جدید برای فرار از تحریم بودند. آنها مدیران و سهامداران شرکت‌های بزرگ تابعه سرزمین خود را برای ماندن در ایران تشویق کرده و حتی سخن از پرداخت جریمه‌های احتمالی از طرف دولت شدند. تجهیز و تشجیع مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط اروپایی برای همکاری با ایران در آلمان و در ایتالیا یک راه دیگر بود که آزمایش شده و قرار است در صورت امکان در سطح گسترده اجرا شود. اروپایی‌ها تصور می‌کنند شماری از شرکت‌های کوچک و متوسط فعال در یک رشته صنعتی می‌توانند جای یک شرکت کوه‌پیکر را بگیرند. این داستان در نیمه دوم سال ۱۳۹۷ از فکر و کاغذ لباس عمل می‌پوشد و باید دید که کامیابی به دست می‌آید یا نه. در نیمه نخست امسال اما سیاستمداران اروپایی حریف سهامداران محتاط و آینده‌نگر شرکت‌های اروپایی نشدند و هیچ شرکت بزرگی از سیاستمداران اطاعت نکرد. اقتصاد ایران در غیاب غول‌های اروپایی آسیب می‌بیند و در مسابقه برای جذب سرمایه و تکنولوژی در آخر صف شرکت‌های دنیا قرار خواهند گرفت.

۵- نبرد بی‌انتهای منتقدان

هر دولت مستقری در هر سرزمینی و هر جامعه‌ای با هر گرایش سیاسی و فکری منتقدان و مخالفانی دارد که همه نیروی خود را به کار می‌گیرند تا دولت مستقر تضعیف شود. هدف منتقدان این است که شرایط را برای دوره بعدی انتخابات به زیان گرایش‌های همراه با دولت مستقر ناامن و ناهموار کنند. دولت دوازدهم نیز منتقدانی دارد که آنها را در چند دسته می‌توان جای داد. یک دسته از منتقدان دولت دوازدهم که مخالفان سیاسی به حساب می‌آیند طیف‌های متعددی را شامل می‌شوند. همه منتقدان دولت اما در یک نبرد بی‌انتهای حاضر بوده و هر رفتار، گفتار، تصمیم و اقدام دولت در هر حوزه از جمله حوزه اقتصادی را زیر تیغ نقد و نفی قرار دادند. در نیمه نخست امسال این منتقدان تند و تیز البته در میان اقتصاددانان نیز کسانی را با خود هم‌مسیر دیدند. این گروه دوم را اقتصاددانانی تشکیل می‌دهند که نام خود را نهادگرا گذاشته و با هر تصمیم دولت مخالفت می‌کنند. این گروه که به اقتصاد دولتی و متمرکز علاقه دارند باورشان این است که دولت طرفدار اقتصاد لیبرالیستی است و چون اقتصاد لیبرالی با شرایط ایران سازگار نیست همه تعادل‌ها به هم ریخته و برآیند کار به زیان مردم شده است. یک گروه از منتقدان دولت نیز فعالان صنعت، معدن، بازرگانی و اقتصادی بوده و هستند که در جای دیگری به آن اشاره می‌کنیم.

در این وضعیت بود که کابینه دوازدهم سیاست‌های ارزی تازه‌ای را جانشین سیاست‌های قبلی کرد. حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران در یک نشست کابینه و در حالی که اعضای از دولت مخالف بودند اما نرخ هر دلار را در ۴۲۰۰۰ ریال می‌خکوب کرد. معاون اول آقای جهانگیری به زودی صحنه تبلیغات ارزی را در اختیار گرفت و اعلام کرد هر کس تقاضای دلار برای هر کاری در اندازه هر دلار ۴۲۰۰۰ ریال دارد می‌تواند از بانک‌ها بگیرد و یا ثبت سفارش کند. این عجیب‌ترین تصمیم دولت دوازدهم بود که هرگز نشانی از تجربه تلخ دلار ۱۲۲۶۰ ریالی احمدی‌نژاد و بهمنی در آن دیده نمی‌شد. نرخ دلار اما نافرمانی را از همان روزهای نخست فرمان دولتی شروع کرد. نرخ هر دلار آمریکا در بازار آزاد تا پایان شهریورماه حتی به ۱۷۰۰۰۰ ریال نیز رسید. اقتصاد سیاسی دلار در نیمه نخست امسال پیامدهای دهشتناکی داشت که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

۲- خروج ترامپ



روزی که دونالد ترامپ می‌خواست کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا شود با همکاریانش در ستاد تبلیغات برخی از مهم‌ترین مسائل پیش روی کشورش را در دستور کار قرار داد. یکی از مسائل اساسی برای ترامپ و دوستانش این بود که راه را برای اجرای برجام به عنوان یک توافق جهانی ناهموار سازند. وی از همان روزهایی که تبلیغات می‌کرد به رای‌دهندگان آمریکایی وعده داد یکی از کارهایی که خواهد کرد لغو برجام است. او برای انجام این کار زمینه‌سازی گسترده‌ای کرد و سرانجام در ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ و در برابر دیدگان شهروندان جهان خروج آمریکا از این پیمان را اعلام و خبر داد که تحریم‌ها لغو شده آمریکایی را در ۲ مرحله برمی‌گرداند. یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین رخدادهای اقتصاد سیاسی ایران در نیمه نخست امسال بازگشت تحریم‌های مشهور به گام اول تحریم‌ها بود. آثار و پیامدهای این خروج ترامپ در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی پرشمار و گوناگون است و برآیند آن البته به زیان ایران شده است. یکی از دلایل رشد نرخ ارز در نیمه نخست امسال بدون تردید همین خروج آمریکا از برجام به حساب می‌آید.

۳- کوچ شرکت‌ها

در حالی که جز چند شرکت انگشت‌شمار اروپایی در اوایل دهه ۱۳۹۰ سرمایه و تجربه خود را برداشتند و رفتند، پس از امضای برجام اما راه بازگشت آنها صاف شد. در ماه‌ها و سال‌های پس از امضای برجام مدیران و رهبران ده‌ها شرکت بزرگ اروپایی به تهران آمدند و یا از مدیران دولت و بخش خصوصی ایران در شهرهای خود میزبانی کردند. عقد ده‌ها قرارداد در صنعت، در نفت و گاز، در امور زیربنایی، در حمل و نقل، در بخش خدمات و در فولاد در یکی - دو سال پس از امضای برجام منعقد شد. اما همه این کاشته‌ها در یک دوره کوتاه کمتر از ۶ ماه در آتش دشمنی ترامپ با نظام سیاسی ایران سوخت. مدیران شرکت‌های غول‌پیکر مثل توتال و پژو فرانسه، زیمنس آلمان، هیوندایی کره جنوبی و ده‌ها شرکت دیگر حاضر نشدند ریسک جریمه تحریم آمریکایی را بپذیرند و



یکی از گرفتاری‌های دولت دوازدهم از روز شروع به کار تا امروز ناهماهنگی گروه اقتصادی دولت در سطح فرماندهی بود. مسعود کرباسیان وزیر اقتصاد، ولی‌الله سیف رئیس بانک مرکزی و محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه با ۳ نگاه گوناگون، انگیزه‌ها و پیشینه‌های مختلف در یک سال منتهی به تابستان ۱۳۹۷ هر جور بود دوام آوردند و فعالیت کردند اما با یورش فکری و اجرایی مواجه بودند. در مجلس قانونگذاری موحی از سوال و استیضاح وزیران و انتقاد شدید معاونان رئیس‌جمهور به جریان افتاد و سرانجام کار به استیضاح مسعود کرباسیان و علی ربیعی کشید. نمایندگان منتقد دولت و احتمالاً گروهی از نمایندگان مستقل و حتی هوادار اصلاحات دست در دست هم این دو وزیر را برکنار کردند. از طرف دیگر رئیس کل بانک مرکزی نیز پس از پایان دوره ۵ ساله دیگر حکم جدید دریافت نکرد و از بانک مرکزی رفت. محمد شریعتمداری و عباس آخوندی و حتی محمود حجتی از وزیران اقتصادی دولت دوازدهم نیز در نیمه نخست امسال تهدید به استیضاح شدند و فشار فوق‌العاده‌ای برای حذف و تغییر آنها از طرف منتقدان وارد می‌شود. این رخداد عجیب در اجرای برنامه‌های دولت اختلال ایجاد کرده است. وقتی رئیس دولت نمی‌تواند به هر دلیل از وزیرانش دفاع کند و آنها را به امان خدا در میان منتقدان رها می‌کند وزیران باقی‌مانده احساس خوبی نخواهند داشت. آیا وزیر راه و شهرسازی باید فعالیت مرتبط با وظایفش را انجام دهد یا مدام در این فکر باشد که چه کند که استیضاح نشود و چه نکند که استیضاح‌کنندگان شرایط را برای او بدتر نکنند. این در حالی است که ریاست سازمان برنامه و بودجه، وزیر نیرو و حتی وزیر باسابقه‌ای مثل بیژن زنگنه سایه استیضاح را همواره بالای سر خود می‌بیند.

FATF - ۷



در همه نیمه نخست امسال داستان پیوستن ایران به معاهده‌ای بین‌المللی درباره چگونگی کارکرد بانک‌ها ایرانی یک موضوع داغ بود و هست. داستان این است که پس از جمله سپتامبر ۲۰۰۱ و پس از بحران ۲۰۰۸ در آمریکا و اروپا و جهان نهادهای معتبر بانکی پیمانی را آماده و تدوین و تصویب کردند که بر اساس آن هر دادوستد پولی در بانک‌ها باید سرچشمه و مقصد آن مشخص باشد و شفافیت تمام‌عیار بر آن حاکم باشد. به عبارت دیگر باید

معلوم شود هر نقل و انتقال پولی در سطح جهانی مربوط به کدام فرد حقیقی و حقوقی است و به چه کسی پرداخت می‌شود. هدف این پیمان جلوگیری از پولشویی به ویژه نقل و انتقال پول از مسیر بانک‌ها برای هدف‌های خاص از سوی پرداخت‌کنندگان و دریافت‌کنندگان است. در حالی که به گفته رئیس دفتر رئیس‌جمهور ایران این پیمان در دولت‌های احمدی‌نژاد در دستور کار بوده است و شورای امنیت وقت آن را در دست بررسی داشته و تا اندازه‌ای نیز جلو رفته بود اما منتقدان راه را برای اجرایی کردن آن از مسیر قانون مسدود کردند. در همه نیمه نخست سال ۱۳۹۷ یورش سهمگینی به دولت دوازدهم شد که چرا می‌خواهد این پیمان را بپذیرد و دولت می‌خواهد با پذیرفتن این پیمان تحریم‌ها را بر اساس میل خود افزایش دهد. اکثریت روحانیون منتقد دولت نیز در ۶ ماه منتهی به شهریور ۱۳۹۷ با منتقدان دولت همراه شدند. این مخالفت گسترده موجب شد لایحه قانونی یک بار در مجلس مسکوت بماند و پیرامون آن غوغایی درگیرد. این در حالی بود که کشورهای اروپایی از ایران می‌خواستند اگر می‌خواهد از امکانات بانک‌های جهانی در دادوستد استفاده کند و همه روزه‌ها بسته نشود باید FATF را بپذیرد. موافقان تصویب این لایحه استدلال می‌کردند که این پیمان یک پیمان همه‌جانبه بین‌المللی است که ۱۹۰ کشور جهان آن را امضا کرده‌اند و نمی‌توان از کنار آن به سادگی عبور کرد.

۸- بخش خصوصی خشمگین

دولت یازدهم در فضایی آکنده از مهر و محبت میان بخش خصوصی و دولت شروع به کار کرد و به مرور به سردی گرایید. در حالی که بخش خصوصی ایران در همان سال‌های فعالیت دولت یازدهم از برخی تصمیم‌ها از جمله دخالت تمام‌عیار سازمان حمایت از مصرف و تولید در امور قیمت‌گذاری گلایه داشت و از دولت می‌خواست که در امور خصوصی‌سازی تسریع کند اما با شروع به کار دولت دوازدهم وضعیت و مناسبات بخش خصوصی هرگز در مسیر بهبود حرکت نکرد. بخش خصوصی ایران به درستی از دولت گلایه می‌کند که چرا برخی از مواد قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار را رعایت نمی‌کند. مطابق این قانون تصمیم‌های دولت بدون مشورت‌خواهی و اخذ نظر تشکل‌های خصوصی در امور مرتبط، غیرقانونی است و باید نظر بخش خصوصی جلب و رضایت گرفته شود. دولت دوازدهم اما در حالی که تا آخر زمستان ۱۳۹۶ این ماده قانونی را رعایت نمی‌کرد اما از ضرورت اجرای آن دست‌کم در میان فعالان اتاق‌ها حرف می‌زد، اما از فروردین ماه ورق برگشت. داستان تعیین نرخ برای ارزهای معتبر مثل دلار، پوند و یورو به ویژه نرخ دلار در اندازه ۴۲۰۰ تومان بدون دعوت از نماینده بخش خصوصی خشم این بخش را به اوج رساند. اعضا و مدیران اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران به مثابه پرچمدار و بزرگ تشکل‌های بخش خصوصی به صورت فردی و جمعی بارها و بارها به این رویه دولت اعتراض کرده و خواستار حضور نمایندگان تشکل‌های کارفرمایی در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شده‌اند. ارسال نامه‌های متعدد در این باره گویای نارضایتی بخش خصوصی از دولت دوازدهم است. تلاطم در دولت و عدم تعیین وزیر اقتصاد که نفر اصلی شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی است نیز بر ابعاد نارضایتی‌ها افزوده است. دولت دوازدهم به دلیل گرفتاری‌ها کمتر به همکاری با بخش خصوصی می‌اندیشد و تصور این است که می‌تواند به تنهایی گلیم خود را از آب بحرانی شده بیرون بکشد. در نیمه نخست امسال مناسبات دولت و بخش خصوصی سرد و سردتر شد.

۹- فساد و نوکیسه‌گی

یکی از رخدادها عجیب در اقتصاد سیاسی ایران در نیمه نخست امسال داستان و افسانه فساد اقتصادی است که در شماره گذشته این نشریه به طور مفصل به آن پرداختیم. واقعیت این است که سیاست ارزی دولت به ویژه اعلام نرخ ۴۲۰۰ تومانی برای دلار و فراخوان به شهروندان که بیاورند از این مزیت استفاده کنید فضایی به وسعت حدود ۲۲ میلیارد دلار برای رانت‌خواری و فساد باز کرد. داستان فساد اما از طرف صادرات نیز در دستور

جمهوری اسلامی و بحران بی‌دولتی

رخدادهای اقتصادی و سیاسی ایران از زمستان ۹۶ تا تابستان ۹۷، نظام جمهوری اسلامی را تکان سختی داد. اکنون ظاهراً بحران سپری شده و کارها به روال افتاده است. معترضان به خانه‌هایشان رفته‌اند و التهاب‌های بازار ارز و طلا قدری فروکش کرده است. اما هنوز نمی‌توان گفت اوضاع عادی شده است. زیرا فارغ از علل اقتصادی ناآرامی‌ها و تلاطم‌ها که کماکان به قوت خود باقی است، این ناآرامی‌ها از خللی جدی در سیاست ایران، پرده برداشتند. آنچه از دی ماه گذشته تا همین چند هفته پیش دیده شد، همین بود. اصلاح طلبان فعال، انسداد سیاسی و نظارت استصوابی شورای نگهبان را علت اصلی همه مشکلات معرفی کردند و اصولگرایان فعال، وادادگی دولت در برابر آمریکا را عامل همه ناکامی‌ها دانستند. اصلاح طلبان غیرفعال و اصولگرایان غیرفعال هم خود را از ماجرا کنار کشیدند و گویی خود را برای «روز واقعه» و گریز از مواخذه آماده کردند. انگار همه چیز در حال تمام شدن است. قوای حکومتی هم فقط دست و پا می‌زدند به امید فرجی!

این وضع، نشانه‌ای آشکار از «بحران بی‌دولتی» است. دولت مدرن سه جزء اساسی دارد که تعامل آنها موجب تعادل سیاسی می‌شود و در روزگار تنگ، همین تعامل و تعادل است که نظام سیاسی را از بحران عبور می‌دهد. جزء اول «افراد ملت و نهادهای خصوصی» هستند که اصطلاحاً جامعه مدنی نامیده می‌شوند. در ایران همواره فرد در جمع‌هایی مانند ملت و طبقه و قشر و صنف مستحیل شده و امکان بروز نیافته است. جامعه‌ای که افرادش ناتوان باشند، به جسم بی‌یاخته تبدیل می‌شود. صورت ظاهر جامعه هست، اما درونش خالی است. جزء دوم دولت، احزاب و انتخابات هستند که اراده افراد را بازتاب می‌دهند. این جزء کاملاً عارضی است و فقط ابزار اعمال اراده افراد است، نه بیشتر. اما فقدان همین جزء عارضی، افراد را ضعیف و زمین‌گیر کرده است. جزء سوم دولت که حتی عارضی هم نیست و فقط اعتباری و قراردادی است، ارکان اجرایی و تقنینی و قضایی و نهادهای جانبی آنهاست که وظیفه‌شان فقط و فقط اجرای اراده افراد است.

این هم اکنون در ایران وارونه است. ارکان قدرت سیاسی بر صدر نشسته‌اند، جزء میانجی یعنی احزاب و انتخابات چنان ضعیفند که گویی نیستند، و این دو جزء ناکارآمد که در جای خود هم نیستند، روی افراد آوار شده‌اند. این جایجایی و معکوس شدگی، موجب انحطاط مفهومی و عملی «دولت» شده است و لاجرم افراد جامعه به درستی نمی‌دانند عریضه‌های سیاسی خود را کجا ببرند و بابت ناکارآمدی و جور و ستم و فساد، چه کسی را مواخذه کنند که از او صدایی باز آید.

کار بود. به این معنی که صادرکنندگان ناچار شدند دلارهای خود را با قیمت معادل ۴۲۰۰ تومان در اختیار دولت قرار دهند که این به پنهان کاری منجر شد. فساد در واردات انواع کالاها نیز در دستور کار بود و قوه قضائیه و ضابطان اجرایی آن ده‌ها نفر از کسانی را که گمان می‌کردند در بازار کالا و در بازار ارز اختلال ایجاد کرده‌اند را دستگیر و برای آنها پرونده تشکیل دادند. داستان مبارزه با فساد گونه‌ای پیش می‌رود که شماری از صاحبان صنعت و معدن که اصالتشان در کار و فعالیت چند دهه ادامه داشته و دارد را نیز نگران کرد. برخی تهدیدهای ضمنی نسبت به سرمایه‌داران اصیل در این وضعیت شرایط را دشوار کرد.

۱۰- افراط در انبارستیزی و تکرار ناامیدکننده

شوریه‌خانه بخشی از جامعه ایران شامل دولتمردان امروز و منتقدان دولت دوازدهم از تجربه آخرین سال‌های دولت محمود احمدی‌نژاد درس نگرفته‌اند و این برای ایرانیان تلخ و غم‌انگیز است. این درس‌نیاموزی از تجربه مربوط به انبارستیزی پس از دلارستیزی در اوایل دهه ۱۳۹۰ است. دولت و سایر نهادهای اداره‌کننده جامعه ایران با درس‌نیاموختن از تجربه سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ بازهم در کمال ناباوری به نرخ تبدیل دلار به ریال دستور دادند در یک عددی که آنها می‌خواهند میخکوب شود.

این خواسته غیرمنطقی بود و شهروندان و بازار آن را نپذیرفتند و نرخ‌ها در بازار روندی فزاینده را به زبان پول ایران را سپری کردند. بعد از آن منتقدان دولت دوازدهم و حتی بخش‌هایی از دولت ترجیح دادند به جای قبول کردن واقعیت و آزادسازی نسبی دلار به ریال برای کنترل بازار کالاها که به هر ترتیب در تحول نسبی با نرخ دلار قرار گرفتند از سمت عرضه کار را دنبال کردند. استدلال این است که شماری از دارندگان کالا با نیت کسب سودهای بالاتر کالاهای خود را در انبارها دپو می‌کنند و از عرضه آن به بازار امتناع می‌کنند پس باید با انبارستیزی آنها را سرکوب کرد. این استدلال نادرست راه را برای تهییج انبارستیزان صاف کرده و حالا این روزها همزمان با دلارستیزی در حرف و شعار و عمل شاهد انبارستیزی هستیم.

این انبارستیزی افراطی و بدون تعریف قطعی از احتکار و سپردن کار به دست شماری تکنوکرات و مدیر میانی راه را برای احتمال وقوع فسادهای تازه باز می‌کند. به این معنی که آنها در هر کوی و برزن دنبال ذخیره احتیاطی کالاهای عرضه‌کنندگان می‌روند. این اتفاق ضمن مخدوش کردن دوغ و دوشاب، هر انباری که در آن کالایی وجود دارد را با همان احتکار فرض می‌کنند و لابد باید مصادره شود یا در اسرع وقت به حراج گذاشته شود که خلاف اصل صیانت از مالکیت به حساب می‌آید. انبارستیزی افراطی با هر هدفی که باشد به ویژه اگر بر پایه اصول و آموزه‌های اقتصادی و اخلاقی سیاسی نباشد و هدف از آن تضعیف دولت تلقی شود به بی‌اعتمادی گسترده‌تر منجر می‌شود. شهروندان امروز ایران با آگاهی کامل از رخدادهای و شرایطی می‌دانند که انبارداری بخشی از زنجیره تجارت کالا است و عرضه‌کنندگان باید با توجه به نیاز بازار سهمی از کالاهای خود را در انبار نگهداری کنند تا بازار از توازن و تعادل خارج نشود. مگر می‌شود تجارت کرد و انبار نداشت. در این فضای هیچانی و تعریف نشده، ای بسا به امید تنظیم بازار در کوتاه‌مدت با نیت حمایت از مصرف‌کننده و شکار مثلاً محترکان کاری انجام شود که با عرضه همه کالاها در یک زمان کوتاه و سقوط قیمت‌های عرضه، راه برای خروج بازرگانان اصیل از بازار و کمیاب شدن کالا در دوره بلندمدت را فراهم شود.

هتک حرمت و احترام بازرگانان قدیمی و اصیل و دارای کارنامه درخشان در تنظیم بازار و رفع نیازهای جامعه به کالا ایجاد هراس در دل بازرگانان درستکار و مخدوش کردن مقوله مالکیت از پیامدهای جبران‌ناپذیر انبارستیزی عمده است. بدیهی است در این بازار بزرگ باید تعریف قابل قبول و بر پایه کارشناسی و درس‌آموزی از تجربه‌ها در باره احتکار و تفاوت آن با انبارداری صورت پذیرد تا حیثیت و مال شهروندان بر اساس گمانه‌زنی نادرست با آسیب مواجه نشود.

انبارستیزی در ایران تجربه دارد و انبارستیزی که تنها هدف‌شان ایجاد نارضایتی از دولت و استفاده از مزیت‌های پوپولیسم سیاسی است باید به شهروندان آگاه توضیح دهند چرا از همان سوراخی که پیش از این گزیده شدند و نتیجه‌ای از انبارستیزی بی‌پشتوانه نگرفتند بار دیگر از همان سوراخ می‌خواهند گزیده شوند. این نوشته قصد ندارد کسانی را که برخلاف انصاف و عرف تجارت عمل کرده و با آگاهی از درد و رنج مردم به رفتاری ناشایست دست می‌زنند را تبرئه کند.

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



بازارها آدرس سیاستگذاران را می‌دهند

انحصار است. در بازار ارز و سکه نیز بانک مرکزی و چند شرکت بزرگ که نامی برای آنها نمی‌توان گذاشت انحصار دارند و سمت عرضه را تعیین می‌کنند.

در بازار فولاد و خودرو نیز انحصار وجود دارد. با این همه بازارهای کالا، سرمایه و طلا و سکه تحت تاثیر سمت تقاضای شهروندان نیز قرار دارد. گزارش حاضر تحولات بازارهای چندگانه در نیم سال نخست را نشان می‌دهد.

و آدرس دقیق می‌دهد. در کشورهای دارای اقتصاد خصوصی که نهاد دولت در آن فقط ناظر است و اگر نیاز باشد لباس داوری می‌پوشد، قیمت‌ها البته شفاف و درست هستند و نشانه‌هایی از کارآمدی و رقابت را نشان می‌دهند. در ایران اما بازارها عموماً دستکاری شده و تمایلات سیاسی دولت‌ها در آن نقش دارند و البته بازارهای ایران انحصاری و عجیب هستند. عیب بزرگ بازار کالا مثل خودرو، مس و طلا و سکه در ایران فقدان عنصر رقابت و استیلای

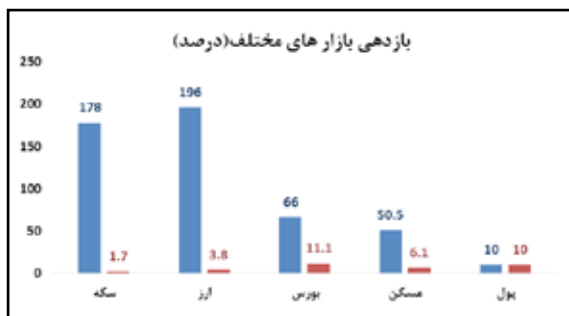
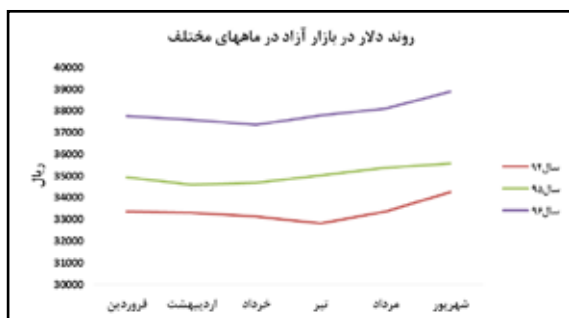
اعداد و ارقام سنجاق شده به قیمت یک کالا مثل سکه یا خودرو یا فولاد در نگاه نخست چیزی جز یک کمیت نیستند اما هر عدد و رقم در پشت سر خود دنیایی از سازش‌ها و مجادله‌ها، فرآیندهای بازرگانی و تفرندهای بازاریابی و نفوذ تکنولوژیک دارند.

این اعداد و ارقام چسبیده به کالاها در جایی به نام بازار که عرضه و تقاضا را به هم پیوند می‌دهد و دادوستد انجام می‌شود، برآیند سیاستگذاری ارزی، پولی، تجاری و صنعتی است

دلار و طلا باهم پرواز کردند

♦ مروری بر تحولات بازار ارز در نیمه اول سال:

ریسک‌های سیاسی که از اواخر سال ۹۶ با افزایش ناآرامی‌های داخلی و تقویت گرفتن خروج آمریکا از برجام شروع شد، از همان ابتدای سال ۹۷ و در همان روزهای ابتدایی سال بازار ارز را دچار تلاطم و التهاب کرد. به‌طور سنتی در ماه‌های ابتدایی سال معمولاً شرکت‌ها چون عمدتاً در فاز برنامه‌ریزی قرار دارند، تقاضای تجاری چندانی در بازار وجود ندارد؛ به همین دلیل در سال‌های گذشته بازار ارز روند تقریباً با ثباتی را در نیمه اول سال طی کرده است، اما سال ۹۷ به دلیل سیاسی‌ترین سال در سال‌های اخیر این روند مشاهده نشده است. به‌طوری که دلار در فروردین ماه سال جاری در مقایسه با فروردین ماه سال گذشته رشد ۴۰ درصدی را به ثبت رساند. در اواخر فروردین دولت در واکنشی که سخت مورد انتقاد کارشناسان اقتصادی گرفت، دلار تک‌نرخ را به نرخ ۴۲۰۰ تومان را اعلام کرد و اطمینان داد کلیه نیازهای وارداتی برای همه فعالان اقتصادی با این نرخ صورت می‌گیرد. در کنار تک‌نرخ کردن دستوری و صنعتی، فضای امنیتی نیز چند بر بازار حکمفرما بود و با بگیر و ببند و قاچاق اعلام کردن بازار آزاد دولت سعی کرد تا ثبات را به بازار برگرداند؛ تا اینکه موعد خروج آمریکا از برجام رسید. بازار هر روز سرکش‌تر از روز قبل، و این سرکشی از همان ابتدا به سایر بازارها نیز تسری می‌یافت. در این مدت، سیاست دولت نه تنها کارگر نبود بلکه بازار ارز شاهد سقف‌شکنی‌های جدید بود، سیاست تخصیص ارز ارزان نیز چاره‌ساز نبود. به‌طوری که در دومه ابتدایی سال وزارت صنعت معدن تجارت از ثبت چشمگیر ۲۵ میلیارد دلاری واردات خبر داد. این یعنی با ادامه سیاست تخصیص ارز ارزان تا پایان سال باید نزدیک ۲۵۰ میلیارد دلار واردات می‌داشتیم. انتشار لیست دریافت‌کنندگان ارزی سند ناکارآمدی سیاست‌های تخصیص ارز ارزان بوده است. طبق اظهارات وزیر ارتباطات ۴۰ شرکت در سه ماهه نخست سال جاری مجموعاً ۲۲۰ میلیون یورو ارز دولتی برای واردات دریافت کرده‌اند، اما در عمل تنها ۳۰ شرکت جمعه ۷۵ میلیون یورو آن را صرف واردات کرده‌اند. این روند ادامه داشت تا ۱۳ تیرماه دولت به پیشنهاد کارشناسان مبنی بر تشکیل بازار ثانویه تن داد تا با تاسیس سامانه‌ای صادرکنندگان ارزهای خود را در آن عرضه کنند. تدام سیاست‌های غلط دولت، عدم شفافیت عرضه‌کنندگان ارز در عرضه ارز خود به خصوص پتروشیمی‌ها و افزایش ریسک‌های سیاسی با نزدیک شدن به دور اول تحریم‌ها مانند اخبار خروج شرکت‌هایی مانند توتال، زیمنس، جنرال الکتریک و پژو سسترون از ایران، موجب شد تا هر روز شاهد ثبت رکورد جدیدی از دلار باشیم. قوه قضائیه نیز در مقابل سقف‌شکنی‌های جدید بازار، با انتشار اخبار مقابله با سفته‌بازان سعی در کمک‌رسانی به دولت در بازگشت بازار ارز به ثبات داشته است.



جمله گروه‌هایی که همیشه انگشت اتهام به سمتشان روانه بود و حتی در جلسه طرح سوال از رئیس‌جمهور در مجلس نیز با انتقاد تند رئیس‌جمهور روبرو شد، بحث عرضه ارز از سوی گروه‌های پتروشیمی به عنوان یکی از دارندگان ارزی بوده است. مروری بر وضعیت عرضه ارز حاصل از صادرات پتروشیمی نشان می‌دهد، که شرکت‌های پتروشیمی در حد فاصل اول تا ۲۱ فروردین ماه و قبل از مصوبه ۲۲ فروردین هیات دولت بیش از ۲۲۰ میلیون یورو با قیمت تکلیفی ۴۲۰۰ تومان عرضه کرده‌اند. در حفاصل ۲۲ فروردین تا ۱۵ اردیبهشت ماه بالغ بر ۱۸۰ میلیون و ۸۰۰ هزار یورو، با راهاندازی کامل سامانه نیما از ۱۶ اردیبهشت تا ۱۵ مرداد ماه حدود یک میلیارد و ۸۷۷ میلیون یورو و از ۱۶ مرداد ماه تا ۳۱ شهریور ماه بالغ بر یک میلیارد و ۳۹۱ میلیون یورو ارز حاصل از صادرات محصولات پتروشیمی را مطابق با سیاست جدید دولتی مبنی بر فروش در بازار ثانویه در بازار داخلی عرضه کرده‌اند. به عبارت دیگر شرکت‌های پتروشیمی از ابتدای سال جاری تا پایان شهریور در مجموع حدود سه میلیارد و ۶۶۸ میلیون یورو ارز در بازار داخلی به فروش رسانده‌اند و این در حالی است که میزان صادرات این شرکت‌ها به استناد گزارش شرکت ملی صنایع پتروشیمی در این مدت ۵ میلیارد و ۴۰۰ میلیون یورو معادل ۶ میلیارد و ۳۸۵ میلیون دلار بوده است.

دوره زمانی	فروش ارز (یورو)	ارزش صادرات ارزی (یورو)
از ابتدای سال تا ۲۱ فروردین	۲۱۹۱۳۳۸۵۶	
از ۲۲ فروردین تا ۱۵ اردیبهشت	۱۸۰۷۸۴۶۸۳	
از ۱۶ اردیبهشت تا ۱۵ مرداد	۱۸۷۶۹۹۱۳۳۱	
از ۱۵ مرداد تا ۳۱ شهریور	۱۳۹۱۰۱۰۰۰	
جمع کل	۳۶۶۷۹۱۹۸۷۰	۵۲۳۰۰۰۰۰۰



تغییر رئیس کل بانک مرکزی از مهم‌ترین تبعات شرایط التهابی بازار ارز در نیمه اول سال بود که اگر چه با پایان یافتن دوره پنج ساله سیف مصادف شد ولی بدون شک شرایط التهابی بازار ارز در برکناری او نقش اصلی داشت. با ورود همتی دولت سیاست‌های جدیدی به منظور ثبات بازار ارز در پیش

ناکارآمدی این سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده دولت و نارضایتی‌های به وجودآمده یکی از بهانه‌های در دست مجلس برای طرح سوال‌های پیاپی و استیضاح دو تن از کابینه اقتصادی بوده است. برآیند این داستان برکناری وزیران اقتصاد و کار و طرح سوال از رئیس‌جمهوری بود. در این مدت از

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

گرفت، سیاست‌هایی که اگر چه در مقایسه با بسته سیف در ظاهر با واقعیات بازار هماهنگی و تطبیق بیشتری داشت ولی نتوانست از التهاب بازار بکاهد. در بسته جدید همتی تشکیل بازار ثانویه، بازگشت صرافان به بازار ارز، حذف ارز دولتی برای سفرهای خارجی و آزاد اعلام کردن معاملات ارزی از جمله تفاوت‌هایی بود که بسته همتی در مقایسه با بسته قبلی سیف داشت، اما همچنان کشف قیمت ارز به دلیل اینکه در بستر نیمایی صورت می‌گرفت، شفافیت لازم را نتوانست به بازار بازگرداند. شاید خوش‌بینی همتی به بسته جدید ارزی موجب شد تا اظهارات وی مبنی بر اینکه ذخایر ارزی بانک مرکزی ناموس بانک مرکزی است، به انفعال بانک مرکزی در بازار دامن زد و بازار وارد دور تازه از التهابات شد و دلار رکوردهای جدید در مرز ۲۰ هزار تومانی را به ثبت رساند.

افزایش نرخ ارز موجب شد تا بازار طلا نیز تحت تاثیر قرار گیرد؛ به گونه‌ای که با علایم افزایش نرخ ارز، سکه نیز وارد مدار افزایشی شد و در ادامه سال با محدودیت‌هایی که در خرید و فروش ارز به وجود آمد، قسمتی از تقاضای سفته‌بازی نقدینگی به سمت این دارایی روانه شد؛ بطوری که موجب شکل‌گیری حباب قیمتی سکه طلا شده است. قیمت سکه در پایان سال گذشته ۱۵۴۷۰۰۰ تومان بوده است که در پایان شهریور ماه ۳۴۰۰۰۰۰ برسد، رشد دارایی سکه در حالی صورت می‌گیرد نرخ طلای جهانی ۱۰ درصد افت داشته است، به عبارت دیگر نه تنها نرخ سکه کم نشده است بلکه دچار حباب قیمتی شده است. در واقع با توجه به انگیزه سفته‌بازی در زمینه ارز، این انگیزه متقاضیان به بازار طلا خود را منتقل کرده است و موجب شده است ارزش ذاتی خود بالاتر رود یا به عبارت دیگر دچار حباب قیمتی گردد.



♦ پیش‌بینی بازار ارز در نیمه دوم سال:

در شرایطی که اخبار سیاسی، تنها چیزی را که رقم‌نمیزد، سقوط این چینی دلار بود، در بازار ارز شاهد بیشترین کاهش نوسانات روزانه دلار بودیم که در چند سال گذشته سابقه نداشته است. مهم‌ترین نکته‌ای که چه در سقوط و چه در صعود دلار می‌توان دریافت کم عمق بودن بازار ارز است و در این بازار کم عمق بدون تردید دولت بازیگر نقش اول به حساب می‌آید. برای توضیح بیشتر باید گفت وقتی متغیری سیاسی مهمی مانند برجام بعد از سال‌ها تحریم وارد اقتصاد ایران شده و با امید برطرف شدن تحریم و ورود سرمایه تنها توانست نرخ ارز ثابت برای مدتی نگه دارد، حال با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و سیاسی، در بهترین حالت اصلاح قیمتی دلار آن هم نه به این شدت، انتظار می‌رفت.

دولت از ابتدای سال تاکنون سیاست‌ها و بسته‌های مختلفی را اجرا کرده است ولی عدم تاثیرپذیری بازار موجب تشدید التهاب‌ها و از دست رفتن اعتمادها به کارایی سیاست‌های دولت بوده است. حال بعد از ناکارآمدی سیاست‌های ارزی گذشته از قبیل بازار ثانویه و سامانه نیما، و در آستانه دور دوم تحریم‌ها سیاستگذار در پی حضور پررنگ تا هم جلوی منشأ همه بی‌ثباتیها در بازارها که تحولات بازار ارز بوده است را بگیرد و هم اعتماد عموم را به کارسازی سیاست‌ها و وعده‌هایش جلب کند. در این خصوص تغییر رویکرد بانک مرکزی در زمینه حضور پر قدرت را می‌توان از آخرین

مصوبات سران قوا در جلسه هماهنگی اقتصادی دریافت. وا داشتن بانک‌ها به خرید و فروش ارز، افزایش اختیارات صراف‌ها، شناسایی نیازهای جدید غیر تجاری ارز و به رسمیت شناختن آنها و تفویض اختیارات بیشتر به بانک مرکزی و لحن قاطع سیاستگذار می‌تواند شواهد کافی برای عزم دولت به منظور حضور پررنگ در بازار با هدف برقراری ثبات در بازار و بازگشت اعتماد از دست رفته، دانست، علی‌الخصوص با نزدیک شدن به دور دوم تحریم‌ها. اینکه تا چه زمانی این حضور دولت ادامه خواهد داشت به شدت تاثیر گذاری تحریم‌های دور جدید آن بر منابع ارزی و انتظارات بستگی خواهد داشت. بنابراین اگر واکنش‌های چند وقت گذشته را عکس العمل پیش خوری بازار بدانیم، انتظار می‌رود سیاست‌های مداخله‌ای دولت از بروز شوک‌های جدید جلوگیری کند. اما اگر تحریم‌های جدید در زمینه دسترسی ایران به درآمدهای نفتی کارساز نباشد از سوی دیگر راهکارهای سیاسی ایران و اروپا در زمینه فروش نفت و دسترسی به درآمدهای نفتی راه به جایی نبرد به ثبات بازار ارز کمک بیشتری می‌کند. اما در نظر گرفتن عواملی مانند عوامل بنیادی اقتصادی مانند نقدینگی، تورم و برابری ارز و عوامل سیاسی در بلندمدت نرخ ارز بدون شک افزایشی خواهد بود و کاهش فعلی توقفی در روند افزایشی نرخ دلار به حساب می‌آید. اگر چه رئیس کل بانک مرکزی حجم تقاضای سفته‌بازان را تنها ۳ درصد معاملات بازار عنوان کرد ولی تغییر رویکرد در زمینه مداخله ارزی نشان داد که، معاملات سفته‌بازان شاید تعیین‌کننده نباشد ولی موثر می‌تواند باشد. اما عوامل بنیادی حاکی از تداوم روند افزایشی ارز در بلندمدت است. به عنوان مثال آخرین گزارش صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد تحت تاثیر افزایش ریسک‌های سیاسی داخلی و خارجی، خروج سرمایه در سال گذشته به ۲۷ میلیارد دلار رسیده است که پیش‌بینی‌های حاکی از تداوم جریان خروج سرمایه در سال جدید است. همچنین شایان ذکر است طبق آمارهای سال گذشته به نقل از مرکز پژوهش‌ها در دو سال گذشته ۵۰ میلیارد دلار خروج سرمایه داشته‌ایم.

پیش‌بینی ۱۳۹۷	برآورد ۱۳۹۶	سال ۱۳۹۵		
-۳,۸	-۶,۴	-۴,۱	تراز حساب مالی و سرمایه ای	سهم از GDP
-۱۶,۰۰۰	-۲۷,۴۳۵	-۱۶,۶۵۸	میلیون دلار	سرمایه گذاری مستقیم خارجی و پرتفوی سهام
۰,۲	۰,۲	۰,۵	سهم از GDP	
۹۷۰	۱,۰۰۰	۲,۱۷۷	میلیون دلار	
۰,۱	-۰,۲	-۰,۵	سهم از GDP	بدهی میان مدت و بلندمدت
۳۰۰	-۸۶۰	-۲,۰۹۵	میلیون دلار	

منبع: صندوق بین‌المللی پول

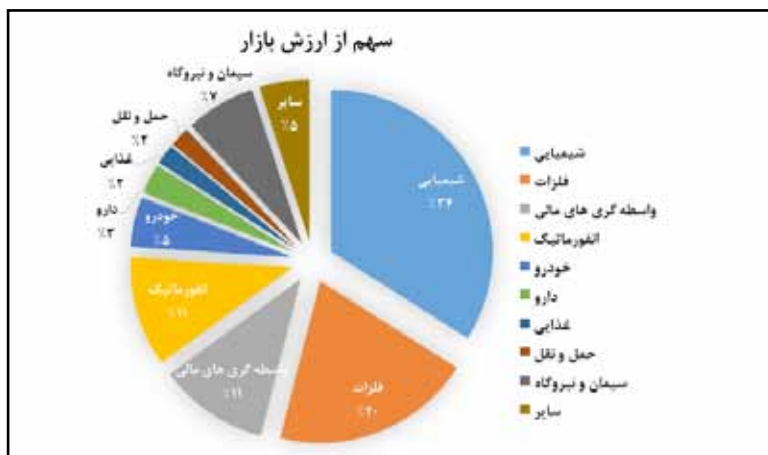
برای طلا به منظور پیش‌بینی برای ادامه سال باید به متغیر نرخ ارز و محدودیت‌های عرضه ارز و قیمت جهانی طلا و همین‌طور به طرح‌های پیش‌فروش بانک مرکزی چشم داشت. با وجود اینکه طرح‌های پیش‌فروش در نیمه اول سال نتوانست به ثبات بازار طلا کمک چندانی بکند ولی به دلیل جو امنیتی برقرار شده در بازار طلا، و سررسید این سکه‌ها در آبان ماه و مهرماه، انتظار می‌رود فضای احتیاطی بر بازار ارز حکم فرمای نماید. همچنین در بازارهای جهانی تشدید جنگ تجاری میان آمریکا و چین و آثار این جنگ که طبق پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول آثار کاهشی روی رشد اقتصادی کشورهای در حال ظهور خواهد گذاشت مهم‌ترین عامل افزایشی در ماه‌های آینده بر بازار طلای جهانی هستند. از سوی دیگر جهش بازدهی اوراق خزانه ۱۰ ساله آمریکا در کنار دورنمای تداوم سیاست‌های انقباضی فدرال رزرو، در قالب چهارمین نوبت از افزایش ۲۵/۰ درصدی نرخ بهره، همچنان عامل فشار بر طلا ارزیابی می‌شود.

به برکت دلار

◆ آنچه گذشت

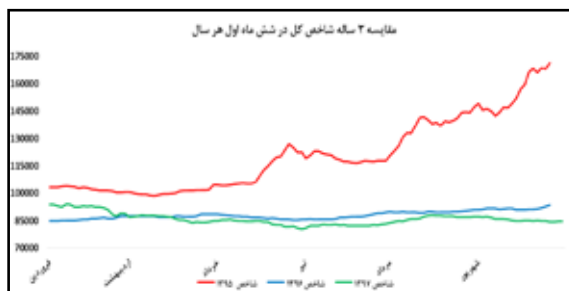
بدون شک نیمه اول سال ۹۷ را می‌توان به عنوان یکی از دوران طلایی در تاریخ بازار سرمایه ثبت کرد. با وجود ثبت بازده ۶۶ درصدی از ابتدای سال تا پایان شهریورماه، نکته‌ای که قابل توجه است، علت اصلی شده‌ها و سقف‌شکنی‌ها و بوده است که با در نظر گرفتن بخش واقعی تولید و آمار و ارقام در خصوص رشد اقتصادی مطابقت چندانی با وضعیت اقتصاد کشور ندارد. با توجه به اینکه قیمت جهانی محصولات پایه از سال ۲۰۱۶ وارد روند افزایشی شد، سیگنال‌های ورود بورس به دوران رونق از آن موقع زده شد. از سوی دیگر بیش از ۶۵ درصد ارزش کل بازار به شرکت‌های به صنایع شیمیایی، فلزی، فرآورده‌های نفتی، کانی‌های فلزی و چندرشته‌ای است که نشان می‌دهد بازار تا چه حد به کالاهای پایه و زنجیره ابتدایی تولید وابسته است. با در نظر گرفتن روند قیمت ارز از ابتدای سال می‌توان دریافت که تا اینجای کار رشدها و رونق‌های گرفته شده در بازار سرمایه عمدتاً از جنس قیمتی بوده است تا اینکه مقداری باشد و به همین دلیل با شاخص‌های رشد اقتصادی همخوانی نداشته است.

بازار سرمایه سال جاری را با افزایش ریسک‌های سیاسی برجامی ناشی از خروج آمریکا آغاز کرد. از سوی دیگر در بازارهای جهانی به دلیل افزایش تعرفه واردات فولاد و آلومینیوم سبب احتیاط معامله گران شد. همچنین در اولین ماه از سال بازار ارز شاهد تصمیم دلار تک نرخ ۴۲۰۰ تومان بود؛ که با نتوانست بازار را با واکنش مثبت روبرو کند.



توافقی به واردکنندگان کالاهای غیرضروری بفروشدند. همچنین در این ماه به منظور بالا بردن جذابیت سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه دولت نرخ مالیات فروش سهام را به مدت یک سال از ۰٫۵ درصد به ۰٫۱ درصد کاهش داد. همچنین اتفاق مهم دیگر در تیرماه مصوبه مهمی در خصوص افزایش سرمایه شرکت‌ها از محل سود انباشته بوده است که به موجب آن منابعی که در این فرآیند استفاده می‌شود (سود تقسیم نشده) از مالیات معاف باشند. مردادماه طلایی‌ترین دوران بازار سرمایه را نیمه اول سال به حساب می‌آید. بطوری که شاخص کل از ابتدای سال تا مردادماه بازده بیش از ۴۰ درصدی را به ثبت رساند. بازار ارز تحت تاثیر اخبار مثبتی مانند آزادسازی و تقویت بازار ثانویه با اعطای مجوز به صادرکنندگان معدنی فلزی و پتروشیمی بوده است. رها شدن صادرکنندگان از قید عرضه به نرخ دستوری موجب افزایش جذابیت سهام این شرکت‌ها شد اما همچنان ابهامات نرخ

اما با خروج آمریکا از برجام در دومین ماه از سال، به دلیل پیشخور شدن خروج آثار ریسک سیاسی و از سوی دیگر از بلاتکلیفی درآمدن سرمایه‌گذاران بازار بهبود نسبی را در مقایسه با اولین ماه داشته است. روند افزایشی شاخص از خردادماه آغاز شد و با ورود نقدینگی‌های قابل توجه ارزش معاملات روزانه را تا مرز ۹۲۰ میلیارد تومان بالا برد و همچنین ارزش بازار در این ماه ۱۳ درصد افزایش یافت. عوامل بنیادی کاهشی بازار در این ماه کاهش قیمت موادجهانی مواد خام و عوامل غیر اقتصادی چون تشدید احتمال بازگشت تحریم‌ها بوده است. با تشدید این عوامل کاهشی بازار در تیرماه وارد روند کاهشی شد و در پایان این ماه شاخص کل مجدداً به کانال ۱۰۸ هزار واحدی بازگشت و شاخص کل بازده صفر درصدی را به ثبت رساند. در چهارمین ماه از سال در بازار ارز شاهد راه اندازی بازار ثانویه بودیم. راه اندازی این بازار عمدتاً با این هدف بود که صادرکنندگان ارزهای خود را قیمت‌های



سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



کاشی سرامیک، صنایع غذایی و... مواجه خواهند شد.

انتشار گزارش ماهانه مهر ماه: در همین حال طی ۲-۳ هفته آتی نیز گزارشات ماهانه مهر ماه منتشر خواهد شد که اثرپذیری روند فروش شرکتها ناشی از آزادسازی قیمت بیش از پیش نمایان خواهد شد که می تواند شرایط برای گروهها و نمادهای موثر به خصوص شرکت های عرضه کننده محصول در بورس کالا بهبود بخشد. در این بین رصد آمار فروش شرکت های صادرکننده بسیار مهم است که آیا تحت تاثیر تحریم با کاهش فروش مواجه شده اند یا خیر.

در پیش بودن گزارشات شش ماهه شرکتها: از نیمه دوم مهر ماه رفته رفته گزارش شش ماهه شرکتها منتشر خواهد شد، تغییرات درآمد، هزینه ها و سود می تواند تعیین کننده جهت روند بازار تحت تاثیر گزارشات باشد. مطمئناً نحوه گزارش دهی در صنایع و شرکتها می تواند روندی جدید در بازار ایجاد کند. انتظار می رود گزارش شش ماهه اول شرکتها به واسطه آنکه درآمدهای فروش عمدتاً تحت تاثیر نرخ های دستوری قرار داشت از کیفیت بالایی برخوردار نباشد اما شرایط برای نیمه دوم سال با توجه به آزادسازی قیمت ها به مراتب بهتر خواهد بود. تحریم: خبرها و آثار تحریم و در پیش بودن دور دوم تحریم ها از نیمه دوم آبان می تواند رفته رفته رفتار بازار و معامله گران را به سمت احتیاط و محافظه کاری سوق دهد.

بازار جهانی: خوشبینی از کاهش تنش های تعرفه ای حداقل تا اول ژانویه ۲۰۱۹ می تواند فرصتی برای بهبود بازارهای سرمایه و کالایی از جمله کامودیتی ها و فلزات پایه را فراهم سازد که از این فرصت می توان برای رشد ارزش سهام این گروه بهره برد.

فولاد و پتروشیمی در عرضه محصولاتشان در بورس کالا کلید خورد. این رویه در صنایع یوتیلیتی که تولیدکننده مواد اولیه مجتمع های پتروشیمی و همچنین بخشی از محصولات پالایشی نیز ادامه یافت. در همین حال همزمان با اعمال آزادسازی قیمت محصول صنایع، بحث آزادسازی قیمت خوراک و مواد اولیه نیز مطرح شده است. از این رو دولت در صدد است. با برداشتن مکانیزم قیمت گذاری و آزادسازی آنها، سطح درآمد خود را نیز از محل فروش خوراک واحدهای صنعتی افزایش دهد. از این رو صنایعی نظیر فولاد آب برق گاز و در صنایعی نظیر پتروشیمی خوراک گازی و مایع در دستور کار آزادسازی قرار گرفته است که برخی از منابع اعلام می کنند از این محل رقمی بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان نصیب دولت می شود. همچنین پروژه افزایش حداقل ۱۰۰ درصدی قیمت بنزین یا سهمیه بندی نیز در نیمه دوم سال کلید خواهد خورد که از این محل نیز دولت تا ۴۰ هزار میلیارد تومان می تواند درآمد جدید کسب کند. از این رو تاثیر آزادسازی به واسطه اهرم بالاتری درآمدی برای شرکتها آثار مثبت سودآوری و برای دولت نیز از محل رشد قیمت خوراک واحدها می تواند به درآمد ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی منجر شود.

انتقال تورم تولیدکننده به مصرف کننده: با کاهش ارزش پول ملی شاهد تشدید تورم خواهیم بود. این امر متجر به افزایش قیمت ها در محصولات مصرفی شده است. از این رو صنایع داخلی که سال های اخیر با رکود قیمتی مواجه شده بودن از محل انتقال تورم با افزایش ارزش قیمت کالاها و توجه کوتاه مدت معامله گران در صنایعی نظیر خودرو، سیمان، انبوه سازی،

خوراک پتروشیمی و نحوه قیمت گذاری کالاها مانع از رشد بیشتر شاخص کل شد؛ ثبت بازده ۲۵ درصدی شاخص کل آن هم به تنهایی در مردادماه یکی از ماندگارترین عملکردهای بازار سرمایه بوده است. بازار سرمایه شهریورماه را با اصلاح نسبی آغاز کرد. در تشکیل چنین فضایی عقب نشینی سیاستگذار در مورد آزادسازی قیمت فرآورده های نفتی در بورس کالا اثر داشت. ضمن آنکه برخی نگرانی های سیاسی در این مسیر موثر بود. در این شرایط سهام کوچک تر بورس تهران مورد اقبال قرار گرفت. نوسانات کم دامنه شاخص تا پایان هفته دوم شهریور ماه با اقبال به سهام کوچک تر بازار ادامه داشت با این حال در میانه هفته مزبور اصلاح مجدد دستورالعمل قیمت گذاری فرآورده های نفتی در بورس کالا امید به صعود سهام را افزایش داد. این امیدواری ها در جهش قیمت سهام طی هفته سوم این ماه منعکس شد. پس از آن در پایان هفته سوم شهریورماه آزادسازی نرخها در مورد محصولات فولادی در بورس کالا رخ داد. این موضوع ضمن افزایش امیدواری به آزادسازی نرخ محصولات پتروشیمی در بورس کالا صعود قیمت سهام را تداوم داد. سیاستگذار در هفته پایانی شهریور سقف رقابتی محصولات پتروشیمی در بورس کالا را نیز حذف کرد تا این بار شاخص سهام با محور صنعت پتروشیمی رکوردشکنی های متعددی را تجربه کند.

♦ پیش بینی عوامل مهم بنیادی:

با توجه به پایان یافتن شهریور ماه و در پیش بودن نیمه دوم سال مولفه های مهم و موثری پیش روی بازار می باشد که به اختصار به آنها اشاره خواهد شد.

آزادسازی قیمت ها: طی هفته های گذشته آزادسازی قیمت ها در صنایع

فولاد و ادامه دعوای بالایی ها و پایینی ها



صنعت فولاد از صنایع پیشرو در جهان است و از این رو ترسیم چشم‌انداز صنعت فولاد و معدن می‌تواند چراغ راه سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان عرصه سیاست و اقتصاد باشد. امروزه صنعت فولاد یکی از صنایع پایه و استراتژیک جهان به شمار می‌رود تا آنجا که سرانه مصرف فولاد در کشورها به عنوان معیاری برای توسعه‌یافتگی به کار برده می‌شود. بنابراین میزان مصرف و تولید این محصول ارتباط تنگاتنگی با میزان توسعه یافتگی کشورها دارد. حدود ۹۸ درصد سنگ آهن یا کنسانتره آهن تولیدی دنیا به مصرف تولید فولاد می‌رسد و مستقیماً به صنایع فولادسازی ارسال می‌شود. سنگ آهن یا کنسانتره آهن مذکور در فرایند آهن‌سازی و با استفاده از یک ماده احیاکننده، احیا شده و به آهن تبدیل می‌شود. پس از آن در فرایند فولادسازی با افزودن کربن و سایر افزودنی‌های ضروری آهن به فولاد تبدیل می‌شود. براساس گزارش انجمن جهانی فولاد، تولید فولاد خام جهانی در ۶ ماهه اول سال ۲۰۱۸ به ۸۸۱ میلیون و ۴۵۵ هزار تن رسید که رشد ۴٫۵ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل داشت.



منبع: آمار انجمن جهانی فولاد

براساس جدول زیر، بررسی روند تولید محصولات فولادی در چهار ماه اول سال ۹۷ نسبت به مدت مشابه آن در سال ۹۶، رشد تولید را نشان می‌دهد. ما در بخش فولاد خام و نیز محصولات نیمه ساخته یعنی بیلت و بلوم اسلب مازاد عرضه داریم و باید برای صادرات این بخش برنامه‌ریزی شود. در بخش محصولات فولادی نیز به غیر از ورق‌های فولادی تولید بیشتر از مصرف بوده و بخشی از محصولات امکان صادرات دارند.

نام محصول	کل تولید		صادرات		واردات	
	چهار ماهه ۹۷	چهار ماهه ۹۶	درصد تغییرات	چهار ماهه ۹۷	چهار ماهه ۹۶	درصد تغییرات
تیر آهن	۳۱۰	۲۵۹	۲۰	۶۶	۶۵	-۴۰
میلگرد	۲۳۷۶	۲۰۷۴	۱۵	۴۰۲	۳۱۷	-۴۸
ورق گرم	۲۷۵۸	۲۳۷۹	۱۶	۳۴۲	۸۷	-۷۲
ورق سرد	۷۸۶	۸۱۹	-۴	۱۰	۵	-۳۶
ورق پوسسدار	۷۴۴	۵۲۳	-۹	۳۶	۲۱	-۲۱
سایر محصولات فولادی	۲۷۶	۲۸۵	-۳	۱۲۱	۱۹	-۲۵
کل محصولات فولادی	۶۹۸۳	۶۳۳۹	۱۰	۱۱۷	۴۱۴	-۵۱
بیلت و بلوم	۴۴۸۸	۳۷۷۰	۱۹	۳۵	۱۲۶۶	۹۳۹
اسلب	۳۷۹۱	۳۲۹۲	۱۵	۲	۱۲۲۱	۱۱۹۹
فولاد میانی	۸۲۷۹	۷۰۶۲	۱۷	۱۶	۲۴۸۷	۲۱۳۸
آهن اسفنجی	۸۶۰۲	۷۲۴۵	۱۹	-۶	۳۰۴	۲۸۵

منبع: سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (واحد: هزار تن)

صنعت فولاد به عنوان یکی از پنج صنعت برتر کشور، پیوندهای قوی با صنایعی مانند تولید خودرو، بخش ساختمان و... دارد. در ایران با وجود مشکلاتی که در زمینه توسعه صنعتی و رشد اقتصادی وجود دارد با این حال صنعت فولاد طی دو دهه اخیر نقش اثرگذاری در این زمینه ایفا کرده است. هم‌اکنون صنعت فولاد در ایران به وسیله تعرفه‌های واردات محافظت می‌شود و در عین حال برای تولید محصولاتی با ارزش افزوده بالا، چرخه صنعت فولاد نیاز به غلبه بر چالش‌های متعددی از جمله بهره‌وری نیروی کار است. لذا، بهبود و توسعه آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. صنایع پایه از قبیل حمل و نقل و ماشین‌آلات، ساختمان، معدن و دیگر صنایع مرتبط با تولید و انتقال انرژی به فولاد وابسته است، بر همین اساس است که تقاضای جهانی فولاد طی ۵۰ سال گذشته رو به بالا بوده و در آینده هم اگر افزایش نیابد، ثابت می‌ماند.

طی ۱۰ سال آتی، افزایش تقاضای داخلی برای تولید فولاد با احتمال زیادی تشدید خواهد شد زیرا ایران خواستار سه برابر کردن تولید فولاد در ۱۰ سال آینده است. برنامه‌ریزی برای تولید ۵۵ میلیون تن فولاد تا سال ۱۴۰۴ باید در حالی مطرح شود که زیرساخت‌های آن فراهم شده و با توجه به مشکل آب نیز ممکن است تغییراتی در جانی‌های کارخانه‌های فولاد صورت گیرد ایران دارای رتبه ۱۴ در بین فولادسازان جهان بوده و این در حالی است که از کشورهای فرانسه و انگلیس پیشی گرفته است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان بیستمین صادرکننده فولاد در جایگاه بسیار عقب‌تری از کشورهای اوکراین و ترکیه با رتبه‌های هفتم و دهم جایگاه جهانی است.

تولید و مصرف فولاد و توسعه اقتصادی

مصرف (هزار تن)	چهار ماهه ۹۷		چهار ماهه ۹۶		درصد تغییرات
تیر آهن	۲۵۳	۲۰۹	۲۱	۲۰۹	۹۶
میلگرد	۱۹۹۰	۱۸۸۸	۵	۱۸۸۸	۹۶
ورق گرم	۲۵۲۱	۲۶۶۶	-۵	۲۶۶۶	۹۶
ورق سرد	۸۹۸	۱۰۰۵	-۱۱	۱۰۰۵	۹۶
ورق پوسسدار	۵۴۱	۶۲۸	-۱۴	۶۲۸	۹۶
سایر محصولات فولادی	۲۵۲	۲۹۰	-۱۳	۲۹۰	۹۶
کل محصولات فولادی	۶۴۵۵	۶۶۸۶	-۳	۶۶۸۶	۹۶
بیلت و بلوم	۳۳۳۷	۲۸۳۶	۱۴	۲۸۳۶	۹۶
اسلب	۲۵۷۱	۲۰۹۴	۲۳	۲۰۹۴	۹۶
فولاد میانی	۵۸۰۵	۴۹۳۰	۱۸	۴۹۳۰	۹۶
آهن اسفنجی	۸۳۱۷	۶۹۴۱	۲۰	۶۹۴۱	۹۶

منبع: سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (واحد: هزار تن)

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

◆ آینده صنعت فولاد

ایران جزو کشورهای در حال توسعه و دارای منابع و امکانات لازم برای تولید فولاد به شمار می‌آید بنابراین، چشم‌انداز آینده صنعت فولاد مثبت است و پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه و بلندمدت نیز بیانگر رشد متوسط ۵ درصدی تقاضای فولاد تا سال ۱۴۰۴ است، البته باید به توسعه ظرفیت‌های اقتصادی فولاد با نگاه به صادرات توجه ویژه‌ای کرد تا بتوان به تولید رقابتی محصولات فولادی دست یافت و سطح اشتغال را بهبود داد.

افزایش شکاف میان ظرفیت تولید و مقدار تولید فولاد و پیش‌بینی کاهش ۵ درصدی تولید فولاد چین تا سال ۲۰۲۰، محدود شدن بازارهای قابل دسترسی برای ایران در نتیجه شکل‌گیری بازارهای منطقه‌ای نظیر تشکیل اتحادیه آهن و فولاد عرب یا عضویت ترکیه در اتحادیه گمرکی اروپا و نیز ایجاد پیوندهای بلندمدت میان کشورهای تولیدکننده سنگ آهن و فولاد (مبادله سنگ آهن و فولاد بین استرالیا، نیوزیلند و چین)، کاهش تقاضای سنگ آهن ناشی از توسعه تولید چرخشی و استفاده از آهن قراضه در تولید فولاد، ظهور محصولات جایگزین و سرمایه‌گذاری کشورهای پیشرو همچون ژاپن و آمریکا در زمینه تحقیق و توسعه برای تولید محصولات نوین فولادی، سیاست‌های تعرفه‌ای مالیاتی برخی کشورها در راستای حمایت از صنایع داخلی که مانع از صادرات و کاهش تولید فولاد شده، کاهش تقاضای داخلی برای فولاد به دلیل کاهش درآمدهای نفتی حاصل از اجرایی شدن تحریم‌های اخیر، بودجه عمرانی و رکود حاکم بر بخش ساخت و ساز از جمله مواردی است که در این صنعت مشاهده یا پیش‌بینی می‌شود. حال به منظور حداقل‌سازی زیان ناشی از مخاطرات برشمرده، پیشنهادهای زیر را می‌توان ارایه کرد:

۱- مشارکت فولادسازان در توسعه زیرساخت ریلی با هدف گسترش زمینه‌های لازم برای تحریک تقاضای آتی به واسطه توسعه زیرساخت‌های ریلی و تجهیز ناوگان حمل ریلی از طریق انعقاد تفاهم‌نامه بین وزارت صنعت و وزارت راه.

بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ باید ۲۵ هزار کیلومتر خطوط اصلی ریلی توسعه یابد که تحقق آن نیازمند سالانه ۱۵۰۰ کیلومتر خطوط ریلی معادل ۱۸۰ هزار تن ریل فولادی است. همچنین حدود نیمی از لکوموتیوهای ناوگان حمل و نقل ریلی بیش از ۳۵ سال عمر دارد که مطابق با سند چشم‌انداز ریلی باید عمر متوسط ناوگان حمل و نقل ریلی به ۱۵ سال کاهش یابد.

۲- انعقاد قرارداد میان شرکت راه آهن، بانک عامل (برای تامین بخشی از هزینه‌های تولید فولاد) و ایمیدرو یا کنسرسیومی از کارخانه‌های فولادسازی برای تامین مقاطع و ورق‌های فولادی.

۳- انعقاد قرارداد میان شرکت راه آهن، بانک عامل، پیمانکاران اجرای خطوط ریلی و تولیدکنندگان لکوموتیو، واگن و تجهیزات.

بر اساس این گزارش تولید فولاد مورد نیاز، مستلزم وجود منابع مالی قابل توجهی است که به تنهایی خارج از توان کارخانه‌های فولادسازی است بنابراین باید بخشی از هزینه‌های آن از طریق بانک عامل تامین شده و بقیه هزینه‌ها در قالب انتفاع از درآمدها و مزایای دوره بهره‌برداری پوشش داده شود. بانک عامل می‌تواند بخشی از هزینه‌ها را از طریق منابع بودجه‌ای وزارت راه تامین کند و باقی را از منابع مالی خود و در قالب انتفاع از درآمدهای بهره‌برداری تامین کند. از سوی دیگر، با توجه به ظرفیت تولید ۵۵ میلیون تن و مصرف ۳۵ میلیون تن فولاد در افر ۱۴۰۴ که الزام صادرات ۲۰ میلیون تنی را به دنبال دارد، پیشنهاد می‌شود بخشی از محصولات فولادی تولید شده به منظور پایدارسازی بازارهای صادراتی به کشورهای تایلند، ایتالیا، تایوان، اسپانیا، مصر، اردن، هند، مراکش و بنگلادش و مقداری از آن نیز به منظور توسعه بازارهای آتی به کشورهای روسیه، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، اندونزی، مالزی، پرتغال، لهستان، ازبکستان و سوریه صادر شود.

مصرف فولاد رابطه مستقیمی با درجه توسعه اقتصادی هر کشور دارد و برای کشورهای در حال رشد یکی از شاخص‌های مهم توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. در مراحل اولیه رشد و جهش اقتصادی نرخ رشد مصرف فولاد شدت می‌یابد و پس از یک دوره ثبات نسبی، با فرا رسیدن بلوغ اقتصادی به تدریج مصرف فولاد کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر در فرآیند توسعه اقتصادی حجم عظیم سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و زیرساخت‌های صنعتی در ابتدای دوره، بطور طبیعی نیاز به مصرف فولاد را بالا می‌برد و توسعه تکنولوژی در مراحل بعدی زمینه سرمایه‌گذاری در صنایع حساس را متنوع می‌نماید و به تدریج الزامات اقتصادی، تکنولوژیک و رفاهی یک جامعه توسعه یافته تمرکز و استفاده از منابع و مواد اولیه حجیم را کاهش داده و تکیه بر ارزش افزوده فکری محض (Mind Pure) را ترجیح می‌نماید.

جمهوری اسلامی ایران هنوز اولین مراحل توسعه اقتصادی خود را می‌گذراند و نیاز روزافزونی به فولاد در سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و توسعه ظرفیت‌های تولیدی خود دارد، اگر چه ساختار وابسته صنایع کشور رابطه معنی‌داری بین مصرف فولاد توسعه حلقه‌های صنعتی به دست نمی‌دهد و در حال حاضر شدت مصرف فولاد بیشتر وابسته به توسعه صنایع ساختمان است. اما در این میان صنایع فولاد داخل با چالش‌هایی روبرو است که از مهم‌ترین چالش‌های صنعت فولاد ایران، عدم توازن در زنجیره تأمین، کمبود نقدینگی، بالا بودن هزینه‌های تأمین مالی، تأمین مواد اولیه، افزایش چشمگیر قیمت برخی مواد مصرفی، بهینه نبودن سیستم حمل و نقل و لجستیک، مشکلات بندری برای صادرات، بالا بودن تورم نسبت به کشورهای مهم تولیدکننده فولاد، عدم اعتماد سرمایه‌گذاران به بازدهی سرمایه و... است. اما برای از بین بردن چالش‌های موجود در این صنعت می‌توان به ارایه راهکارهایی اشاره نمود. راهکارهای بهبود تولید صنعت فولاد را می‌توان در دو دسته راهکارهای داخلی و راهکارهای برون مرزی مطرح کرد. در مورد راهکارهای داخلی لازم است جهت تقویت تولید صنایع مختلف، برنامه ویژه‌ای طراحی و اجرا شود، از جمله اعطای سرمایه در گردش بدون بهره برای ایجاد توسعه. از مهم‌ترین صنایع تأثیرگذار می‌توان به صنعت ساختمان و پروژه‌های عمرانی اشاره کرد که با اعطای تسهیلات مالی و تخصیص بودجه‌های عمرانی مناسب می‌توانند در کوتاه‌مدت چشم‌انداز مناسبی برای افزایش مصرف و تولید در این صنعت ترسیم کنند. از دیگر راهکارهایی که می‌تواند به رونق صنایع فولادی کمک کند تسهیل در صادرات محصولات فولادی و حمایت‌های لازم از صنایع داخلی به ویژه در مقابل واردات است. اما مهم‌ترین راهکار خارجی نیز صادرات محصولات فولادی است که لازم است شرکت‌ها با بهبود کیفیت محصولات و تعامل موثر با مصرف‌کنندگان سایر کشورهای جهان، روند صادرات محصولات را افزایش دهند البته در این خصوص نیز دولت با سیاست‌های حمایتی مناسب می‌تواند نقش موثری ایفا کند.

◆ افزایش تقاضای مصرف محصولات فولادی در ایران

مهم‌ترین اقدام برای افزایش مصرف محصولات فولادی تحریک تقاضا و ایجاد تحرک بیشتر در صنایع تکمیلی براساس نیاز بازارهای داخلی و صادراتی است. در این خصوص افزایش میزان بودجه‌های عمرانی می‌تواند راهگشا باشد زیرا صنعت ساختمان بیشترین تأثیر را در افزایش تقاضای مصرف محصولات فولادی دارد و دومین عامل موثر، ایجاد رونق در صنعت ساختمان و خروج این صنعت از رکود است. اقدامات حمایتی دولت در بازارهای صادراتی، از جمله اعطای وام‌های ارزی و ریلی بدون بهره برای صادرات، اختصاص مشوق‌های صادراتی، انعقاد قراردادهای بلندمدت، وضع تعرفه‌های ترجیحی و... در جهت بهبود فضای کسب و کار و تولید کارساز هستند. صادرات محصول می‌تواند به تولید با حداکثر ظرفیت این صنایع و کاهش هزینه‌های ثابت به ازای محصول تولیدی کمک قابل توجهی کند. همچنین صادرات کالا می‌تواند منجر به بهبود کیفیت محصولات تولیدی و شناسایی نیازهای جدید مصرف‌کنندگان در بازار وسیع‌تری شود. متأسفانه امروز ۵۵ درصد ظرفیت فولاد فعال است در حالی که متوسط ظرفیت فعال صنعت فولاد جهان حدود ۷۰ درصد است.

روزهای سخت خودروسازان و مشتریان



بررسی روند تولید محصولات مختلف در این صنعت به خوبی شرایط رو به افول را اثبات می‌کند با بازگشت تحریم‌های آمریکا علیه خودروسازی ایران، این صنعت بزرگ، عصری جدید پر از چالش را آغاز کرده و بر این اساس، نه تنها شرکای معتبر خود را از دست داده، بلکه تیراژ و کیفیت محصولاتش نیز رو به نزول رفته است. با خروج آمریکا از برجام و در اولویت قرار گرفتن خودروسازی ایران برای تحریم، پژوهی‌ها اولین خودروسازی بودند که همراهی خود را با دولت ایالات متحده آمریکا اعلام و آماده رفتن شدند. قطع ارتباط پژو-سیترئون با خودروسازی ایران، بیشترین ضربه را در مقایسه با سایر شرکت‌های خودروساز خارجی، به پیکره صنعت خودرو کشور وارد کرده است. این دو شرکت فرانسوی گرچه جزو اولین شرکت‌هایی بودند که پس از توافق هسته‌ای و برجام راهی ایران شده و مذاکرات برای همکاری‌های جدید با ایران خودرو و سایپا را آغاز کردند، با این حال پس از نقض برجام نیز در خروج از کشور پیشقدم شدند. با خروج پژو از همکاری با ایران خودرو، شرکت ایران خودرو در اولین گام با مشکل تامین قطعات اصلی خودرو مواجه شده است. بازگشت تحریم‌های ایالات متحده آمریکا اما تنها بر سوارسازان اثرگذار نبوده است، بلکه گریبان خودروسازان تجاری کشور را را گرفته است. جدا از اینکه تجاری‌سازان کشور از تولید محصولات روز اروپایی و آسیایی محروم شده و تیراژشان رو به کاهش خواهد رفت، اجرای ابرپروژه دولت برای اسقاط و جایگزینی بیش از ۲۰۰ هزار خودرو فرسوده نیز با اما و اگرهای زیادی روبه‌رو شده است. خودروسازان تجاری کشور همکاری با شرکت‌های معتبری مانند بنز و ولوو و اسکانیا و ایسوزو را در کارنامه خود دارد و حالا با بازگشت تحریم‌ها، تقریباً همه آنها ایران را ترک یا فعالیت‌هایشان را به شدت کاهش داده‌اند. در این شرایط، با افت کیفی در تولید خودروسازان تجاری کشور مواجه و از آن سو تیراژ نیز روندی نزولی به خود گرفته است. البته تجاری‌سازان به دنبال آن هستند که خلأ حضور برندهای معتبر را با چینی‌ها پر کنند و باید منتظر ماند و دید تا چه اندازه در این راه موفق خواهند بود. مساله مهم دیگر اما ابرپروژه اسقاط است، که با رفتن تجاری‌سازان بزرگ، هم از حیث کمی و هم از لحاظ کیفی با موانع زیادی روبه‌رو خواهد شد. در واقع با رفتن امثال بنز و ولوو و احتمالاً اسکانیا، نه تنها اسقاط و جایگزینی بیش از ۲۰۰ هزار خودرو فرسوده سنگین ظرف سه سال، بعید است، بلکه کیفیت خودروهای جایگزین نیز

در پی سخنرانی‌های رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر خروج از برجام و آغاز تحریم‌های آمریکا علیه ایران، برای بازارهای مختلف ایران شوک اقتصادی در آینده‌ای نه چندان دور قابل پیش‌بینی بوده است. با اعلام خروج آمریکا از برجام در تاریخ ۱۸ اردیبهشت (هشتم مه) روابط تجاری ایران با دیگر کشورها وارد فاز جدید خود شد که بعد از امضای معاهده برجام، رخدادی توأم با شوک اقتصادی برای ایران به حساب می‌آید، که در گام اول با خروج شرکت‌ها در صنایع مختلف آغاز گردید و موازی با شکل‌گیری این حرکت، التهابات در بازار داخلی روند شکل‌گیری این شوک را تشدید نمود. بازار دلار که روند ملتهب آن از دی‌ماه ۱۳۹۶ (بعد از یک دوره با ثبات) آغاز شده بود، در این برهه زمانی دستخوش شوک خروج آمریکا از برجام شکل‌گیری دور جدید تحریم‌ها شده بود. این شوک ارزی تبعات سنگینی را برای بازارهای مختلف در بر داشت و سیاست‌های انقباضی دولت گاهی شرایط نابسامان بازار ارز را نابسامان‌تر می‌نمود. در این میان برای صنعت خودروبی ایران که بخش عظیمی از تولیدات این صنعت وابسته به رابطه با همتایان خارجی است، می‌توان یک روند رو به افولی در زمینه تولید و واردات خودرویی قابل پیش‌بینی بود.

نام محصول	واحد سنجش	تیر ۱۳۹۷	خرداد ۱۳۹۷	درصد تغییر	چهار ماه اول ۹۷	چهار ماه اول ۹۶	درصد تغییر
انواع سواری	هزار دستگاه	۹۱،۳	۹۸	-۶،۸	۳۹۹،۲	۴۱۰،۳	-۲،۷
وانت	هزار دستگاه	۴،۹	۴،۶	۶،۵	۱۹،۴	۱۹،۷	-۱،۵
اتوبوس، مینی بوس و ون	دستگاه	۴۶۱	۳۸۸	۱۸،۸	۱۴۵۸	۱۱۲۳	۲۹،۸
کامیون کشنده	دستگاه	۱۱۰،۳	۱۵۹۴	-۳۰،۸	۴۴۶۷	۴۲۷۶	۴،۵
لاستیک خودرو	هزار تن	۱۷،۹	۱۸	-۰،۶	۷۱،۷	۷۱،۸	-۰،۲

منبع: وزارت صنعت و معدن

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

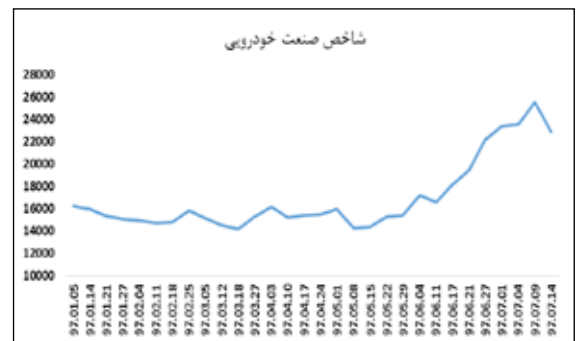
تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

زیر سوال می‌رود. در بهترین حالت، محصولات چینی بار این ابرپروژه را به دوش خواهند کشید و این در حالی است که سطح کیفی آنها در مقایسه با محصولات اروپایی و آسیایی‌های معتبر، پایین‌تر بوده و به‌خصوص در حوزه مصرف سوخت و آلایندگی، چالش‌برانگیز است.

اما در میان چالش‌های روابط خارجی برای این صنعت، مسائل داخلی در قیمت‌گذاری برای تولیدات داخلی یکی از مشکلات اصلی برای این صنعت بوده است که همواره خودروسازان داخلی، دخالت شورای دخالت در قیمت‌گذاری تولیدات را مانع اصلی روند رو به بهبود این صنعت دانسته‌اند. این مهم، با شکل‌گیری شرایط جدید برای اقتصاد کشور و کمبود قطعات برای افزایش سطح کمی تولیدات داخلی شکل جدیدی را به خود گرفته است، چرا که با افزایش هزینه‌های تولید و قیمت‌های ثابت تولیدات داخلی، تمایل خودروسازان به تامین نیاز بازار کاهش یافته و عملاً شاهد روند افسارگسیخته قیمت‌های تولیدات داخلی و خودروهای مونتاژ داخل بوده‌ایم. در شرایطی که قیمت خودرو در بازار آزاد فاصله صددرصدی با قیمت‌ها در کارخانه‌های سازنده دارد هر چه خودروسازان تلاش کنند و فیلترهایی را برای حذف دلان از چرخه خرید خودرو ایجاد کنند باز هم خودرو به دست مصرف‌کننده واقعی نمی‌رسد. کارخانه‌های خودروسازی و قطعه‌سازی به دلیل قیمت‌گذاری دستوری مجبور هستند محصول خود را با قیمتی کمتر از نرخ‌های تمام شده و واقعی عرضه کنند و زیان می‌کنند. در واقع شورای رقابت با اقدام خود در جلوگیری از واقعی شدن قیمت خودرو هم به خودروسازان و قطعه سازان و هم به مصرف‌کنندگان و مردم آسیب می‌زد. با شکل‌گیری شرایط ملتهب برای بازارهای مختلف و مسیر یابی نقدینگی به سمت بازار دلار و سکه و در گام بعد بازار بورس، تابستانی داغ را برای تالار شیشه‌ای شاهد بوده‌ایم اما بررسی روند شاخص صنعت خودروبی به خوبی نشان می‌دهد که این صنعت به دلیل وجود منوابع ساختاری به اندازه پتانسیل رشد خود، از رشد عظیم بازار بورس بهره چندانی نبرده است.



منبع: تارنمای سازمان بورس اوراق بهادار

اما در ابتدای شهریور ماه و با شکل‌گیری زمزمه‌های خروج شورای رقابت از روند قیمت‌گذاری دستوری شاهی رشد اسن شاخص بوده‌ایم. چراکه صنعت قطعه‌سازی ایران در شرایط کنونی از دو نوع تحریم رنج می‌برد که یکی خارجی است و دیگری داخلی. تحریم‌های خارجی که پیامد خروج آمریکا از برجام است و پالس تامین قطعات را برای این صنعت در بردارد. تحریم‌های داخلی، نوع دیگر تحریم‌هاست که اثرگذارتر از تحریم‌های خارجی است. یکی از این نوع تحریم‌های اثرگذار قیمت‌گذاری خودروست که توسط شورای رقابت تبدیل به سنت غلطی در بازار خودرو شده است. قیمت‌گذاری خودرو توسط شورای رقابت باعث شده توان مالی خودروساز در وهله اول و توان مالی قطعه‌ساز در وهله دوم تحت تاثیر قرار بگیرد و روز به روز ضعیف‌تر شود. می‌توان آثار این سیاست غلط را در وضعیت شرکت‌های خودروسازی در بورس مشاهده کرد. که برای رفع این نوع تحریم، خروج شورای رقابت از سیستم قیمت‌گذاری دستوری،

شرط لازم می‌باشد اما شرط کافی برای پویایی این صنعت افزایش کیفیت به همراه کمیت محصولات تولیدی می‌باشد که دانش بومی می‌تواند برای شکوفایی این صنعت راهگشا باشد. در این بین اختلاف قیمتی محصولات تولیدی داخل در بازار آزاد و قیمت کارخانه ناشی از کاهش عرضه بوده که دو سناریو متفاوت برای کاهش عرضه می‌توان تصور بود. سناریو اول احتکار محصولات تولیدی به دلیل سطح بالای اختلاف قیمت در کارخانه و بازار آزاد و سناریو دوم کاهش تولید به دلیل کمبود قطعات. در سناریو اول اختلاف قیمت به نفع دلان بوده و از محل افزایش هزینه‌های تولید و قیمت دستوری تولیدکننده متضرر شده، بنابراین آزادسازی قیمت‌ها و شکل‌گیری روند قیمتی در بازار آزاد می‌تواند قیمت حبابی شکل گرفته را کاهش داده و زیان مصرف‌کننده که محل انتفاع دلال شکل گرفته را از بین ببرد و مصرف‌کننده با پرداخت واقعی قیمت، حامی تولیدکننده برای پویایی این صنعت شود و اما در سناریو دوم که کاهش تولید به دلیل کمبود قطعات می‌باشد، تولیدکننده در گام اول می‌تواند با محصولات با کیفیت پایین و جایگزین به چرخه تولیدی خود ادامه دهد و با حمایت‌های دولت در یک چرخه بلند مدت با افزایش تکنولوژی و بهبود کیفی محصولات این گسل ریشه‌دار را برای همیشه از بین ببرد. برای پیش‌بینی شرایط پیش روی خودروبی‌ها اگر به عقب برگردیم و نگاهی به شرایط خودروسازی و بازار خودرو کشور در دوران تحریم بیندازیم، به خوبی متوجه می‌شویم که در آن دوران خودروسازان و مشتریان چه روزهای سختی را تجربه کردند. سال‌های ۹۱ و ۹۲ را باید سخت‌ترین دوران برای خودروسازی ایران پس از سال‌های جنگ دانست. یک‌سوم شدن تولید خودروهای داخلی در مقایسه با سال ۹۰ (سال اوج تولید خودرو در ایران) و سه‌برابر شدن قیمت خودروها نشان از شرایط وخیم صنعت خودرو با شکل‌گیری تحریم‌ها، می‌باشد. در آن دوران، سختی‌های تحریم به حدی بود که بسیاری از خودروها به خاطر نبود و کمبود قطعاتی بسیار کوچک و شاید پیش پا افتاده، به‌صورت ناقص تولید و در پارکینگ‌ها خاک می‌خوردند. مشکلات و چالش‌ها البته فقط به تولید و قیمت محدود نبود، چه آنکه در حوزه کیفیت هم مشتریان متضرر شدند. از آنجاکه تامین قطعات از منابع اصلی و معتبر تقریباً ممکن نبود، خودروسازان به اجبار روی به قطعات کم کیفیت آوردند تا خط تولیدشان نخوابد و کارگران‌شان بیکار مطلق نشوند. این موضوع تاثیری عمیق بر کیفیت خودروهای داخلی گذاشت، تا جایی که همین حالا نیز مشتریان اعتماد و اطمینان زیادی نسبت به سطح کیفی خودروهای ساخته شده در سال‌های تحریم ندارند. جدای از این مسائل اتفاق دیگری نیز در خودروسازی ایران رخ داد و آن، حضور پر رنگ خودروسازان چینی در کشور به جای برندهای معتبر اروپایی و آسیایی بود. در واقع چینی‌ها بیشترین استفاده را از تحریم خودروسازی ایران برده و توانستند در آن دوران، به تمامی بخش‌های این صنعت (چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی) نفوذ کنند؛ بنابراین تحریم‌های دوره جاری و انفعال اروپایی‌ها می‌تواند فرصتی دوباره را در اختیار آنها قرار دهد. که این امر موجب افول صنعت خودروسازی را در پی دارد و برای خروج از این چرخه باطل سیاستگذار باید به عنوان حامی این صنعت، به آزادسازی قیمت‌ها کمک کرده و فعالین این صنعت با شکل‌گیری روند رو به بهبود قیمتی، به رشد کیفی محصولات و استاندارد سازی آنها بپردازند. بنابراین اگر این صنعت با سیاست‌های راهبردی همراه نباشد، شاهد ورود دوباره چینی‌ها خواهیم بود و صنعت خودروسازی به خواب عمیقی فرو خواهد رفت که بیدار کردن آن نیاز به محرک‌های بسیار قوی‌تر از شرایط فعلی خواهد داشت.

رفت و آمد پول ها از بانک و به بانک ها

سپرده های بلندمدت در تیرماه سال جاری نسبت به تیرماه سال قبل ۶۴ درصد بوده است، البته سپرده های بلندمدت نیز در ۴ ماه نخست سال جاری روند منفی را ثبت کرده است.



تداوم کاهش درصد سهم سپرده های بلندمدت از کل سپرده ها و در مقابل افزایش درصد سهم سپرده های کوتاه مدت برای چهارمین ماه متوالی است که ادامه داشته است که بی ارتباط با نوسانات بازار ارز و طلا نبوده است. بررسی ها نشان می دهد، در ۴ ماه نخست امسال ۹۶۰۰ میلیارد تومان از حجم سپرده های بلندمدت کاسته و در مقابل به حجم سپرده های کوتاه مدت ۵۷ هزار و ۱۸۰ میلیارد و به سپرده های دیداری ۲۲ هزار و ۹۵۰ میلیارد تومان افزوده شد. با توجه به تداوم تلاطم های ارزی تا انتهای تابستان، انتظار تکرار این روند تا پایان شهریور دور از انتظار خواهد بود. در مقابل باید گفت کاهش رشد شبه پول روی تسهیلات دهی بانک ها تاثیر منفی می گذارد. در واقع با تبدیل سپرده های بلندمدت به کوتاه مدت منابع قابل اتکای بانک ها و تسهیلات دهی بانک ها کاهش می یابد و در ماه های آتی رشد نقدینگی را هم متاثر می سازد و سرعت رشد نقدینگی را کاهش می دهد؛ که بی ارتباط با کاهش نرخ رشد نقدینگی در تیرماه نیست. در واقع یکی از دلایل کاهش نرخ رشد نقدینگی در تیرماه را باید در کاهش سهم سپرده های مدت دار و به تبع آن کاهش سهم شبه پول جست و جو کرد.



نقدینگی در تیرماه سال گذشته با وجود رشد ۲۰،۳ درصدی که رقم بالایی است اما در طول چهار سال گذشته این پایین ترین نرخ رشد نقدینگی به حساب می آید؛ از این جهت تداوم کاهش نرخ رشد نقدینگی در ماه های آتی دور از انتظار نخواهد بود. نکته مهم دیگر در گزارش های تیرماه نشان می دهد که شبکه بانکی



بازار پول به دلیل ارتباط نزدیکی که بین متغیرهای پولی و نرخ ارز وجود دارد، در نیمه اول سال متأثر از نوسانات ارزی بوده است. طبق گزارش بانک مرکزی از وضعیت بازار پول در تیرماه سال جاری، ترکیب نقدینگی تحت تاثیر نوسانات بازارهای موازی چون ارز و طلا و ... به نفع جز سیال و تورم ساز پول تغییر کرده است. نقدینگی از مجموع دو متغیر پول و شبه پول تشکیل شده است. پول که شامل سکه و اسکناس در دست مردم و سپرده های دیداری است، در مقابل شبه پول که شامل سپرده های غیردیداری است انعطاف بیشتری برای حرکت به هریک از موقعیت های مصرف و پس انداز و سرمایه گذاری در سایر بازارها دارد. از این جهت افزایش سرعت رشد پول می تواند سیگنالی برای افزایش سرعت نرخ تورم تلقی گردد. طبق آخرین گزارش بانک مرکزی از وضعیت بازار پول در تیرماه (انتظار می رود تا شهریور روند مورد تحلیل، ادامه داشته باشد) حجم پول در این دوره با ۳۴،۷ درصد افزایش به ۲۱۴۹،۱ هزار میلیارد ریال رسیده است که بیشترین مقدار این متغیر در پنج سال گذشته به حساب می آید.

همچنین طبق گزارش بانک مرکزی افزایش ۱۰،۴ درصدی پول نسبت به پایان سال گذشته نشان می دهد، تحت تاثیر نوسانات بازارهای ارز از ابتدای سال جاری سپرده گذاران با انگیزه های موج سواری از تلاطم های ارزی با تبدیل سپرده های بلندمدت خود به سپرده های کوتاه مدت، بتوانند در مقابل موقعیت های مختلف انعطاف تصمیم گیری بیشتری داشته باشند. در مقابل افزایش سرعت و سهم پول، رشد شبه پول کاهش یافته است. به عبارت دیگر باید گفت کاهش رشد شبه پول، بیشتر به دلیل کاهش رشد سپرده های کوتاه مدت بوده است. بخشی از سپرده های غیردیداری شامل سرمایه گذاری کوتاه مدت و سرمایه گذاری بلندمدت است. براساس آمارهای بانک مرکزی در تیرماه ۴۵۰ هزار میلیارد تومان سپرده کوتاه مدت و ۸۳۱ هزار میلیارد تومان سپرده بلندمدت وجود دارد. نکته قابل توجه این است که در یک سال منتهی به تیرماه سال جاری رشد سپرده های کوتاه مدت رقم منفی ۲۳ درصدی را ثبت کرده است، این در حالی است که در تیرماه سال قبل رشد یک ساله سپرده های کوتاه مدت ۵۰ درصد گزارش شده بود، بررسی ها نشان می دهد که عمده سپرده های کوتاه مدت به سپرده های بلندمدت، همان سپرده های یک ساله اند، که تغییر چهره داده اند، زیرا رشد

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

در تیرماه آنچنان که باید نتوانسته در خدمت تولید باشد و عکس العمل منفعلانه‌ای در مقابل افزایش نرخ ارز و به تبع آن افزایش هزینه بنگاه‌های اقتصادی در چهارماه ابتدای سال داشته است. طبق گزارش‌های بانک مرکزی، در چهارماهه ابتدای سال، مانده تسهیلات اعتباری بانک‌ها و موسسات اعتباری تنها ۳۵ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است که در در مقایسه با اسفند سال گذشته تنها ۳,۳ درصد افزایش یافته است. همچنین با مقایسه درصد افزایش مانده تسهیلات اعتباری با درصد افزایش قیمت‌ها در چهارماهه ۹۷ که ۱۲,۳ درصد بوده است نشان می‌دهد تسهیلات حقیقی پرداختی منفی بوده است که نمایانگر افزایش فشارهای هزینه‌ای روی بنگاه‌های اقتصادی و تشدید مساله تنگناهای اعتباری شبکه بانکی است. در واقع شبکه پولی نتوانسته در پنج ماهه ابتدایی سال در خدمت بخش تولیدی باشد که در انتظار شوک‌های بیشتر طرف عرضه تحریم‌های اقتصادی است.

رفت که عمده آن به جابه‌جایی حساب‌های سپرده برمی‌گشت، نه جذب سپرده جدید. برآوردها از این حکایت داشت که بانک‌ها باید برای تأمین هزینه اختلاف پنج درصدی سود ایجاد شده بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان زبان بپردازند؛ چرا که محلی برای تأمین آن وجود نداشت. به هر حال سود تسهیلات ۱۸ درصدی منبع اصلی تغذیه سود سپرده است که بانک‌ها درباره این نرخ برای تأمین سود ۱۵ درصد نیز انتقاد داشتند تا اینکه قرار باشد نرخ سود سپرده حتی دو درصد بالاتر از تسهیلات قرار گیرد. با تشدید التهابات بازار ارز و با توجه به موعد سررسید سپرده‌های بلندمدت در شهریورماه، نگرانی‌ها در خصوص حرکت نقدینگی از شبکه بانکی به بازار ارز و طلا مجدداً بالا گرفت و بانک مرکزی مجدداً تمدید سررسید سپرده‌های بلندمدت را تا مهرماه تمدید کرد. در هر صورت بررسی‌ها نشان می‌دهد هزینه تجهیز منابع مالی بانک‌ها رو به افزایش است.



گزارش‌های بانک مرکزی از تیرماه نشان می‌دهد تنها در چهار ماه اول سال ۹۷ مطالبات معوقه، سررسید و مشکوک‌الوصول ۱۵۸ درصد افزایش یافته است. همچنین بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی در پایان تیرماه، به حدود ۲۸۴ هزار میلیارد تومان رسیده است، این رقم بدهی به بانک‌ها در مقایسه با اسفندماه پارسال، رشدی ۹,۷ درصدی را تجربه کرده است، در خصوص کاهش سهم سپرده‌های بلندمدت نیز اگرچه بانک‌ها نرخ سود پایین‌تری به تسهیلات پرداخت می‌کنند ولی افزایش سهم سپرده‌های کوتاه‌مدت نشان می‌دهد بانک‌ها برای دست یابی به منابع مالی با اتکالپذیری بالاتر و بالابردن جذابیت برای جذب منابع مالی بیشتر، باید نرخ سود بالاتری را پیشنهاد دهند. با توجه به سناریوهایی در خصوص تورم و چشم‌انداز افزایشی این متغیر که در ادامه به آن اشاره می‌شود، نرخ سود تسهیلات حقیقی نیز کاهش می‌یابد که نشان می‌دهد که با کاهش نرخ سود حقیقی تسهیلات، تقاضا برای آن افزایش می‌یابد. در نتیجه همانطور که اشاره شد واقعیت‌های اقتصادی موید افزایش نرخ سود بانکی است؛ چه بسا گزارش‌های میدانی منابع مختلف خبری حاکی از آن است که بانک‌ها حساب‌های سپرده را با نرخ‌های بالا و غیرمتعارف باز کرده‌اند؛ بطوری که به روال یک ماه قبل مشتریان بانک‌ها با پیشنهاد سودهای ۲۳ درصدی مواجه می‌شوند در حالی که نرخ سود متعارف در شبکه بانکی ۱۵ درصد است.

سال	نرخ تورم	میلگین سود سپرده یک تا ۵ سال	مابه‌التفاوت سود سپرده و تورم	میلگین سود تسهیلات	مابه‌التفاوت سود تسهیلات و سپرده
۱۳۹۱	۳۰,۵	بیش از ۲۰	حد اکثر ۱۰,۵-	نرخ مصوب ۱۴ و ۱۵	-
۱۳۹۲	۳۴,۷	۲۲,۵	۱۲,۲-	حداقل ۲۳	-۱۱,۷
۱۳۹۳	۱۵,۶	۲۲	۶,۴	حداقل ۲۲	۶,۴
۱۳۹۴	۱۵,۴	حداقل ۲۰	حداقل ۴,۶	۲۶	۱۰,۶
۱۳۹۵	۹,۵	۱۸	۸,۵	۲۳	۱۳,۵
۱۳۹۶	۹,۶	۱۵	۵,۴	۱۸	۸,۴
شهریور ۱۳۹۷	۱۳,۵	۱۵	۱,۵	۱۸	۴,۵

تسهیلات اعطایی بانک‌ها و موسسات اعتباری به تفکیک عقود اسلامی				
	درصد تغییر به اسفند ۱۳۹۶	مانده در پایان		تیر ۱۳۹۷ سهم از مانده
		اسفند ۱۳۹۶	تیر ۱۳۹۷	
بانک‌ها و موسسات اعتباری	۳,۳	۱۰۸۲۳,۲	۱۱۱۷۵,۷	۱۰۰
قرض الحسنه	۷	۵۹۵,۲	۶۳۷,۱	۵,۷
مضاربه	۰,۲	۱۷۰,۷	۱۷۱,۱	۱,۵
سلف	۱۵	۶۴,۱	۷۳,۷	۰,۷
مشارکت مدنی	-۴,۶	۴۰۹۲,۱	۳۹۰۵,۸	۳۴,۹
جعاله	۹,۰	۴۴۸,۷	۴۸۹	۴,۴
فروش اقساطی	۶,۱	۲۸۶۳,۰	۳۰۳۸,۲	۲۷,۲
مرابحه	۷,۸	۸۷۲,۹	۹۴۱,۰	۸,۴
استصناع	۰,۰	۱,۳	۱,۳	۰,۰
اجاره به شرط تملیک	۱۲,۴	۳۵,۶	۴۰	۰,۴
مشارک حقوقی	-۱,۴	۳۱۷,۶	۳۱۳,۳	۲,۸
سرمایه‌گذاری مستقیم	-۰,۹	۸۰,۳	۸۱	۰,۷
سایر	۱۵,۸	۱۲۸۱,۷	۱۴۸۴,۲	۱۳,۳

منبع: بانک مرکزی

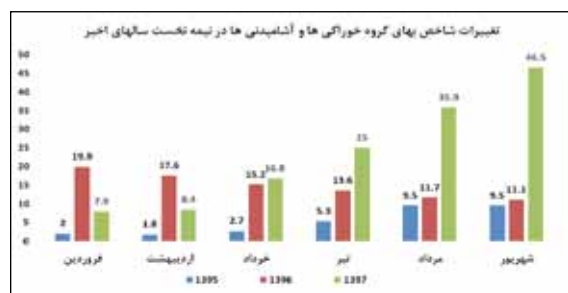
دو متغیر قیمتی مهم بازار پول یعنی نرخ سود بانکی و تورم نیز سیگنالهای افزایشی آن زده شد. متغیرهای بازار پول نشان می‌دهد، تنها سناریوی غیرممکن برای نرخ سود بانکی کاهش این متغیر است. حدود دو سال است که نرخ سود سپرده در بانک‌ها تغییری نکرده و ۱۵ درصد برای سپرده‌های یک ساله و ۱۰ درصد برای کوتاه‌مدت ثابت باقی مانده است. همچنین با توجه به انحرافی که بانک‌ها در پرداخت سود داشتند در شهریورماه سال گذشته بانک مرکزی در بخشنامه‌ای به بانک‌ها تکلیف کرد که باید از این نرخ‌ها تبعیت کرده و سودهایی که در ارقام بالاتر و متفاوت از دستورالعمل در حال پرداخت در شبکه بانکی بود به نرخ‌های مصوب بازگردد. گرچه بانک‌ها در آن زمان برای ممانعت از خروج سرمایه بخشی از سپرده‌های کوتاه‌مدت را به مدت‌دار یک ساله تبدیل کردند؛ اما به مرور برخی هیجانات در بازار ارز یا سکه و نگرانی‌هایی در خصوص اینکه کاهش دستوری نرخ سود بانکی موجب تحریک مردم برای آوردن سرمایه‌های خود به بازارهای می‌شود. بر این اساس در بهمن‌ماه سال گذشته بود که بانک مرکزی در سیاست ارزی که برای کنترل بازار ارز به مرحله اجرا درآمد، انتشار اوراق گواهی سپرده ۲۰ درصد به مدت یک هفته را در بانک‌ها در دستور کار قرار داد تا در این مدت بتوانند با سودی که پنج درصد از نرخ سود سپرده بالاتر بود سرمایه‌های سرگردان را به شبکه بانکی جذب کنند. در این فاصله حدود ۲۳۰ هزار میلیارد تومان اوراق گواهی سپرده با نرخ سود سالانه ۲۰ درصد فروش

شاخص تورم در ماه‌های آتی را حدس زد و پیش‌بینی کرد. تورم نقطه به نقطه تولید اگرچه از آذرماه پارسال روندی افزایشی داشته اما از خردادماه امسال، تورم نقطه به نقطه تولید، با جهشی شدید مدام در حال تغییر کانال‌های نوسانی خود بوده و در نهایت در شهریورماه امسال، وارد کانال ۴۴ درصدی شده است. روند تورم ماهانه نیز نشان از آن دارد که از خردادماه امسال به این سو، اعداد و ارقام مربوط به افزایش هزینه‌های ماهانه تولید با اعداد و ارقامی کم‌سابقه، افزایش یافته است.



۳- افزایش سهم سپرده‌های کوتاه‌مدت و کاهش یافتن سهم سپرده‌های بلندمدت که موجب افزایش یافتن سهم پول جز تورم زای نقدینگی می‌شود.

۴- افزایش قابل توجه در میان گروه‌های کالایی با وزن بالا از جمله مسکن و گروه کالایی خوراکی و آشامیدنی که موجب خواهد شد سرعت افزایش نرخ تورم افزایش یابد. گروه خوراکی و آشامیدنی با داشتن وزن تقریبی ۲۵ درصد بعد از مسکن صاحب بالاترین وزن در میان گروه‌های کالایی شاخص مصرف‌کننده است. افزایش چشمگیر این گروه کالایی به دلیل همبستگی بالایی که با نرخ ارز دارند و همچنین به دلیل ماهیت پرمصرف بودن، روی انتظارات تورمی نیز تاثیر می‌گذارد. همچنین در ماه‌های اخیر در پی کاهش ارزش پول ملی ایران، اخباری مبنی بر افزایش ورود مسافر و توریست از مرزهای کشورمان، به ویژه مرزهای غربی منتشر شد؛ که موجب افزایش تقاضای کالاهای خوراکی و آشامیدنی شده است.



۵- مباحث مربوط به انتظارات تورمی با توجه به اخبار تحریم‌های اقتصادی و نرخ ارز

روند متغیر تورم یا شاخص قیمت مصرف‌کننده در نیمه اول از ماه اردیبهشت ماه افزایشی بوده است. اما جهش تورمی جاری از سومین ماه سال آغاز شد بطوری که با افزایش ماهانه تغییرات شاخص کل شاهد افزایش سرعت نرخ رشد تورم بوده‌ایم. شاخص قیمت در پایان اردیبهشت ماه به عدد ۱۱۷.۵ واحد رسید، بطوری که رشد ماهانه شاخص قیمت در این ماه حدود ۱۰.۶ درصد بود اما از این ماه به بعد شاخص قیمت در مقیاس ماهانه رشد‌های قابل توجهی را تجربه کرده است. بطوری که تورم ماهانه خرداد ۳۴ درصد، تورم ماهانه تیر ۳۴ درصد، مرداد ۵۵ درصد و شهریور ۶۱ درصد بوده است. در نهایت در پایان شهریور شاخص قیمت به عدد ۱۴۱.۹ افزایش یافت؛ به این معنی که رشد شاخص قیمت در ۴ ماه منتهی به شهریور سال جاری حدود ۲۱ درصد بوده است. این حجم از جهش ۴ ماهه شاخص قیمت در ۲۷ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. به دنبال این روند جهشی، تورم نقطه به نقطه در شهریورماه از مرز ۳۰ درصد عبور کرد و به ۳۱.۴ درصد رسید. تورم سالانه نیز که در مردادماه معادل ۱۱.۵ درصد بود در آخرین ماه تابستان به ۱۳.۵ درصد افزایش یافت. نکته قابل توجه افزایش چشمگیر تورم‌های ماهانه است که سرعت افزایش تورم را محتمل کرده است. تداوم این روند در نیمه دوم امسال یعنی حفظ روند تورم ماهانه در کانال ۵ درصدی، می‌تواند نرخ تورم نقطه به نقطه‌ای حتی تا بیش از ۵۰ درصد و تورم متوسطی در محدوده بالای ۳۰ درصدی را رقم بزند. برای ادامه سال مهم‌ترین متغیرهایی که می‌تواند روی نرخ تورم تاثیر بگذارد عبارتند از: ۱- ارتباط روند تغییراتی تورم نقطه به نقطه و تورم دوازده ماهه نشان می‌دهد که تورم نقطه به نقطه در مقایسه با تورم سالانه شاخص پیش‌نگر محسوب می‌گردد و تغییرات تورم نقطه به نقطه با یک وقفه روی تورم دوازده ماهه تاثیر گذاشته است. با این واصل جهش تورم مصرف‌کننده با توجه به تغییرات جهش وار نرخ تورم نقطه به نقطه در شهریورماه، انتظار می‌رود تورم دوازده ماهه نیز در ماه‌های آتی با سرعت بیشتری افزایش یابد.



۲- شاخص بهای تولیدکننده، برای شاخص بهای مصرف‌کننده یا شاخص تورم، شاخصی پیش‌نگر به حساب می‌آید و از تحولات شاخص بهای تولیدکننده یا اصطلاحاً تورم تولید می‌توان حرکت



سرمقاله

اقتصادسیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

سرمقاله

اقتصادسیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



مطالبه‌گری بخش خصوصی در اوج

منفعت آنها را لحاظ کند و این درک پدیدار شده است که رانت‌جویی کوچک می‌تواند خسارت‌های بزرگ فراهم کند. این پختگی درک و فهم بخش خصوصی در تعامل با نهاد دولت راه را برای اوج‌گیری مطالبه‌گری اتاق هموار کرده است. بخش خصوصی از دولت می‌خواهد به جای اعمال قیمت‌های دستوری بر نرخ ارز، نرخ خوراک پتروشیمی و نرخ فولاد و فرآورده‌های پتروشیمی که هر کدام از آنها فسادزا هستند بهتر است آزادسازی را در دستور کار قرار دهد. نامه‌های چهارگانه غلامحسین شافعی به دولت را می‌خوانید:

اقتصاد کم می‌شود تشکلهای کارفرمایی نیز می‌توانند حرف‌های بی‌رودربایستی‌تری بزنند. از طرف دیگر این واقعیت برای همه روشن شده است که تشکلهای بزرگ قانونی بخش خصوصی می‌توانند و باید با استفاده از توانایی کارشناسان و توانایی و انگیزه مدیران بنگاه‌ها به لحاظ کارشناسی با دولت مقابله کنند و به همین دلیل برخوردها از موضع برابری انجام می‌شود. مهم‌تر از همه اینها اما درک دقیق و درستی است که تشکلهای کارفرمایی از ذات دولت‌ها پیدا کرده‌اند و می‌دانند که نباید از دولت انتظار داشت

دوران چسبندگی ناگزیر و فرمانبرداری بدون چون و چرای بخش خصوصی از نهاد دولت در ایران نیز سپری شده است و در شرایط حاضر بنگاه‌ها، شهروندان و نهادهای کارفرمایی و کارگری به دلایل گوناگون با نهاد دولت برخوردهای برابری را دست‌کم در لفظ دارند. در شرایطی که معلوم شده است نهاد دولت و مدیران دولت‌ها ماندگاری و توسعه منافع سازمان‌ها و شرکت‌ها و موسسه‌های دولتی را بر هر منفعت و مقوله دیگری ترجیح می‌دهند و در فضایی که سهم دولت‌ها در بخش

در نامه غلامحسین شافعی به اسحاق جهانگیری عنوان شد

۸ پیشنهاد اتاق ایران برای اصلاح طرح پیمان سپاری ارزی



رئیس اتاق ایران طی نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهور، ضمن اشاره به محدودیت‌های سیستم بانکی کشور برای نقل و انتقالات کارآمد پولی و همچنین عدم وجود بستر لازم برای اجرای دستورالعمل طرح پیمان سپاری ارزی، خواستار اعمال اصلاحاتی در این طرح شد.

رئیس اتاق ایران طی نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهور، ضمن اشاره به محدودیت‌های سیستم بانکی کشور برای نقل و انتقالات کارآمد پولی و همچنین عدم وجود بستر لازم برای اجرای دستورالعمل طرح پیمان سپاری ارزی، خواستار اعمال اصلاحاتی در این طرح شد.

رئیس اتاق ایران طی نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهور، ضمن اشاره به محدودیت‌های سیستم بانکی کشور برای نقل و انتقالات کارآمد پولی و همچنین عدم وجود بستر لازم برای اجرای دستورالعمل طرح پیمان سپاری ارزی، خواستار اعمال اصلاحاتی در این طرح شد.

غلامحسین شافعی در نامه خود به اسحاق جهانگیری، ضمن تاکید بر ضرورت اجتناب از صدور بخشنامه‌های پیاپی بدون توجه به سازوکارهای اجرایی آنها، با ارائه ۸ راهکار خواستار اصلاح دستورالعمل ابلاغی بانک مرکزی شده است. در این نامه آمده است: با توجه به کاستی‌های موجود، اتاق ایران با اجرای طرح پیمان سپاری بدون حل و فصل تنگناهای آن، موافق نیست. لذا در شرایط کنونی و به منظور احتراز از تجربه ناموفق پیمان سپاری ارزی در گذشته، چنانچه

ارزی صادرکنندگان و برگشت ارز حاصل از صادرات کالا به چرخه اقتصادی کشور و همچنین در راستای اجرای فرامین مقام معظم رهبری در خصوص استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در مسائل اقتصادی، موارد زیر به عنوان پیشنهادات بخش خصوصی از جانب اتاق ایران به استحضار می‌رسد: الف) بایسته است به این مهم توجه گردد که دستورالعمل‌های صادر شده نباید با شرایط اقتصادی و بسترهای حاکم در تضاد باشد. در شرایطی که سیستم بانکی کشور به دلیل محدودیت‌های ایجاد شده، امکان نقل و انتقالات کارآمد پولی را ندارد، چگونه انتظار می‌رود صادرکنندگان ارز خود را به چرخه اقتصاد بازگردانند. این درحالی است که معمولاً فرماندهان

برابر با دستورالعمل صادره الزام به اجرای آن وجود دارد، پیشنهاد می‌شود موارد مورد نظر اتاق ایران در آن لحاظ شود.

متن کامل نامه شافعی به شرح زیر است:

جناب آقای دکتر جهانگیری

معاون اول محترم رئیس‌جمهوری و فرمانده اقتصاد مقاومتی
سلام علیکم؛

احتراما و با آرزوی توفیق الهی و با تشکر و قدردانی از تلاش‌های بی‌شائبه جنابعالی در خصوص حل مشکل فعالان اقتصادی کشور، در ارتباط با دستورالعمل شماره ۹۷/۲۰۸۴۲۱ مورخ ۱۳۹۷/۶/۱۸ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با عنوان دستورالعمل و ضوابط اجرایی رفع تعهد

پایان عشق یک طرفه

◆ نهاندیان متحد لاریجانی و رئیس دولت دهم

محمد نهاندیان پس از یک دوره طولانی که ریاست اتاق در اختیار طیف قدیمی اعضای اتاق بود توانست با آرای بازرگانان و صنعتگران به ریاست اتاق برسد. این مرد که بازرگانی بلد نبود و بنگاهدار نیست اما اقتصاد کلان را می‌فهمید و از همه مهم‌تر و با خوش‌شانسی مواجه شد و در دوره‌ای ریاست اتاق را برعهده گرفت که علی لاریجانی رئیس مجلس قانونگذاری بود. نهاندیان با لاریجانی دست‌کم به طور آشکار در دو مرکز بسیار بااهمیت مثل صدا و سیما و شورای امنیت ملی همکار بود و این دو به هم اعتقاد داشتند. اعتماد به یکدیگر راه را برای نهاندیان باز کرد تا بتواند با کمک مجلس وقت یکی از مهم‌ترین قانون‌ها را به نفع بخش خصوصی از اتاق بگیرد. این قانون مشهور به قانون

بهبود فضای مستمر کسب و کار به اتاق بازرگانی قوت و نیرو داد تا بتواند سطح مطالبه‌گری در برابر نهاد دولت را افزایش داده و پرچم تعامل با این نهاد را در ارتقاع بالاتری قرار دهد. اما این پیروزی در یک جبهه تازه که عامل آن اتحاد ذهنی لاریجانی و نهاندیان بود در دو سال آخر فعالیت دولت دهم با شرایط عجیبی مواجه شد. دولتی‌های متصل به اندیشه و رفتار رئیس دولت دهم در شرایطی که باید به نص صریح قانون یادشده عمل و همچنین برخی از مواد قانون برنامه پنجم توسعه عمل می‌کردند اما در عمل بایکوت برخی نهادهای پیش‌بینی و تشکیل شده را در دستور کار قرار دادند. گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی در دولت دهم یک روش بود که به راهبرد تبدیل شد و برخلاف مفاد قانون که دولت باید در هر تصمیم‌گیری به شکل مربوطه که فعالیت‌هایش در ذیل آن تصمیم قرار می‌گرفت،

◀ اگر برای بخش خصوصی ایران یک روح کلی در نظر بگیریم می‌توان با کمی مدارا و مهربانی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی را حامل آن روح کلی بدانیم. این نهاد قدیمی ایرانی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی دو دوره متفاوت از روش‌ها و راهبردها را تجربه کرده است در شرایط حاضر تبلور و نمادی از روح کلی بخش خصوصی ایران شده است. در دوره دوم زندگی اتاق که پس از کنار رفتن علی تقی‌خاموشی ریاست سنتی اتاق از سال‌های بلافاصله پس از انقلاب تاروی کار آمدن محمد نهاندیان نیز البته تحولات قابل توجهی در دیدگاه این اتاق دیده می‌شود. حالا که در وضعیت تازه‌ای از مناسبات بخش خصوصی و نهاد دولت و حتی تا اندازه‌ای نهاد حکومت قرار داریم نکاتی را به طور مختصر در دوره جدید یادآور می‌شویم.

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریر

روزگار صنعت

ایران در جهان

در زمان جنگ و تنگ‌تر شدن حلقه محاصره، آزادی عمل بیشتری به سربازان خود می‌دهند تا از محاصره خارج شوند.

ب) بخشنامه‌های پیاپی که هریک به نحوی از انحاء، فعالیت بخش واقعی اقتصاد را تحت الشعاع قرار می‌دهند، باید حداقل‌سازی شوند تا فضای عدم اعتماد به سیاست‌های اقتصادی، تجاری و ارزی در جامعه ایجاد نگردد.

ج) عدم توفیق بسیاری از طرح‌ها، نبود بستر مناسب در مرحله اجرا است. نگاهی به گذشته طرح پیمان‌سپاری، دال بر اثبات این مساله است. بی‌توجهی به سازوکارهای اجرایی دستورالعمل‌ها نه تنها موجب می‌گردد طرح‌های ملی در مقام عمل ناکام بمانند، بلکه ممکن است در شرایط فعلی، به مصداق بارز خودتحریمی تبدیل شوند و آنجایی که تمام عزم کارشناسی و اجرایی باید جزم گردد تا گره‌ای از مشکلات کشور باز کند، بی‌دقتی‌هایی از این دست می‌تواند به تعمیق شکاف میان رویکردهای کلان و مکانیسم‌های اجرا بیانجامد و انحرافات بی‌چون چاقچاق صادرات را ترویج دهد.

با عنایت به آنکه توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی تنها راه گریز از اقتصاد تک‌محصولی است و بالاخص در شرایط تحریم‌های خارجی که عملاً نقل و انتقالات بانکی کشور را دشوار نموده، نحوه بازگشت ارز به چرخه اقتصاد کشور باید مورد بازبینی قرار گیرد. با توجه به کاستی‌های موجود، اتاق ایران با اجرای طرح پیمان‌سپاری بدون حل و فصل تنگنای آن، موافق نیست. لذا در شرایط کنونی و به منظور احتراز از تجربه ناموفق پیمان‌سپاری ارزی در گذشته، چنانچه برابر با دستورالعمل صادره الزام به اجرای آن وجود دارد، پیشنهاد می‌شود موارد زیر در آن لحاظ شود:

۱- مدت زمان بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد کشور که در بند (۳) دستورالعمل مذکور سه ماهه در نظر گرفته شده است، محدود بوده و عملاً اجرایی نیست. کالاهای با توجه به ماهیت و شرایط فروششان، زمان بیشتری را برای بازگشت ارز به چرخه اقتصاد کشور نیاز دارند. بر این اساس، لازم است بازه‌های زمانی متفاوتی (۶ ماهه، ۹ ماهه و یک‌ساله) متناسب با نوع کالا در نظر گرفته شود.

۲- اجرای بند (۴) دستورالعمل مزبور به خصوص بخش (الف) آن، شرایط را برای صادرکنندگان در رفع تعهد صادراتی دشوار می‌نماید. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود صادرکنندگان از طریق واردات در مقابل صادرات خود یا واگذاری پروانه‌های صادراتی به واردکنندگان دیگر هم‌زمان با تسهیل کامل فرآیند ثبت سفارش و حداقل بوروکراسی حاکم بر فرآیند ثبت سفارش برای افراد اعم از حقیقی و حقوقی انجام شود و همچنین فرآیند واردات برای صادرکنندگان تسهیل گردد.

۳- صادرات به کشورهایی مانند عراق، افغانستان، کشورهای منطقه CIS و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که از بسیاری از مواقع با استفاده از ریال جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود، نمی‌تواند مشمول حکم بازگشت ارز به چرخه اقتصادی کشور گردد. به عبارت بهتر، با اجرای دستورالعمل موصوف، صادرات به کشورهای مذکور با مشکل و احیاناً با توقف روبرو خواهد شد.

۴- چنانچه مقرر شود ارز حاصل از صادرات بخش خصوصی نیز مشمول پیمان‌سپاری شود، اختصاص ۵ درصد ارزش فوب کالاهای صادراتی به تأمین هزینه‌هایی مانند بازاریابی، تبلیغات و دفاتر خارج از کشور و نظایر آن کافی نخواهد بود و شایسته است این رقم به حداقل ۱۰ درصد افزایش داده شود.

۵- قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی تنها مبتنی بر نرخ ارز تعیین شده در سامانه نیما صورت پذیرد. ۶- از آنجا که دریافت ارز برای واردکنندگان به فرآیندی زمان‌بر و دشوار تبدیل شده است، در راستای شفاف‌سازی بیشتر و اعتمادسازی در جامعه، در زمینه اعلام فهرست دریافت‌کنندگان ارز شفاف‌سازی صورت گیرد و واردکنندگان بتوانند این اطلاعات را در سامانه‌های مرتبط دریافت کنند.

۷- دستورالعمل مزبور در خصوص صادراتی که به دلایل مختلف منجر به سوخت مطالبات می‌شود (به دلایلی مانند عدم پایبندی خریدار به تعهدات پرداختی خود، فاسد شدن کالای صادر شده در فرآیند صادرات و...) مسکوت است. لذا، لازم است راهکارهایی برای آن دسته از صادرکنندگانی که دارای ادله مثبتیه در این خصوص هستند، ارائه گردد.

۸- دریافت تعهد محضری از صادرکنندگان حقیقی و مدیران عمال اشخاص حقوقی اعم از واحدهای تولیدی و بازرگانی برای هر بار صادرات مستلزم مراجعه مکرر ایشان به دفاتر ثبت اسناد بوده و در نتیجه اتلاف منابع و سرمایه‌های ملی (وقت، هزینه و...) را به همراه خواهد داشت.

در پایان امید است با عنایت به موارد مطرح شده، گامی در راستای حل مشکلات بخش خصوصی برداشته شود و فضای نااطمینانی که امروز گریبان جامعه کسب‌وکار کشور را گرفته است به فضایی از امید و اطمینان به سیاست‌های دولت تغییر یابد. مزید تأییدات جنابعالی را از خداوند متعال مسألت دارم.

غلامحسین شافعی
رئیس اتاق بازرگانی، صنایع

این ماده قانونی را نیز نادیده گرفت. یک گزارش کارشناسانه از طرف اتاق بازرگانی درباره بیکاری صنعتی و شمار قابل اعتنايي از بنگاه‌هایی که در سال‌های اوج تحریم آمریکا و سیاست‌های ارزی در شرایط تعطیل قرار گرفته‌اند خشم دولت وقت را برانگیخت و رفتار و گفتارهای آزاردهنده علیه روح کلی بخش خصوصی آغاز شد. شعارهایی مبنی بر اینکه بازرگانان ضد تهیدستان هستند و تلاش‌هایی برای تضعیف این نهاد که همراه امپریالیسم است راهکارهای مقابله با اتاق بود.

♦ دولت یازدهم و اتاق

در حالی که اتاق بازرگانی به مثابه روح کلی بخش خصوصی در ۲ سال آخر فعالیت دولت دهم روزهای سختی را سپری می‌کرد و دولت هر راهی برای تعامل با این نهاد را مسدود می‌کرد و با موازی کاری و دادن اختیارات به نهادهایی که خود را رقیب اتاق می‌دانستند راه تضعیف عملی را در پیش گرفته

رئیس‌جمهور که مروج اقتصاد خصوصی و دیگر مردان بود دل بخش خصوصی را ربود و اتاق و دولت دوران ماه عسل را شروع کردند. به مرور و با توجه به فرو نشستن هیجان‌های نخستین به مرور اما معلوم شد که از طرف حسن روحانی آن وعده‌ها چندان عمیق نبوده است. رئیس دولت یازدهم به رغم دعوت‌های مکرر اتاق اما هرگز حاضر نشد به این نهاد بیاید و روی در روی فعالان بخش خصوصی قرار گیرد. در همان ماه‌های اول اما معاون اول رئیس‌جمهور در اتاق ایران حاضر شد و حتی در اولین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی هم تیم اقتصادی را نیز با خود به اتاق آورد. این روزهای خوش اما به مرور عادی و عادی‌تر شد و بخش خصوصی به این درک رسید که نهاد دولت ذاتی غیرقابل آشتی با نهادهای مدنی دارد و این یک رفتار ذاتی است که دولت می‌خواهد منافع خویش را حداکثر کند.

ادامه در صفحه ۲۶

بود اما انتخابات بهار ۱۳۹۲ صفحه تازه‌ای در تاریخ اتاق باز کرد. حسن روحانی کاندیدای اصلی جریان سیاسی مشهور به اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان در شرایطی قرار گرفت که محمد نهاوندیان را در صف موافقان و پشتیبانان خود دید. محمد نهاوندیان در شرایط مبارزات انتخابات ریاست جمهوری یازدهم حسن روحانی را متقاعد کرد که با استناد به قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار از بخش خصوصی حمایت کند و وعده دهد که در صورت پیروزی این قانون را اجرایی خواهد کرد. محمد نهاوندیان، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران اما در کمال ناباوری خود را در کاخ ریاست جمهوری و ریاست دفتر رئیس‌جمهور دید و البته اعضای مهم بخش خصوصی و روح کلی یعنی اتاق از این انتصاب استقبال کرد. حضور مردانی مثل اسحاق جهانگیری در مقام معاونت اول ریاست جمهوری که سابقه خوبی در تعامل با بخش خصوصی داشت و حتی حضور مسعود نیلی در مقام مشاور اقتصادی



۶ پیشنهاد اتاق برای و قیمت گذاری در زنجیره صنعت پتروشیمی

جهانگیری به این شرح است:

جناب آقای دکتر اسحاق جهانگیری

معاون اول محترم رئیس جمهوری اسلامی ایران
با سلام و احترام،

همان طور که مستحضردین زنجیره صنعت پتروشیمی کشور همواره با مشکلاتی روبرو بوده است که به واسطه سیاست های ارزی و تجاری و همچنین قیمت گذاری دستوری در ماه های اخیر بسیار برجسته و حاد شده اند. از یکسو تخصیص خوراک گاز به نرخ معادل هر دلار ۳۸۰۰۰ ریال به این صنعت شائبه رانت دارد و از سوی دیگر نرخ گذاری محصولات پتروشیمی در

پتروشیمی ناشی از سیاست های ارزی، تجاری و قیمت گذاری در این صنعت، خواستار تغییر این سیاست ها شد و در این رابطه راهکارهایی پیشنهاد کرد.

غلامحسین شافعی در نامه خود به اسحاق جهانگیری همچنین به پیشنهاد های ۱۰ گانه سال گذشته اتاق ایران در زمینه ساماندهی زنجیره ارزش پتروشیمی و صنایع فولادی کشور اشاره کرده و خواستار توجه دولت به این پیشنهادات و اجرای آنها شده است.

متن کامل نامه غلامحسین شافعی به اسحاق

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با ارسال نامه ای به معاون اول رئیس جمهور، با اشاره به مشکلات ایجاد شده برای صنایع کوچک و متوسط و مصرف کننده نهایی زنجیره صنعت پتروشیمی ناشی از سیاست های ارزی، تجاری و قیمت گذاری در این صنعت، خواستار تغییر این سیاست ها شد.

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با ارسال نامه ای به معاون اول رئیس جمهور، با اشاره به مشکلات ایجاد شده برای صنایع کوچک و متوسط و مصرف کننده نهایی زنجیره صنعت

ادامه از صفحه ۲۵

به این ترتیب بود که با رفتن نهائندان از اتاق دوران ماه عسل نیز پایان یافت. دولت در چند مورد به رغم درخواست بخش خصوصی که نظام قیمت گذاری و نظارت بر تولید و توزیع کالا را ملغی کنند به این درخواست ها جواب نداد. دولت در جریان ورود سیل آسای شرکت های اروپایی، آسیایی و سایر مناطق به ایران حاضر نمی شد که سرمایه گذاران را به بخش خصوصی وصل کند و تلاش مردان میانی دولت این بود که راه سرمایه گذاران به نهادهای عمومی و بنگاه ها و سازمان ها و موسسه های دولتی را هموار کند و بخش خصوصی را دور نگه دارند.

♦ نوبت عاشقی دو طرفه

واقعیت این است که روسای اتاق بازرگانی پس از نهائندان در تعامل با دولت در مسیر و راهی رفتند که از سوی رئیس دفتر رئیس جمهور و رئیس اسبق اتاق ریل گذاری شده بود. اتاق بازرگانی به رغم برخی

شد. دولت دوازدهم اما چند تغییر داشت و مهم ترین آن رفتن نهائندان از ریاست دفتر رئیس جمهور و انتصاب وی به معاون اقتصادی رئیس دولت بود. این منصب تازه موجب شد نهائندان دیدارهای کمتری با ریاست دولت داشته باشد و به مرور بخش خصوصی نیز متوجه شد دولت دوازدهم آن گرمی سابق و حتی ظاهری به بخش خصوصی را نیز از دست داده است. تغییر نقش معاون اول رئیس دولت از مقام اول امور اقتصادی و کمرنگ شدن نقش و سهم مسعود نیلی و کنار رفتن علی طیب نیا وزیر اقتصاد از این منصب آن پیوندهای وثیق دولت و اتاق را از عادل خارج کرد.

♦ انتظارات و مطالبه گری

در همه ماه ها و هفته های تازه سپری شده از بهار ۱۳۹۶ تا امروز که دولت دوازدهم فعالیت می کند بخش خصوصی ایران در شرایط دشواری قرار گرفت که سهم سیاست گذاری ضعیف دولت در این سخت تر شدن روزگار نقش زیادی داشت. دولت در سیاست های

بی مهری هایی که در دولت یازدهم می دید امیدوار بود نهائندان سرانجام راه های آشتی بیشتر رئیس دولت و بعضی اعضای سرسخت تر دولت را با اتاق هموار کند. بخش خصوصی ایران در همه دوران دولت یازدهم امیدوار بود و عشقی یک طرفه را به دولت ابراز می کرد. دولت برخلاف آنچه که می گفت اما هرگز کاری نکرد که بخش خصوصی امیدوار شود اما درها را نیز نمی بست. تعارف های بزرگ اعضای اصلی اتاق مثل معاون اول و حضور چند باره وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت یازدهم و حتی وزیر جهاد کشاورزی و معاون اجرایی وقت و به ویژه تعامل نزدیک یک وزیر اقتصاد دولت یازدهم با اتاق در شورای گفت و گو ادامه این عشق یک طرفه را ممکن کرده بود. اما با همه اینها اتاق به تکلیف مشورت دادن به دولت عمل می کرد و انتقادهای را نیز بیان می کرد. در حالی که دولت یازدهم رفتاری کجدار و مریز با اتاق که روح کلی بخش خصوصی ایران است را ادامه می داد دولت دوازدهم تالیس

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



بورس کالا بر مبنای نرخ معادل هر دلار ۴۲۰۰۰ ریال موجب ایجاد رانت دیگری در توزیع و فروش محصولات شده است که با وجود نیت دولت محترم در بهره جستن صنایع پایین دستی پتروشیمی از این قیمت و بالنتیجه کاهش قیمت تمام شده تولید ایشان و تسری قیمت به مصرف کننده نهایی، این اتفاق نیفتاده است و با کمال تأسف در روش هایی کاملاً غیر قابل دفاع، رانت فروش محصولات پتروشیمی در بورس کالا تنها نصیب عده ای تولید کننده نما شده است که با در دست داشتن پروانه های بهره برداری واحدهای غیر فعال و به شیوه های غیر شفاف، این محصولات را در بورس خریداری کرده و با قریب به ۱۰۰٪ سود آنها را در بازار آزاد به فروش می رسانند.

و خریدار این کالا در بازار آزاد، تولید کننده های واقعی هستند که سرشان از این قیمت گذاری دستوری کلاه مانده است. همچنین توجیه بالای صادرات مواد اولیه پتروشیمی ناشی از تولید با خوراک ۳۸۰۰ تومانی و صادرات به مآخذ قریب به ۸۰۰۰ تومان (سنا) و بعضاً بالاتر، منطق عرضه کافی این مواد در بازار داخل را به کلی از بین برده است و واحدهای پتروشیمی را بیش از گذشته به سمت صادرات مواد مورد نیاز تولید داخل سوق داده است.

اتفاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران به عنوان نهاد بالادستی بخش خصوصی و تشکل تشکل های کل زنجیره تولید، تأمین و عرضه این حوزه، بر اساس بررسی های به عمل آمده در کمیسیون مربوطه و جمع بندی در هیات رئیسه، معتقد است که شیوه کنونی نه تنها موجب تضییع حقوق دولت و سرمایه کشور گردیده بلکه هیچ فایده ای را نیز برای صنایع کوچک و متوسط، مصرف کننده نهایی و شهروندان به همراه نیاورده است و لذا به جد خواستار اصلاح سریع وضعیت کنونی است و در این راستا پیشنهاد های زیر را تقدیم می نماید:

۱- تغییر نرخ خوراک واحدهای پتروشیمی از معادل دلار ۳۸۰۰۰ ریال به نرخ بازار ثانویه

۲- تغییر نرخ محاسبه فروش مواد پتروشیمی در بورس کالا از معادل دلار ۴۲۰۰۰ ریال به نرخ بازار ثانویه

۳- برداشتن سقف رقابت قیمت در بورس کالا برای جلوگیری از شکل گیری رانت جدید در عرضه محصولات پتروشیمی

۴- غربالگری پروانه های بهره برداری صنایع پایین دستی با اتکا به اظهار نامه های مالیات بر ارزش افزوده دارندگان این پروانه ها، به نحوی که فعال بودن واحد مربوطه با احراز فروش محصولاتش و وصول و واریز

مالیات ارزش افزوده مزبور احراز و پروانه های صوری از رده خارج گردد.

۵- لغو معافیت مالیاتی صادرات مواد اولیه پتروشیمی به جهت برابر شدن مطلوبیت فروش این مواد در داخل کشور با صادرات آن ها

۶- لغو استرداد مالیات ارزش افزوده صادرات مواد اولیه پتروشیمی به جهت حفظ رقابت پذیری تولید صنایع پایین دستی پتروشیمی. لازم به ذکر است در صورت تحقق این بند، دولت محترم می تواند معادل اثر هزینه ای آن را در تعیین نرخ خوراک واحدهای پتروشیمی لحاظ و تعدیل لازم را به عمل آورد.

یادآوری می نماید که اتفاق ایران پس از یک کار پژوهشی و کارشناسی ۱۸ ماهه گزارشی را برای ساماندهی زنجیره ارزش پتروشیمی و صنایع فولادی کشور تهیه و در ۱۰ بند پیشنهاد هایی را تقدیم نموده بود که در سال گذشته اطلاع رسانی و تقدیم دفتر جناب عالی نیز گردید و خوشبختانه با نظر مثبت کارشناسان و مشاورین آن دفتر مواجه شد. اما از آن زمان تاکنون اقدامی روی آن به عمل نیامده است. بندهای ۵ و ۶ فوق الذکر برگرفته از بسته مذکور است و این اتفاق کماکان انتظار تصمیم گیری و اجرایی شدن کلیه بندهای پیشنهادی مندرج در گزارش خود را دارد.

در پایان ضمن استعدای تسریع در اجرای موارد پیشنهادی، آمادگی کارشناسان و تشکل های مربوطه اتاق، برای ارائه توضیحات بیشتر و مورد مشورت قرار گرفتن پیش از اتخاذ تصمیماتی با چنین آثار گسترده ای را اعلام می نماید.

مزید تاییدات جناب عالی را از خداوند قادر سبحان مسألت دارم.

غلامحسین شافعی
رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی

کارفرمایی بارها از دولت خواستند بازار آزاد شکل بگیرد و از فرمان دادن بیهوده به نرخ ارز درست بردارد. اما این اتفاق نیفتاد. یکی از ۳ نامه بسیار با اهمیت اتاق ایران به معاون اول رئیس جمهور که با ارائه راه حل برخاسته از اندیشه کمیته ارزی اتاق است نگارش و منتشر شد. بخش خصوصی ایران برخلاف همیشه که خواستار نوعی رانت بود این بار اما با صراحت از دولت می خواهد که اجازه دهد نرخ ارز در بازار تعیین شود تا فساد و رانت از این بازار دور شود. از طرف دیگر رانت و فساد دهشتناک در ۲ صنعت فولاد و پتروشیمی که صادر کنندگان اصلی به حساب می آیند و مجال های چند ساله با صنایع زیردستی دارند نیز در کانون توجه اتاق قرار دارد. به نظر می رسد هیات رئیسه اتاق با ارائه نظرات کارشناسانه و صریح خود در باره ۳ مسأله اصلی این روزهای اقتصاد که پایه های رانت و فساد را محکم می کنند و امتناع از خواست های رانت جویانه رفتاری بر پایه نطق را در دستور کار دارد. ▶

کردن منتقدان را نداشت و همه اینها موجب شد که مطالبه گری منطقی و اصولی بخش خصوصی و اتاق روند فزاینده ای را تجربه کند. فشار اعضای اتاق و نهادهای کارفرمایی به هیات رئیسه برای اینکه جاده عشق یک طرفه به سوی دولت را مسدود کند یا راه را دو طرفه کند هر روز افزایش می یافت.

♦ سیاست ارزی و رانت

سیاست ارزی دولت از پاییز پارسال که حاضر نشد نرخ ارز را یکسان کند و اجازه دهد بازار ارز آزاد شود بیش از پیش وضع بازار را از تعادل خارج کرد. دولت و بانک مرکزی برخلاف خواست چندباره نهادهای کارفرمایی و اتاق بازرگانی حاضر نشد سیاست قدیمی دلار پاشی در بازار برای ایجاد تعادل در بازار را رها کند و چندین ماه هر دلار را برابر با ۳۸۰۰ تومان در صرافی ها عرضه می کرد. این سیاست با انتقاد بخش خصوصی مواجه شد و رئیس اتاق ایران و سایر اعضای هیات رئیسه و همچنین تشکل های

تجاری داخلی همچنان از نهاد نظارتی تحت امر خود برای قیمت گذاری دستوری استفاده می کند و نقش و سهم آن را افزایش می دهد تا جایی که وزیر راه و شهر سازی را عصبانی می کند. نهاد دولت در حوزه بانکداری و سیاست های پولی بر رفتاری اصرار دارد که پیش از این در دولت های نهم و دهم شاهد آن بودیم و آن تعیین دستوری نرخ بهره بود. سیاست بانک های ایرانی در دولت دوازدهم همچنان بر دادن وام به شرکت های تحت پوشش خود استوار بود و ضعف و ناکارآمدی سیستم بانکی در تأمین منابع مورد نیاز بخش خصوصی ادامه داشت. دولت در سیاست های ارزی گامی بر نمی داشت و اصرار بخش خصوصی بر عدم اجرای تعیین نرخ ارز بر مبنای سیاست های خاص و خرید محبوبیت را ادامه می داد. دولت حاضر نشد در سیاست خارجی اندکی شهامت بیشتر نشان دهد و کارهای دوزال ترامپ برای حرکت گام به گام به سوی تحریم ایران را تسریع و تسهیل کرد. دولت در حوزه سیاست داخلی نیز توانایی سازگار



نامه اتاق برای صنعت فولاد

رئیس اتاق ایران طی نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهور، ضمن برشمردن پیامدهای منفی عرضه فولاد بر اساس مکانیزم‌های کنونی قیمت‌گذاری، خواستار اصلاح آن شده است.

غلامحسین شافعی در نامه خود با اشاره به ضرورت حرکت صنعت فولاد کشور به سمت چشم‌انداز تولید ۵۵ میلیون تنی، اصلاح نظام معیوب قیمت‌گذاری فعلی را امری لازم دانسته و در این رابطه ۴ پیشنهاد ارائه کرده است.

شافعی در نامه خود به اسحاق جهانگیری همچنین آورده است: «با در نظر گرفتن میزان تولید ۲۲ میلیون تنی فولاد در کشور و مصرف ۱۵ میلیون تنی داخلی، اصلاح نظام فعلی بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضا، هیچ گونه نگرانی از بابت تامین نیاز داخلی و صنایع پایین دستی به دنبال نخواهد داشت.» متن کامل نامه رئیس اتاق ایران به معاون اول رئیس‌جمهور به این شرح است:

جناب آقای دکتر جهانگیری
معاون اول محترم رئیس‌جمهوری اسلامی ایران
با سلام؛

احتراما همان‌گونه که حضرت‌عالی مستحضرد عرضه فولاد در بورس کالا مطابق با دستور العمل کارگروه تنظیم بازار و بر مبنای نرخ ارز ۴۲۰۰۰ ریالی صورت می‌پذیرد که در تعارض با سیاست جدید ارزی دولت محترم بوده و آثار و تبعات مخربی را برای این صنعت مهم و راهبردی کشور بدنال داشته است. برخی از مهم‌ترین پیامدهای منفی ناشی از عرضه فولاد بر اساس مکانیزم فعلی عبارتند از:

۱- ایجاد شکاف ۵۰ درصدی قیمت فولاد در بورس کالا با بازار آزاد که تا پیش از این حداکثر ۵ درصد بوده است. این امر موجب ایجاد و تشدید تقاضای کاذب و سودجویی هنگفت واسطه‌گران و دلالان شده و در نتیجه باعث زیان و واحدهای تولیدی می‌گردد.

۲- عدم تأمین منافع مصرف‌کنندگان نهایی به دلیل رانت موجود در این سازوکار که اجازه نمی‌دهد محصولات فولادی با قیمت عرضه شده در بورس به دست مصرف‌کنندگان برسد.

۳- کاهش چشمگیر ارز آوری ناشی از صادرات فولاد، به دلیل مشروط کردن اعطای مجوزهای صادراتی به عرضه در بورس با کمتر از قیمت بازار.

۴- نداشتن توجیه اقتصادی تولید فولاد، به دلیل بالاتر بودن قیمت مواد اولیه (قراضه) از قیمت فولاد تولیدی در بورس کالا.

۵- کاهش امکان مدیریت و نظارت دولت بر بازار فولاد، به دلیل تغییر الگوی تعیین قیمت از سمت فولادسازان بزرگ به واحدهای تولیدی کوچک‌تر. (شایان ذکر است طی سال‌های گذشته ۷۰ درصد عرضه فولاد در بورس کالا انجام می‌شد و شرکت‌های بزرگ فولاد ساز که اتفاقاً تأثیرپذیری بیشتری هم از دولت دارند، تعیین‌کننده اصلی قیمت مبتنی بر عرضه و تقاضا بوده‌اند که با رویه فعلی و به دلیل کاهش تصنعی قیمت فولاد در بورس کالا بر مبنای ارز ۴۲۰۰۰ ریالی، ۳۰ درصد مابقی واحدهای فولادی هستند که نقش اصلی را در تعیین قیمت در بازار فولاد ایفا می‌نمایند).

۶- اتلاف سرمایه‌های دولت و نهادهای نظارتی (اعم از وقت، انرژی، منابع مالی و...) ناشی از الزام همه واحدهای فولادی به عرضه محصولات در بورس کالا. (این موضوع از زمان تأسیس بورس کالا مطرح بوده و دولت‌های مختلف بنابه دلایلی از جمله وجود بازار توزیع آهن آلات موفق به انجام آن نشده‌اند).

۷- کمرنگ شدن نقش مکانیزم عرضه و تقاضا در تنظیم بازار فولاد، که بجای مدیریت دو طرف عرضه و تقاضا، تنها بر عرضه همه واحدهای فولادی در بورس کالا تمرکز نموده و منجر به کاهش انگیزه عرضه برای تولیدکنندگان بزرگ شده

است. با عنایت به مراتب فوق الذکر و با توجه به ضرورت حرکت صنعت فولاد کشور در راستای چشم‌انداز تولید ۵۵ میلیون تن، اصلاح نظام معیوب قیمت‌گذاری فعلی امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. با در نظر گرفتن میزان تولید (۲۲ میلیون تن) و مصرف (۱۵ میلیون تن) کشور، اصلاح نظام فعلی بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضا، هیچ گونه نگرانی را از بابت تامین نیاز داخلی و صنایع پایین دستی بدنال نخواهد داشت. علی‌هذا، موجب امتنان خواهد بود چنانچه حضرت‌عالی دستور فرمایند در راستای اصلاح فرآیند معیوب قیمت‌گذاری و عرضه فولاد، دستگاه‌های ذیربط تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران به عنوان پارلمان بخش خصوصی و مشاور قوای سه گانه، در جهت اصلاح نظام قیمت‌گذاری فعلی، پیشنهادهایی را به شرح زیر تقدیم می‌دارد:

الف) سقف قیمت در معاملات محصولات فولادی و نیز سایر فلزات در بورس برداشته شود.
ب) غربالگری پروانه‌های بهره‌برداری واحدهای پایین دستی (خریداران محصول میانی در بورس) با استفاده از اظهارنامه‌های مالیات بر ارزش افزوده آنها انجام گیرد و پروانه‌های بهره‌برداری غیرفعال حذف شود.
ج) لغو معافیت صادرات مواد اولیه و محصولات میانی فولادی، مس و آلومینیوم (انواع ورق، شمش و اسلب) از پرداخت مالیات، تا مطلوبیت فروش به داخل افزایش یابد و دولت نیز از درآمدهای ناشی از صادرات نهادهای یارانه‌ای (انرژی، آب و موادخام) منتفع گردد.

د) استرداد مالیات بر ارزش افزوده در صادرات زنجیره ارزش فولاد و مس به صورت تنازلی متوقف گردد، به نحوی که به تناسب ایجاد ارزش افزوده و تولید کالای نهایی، مالیات وصول شده مسترد گردد.

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



یک نشست متمایز

غلامحسین شافعی رئیس اتاق ایران در نشست با رئیس و مدیران سازمان برنامه و بودجه ضمن تشریح برخی مسائل مطروحه در هفته‌های اخیر به ویژه سیاست‌های بودجه‌ای تاکید کرد متأسفانه سیاست‌هایی که با هدف کمک به تهیدستان اتخاذ می‌شود به ضرر آنها شده است. نوبخت در این نشست نکاتی را درباره وضعیت کلان اقتصاد ایران برای حاضران تشریح کرد و از برنامه‌های دولت برای همکاری بیشتر با بخش خصوصی نکاتی را یادآور شد.

محمدباقر نوبخت، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه در نیمه اول مهرماه مهمان اتاق بازرگانی، صنایع و معادن بود. او که یک گروه ۱۰ نفره از معاونان و مدیران کل خود را به اتاق آورده بود در نشست متمایز شرکت کرد. نوبخت در این نشست از نزدیک شاهد انتقادهای تند مدیران بخش خصوصی بود. ناخرسندی از سخنان نوبخت، در سخنان اعضای هیات نمایندگان اتاق ایران که پس از نوبخت به ایراد سخنرانی پرداختند، مشهود بود. علی‌اصغر جمعه‌ای، رئیس اتاق بازرگانی سمنان در سخنان خود گفت: شما رئیس سازمان برنامه و بودجه و یکی از سازمان‌های مهم اقتصاد ایران هستید که به عنوان معاون رئیس‌جمهور انتظار این نمی‌رفت که بعد از گذشت ۴ ماه، وضعیت اقتصادی ایران به این شکل پیش رود، ما که در میدان هستیم جز آشنایی و بی‌برنامگی چیز دیگری را نمی‌بینیم. ما انتظار برنامه ۵ ساله از شما نداریم، بلکه برای شش ماه آینده به ما برنامه بدهید. افرادی که واسطه کارآفرینی و اشتغال بودند جزو بسته‌های حمایتی برای دهک‌های پایین قرار می‌گیرند لذا تعجب می‌کنم که این چه برنامه‌ریزی در کشور بوده است که کار اقتصاد را به اینجا کشانده است، اگر کسی مانع است او را معرفی کنید، اگر هماهنگی نیست، عوامل را اعلام کنید، در حالی که در داخل تیم اقتصادی دولت نیز به شدت ناهماهنگی به چشم می‌رود. اگر شما نمی‌توانید دولت و بنگاه‌های دولتی را اداره کنید، چطور می‌توانید هشتاد میلیون نفر آدم را کنترل کنید، این در حالی است که ما انتظار برنامه ۵ ساله از شما نداریم، بلکه برای شش ماه آینده به ما برنامه بدهید، اما اگر ریلی هم برای اقتصاد وجود ندارد، به صراحت بگویید تا ما برای کارگران و فرزندان و خانواده خود تدبیر کنیم. ما انتظار امید و تدبیر داشتیم.

♦ تدبیر روشنی وجود ندارد

محمد امیرزاده، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران گفت: بخش اول پروسه اقتصاد ایران بعد از انقلاب، مصادره بود که ثروت و دریافت مالیات را بر مبنای آن از دست دادیم، این در حالی است که دولتی کردن، خصوصی سازی و مواردی از این دست نیز منجر به آسیب به اقتصاد کشور شد؛ این در حالی است که نگرش‌های غلط به اقتصاد، اثرات تصمیم‌گیری‌های سیاسی بر اقتصاد وضع موجود را رقم زد و امروز در هر شرایط سختی، همکاری دولت و ملت نیاز است، ولی وقتی که مجلس قانون رفع موانع تولید را مصوب می‌کند و تا به امروز برنامه‌ای بر روی آن صورت نگرفته است. بیش از ۱۰۰۰ قرارداد در صنعت برق متوقف شده که ناشی از جهش دلار است و هنوز هیچ برنامه‌ای از سمت سازمان برنامه ارایه نشده است. کامیون‌های کشور یک‌شبه به این وضعیت دچار نشده‌اند، این در حالی است که در ایران علیرغم کشورهایی مثل چین، هنوز تدبیر روشنی برای جبران خسارت‌ها وجود ندارد. برخی از قوانین ناقص است و انتظار داریم که شما با مسئولان اقتصادی کشور برنامه‌ای تدوین شود که اقتصاد کشور بهره‌مند از این برنامه شوند.

♦ سیاست‌های دولت اقتصاد را به زمین زد

حمیدرضا صالحی، نماینده فدراسیون انرژی و سندیکای برق نیز گفت: گفته‌اید که آمریکا تصمیم گرفته که اقتصاد ایران را زمین بزند، اما آیا سیاست سرکوب نرخ ارز در ۵ سال گذشته که بارها هم نسبت به آن تذکر داده شد، عامل مهمتری نبوده است؟ به خاطر دارید که روی این موضوع فعالان اقتصادی مدت‌ها با شما بحث داشتند، در حالی که اگر مابه‌التفاوت تورم داخلی و خارجی را بر روی ارز اعمال می‌کردیم، امروز وضعیت بازار ایران این طور نبود، در حالیکه شما این موضوع را مورد مخالفت قرار دادید و امروز آدرس غلط می‌دهید. گفته‌اید که آمریکا تصمیم گرفته اقتصاد ایران را زمین بزند، اما آیا سیاست سرکوب نرخ ارز در ۵ سال گذشته که بارها هم نسبت به آن تذکر داده شد، عامل مهمتری نبوده است؟ وی افزود: چند نیروگاهی که در حال تکمیل شدن بود را با قطعی منابع مواجه کردید و کشور دچار خاموشی شد، این در حالی است که قرار بود که هر سال مابه‌التفاوت نرخ تکلیفی و تمام شده، در بودجه بیاید

اما امروز ۳۰ هزار میلیارد تومان ناشی از این زیان را در بودجه در نظر نگرفته‌اید. این در حالی است که اگرچه از قبوض برق مردم رقمی را بابت انرژی‌های نو دریافت کرده‌اید، به این بخش تخصیص نداد و جای دیگر هزینه کردید. صالحی گفت: بیش از ۱۰۰۰ قرارداد در بخش توزیع و انتقال صنعت برق متوقف شده است که این ناشی از جهش دلار است و هنوز هیچ برنامه‌ای از سمت سازمان برنامه و بودجه ارایه نشده است.

♦ خودتحریمی و تحریم ترامپ

فرشچیان از اتحادیه صادرکنندگان نمونه کشور هم گفت: اکنون با ایجاد رانت ارزی زمینه‌ای فراهم شده است که تولید و صادرات کشور با مشکلات بیشتری مواجه شود. در عین حال، اکنون با ایجاد رانت ارزی، توقع بالا برای واردات مضاعف ایجاد کرده و ۲۴ میلیارد دلار واردات به بودجه کشور تحمیل شده است. ضربه به اقتصاد کشور نیازی به ترامپ ندارد؛ دولت شرایطی را فراهم کرده که خودتحریمی بیش از تحریم آمریکا اقتصاد را دچار مشکل کرده است. وی افزود: یک بار صادقانه باید سیاسی‌گری را کنار بگذاریم و واقعیت را ببینیم. هدف امروز صادرات ما است، هدف امروز تولید کشور و اشتغال است؛ این در حالی است که اکنون ایجاد اشتغال برای قاچاقچی و پیلهور شده است؛ اکنون صادرات دچار مشکل است و صادرکنندگان نمی‌توانند ارز خود را هم قیمت پتروشیمی که رانت خوراک ارزان می‌گیرد، به سامانه نیما بدهند. فرشچیان گفت: ضربه به اقتصاد کشور نیازی به ترامپ و ترامپ‌ها ندارد چرا که دولت شرایطی را فراهم کرده که خودتحریمی بیش از تحریم آمریکا اقتصاد را دچار مشکل کرده است.

♦ آمار اشتغال خالص را بدهید

طبيب زاده، رئیس اتاق بازرگانی کرمان هم در سخنانی گفت: رئیس سازمان برنامه و بودجه از آمار اشتغال صحبت کرد، اما بهتر است بگویید که میزان اشتغال خالص چقدر بوده و از تامین اجتماعی آماری بدهد که چه تعداد افراد بیکار شده‌اند. وی افزود: آمایش سرزمین نیز کتابی در کتابخانه‌ها خواهد شد، چرا که از بخش خصوصی استفاده نشده است، بگذارید فعالان اقتصادی در این رابطه نظر بدهند.

نشست یارانه ارزی تارویه نامناسب پیمان سپاری

۶- نظام سهمیه‌بندی سوخت‌های قاچاق پذیر (بنزین و گازوئیل) مجدداً برقرار گردد و مازاد بر سهمیه با نرخ آزاد به فروش رسانیده شود و عواید مربوطه نیز به صندوق فوق‌الذکر واریز گردد. ضمناً بازار ثانویه معامله سهمیه راه اندازی شود یا امکان نقل و انتقال سوخت بین دارندگان کارت برقرار شود.

۷- حداقل ۵۰ درصد درآمد واریزی به صندوق فوق‌الذکر به صورت یارانه نقدی به حساب دهک‌های پایین درآمدی (۵ الی ۷ دهک پایین جامعه) واریز گردد.

۸- دولت از محل باقیمانده درآمد ناشی از فروش ارز نسبت به تأمین کسری سرمایه در گردش بنگاه‌های کوچک و متوسط، که به دلیل تغییر قیمت‌ها اتفاق می‌افتد اقدام نماید. دولت همچنین نسبت به تسویه بدهی‌های خود به بخش خصوصی، تأمین اجتماعی و بانک‌ها از این محل اقدام نماید.

۹- کلیه مقرراتی که در چند ماه گذشته در رابطه با واردات و صادرات وضع و موجب پیچیده شدن و پرهزینه شدن فرایندهای تجارت خارجی کشور شده است اصلاح گردد. بطور مشخص روال پیچیده ثبت سفارش و مراحل متعدد آن و همچنین محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های صادراتی، موضوع این بند می‌باشند.

۱۰- معافیت‌های مالیاتی صادرات مواد اولیه مورد نیاز صنایع کشور، اعم از پتروشیمی، فولاد، مس، آلومینیوم و برخی مواد معدنی به جهت ایجاد مطلوبیت برای فروش مواد به صنایع داخل کشور حذف گردد. این معافیت اعم بر حذف معافیت مالیات مستقیم و همچنین حذف استرداد مالیات بر ارزش افزوده است. منابع حاصله از این بند به حساب سازمان بیمه تأمین اجتماعی جهت تأمین بیمه بیکاری و همچنین کاهش حق بیمه سهم کارفرما واریز گردد.

۱۱- در خصوص کالاهایی که نهاده‌های تولید آنها (اعم از آب، برق، گاز و غیره) از یارانه برخوردار است و صادرات آنها موجب افزایش قیمت در داخل کشور و کمبود کالا می‌گردد، عوارض متناسب صادراتی وضع گردد. در خصوص مصادیق این بند، به جهت حساسیت موضوع، حتماً نظر اتاق ایران اخذ گردد. ضمناً عوارض مأخوذه مشخصاً ردیفی برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط واریز گردد.

۱۲- برای جلوگیری از افزایش بیش از حد قیمت نهاده‌های وارداتی، حقوق ورودی مواد اولیه و ماشین‌آلات به حد صفر و حقوق ورودی سایر کالاها به یک سوم میزان فعلی کاهش یابد. با عنایت به مطالب فوق اتاق ایران آمادگی دارد در خصوص پیشنهادات ارائه شده در این نامه جزئیات لازم و راه کارهای تفصیلی و عملیاتی را به استحضار دولت محترم برساند و بدیهی است یکپارچگی و کاربست کامل موارد فوق برای اجراء مد نظر اتاق ایران است.

روز افزون در سیاست‌های ارزی و تجاری و رویکردهای تعزیری، به شدت غیرشفاف، پرهزینه، پیچیده و مملو از ناطمینانی شده است.

۴- خودتنظیمی بازار کالا و خدمات در کشور مخدوش شده است و این امر باعث کمبود کالا و مواد اولیه و در نتیجه تشدید نارضایتی‌ها و کاهش اعتماد عمومی به دولت شده است.

۵- زنجیره تولید و صادرات کالاهای صنعتی لطمه جدی دیده است و صادرات کشور بیشتر بر پایه خروج یارانه و آربیتراژ قیمت مواد خام، مواد اولیه و محصولات کشاورزی با کشورهای همسایه شکل گرفته است. این تغییر شکل صادراتی، کمبود آشکار مواد اولیه صنعت کشور را به همراه آورده است.

۶- هزینه مبادله در چرخه واردات و نظام توزیع کشور افزایش چشمگیر داشته است و آثار قیمتی ارز یارانه‌ای را کمرنگ و جریان تأمین نیازهای بخش تولیدی کشور را مختل کرده است.

۷- تفاوت نرخ آشکار کالاهای یارانه‌ای، مانند حامل‌های انرژی، با نرخ‌های جهانی، موجب تشدید بی‌سابقه قاچاق سوخت به آنسوی مرزها شده است. لازم به ذکر است که یارانه پنهان در نرخ حامل‌های انرژی با توجه به نرخ ارز در تاریخ ارسال این نامه به بیش از یک تریلیون میلیارد تومان در سال بالغ گشته است که این عدد معادل ۲۰ الی ۳۰ سال بودجه عمرانی کشور می‌باشد. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران معتقد است که اگر هرچه سریع‌تر به اصلاح بنیادی سیاست‌های متخذه اقدام نکرده، این وضعیت اقتصاد کشور را با مشکلات بیشتری مواجه خواهد کرد و ظرفیت اقتصادی و اجتماعی کشور را برای اصلاح سیاست‌ها بیش از پیش محدود خواهد کرد. لذا در این راستا راهکارهای زیر مورد توصیه اکید این اتاق می‌باشد:

۱- تخصیص ارز یارانه‌ای به قیمت ۴۲۰۰ تومان برای کلیه کالاها و خدمات متوقف گردد.

۲- تأمین ارز برای نیازهای قانونی کشور اعم از واردات کلیه کالاها، من جمله کالاهای اساسی، به بازار ثانویه ارز واگذار گردد.

۳- از کنترل نرخ ارز و دخالت‌های دستوری در بازار ثانویه اکیداً اجتناب گردد و اجازه داده نشود عرضه و تقاضای واقعی نرخ ارز را در این بازار تعیین نماید.

۴- صنایع کوچک و متوسط ۸۰ درصد و صنایع بزرگ ۹۰ درصد ارز حاصل از صادرات خود را در بازار ثانویه عرضه نمایند. باقی ارز به مصرف بازپرداخت وام‌های ارزی، هزینه دفتر خارج از کشور، هزینه‌های نقل و انتقال ارز و امثالهم برسد.

۵- دولت هم مانند سایر بخش‌ها، ارز قابل عرضه خود را در بازار ثانویه به فروش برساند و مازاد درآمد حاصل از فروش ارز را (تفاضل نرخ ارز مقرر در بودجه سال با نرخ فروش در بازار ثانویه) در صندوقی مجزی نزد بانک مرکزی واریز نماید.

داستان تلخ سیاست‌های ارزی که از اواخر فروردین ۱۳۹۷ شروع شد تا پاییز امسال ادامه داشت. گفت‌وگوها، انتقادات، اعتراض‌ها و پیشنهادهای فعالان خصوصی به این سیاست‌ها تا مهرماه ادامه داشت. اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران در نیمه اول مهرماه در نامه‌ای به جهانبگیری، معاون اول رئیس‌جمهور آمادگی اتاق را برای ارائه راهکارهای تفصیلی و عملیاتی به دولت را اعلام کرده است. متن نام غلامحسین شافعی رئیس اتاق به شرح زیر است:

جناب آقای دکتر جهانبگیری
معاون اول محترم رئیس‌جمهوری اسلامی ایران
با سلام،

احتراماً به استحضار می‌رساند سیاستگذاری اقتصادی کشور اعم از ارزی و تجاری در چرخه معیوب گرفتار آمده است. نقطه عزیمت این چرخه، باور دولت محترم به امکان کنترل تورم از طریق نرخ‌گذاری دستوری بر روی ارز، کالا، صادرات و واردات فارغ از متغیرهای پولی، اصول اقتصادی و سایر عوامل حاکم بر فضای اقتصاد کشور می‌باشد. سلسله به هم پیوسته این سیاستگذاری‌ها به طور مختصر شده به شرح زیر می‌باشد:

۱- تثبیت قیمت ارز در نرخ بی‌اعتنا به متغیرهای اقتصادی (۴۲۰۰ تومان)

۲- افزایش تقاضا برای ارز ارزان و انحراف ناگزیر تخصیص ارز یارانه‌ای از شفافیت و سلامت

۳- ایجاد ایستگاه‌های متعدد کنترلی و کارشناسی برای راستی‌آزمایی و تشخیص ضرورت واردات و صلاحیت واردکننده، طولانی کردن رویه واردات و کاهش بیشتر شفافیت در این بخش

۴- متوسل شدن به برخوردهای تعزیری به دلائلی مانند گرانفروشی، احتکار، خروج ارز، تخلفات وارداتی و امثالهم ناشی از کمبود کالا در بازار به دلائل فوق

۵- تلاش برای جلوگیری از نشست یارانه ارزی از طریق صادرات با ممنوعیت روزافزون کالاهای صادراتی

۶- مبادرت به رویه نامناسب پیمان‌سپاری ارزی به تصور افزایش ورود ارز ناشی از صادرات به چرخه تجاری کشور

۷- ایجاد بازار ثانویه برای اصلاح سیاست‌های قبلی، و بلافاصله نقض کارکرد آن با تثبیت قیمت ارز عرضه شده و کنترل تقاضا

۸- فاصله گرفتن روز افزون نرخ بازار ثانویه با نرخ بازار آزاد و بالنتیجه دچار شدن این بازار به سرنوشت ارز یارانه‌ای (۴۲۰۰ تومان)

حاصل این چرخه تاکنون اتفاقات زیر بوده است:
۱- نرخ تورم علیرغم سیاست تثبیت نرخ ارز، روندی شتابان به خود گرفته است.

۲- نرخ ارز در بازار آزاد مسیر خود را می‌رود و تأثیر آشکاری از نرخ ارز یارانه‌ای نپذیرفته است.

۳- محیط کسب و کار، به واسطه مقررات‌زایی

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



دولت ضرر نکرده، تولید و مردم آسیب دیدند

سیاست‌های اقتصادی که دولت‌های ایران از ابتدای پیروزی انقلاب تا امروز بر آن اصرار دارند سرکوب قیمت ارز و سرکوب قیمت نسبی کالاها و خدمات است. اما تجربه نشان داده است همواره به دلیل افراط در استفاده از زور و دستورهای دولتی به جای کشیدن مردم به راه توسعه عدالت آنها را به سوی چاه بدبختی کشانده است. تازه‌ترین اقدام دولت در ایران کاری است که دولت حسن روحانی از شروع فعالیت دولت یازدهم انجام داده و هنوز ادامه می‌دهد، سیاست ارزی غلط و آزاردهنده و مخرب است.

و اجرایی از پیش اندیشیده ندارند. علاوه بر این و با مرور زمان و دور شدن از برادری‌های سال‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حالا جناح‌های اصلی درگیر قدرت و طیف‌های وابسته به آنها آموخته‌اند که از قدرت نهاد دولت و تلاش برای گسترش عدالت نیازهای سیاسی خود را نیز برآورده سازند. این گونه شده است که متاسفانه دولت‌های ایران در ۴ دهه اخیر راه‌های عدالت‌جویی را بر استفاده از قدرت دولت در حوزه اقتصاد متمرکز کرده و تلاش می‌کنند با اهرم‌های اقتصادی تهیدستان را با خود همراه سازند. یکی از اصلی‌ترین

خوشبینانه اگر نگاه کنیم، شمار قابل اعتنایی از مدیران دولتی در ایران علاقمندند و اصرار دارند سیاست‌هایی اتخاذ کنند که به گسترش عدالت منجر شود. این گروه می‌دانند که قدرت مستقر و مستتر در نهاد دولت با همه کاستی‌ها و ضعف‌ها آنقدر است که بتوان با آن قدرت راه‌های گسترش عدالت را باز و فراخ کرد. این گروه از مدیران دولتی که در بخش‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فعالیت دارند، اما متاسفانه درک دقیق و درست و کارشناسانه از موضوع و مصداق عدالت و راه‌های رسیدن به آن مطابق یک الگوی ذهنی

دلار ۴۲۰۰ تومانی بدبختی مردم

پارسال در همین روزها بود که نرخ تبدیل دلار آمریکا به پول ایران پرچم عصیان را برداشته و با سرعت به سوی لاغرتر کردن ریال می‌تاخت. در آن روزها برخی اقتصاددانان و فعالان اقتصادی از شروع توفانی شدن دلار خبر دادند و خواستار اتخاذ سیاست‌های ارزی و پولی کارشناسانه برای مهار قیمت دلار شدند.

رئیس دولت دوازدهم اما به همراه مدیران ارشد بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه به جای اینکه به طور مثال راه سرازیر شدن نقدینگی را به سوی سپرده گذاری بانک‌ها یا خرید اوراق بهادار دولتی بازکنند با سیاست ارزی عجیب شروع به پمپاژ دلار در بازار ارز کردند. فروش دلارهای گران‌بها و کمیاب به قیمت هر دلار ۳۸۰۰ تومان در صرافی‌ها که پیش از این در ایران تجربه شده و شکست خورده بود بار دیگر شکست خورد. در فروردین امسال بود که نرخ تبدیل دلار به ریال ایران مهارش از دست دولت خارج شد و در یک دوره کوتاه به هر دلار ۶ هزار تومان رسید. حالا در پاییز ۱۳۹۷ نرخ تبدیل هر دلار در بازار آزاد و به رغم همه تلاش‌های نافر جام دولت به حدود ۱۴ هزار تومان ایران رسیده است که تقریباً ۳ برابر دلار در پاییز پارسال است. در این ۶ ماه سپری شده نرخ فروش همه کالاها و خدمات به تبعیت از نرخ دلار به ریال ایران عصیان کرده و تا ۲ برابر افزایش را به طور میانگین تجربه کرده‌اند. اما دولت ایران باور دارد با وجود اختصاص دلار معادل ۴۲۰۰ تومانی به خرید کالاها و اساسی، نرخ تورم عمومی به ویژه نرخ تورم کالاها و اساسی چندان بالا نخواهد بود و از سوی دیگر به دنبال یک سیاست تبلیغاتی یک پارچه به صورتی عجیب به مردم یادآور می‌شود که نگران فحطی کالاها و اساسی نباشند. با این همه اما واقعیت این است که ایرانیان حالا در پاییز ۱۳۹۷ نسبت به پاییز ۱۳۹۶ احساس بیچارگی و تحقیر بیشتری دارند. بزرگترین نگرانی شهروندان ایرانی این است که در آینده ای نه چندان دور بازم نرخ دلار به ریال ایران از کنترل دراندازه فعلی نیز خارج شده و به سمت اعداد حیرت انگیز رشد کند. این مارپیچ خطرناک دلار- قیمت کالاها و خدمات که در نیم سال سپری شده رخ داد و ایرانیان را تهدیدست کرده است وقتی با بی‌اعتنایی و استیصال مدیران ارشد اقتصادی کشور همگرا می‌شود شهروندان را بیشتر می‌ترساند.

شهروندان ایرانی در این روزها تنها و بی‌پناه شده‌اند و هر کس با اندوه و بهت و خشم از دیگری می‌پرسد چه خواهد شد و البته هیچ ایرانی در این روزها نمی‌داند بر سر کسب و کار و معیشت خودش و دوستان و همکارانش چه خواهد آمد. این بلاتکلیفی و این استیصال و سردرگمی و زندگی روزمره بدون چشم آسیب جدی به شهروندان ایران خواهد زد. دولت تضعیف شده دوازدهم که رئیس آن نیز با نوعی بی‌اعتمادی از سوی نیروهای سیاسی حتی هوادار خود مواجه شده است نمی‌تواند به هردلیلی و به بهانه اینکه توانایی اثر گذاری ندارد یا آمریکا نمی‌گذارد یا مخالفان داخلی نمی‌گذارند، شهروندان را در بدبختی و استیصال رها کند.

دولت دوازدهم می‌تواند و باید با بررسی زود هنگام از توانایی‌ها و ناتوانی‌های خود برای بهبود وضعیت اقتصادی بامردم صریح و روشن حرف بزند و بگوید چشم‌انداز چیست و فشارها تا کجا و تا چه زمان ادامه دارد و یا اینکه به شهروندان توضیح دهد که به این دلایل می‌توان امیدوار بود. بدترین رفتار با شهروندانی که با تورم سرسام آور مواجه شده و زور پولشان به اندازه نصف زور پارسال هم نیست همین است که دولت فعلی انجام می‌دهد و هیچ توضیحی نمی‌دهد. رئیس دولت این روزها بیشترین مسئولیت را دارد و پس از آن وزیران و معاونان و مشاوران کابینه مسئولیت دارند و باید درباره چشم‌انداز آینده نزدیک با مردم گفت‌وگو کنند. دلسرد و ناامیدی بیشتر مردم در این روزها برای همه ارکان اداره کننده اقتصاد جامعه پیامدهای سخت به دنبال خواهد داشت. بیش از این مردم را در دلپهره نگه ندارید.

بر اساس برخی اطلاعات منتشر شده حسن روحانی به عنوان رئیس دولت از همان روزهای نخست در جریان تخریب گسترده‌ای که نرخ ارز دستوری و چند پاره بر کسب و کار و اخلاق جامعه بر جای می‌گذارد قرار گرفت، اما متأسفانه متقاعد نشد که نرخ ارز را آزاد کند. او و همراهان فکری‌اش در دولت به سویی رفتند که نوسان نرخ ارز را در وضعیت مناسبی که سیاست خارجی در اختیارشان گذاشته بود و اعتمادی که مردم به دولت داشتند را به اراده خود وابسته سازند. این برای بانک مرکزی و رئیس دولت افتخار شده بود که نرخ ارز تحویل گرفته از دولت قبلی را با کمترین نوسان کنترل کرده است اما این یک روی سکه بود و روی دیگر سکه هنوز خود را نشان نداده بود. دولت و بانک مرکزی متأسفانه توصیه‌های چندباره اقتصاددانان و فعالان اقتصادی را قبول نکردند و در فروردین ماه امسال بزرگ‌ترین خطای راهبردی را درباره نرخ ارز انجام دادند. دولت با این خطای راهبردی که اعلام کرد می‌تواند به همه متقاضیان دلاری بر پایه هر دلار ۴۲۰ تومان بدهد. این داستان تراژیک اما امروز پیامدهای خود را بر جای گذاشته است و از این پس نیز روح و روان ایرانیان را آزار خواهد داد. دولت در این تصمیم‌گیری راهبردی توانست دلارهای در اختیار خود را به بالاترین قیمت‌ها عرضه کند و تصور نمی‌کرد روزی برسد که نتواند نرخ‌ها را کنترل کند. دولت با این تصمیم کفش‌های خود را نو کرد و پولدار شد و شهروندان ایرانی را فقیر و کفش‌های آنها را کهنه کرد. خطای راهبردی دولت و دلارپاشی حدود ۲۲ میلیارد دلاری با قیمت‌های بسیار پایین‌تر از قیمت بازار کفش‌های نوکیسه‌هایی را نو کرد که به اطلاعات دولتی وصل بودند و از تحولات آتی تحلیل درست داشتند و از پاس گل دولت استفاده کردند. یک اقلیت نوکیسه با گرفتن دلارهای ارزان و تبدیل آن به دارایی‌های دیگر یا خروج آن از کشور و بدنام کردن بازرگانان و صنعتگران اصیل کفش‌های نو پوشیده و قبراق و سرحال به دولت درود می‌فرستند که چنین نان بزرگی در دامن آنها انداخت. نوکیسه‌ها با استفاده از همه امکاناتی که به دست آورده‌اند حالا به لحاظ اندازه درآمد با گروه‌های تهیدست جامعه فاصله‌ای بسیار دور پیدا کرده‌اند و رفتار آنها در آینده جامعه را با ناخوشی‌های روحی و روانی مواجه خواهد کرد.

شکاف طبقاتی که سیاست‌های ارزی، سیاست‌های تجاری و سیاست‌های پول دولت در جامعه ایرانی ایجاد کرده است فرسنگ‌ها فرسنگ با روح عدالت‌خواهی فاصله دارد و عکس آن عمل کرده است. دولتی که می‌توانست با آزاد کردن نرخ ارز مابه‌التفاوت قیمت‌های دلار ۴۲۰۰ تومانی با دلارهای ۱۰ هزار، ۱۱ هزار تا ۱۸ هزار تومانی را در اختیار بگیرد و آن را برای تهیدستان هزینه کند آنها را به ثمن بخش به نوکیسه‌ها و سازمان‌های دولتی هدیه کرد و شهروندان را در حسرت و بدبختی گذاشته است. شهروندان ایرانی حالا مانده‌اند که با این کفش‌های کهنه و سوراخ و رمقی که دیگر چیزی از آن نمانده است چگونه دنبال این باشند که سطح زندگی خود را حفظ کنند. شهروندان ایرانی حالا باید به کفش‌های کهنه که پای آنها را به زمین سفت می‌رساند و زخم می‌کند باید دنبال بسته‌های اهدایی دولتی بدون درد و مسیر راه با اتومبیل‌های میلیارد تومانی مواجه شوند که سیاست‌های غلط ارزی به جوانان دارای ارتباطات هدیه کرده است. تولیدکنندگان واقعی ایرانی نیز باید حالا دنبال مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای، خریدار و بانک و منابع مالی باشند و کفش‌های آنها نیز به زودی کهنه و سوراخ خواهد شد. دولت با این سیاست توانست کفش و لباس خود را نو کند و به بدهی‌های خود سامان دهد و لیخنه بر لب آورد. حالا دولت برای تامین هر ماه ۴ هزار میلیارد تومان یارانه لازم نیست یک میلیارد دلار عرضه کند، بلکه این مبلغ را با کمتر از ۲۵ درصد آن به دست می‌آورد. یارانه هر نفر ایرانی با دلار معادل ۱۷ هزار تومان حالا حدود ۲/۵ دلار است و دولت برای تامین آن سختی زیادی لازم نیست بر خود تحمیل کند. بدبینانه اگر نگاه کنیم ذی‌نفعان و دین‌فغان قابل اعتنایی را می‌توان در مسیر منتفعان از سیاست‌های ارزی دولت دید که شاید جای یادآوری آن در این نوشته کوتاه نیست. نیک اما اگر نگاه کنیم واضح و مبهرن است که همه رخدادهای نامی‌توان به ناکارآمدی نسبت داد و ای بسا که کاربلدها بارها به دولت گفتند که نرخ ارز را سرکوب نکنند و اجازه دهد کشور و اقتصاد یک بار برای همیشه از شر دلار دستوری خلاص شود اما دولت دنبال محبوبیت بود. حالا دولت می‌تواند ببیند همان اتفاق‌هایی که می‌خواست از آن فرار کند رخ داده است و به جای اینکه با سرکوب نرخ ارز به تهیدستان کمک کند آنها را به خاک سیاه کشانده است. کفش‌های کهنه تهیدستان به زودی با سفره‌های کوچک‌تر و اندوه و غصه همراه خواهد شد.

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

درآمد مردم چون برف ذوب می‌شود



شهروندان ایرانی از هر قشر و گروه به ویژه گروه‌های کم‌درآمد جامعه این روزها احساس بدبختی، استیصال و یأس دارند. آن گروه بزرگ از جامعه ایرانی که گفته می‌شود نزدیک به ۷ میلیون نفرند و قرار است به آنها بسته غذا داده شود تنها محل درآمدشان فروش نیروی کار است که در برابر دستمزد ثابت اقدام به فروش آن می‌کنند در یک دوره ۵ ماهه از اواخر فروردین ۱۳۹۷ تا پایان شهریور امسال دست کم ۶۰ درصد از قدرت خریدشان را از دست داده‌اند. این گروه بزرگ جامعه هیچ آماری از هیچ منبع آماری مثل بانک مرکزی یا مرکز آمار ایران را برای نرخ تورم ۶ ماه اخیر قبول ندارند و تنها به مشاهدات خود از بازار اعتقاد دارند. روند فزاینده و عجیب نرخ تبدیل دلار به ریال در این ۶ ماه که قیمت هر دلار را از ۵ هزار تومان ایران به حدود ۱۸ هزار تومان رسانده است معیاری برای افزایش قیمت تمام شده همه انواع کالاها و خدمات شده است. تولیدکنندگان ایرانی و کسانی که کالایی برای فروش دارند حاضر نیستند از این معیار دست بردارند و تا جایی که بتوانند قیمت کالاهای خود را به مرور با تحولات نرخ تبدیل دلار آمریکا به ریال و تومان ایران مطابقت می‌دهند. شیر، ماست، پنیر، روغن، چای، تلویزیون، موبایل و ده‌ها کالای دیگر مورد نیاز روزانه ایرانیان در این مدت کوتاه به ویژه از پاییز پارسال تا پاییز امسال با شتاب خود را به اوج می‌رسانند و اما دستمزدها ثابت است و کاری نمی‌توان انجام داد که این عقب‌ماندگی درآمد از قیمت‌ها جبران شود. شهروندان ایرانی این روزها خشمگین هستند و نرخ‌های تورم اعلام شده از سوی منابع رسمی تولید آمار آنها را آزار می‌دهد و به سطح بی‌اعتمادی آنها به منابع رسمی آماری می‌افزاید. قدرت خرید شهروندان ایرانی هر روز کمتر از دیروز می‌شود و نوعی بی‌حسی و کرختی به آنها دست داده است. کارگران می‌بینند که مدیران و صاحبان بنگاه‌های صنعتی نیز در فشار تورمی فزاینده گیر افتاده‌اند و توانایی افزایش مزد و حقوق از آنها سلب شده است و احتمال تعطیل کارخانه با کوچک‌ترین فشار از ناحیه مزدها افزایش می‌یابد. خیزهایی از سوی برخی نهادهای کارگری برای طرح افزایش مزد برداشته شده و زمزمه‌هایی شنیده می‌شود اما کارگران کارخانه‌ها به ویژه کارگاه‌های کوچک و متوسط نیک می‌دانند یا باید کارخانه تعطیل شده را ببینند یا با همین میزان مزد که مثل برف در برابر تورم فزاینده آب می‌شود را تحمل کنند. خشم فرو خفته میلیون‌ها حقوق و مزدبگیر در کارخانه‌ها، در اداره‌های دولتی، در سازمان‌ها و موسسه‌ها و بنگاه‌های دولتی چیزی است که این روزها شاهد آن هستیم و به نظر نمی‌رسد که در کوتاه‌مدت کاری از دست کسی برآید و اتفاقی در

و مرغ و تخم‌مرغ آن هم در اندازه‌های پایین را خریداری کنند.

باید منتظر باشیم که بسیاری از بنگاه‌های تولیدکننده کالای غیر از کالای اساسی به سمت تعدیل نیرو پیش رفته و میزان مزد و حقوق‌بگیران خود را کاهش دهند و این یک پدیده زیانبار است که موجب می‌شود گروه‌های تازه‌ای بر کسانی که زیر خط فقر بودند اضافه شود. کاهش نیروی مزد و حقوق‌بگیر در سطح کلان باز هم از قدرت خرید جامعه کم می‌کند و در یک دور باطل دیگر این چرخه را در سطحی بالاتر و با سرعتی بیشتر به حرکت درمی‌آورد. ماریپیچ تورم - رکود حالا می‌تواند تبدیل به سه‌گانه بسیار خطرناک تورم - رکود - بیکاری شود و جامعه ایرانی را وارد تونل وحشت سازد. بی‌تفاوتی و بی‌حسی شهروندان به مرور آثار و پیامدهای خاص خود را خواهد داشت و بر احساس تحقیر و سرخورگی می‌افزاید. هنوز مردم ایران به ویژه گروه‌های کم‌درآمد جامعه پس‌انداز قبلی خود را دارند و از سر ناگزیری به آنها رجوع می‌کنند و از این منبع برخی کالسی‌ها را جبران می‌کنند، اما واقعیت این است که این پس‌انداز برای تهی‌دستان به اندازه‌ای نیست که آنها را برای یک دوره میان‌مدت در شرایط امن قرار دهد. از آنجایی که همین پس‌اندازهای ریالی شهروندان نیز در برابر نرخ فزاینده تورم آب می‌رود و ارزشش از دست می‌رود خود نوعی حسرت به دلی برایشان به بار خواهد آورد.

تهیدستان و حقوق‌بگیران ایرانی روزهای بسیار غمباری را تجربه می‌کنند که حتی بیشتر از اوایل دهه ۱۳۹۰ آنها را آزار می‌دهد، چون امید به بهبود وضعیت سریع نیز از آنها دریغ شده است. درآمد مردم و تاب‌آوری شان در برابر هجوم سیل‌آسای تورم فزاینده‌ای که سرچشمه آن ناتوانی ریال در برابر دلار است چون برف آب می‌شود و به زمین فرو می‌رود و آنچه بر جای می‌ماند تن نحیف و دل رنج‌دیده آنهاست.

مسیر افزایش قدرت خرید مردم بیفتد. این رخداد پیامدهای ترسناکی دارد. مردم تحقیر می‌شوند و از سر بدبختی و استیصال در خود فرو می‌روند و مردان و زنان در برابر فرزندان خود که حالا نمی‌توانند بفهمند چرا ناگهان قدرت خریدشان کاهش یافته است حرفی برای گفتن ندارند. این تحقیرشدگی و بدبختی شهروندان جدای از پیامدهای اقتصادی به یأس عمومی منجر خواهد شد و کرختی و بی‌حسی در برابر هر رویدادی را دامن می‌زند. این گونه شده است که این روزها مردم به یکدیگر که می‌رسند می‌گویند بگذار دلار آمریکا به صد هزار تومان برسد، ما که دیگر چیزی برای از دست دادن نداریم. و این ضرب‌المثل قدیم ایرانی که «آب که از سر گذشت چه یک وجب چه صد وجب» به مرور در جامعه ایرانی این روزهای خاص بر سر زبان‌ها افتاده است.

بی‌حسی عمومی اگر در جامعه ایرانی و میان گروه‌های حقوق‌بگیر و مزدبگیر جامعه ریشه دوانده و جاگیر شود ذهن و قلب و دل آنها را از درون تهی کرده و نسبت به هر رخدادی در جامعه بی‌واکنش خواهند شد. وقتی شما نمی‌توانی با میزان ثابتی از مزد همان کالایی که تا قبل از خرداد ۱۳۹۷ خریداری می‌کردی را دوباره خریداری کنی و باید ۵۰ درصد آن را با همان میزان پول خریداری کنی و این برای صدها کالا اتفاق می‌افتد دیگر از جوش و خروش می‌فتی و حتی احساس خشم هم نمی‌کنی و بی‌تفاوتی را پیشه می‌کنی منتظر می‌مانی که اگر فرصتی شد این وضع را تلافی کنی. کاهش قدرت خرید شهروندان به مرور مصرف جامعه را به زیر می‌کشد و تولید بسیاری از کالاها دیگر با رکود بازار از صفره اقتصادی خارج می‌شود و در یک دور باطل و سخت آزاردهنده ماریپیچ تورم - رکود گرفتار خواهیم شد. این گونه که شهروندان قدرت خرید از دست می‌دهند و تنها می‌توانند نیازهای بسیار ضروری خود مثل نان و روغن و پنیر گوشت

سیاست ارزی و تحقیر شهروندان



برخلاف برخی دیدگاه‌ها که باور دارند فساد رخ داده عظیم در نیمه اول امسال ناگزیر بوده است و مردم باید آن را تحمل کنند، این درد بزرگ نشسته بر جان و دل شهروندان درمان شدنی نیست.

شاید روزی برسد که مثل سال‌های ۱۳۹۲ تا زمستان ۱۳۹۶، دولت و بانک مرکزی به دلایل گوناگون و البته غیرکارشناسانه بتوانند دوباره نرخ ارزهای معتبر به ریال را کاهش دهند و درآمدها را نیز افزایش دهند تا تعادل دوباره برقرار شود، اما واقعیت این است که درد سرچشمه گرفته از خوار و خفیف شدن میلیون‌ها ایرانی مداواشدنی نیست. در حرف و در نوشته شاید بتوان این درد را مداوا کرد، اما اندوه، حسرت و سرافکنندگی آن کارگر ایرانی که قدرت خرید درآمدش در یک دوره ۶ ماهه دست کم ۶۰ درصد کاهش را تجربه کرده و حالا نمی‌تواند حتی یک وعده غذایی درست و حسابی به فرزندانش بدهد را چه کسی جواب می‌دهد. برای آقایان نویخت، کرباسیان و سیف که مدیران ارشد و فرماندهان اقتصاد که دیدند چگونه پس‌انداز و دسترنج شهروندان مثل برف ذوب می‌شود و واقعیت‌ها را نگفتند بدون تردید این رخداد و فساد عظیم اثری بر وضع زندگی‌شان نداشته است. بدترین رخداد و اتفاق در فرآیند سیاستگذاری ناکارآمد ارزی قربانی شدن اخلاق و قربانی شدن غرور میلیون‌ها ایرانی بود. این یک واقعیت سرسخت است که فساد ارزی پدیدار شده می‌توانست رخ ندهد و جور دیگری شود اگر و اگر تنها به این حرف اقتصاددانان عمل می‌شد که «دلار هم کالا است». چرا و چگونه شد که رئیس دولت،

رئیس بانک مرکزی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیر اقتصاد این را نفهمیدند که «دلار هم» کالا است. چگونه شد که حالا و پس از آنکه اخلاق جامعه فرو ریخت و میلیون‌ها انسان زحمتکش ایرانی که کالایی جز نیروی کار برای فروش نداشتند به استیصال رسیدند به این نتیجه رسیدند که «صرافان می‌توانند دلار» وارد کنند. اقتصاددانان بارها و بارها توصیه کردند اجازه دهید روزی دو تومان به نرخ تبدیل دلار به تومان اضافه شود و در پایان سال نرخ تورم دلار با نرخ تورم عمومی یکسان شود اما آقای رئیس‌جمهور نپذیرفت. او به همراه یاران سیاسی‌اش در سال اول لابد گفتند این بسیار برای دولت بد است که ناگهان نرخ دلار به ریال پرش کند. در سال دوم هم لابد توجیه کردند حالا که دلار داریم چرا آن را گران کنیم و مجلس را از دست بدهیم. در سال سوم دولت یازدهم نیز لابد پیش خود تصور کردند حالا انتخابات دور بعدی از راه می‌رسد و باید دلار تثبیت شود. این داستان واقعیت دارد و متأسفانه کاری از دست اقتصاددانان بر نمی‌آید، جز اینکه مدام به دولت، بانک مرکزی و رئیس سازمان برنامه و بودجه توضیح دهند وقتی دست پر قدرت‌تان از فنر ارز برداشته شود و همه فشرده‌گی‌ها را ناگهان رها می‌کند و این نیز شد. این روزها زنانی هستند که از سر یأس و سرخوردگی همسر خود را نکوهش می‌کنند چرا نتوانسته است کمی دلار خریداری کند. تا در این روزها بفروشند و به زخمی بزنند. هستند فرزندان که پدر خود را نکوهش می‌کنند چرا دست کم پولی که داشتند را تبدیل به ماشین لباسشویی و ظرفشویی یا یک اتومبیل

دست دوم نکرده است. مردان پرشماری این روزها حسرت می‌خورند کاش به جای اینکه به کار آبرومندانه کاری، آموزگاری، قضاوت، پیشه‌وری می‌پرداختند با فلان دوست یا همکار یا فامیل آشنا و آگاه بر تحولات بیشتر زمان صرف می‌کردند و یک جمله از او می‌شنیدند که قرار است دلار کمیاب شود. هم‌اکنون شمار قابل اعتنايي از حقوق‌بگیران هستند که می‌گویند مردم، بس که تحقیر شدیم و در خود فرو می‌روند و اخلاق و مروت و مدارا و سخت‌کوشی و درستکاری را نکوهش می‌کنند، چون نمی‌توانند نیازهای مادی زن و فرزندانشان را به اندازه ناچیز قبلی هم تامین کنند. آیا آقای رئیس‌جمهور حاضر است یک بار از شهروندان پوزش بخواهد و راست و درست بگوید که دلار ۴۲۰۰ تومانی اختراع خودش یا کدام مدیر بوده است؟ آیا رئیس دولت حاضر است یک ماه به جای آن آموزگاری باشد که حالا قدرت خریدش کمتر از نصف شده است و باز هم باید به فرزندان این آب و خاک درس درستکاری و نیکو رفتاری بدهد؟ آیا رئیس سازمان برنامه و بودجه می‌تواند تصور کند میلیون‌ها جوان بیکار ایرانی چگونه با حسرت و بی‌اعتمادی محض به جوانی که پدرش یک مقام دولتی بوده و از اسرار ارز اطلاع پیدا کرده و حالا ثروتمند شده است چه رنجی می‌برند؟ نابرابری درآمدی در جامعه عیب و عار نیست و کسی نمی‌خواهد بگوید که چرا نابرابری هست، اما شمار قابل اعتنايي هستند که می‌گویند ناکارآمدی یک گروه کوچک نباید به حسرت ملی منجر شود؟ کوچک شدن آدمی و کوچک شدن سفره‌ها درد بزرگی است که این روزها می‌بینیم.

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریرم

روزگار صنعت

ایران در جهان

دولت خوشحال و بخش خصوصی ناشاد



بود که دولت در یک شرایط سخت ناچار شد تصمیم‌هایی بگیرد که نمی‌توانست بخش خصوصی را در آن مشارکت دهد. دولت می‌خواست نرخ ارز را سرکوب کند و هر اطلاعاتی که به هر کدام از اجزای بخش خصوصی می‌رسید می‌توانست رانت‌ساز باشد. این وضعیت موجب شد که دولت در یک تصمیم شتابزده بخش خصوصی را در همان اندازه‌های قبلی در همه مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کنار بگذارد. پس از آنکه دولت نرخ ارز را به میل خود تعیین کرد، پیامدهای پرشماری داشت که در ادامه منجر به کنار گذاشتگی کامل بخش خصوصی شد. دولت در یک دوره کوتاه‌مدت ده‌ها بخشنامه، دستورالعمل و مقررات تازه تدوین و اجرایی کرد که در هیچ کدام از آنها سهمی به بخش خصوصی داده نمی‌شد. این کنار گذاشتگی هنوز ادامه داد و تحولات نرخ ارز آن را در شرایط سخت قرار داده است. به نظر می‌رسد آن افراد و گروه‌ها و سازمان‌ها و اندیشه‌هایی که کنار گذاشتن بخش خصوصی را در کانون توجه قرار داده بودند بر ادامه این کار اصرار دارند.

۲- پیش‌بینی ناپذیر شدن

هر فعال اقتصادی در هر حوزه‌ای از فعالیت خود باید بتواند برخی از تحولات آتی متغیرهای مهم مثل نرخ بهره، نرخ ارز، نرخ تعرفه واردات و مالیات را پیش‌بینی کند تا از بی‌برنامگی دور شود. هر فعال صنعتی که نتواند این پیش‌بینی‌ها را

زمانی که نرخ ارزهای معتبر به پول ملی یک کشور در سرازیری قرار دارد واردات اوج می‌گیرد و برعکس. این داستان نرخ ارز در ایران به دلیل اینکه منشاء کسب آن به یک یا حداکثر دو کالا وابسته است اثر و پیامدهای بسیار دهشتناکی دارد. این تحولات در ایران به دلیل یاد شده یعنی وابستگی درآمد ارزی به صادرات نفت هر چند وقت یک بار رخ می‌دهد. این اتفاق در اوایل دهه ۱۳۹۰، در اواسط دهه ۱۳۶۰ و یک بار نیز در دهه دوم ۱۳۷۰ در ایران رخ داده است. شاید تحولات بازار ارز در یک سال از پاییز ۱۳۹۶ تا پاییز ۱۳۹۷ یکی از طولانی‌ترین عدم تعادل‌ها را ایجاد کرده است. عدم تعادل در بازار ارز که از تابستان ۱۳۹۶ نشانه‌های آن دیده می‌شد هنوز ادامه دارد. آنچه در این یک سال اخیر شاهد آن هستیم آسیب جدی به تولید صنعتی، آسیب جدی به فعالان بخش خصوصی و در بخش‌های گوناگون است.

آسیب‌های بخش خصوصی

در شرایطی که نرخ دلار با شتاب از حدود ۳۲۰۰ تومان به حدود ۱۹ هزار تومان رسید و این دگرگونی شگرف هم نظم قبلی را ویران کرد، بخش خصوصی آسیب جدی دید که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- کنار گذاشته شد

یکی از بدترین آسیب‌هایی که تحولات نرخ ارز به بخش خصوصی وارد کرد این

نرخ ارزهای معتبر به پول ملی هر کشور یک متغیر بسیار با اهمیت در کسب و کار جامعه‌ها در سطح کلان، در سطح بنگاه‌ها و در سطح خانواده‌هاست. هر کدام از بازیگران دولت، صاحبان بنگاه‌های خصوصی و شهروندان از تحولات نرخ ارز تاثیر می‌پذیرند و حال و روزشان خوب یا بد می‌شود. نرخ ارز از ابعاد گوناگون در اقتصاد اهمیت دارد. یکی از مسائل مهم در نرخ ارز به نوسان نرخ تبدیل ارزی مثل دلار به پول ملی کشورها در کوتاه‌مدت است. در حالی که کوتاه‌مدت می‌تواند از نظر برخی افراد به طور مثال چند سال باشد اما در این نوشته منظور از کوتاه‌مدت مدتی بین چند ماه و کمتر از یک سال است. در کوتاه‌مدت هر رخدادی در بازار ارز که لحظه‌ای است در برابر دیدگان مردم قرار دارد و هر شهروند به ویژه در شرایط امروز که شبکه‌های اجتماعی در هر ثانیه می‌توانند ده‌ها خبر و گزارش به مردم بدهند از این رخدادها متأثر می‌شوند. اهمیت نرخ ارز در کوتاه‌مدت این است که می‌تواند سرچشمه عدم تعادل و بی‌ثباتی شده و فعالان اقتصادی را با روزگار سخت مواجه کند. این مدت زمان کوتاه‌مدت حتی می‌تواند در شرایطی به تحولات روزانه رسیده و موقعیت بازیگران اقتصادی را در بی‌ثباتی محض قرار دهد. در بلندمدت اما تحولات نرخ ارز به ویژه در کشورهایی که اقتصاد آزاد دارند سیاست‌های تجاری و صادرات و واردات را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در

انجام دهد و حرکت بعدی‌ش معلوم نخواهد شد. این وضعیت بدترین حالت است و حرکت در غبار تلقی می‌شود. فعالان صنعتی، معدنی و کشاورزی ایران در بخش خصوصی به دلیل تحولات نرخ ارز و سرگيجه و سردرگم شدن دولت با پیش‌بینی‌ناپذیری مواجه شدند. به این معنی که دولت در پنهانی و در وضعیت کاملاً سیاسی و مطابق با منابع خود سیاست تجاری، صنعتی تنظیم و ناگهان ابلاغ می‌کنند. تناقض و تضاد بخشنامه‌ها یک دردسرتازه برای فعالان خصوصی است. مدیران بنگاه‌های خصوصی هرگز در یک دوره یک ساله اخیر نتوانستند سردرپیرون که دولت چه تصمیمی می‌خواهد بگیرد. این یک آیب جدی است که بنگاهی نتواند قیمت تمام شده تولید خود را برای یک دوره از تولید تعیین کند و از طرف دیگر بتواند آن را مطابق با عرف بازار عرضه کرده و بفروشد. دولت دوازدهم با سرکوب ارزی به بخش خصوصی دستور داده است حق ندارند نرخ کالاهای خود را تعیین کرده و باید آن را در دامنه‌ای از قیمت که دولت تعیین می‌کند عرضه کنند و این یک ستم مضاعف است.

۳- تامین مواد اولیه

بنگاه‌های صنعتی در ایران عموماً برای تامین مواد اولیه به دو سرچشمه خرید از داخل و خرید از خارج وصل میشوند. برخی از صنایع ایران مثل صنایع پلاستیکی و پلیمر، صنعت نساجی مواد اولیه خود را از پتروشیمی‌ها می‌گیرند و بخشی از آن را نیز باید از بازارهای جهانی تهیه کنند. در شرایط تحولات شتابان نرخ ارز برای بنگاه‌های صنعتی تامین مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای با دو مشکل مواجه شد. بنگاه‌های بزرگ تولیدکننده پتروشیمی در ایران که مواد اولیه ده‌ها رشته صنعتی را در دست دارند در وضعیت تازه با این دو گزینه عرضه کالا به بنگاه‌های داخلی با قیمت دستوری و با صادرات مواجه شدند. بدیهی است که صادرات برای آنها به دلیل رشد شدید نرخ ارز مقرون به صرفه است و جذابیت ارد. اما همین اقدام پتروشیمی‌ها به نوعی مجادله دائمی تبدیل شده است. عین این داستان برای بخش دیگری از صنایع درباره فولاد رخ داده است. از طرف دیگر اگر بنگاهی نیاز به واردات مواد اولیه داشته باشد با چندین مشکل مواجه است. یک مشکل این است که ارز مورد نیاز برای خرید وجود ندارد یا کم است و

باید سهمیه‌بندی رعایت شود. یک مشکل دیگر این است که از زمان ثبت سفارش تا روزی که کالا وارد شود نرخ ارز تغییرات غیرقابل پیش‌بینی را تجربه میکند که این مساله موجب بی‌ثباتی خواهد شد. از طرف دیگر واردکنندگان کالا نیز نمی‌دانند که روزی که ثبت سفارش کردند تا روزی که کالایشان به گمرک ایران می‌رسد چه تحولاتی در پیش است. مجموعه این تحولات منجر به این می‌شود که بخش خصوصی نتواند برنامه‌ریزی کرده و پیش‌بینی‌پذیری را از دست داده است.

۴- محدودیت نقل و انتقال مالی

انجام تجارت خارجی و مراودات بین‌المللی جزء لاینفک هر اقتصادی است، از سوی دیگر، انجام تجارت خارجی بین طرف‌های تجاری مستلزم انجام نقل و انتقالات مالی خواهد بود. به همین دلیل، هر یک از تولیدکنندگان به منظور دریافت منابع مالی ناشی از صدور کالاهای تولدشده با پرداخت هزینه واردات کالاهای مورد نیاز در مسیر تولید، نیازمند مسیری سریع، ایمن و با کمتری هزینه برای مراودات مالی با دیگر کشورها خواهند بود، اما متأسفانه یکی از راه‌هایی که در دوران تحریم توانست آسیب‌پذیری صنعت کشور را در مقابل این گونه تصمیمات افزایش دهد، محدودیت نقل و انتقالات مالی بود. یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین راه‌های نقل و انتقال پولی و مالی که می‌توان در عرصه بین‌الملل به عنوان تهسیل‌گر جریان‌های پولی از آن یاد کرد، سامانه الکترونیکی پیام مالی به نام انجمن مخابرات مالی بین بانکی جهان گستر یا سوئیفت است. سوئیفت موجب می‌شود جریان‌های پولی بین‌المللی با اطمینان بیشتری صورت گیرد و قابلیت رهگیری داشته باشد. در زمان اعمال تحریم‌ها، ایران به دلیل منع برخورداری از این سیستم و در نتیجه، دور زدن تحریم‌ها، مجبور به رف هزینه‌های زیاد برای انتقال وجوه بین بانک‌های طرف معامله شد. از این رو، این موضوع علاوه بر تحمیل هزینه‌های هنگفت، موجب کندی انجام معاملات نیز شد. همچنین منابع مالی ایران به دلیل تحریم‌های ظالمانه در برخی از بانک‌های خارجی بلوکه شد که این موضوع موجب کمبود منابع ارزی در واردات کشور شد. از این رو، می‌توان گفت با بازگشت تحریم‌های آمریکا باید منتظر افزایش ضربه‌پذیری بخش صنعت کشور از این کانال باشیم، زیرا وابستگی

بخش صنعت به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و مشکل در تامین ارز مورد نیاز برای این نوع اقلام وارداتی، موجب ایجاد کمبود در این بخش خواهد شد.

۵- افزایش نرخ ارز و افزایش هزینه‌های تولید

افزایش شدید نرخ ارز در سال ۱۳۹۱ به‌عنوان یکی دیگر از دلایل اثرگذار بر اقتصاد ایران قابل بررسی است. تحریم‌ها از طریق افزایش نرخ ارز باعث تحمیل تورم از طریق افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز در تولید شد، به نحوی که می‌توان گفت افزایش نرخ ارز، کالاهای وارداتی را با افزایش قیمت مواجه کرد که این موضوع موجب شد تولیدکنندگان کالاهای مشابه داخلی نیز قیمت‌های خود را افزایش دهند. از این رو، تولیدکننده داخلی حیندر صورتی که از کالاهای داخلی در مراحل تولید خود استفاده می‌کرد، با افزایش قیمت مواد اولیه تولید مواجه شد و در نهایت، شاهد افزایش قیمت تمام شده کالاهای به تبع، افزایش نرخ تورم تولیدات صنعتی در کشور بودیم. در حال حاضر نیز به دلیل اثرات روانی ناشی از نقض برجام در کشور، این مساله (افزایش لجام گسیخته نرخ ارز و به تبع، افزایش نرخ تورم تولیدات صنعتی) در حال وقوع است.

۶- محدودیت تامین منابع مورد نیاز (مواد اولیه و...)

وابستگی بخش تولید کشور به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای موجب شده است شاهد تأثیرپذیری بیشتر بخش تولید در نتیجه اعمال سیاست‌های خارجی علیه کشور باشیم، به نحوی که در سال‌های اعمال تحریم‌های ظالمانه علیه کشور شاهد فقدان توان داخلی برای ورود کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز در بخش تولید بودیم. هر چند ایجاد وقفه در واردات کالاهای سرمایه‌ای، بر عملکرد بخش صنعت قابل رویت است، اما میزان واردات کالاهای سرمایه‌ای بر میزان ارزش افزوده بخش صنعت تأثیر مستقیم دارد، به نحوی که با کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای، میزان ارزش افزوده بخش صنعت کاهش یافته است. در نهایت، طی سال‌های رویارویی با تحریم‌های خارجی به دلیل کمبود مواد اولیه مورد نیاز در تولید، شاهد رکود در تولیدات صنعتی بوده‌ایم.



ایرانی که این ۳ نفر می بینند

و ناتوانی‌های ایران با ۳ نفر که هر کدام به شکلی در ایران فعالیت دارند گفت‌وگو کرده‌ایم. واقعیت این است که جوزپه کارلای ایتالیایی، اندرسون سوئدی و خانم داگمار فن بن اشتاین آلمانی می‌توانستند شاید صریح‌تر از این حرف‌ها نکاتی را از دلایل بود و نبود سرمایه‌گذاری خارجی بگویند که احتیاط کردند. خروج شرکت‌های آلمانی در ایران و ماندگاری نستله نشان می‌دهد که ایران باید راهی پیدا کند که بشود غول‌های بزرگ در ایران ریشه داشته باشند و منافع بلندمدت آنها راه را برای خروج آنها سخت کند.

کلان و سیاست دارد در منطقه خاورمیانه یک ستاره درخشان باشد. این اما نیازمند تحول در دیدگاه‌های مدیران حاکم بر جامعه و سیاست‌ورزان دارد تا بتوانیم از ثروت‌های ایران استفاده کنیم. ورود مدیران صدها شرکت اروپایی، آسیایی و از سایر مناطق برای سرمایه‌گذاری در ایران پس از برجام یک نقطه عطف بود تا معلوم شود ایران تا چه اندازه جذاب است اما امروز که به همین چند سال پیش نگاه می‌کنیم حسرت بر دل می‌مانیم که کاش می‌شد کاری کرد سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شکل بگیرد. درباره توانایی‌ها



منصوره نصرتی کردکندی
عضو هیأت تحریریه

سرزمین شگفت‌انگیز و تاریخی ایران آنقدر جاذبه‌های متنوع در اقتصاد، در فرهنگ، در جغرافیا و در سیاست دارد که شمار قابل اعتنايي از افراد حقیقی و حقوقی جذب آن شوند. ایران می‌تواند هنوز به رغم همه کاستی‌ها و کژی‌هایی که در کسب و کار

گفت‌وگو با جوزپه کارلا

از مدل نستله ایرانی الگو بگیرید

راه خود را در بازار پیدا می‌کند. نستله ۱۵۰ سال است که این کار را انجام می‌دهد و یکی از شرکت‌های بزرگ دارای ذخایر دانش و پژوهش در صنعت تغذیه به حساب می‌آید. این راهبرد تا امروز جواب داده است و تصور من این است که از این به بعد هم جواب خواهد داد. توصیه من به شرکت‌های ایرانی که به هر حال با آنها همکاری داریم و همه شرکت‌ها این است که اگر می‌خواهند سودآوری بلندمدت خود را تضمین کنند راهبرد سرمایه‌گذاری در تحقیق علمی را در دستور کار حتمی قرار دهند و برای این کار سرمایه‌گذاری کنند.

نجیب که همکار نستله در مصر است در این باره توضیح داد تجربه به ما نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در تحقیق و پژوهش نه تنها در بلندمدت بلکه حتی در میان مدت نیز قابل برگشت است و می‌تواند به سودآوری شرکت‌ها منجر شود و ما این تجربه را در نستله داریم.

● آیا نستله ایران نیز سرمایه‌گذاری‌هایش در ایران را با توجه به همین عنصر یعنی پژوهش علمی انجام می‌دهد؟

نستله ایران رفتاری همانند نستله در سایر کشورها دارد به همین دلیل است که صدها هزار دلار در صنعت شیر سرمایه‌گذاری شد و یک کار علمی صورت پذیرد تا شیر تولیدی در ایران همان کیفیت شیر تولید شده در سوئیس را داشته باشد که این اتفاق افتاده است. افزایش کیفیت تولیدات در ایران یکی از تعهدات نستله بوده است که ما هر روز به آن فکر می‌کنیم و آن را اجرا می‌کنیم.

● شما به رغم تحریم‌های شدید آمریکا در ایران مانده‌اید. این شاید خواسته زیادی باشد، اما می‌توانید به شرکت‌های دیگر سوئیسی توصیه کنید از ایران نروند یا به ایران بیایند؟

می‌توانم از شرکت‌های اروپایی بخواهم اگر می‌خواهند از بازار ایران استفاده کنند الگویی شبیه به نستله ایران را مطالعه کنند. ما به ایران آمدم و شرکت ایرانی تاسیس کردیم و کالای با کیفیت تولید می‌کنیم و می‌توانیم از تحریم‌ها دور باشیم. فعالیت نستله در ایران که تولید غذای کودک است با فعالیت‌های نفت و گاز و خودروسازی متفاوت است و در شرایط تحریم تفاوت‌ها بیشتر دیده می‌شوند. مدیران و سهامداران هر شرکتی درباره دارایی‌های شرکت و اینکه در کدام کشورها سرمایه‌گذاری کنند خودشان تصمیم می‌گیرند. واقعیت این است که ما فقط می‌توانیم توصیه کنیم و به ویژه از شرکت‌های سوئیسی بخواهیم در ایران بمانند.

● حضور شما در محک با کدام انگیزه انجام شده است؟

نستله ایران تعهداتی دارد که یکی از آنها کمک به نهادهای عمومی و خیریه‌ای است. مطالعات و بررسی‌های ما نشان می‌دهد موسسه محک یک نهاد کامیاب و موفق است و ما می‌خواهیم بخشی از نتایج پژوهش‌های خود را در اختیار بیمارستان کودکان سرطانی که از طرف محک اداره می‌شود قرار دهیم.

جوزپه کارلا، مدیرعامل نستله ایران ترجیح داد گفت‌وگو با او در موسسه خیریه محک که قرار بود همکاری‌های نستله با آن در دستور کار باشد انجام شود. مدیران نستله ایران که کارلا را در دیدار با هیات امنای محک همراهی می‌کردند نیز در گفت‌وگوی نامه اتاق ایران برخی نکات را درباره این شرکت یادآور می‌شدند. اما گفت‌وگوکننده اصلی جوزپه کارلا بود.

● ● ●

● آقای کارلا، چند سال است در ایران هستید و اکنون نگاه شما به ایران و ایرانیان چیست؟

من ۴ سال است در ایران فعالیت دارم و به دلیل این مدت نسبتاً طولانی با بسیاری از ایرانیان به ویژه ۸۰۰ نفر از ایرانیان که همکار نستله ایران هستند آشنا شده‌ام و به همین دلیل خودم را ایرانی احساس می‌کنم. در این مدت با طبیعت و تاریخ ایران آشنایی نسبی پیدا کرده‌ام و بسیاری از این آشنایی‌ها خرسندم. ایران یکی از قدیمی‌ترین کشورهاست و شهروندانی توسعه‌خواه دارد که امتیازهایی برای این کشور به حساب می‌آیند.

● این مساله که نستله ایران در شرایط سخت این روزها که شمار قابل اعتنایی از شرکت‌های اروپایی و حتی سوئیسی ایران را ترک می‌کنند و نستله تعهد داده است بماند و برای ایرانیان قابل تقدیر است. در این باره توضیح دهید؟

واقعیت این است که نستله ایران در روزهای نخستین فعالیت در ایران تعهداتی داده است و برای انجام این تعهدات اصرار دارد و تا روزی که حاضر هستیم این کار را ادامه می‌دهیم. یکی از تعهدات نستله افزایش کیفیت فعالیت‌هاست و من فکر می‌کنم این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که فعالیت‌ها مستمر و پایدار باشد. از طرف دیگر یادمان باشد تولد نستله در ۱۵۰ سال پیش از احساس کمک هنری نستله به همسایه‌شان بود که می‌خواست غذایی مخصوص دختر آنها تولید کند که نمی‌توانست غذای عادی بخورد. این کمک به دیگران در ذات نستله است.

● وقتی به فعالیت‌های نستله جهانی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که این شرکت سرمایه‌گذاری قابل اعتنایی در توسعه تحقیقات دارد. این تلفیق سرمایه‌گذاری در تحقیقات و تولید محصول بر اساس کدام سازوکار اتفاق می‌افتد که به هر حال سودآوری را تضمین می‌کند؟

همان‌طور که در پرسش قبلی یادآوری کردم راز و رمز سودآور شدن نستله همانند هر شرکت بزرگ دیگر استمرار و پایداری شرکت است. این یک اصل است و تفاوت نمی‌کند که فعالیت نستله در ایران یا در یک کشور آفریقایی باشد. رقابت به ما حکم می‌کند که برای بقا و توسعه و تضمین سودآوری هر روز نوآوری را در دستور کار داشته باشیم. این نوآوری ممکن نمی‌شود مگر اینکه در تحقیق و پژوهش علمی سرمایه‌گذاری کلان اتفاق بیفتد. تجربه نشان داده است وقتی تولید یک کالا به پشتوانه پژوهش‌های مستمر روزانه علمی اتفاق می‌افتد



سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

در گفت‌وگو با رئیس آلمانی اتاق ایران و آلمان مطرح شد

فقط مشکل تحریم نیست، FATF هم هست

در آید. از سوی دیگر مدیران ارشد دولت نیز در برابر برخی تهدیدهای ضمنی آمریکایی ایستادگی می‌کردند و از آخرین کشورهایی بوده و هستند که می‌خواهند ایران را ترک کنند. با این همه و پس از آنکه در نیمه دوم اردیبهشت ماه امسال دونالد ترامپ اعلام کرد از برجام خارج و تحریم‌های ایران را برمی‌گرداند کشورهای اروپایی نیز به مرور آماده اتخاذ تصمیم‌های تازه شدند. با داگمار فن بن اشتاین رئیس آلمانی اتاق بازرگانی و صنایع ایران و آلمان در تهران گفت‌وگویی درباره تازه‌ترین وضعیت شرکت‌های آلمانی در ایران و برخی مسائل مرتبط با همکاری این شرکت‌ها انجام شده است که در زیر می‌خوانید:

مدیران ده‌ها شرکت متوسط و بزرگ آلمانی بلافاصله پس از آنکه آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان به نمایندگی مجازی از طرف غرب و چین و روسیه به نمایندگی از شرق با ایران قراردادی درباره پرونده هسته‌ای افشا کردند به ایران آمدند. مدیران ارشد سیاسی آلمان نیز برخلاف دیگر کشورهای عضو با سرعت خود را به ایران رساندند و نشست و برخاست با مدیران دولت و بخش خصوصی برگزار شد. ده‌ها شرکت آلمانی در بخش‌های مختلف انرژی، صنعت، راه، خدمات و سایر فعالیت‌های اقتصادی حاضر به عقد قرارداد یا تفاهم‌نامه شدند. این کار موجب شد آلمان در صدر کشورهای همکار ایران از نظر اقتصادی

● خانم، ممنون از فرصتی که در اختیار مجله نامه اتاق بازرگانی صنایع و معادن و کشاورزی ایران قرار دادید. واقعیت این است که ایرانیان اعم از مدیران دولتی و بخش خصوصی امیدوار بودند شرکت‌های آلمانی آخرین شرکت‌هایی باشند که ایران را ترک می‌کنند اما به نظر می‌رسد این اتفاق نیفتاده است. اما خبرها نشان می‌دهد تنها ۳۰ درصد از شرکت‌های آلمانی در ایران باقی مانده‌اند. نظر شما چیست؟

شرکت‌های آلمانی نیز علاقمند بودند و هستند که در ایران سرمایه‌گذاری کنند و سرمایه‌گذاری‌هایی نیز اتفاق افتاده بود و برخی قراردادهای منعقد و در شرایط اجرا بودیم که رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد تحریم‌ها را برمی‌گرداند. اطلاعاتی که من دارم تا آخر مردادماه بیشتر از ۷۰ درصد شرکت‌های آلمانی از ایران رفته‌اند. شرکت‌های آلمانی پس از اظهارات ترامپ نیازمند حمایت سیاسی بودند تا از شرایط نامساعد احتمالی دور بمانند. این تعداد شرکت باقی مانده در ایران نیز شرکت‌هایی هستند که احتمالا فعالیت خاصی در آمریکا ندارند که از طرف آنها تهدید به تحریم شوند. از طرف دیگر مدیران ایرانی به ویژه مدیران دولتی توجه داشته باشند که ارزش داد و ستد شرکت‌های آلمانی با آمریکایی‌ها ۱۱۰ میلیارد یورو است. این در حالی است که ارزش دادوستد با ایران فقط ۳ میلیارد یورو است. با توجه به اینکه این شرکت‌ها نمی‌توانند خود را در دام و تله تحریم آمریکایی‌ها بیندازند ترک ایران اجتناب‌ناپذیر است و رفتار قانونمند آنها انتخاب جز این باقی نمی‌گذارد.

● با توجه به آشنایی که شما در زمینه بهم پیوستگی سیاست و تجارت دارید، به نظر تان چه کاری می‌توان انجام داد که چراغ تجارت ایران و آلمان خاموش نشود؟

توجه داشته باشید که تحریم‌های آمریکا تا همین امروز که با شما صحبت می‌کنم جای تفسیر دارند. تفسیرهای احتمالی می‌توانند بر درجه عدم اطمینان و غیرقابل پیش‌بینی شدن شرایط برای شرکت‌ها بیفزاید. ابهام‌هایی که وجود دارد راه را برای شتاب بانک‌ها و شرکت‌ها در پایان دادن همکاری با ایران اضافه کرده است. آنچه اما به نظر می‌رسد می‌تواند

● حرف آخر تان برای ایران چیست که به هر حال پس از رفع مشکل تحریم بشود و بتواند تجارت خارجی‌اش را سامان دهد؟

راه‌حلی که به نظر می‌رسد وجود دارد و البته باید در سطوح بالا طرح و بحث شود ایجاد بازار سرمایه ایرانی مطابق با دستور عمل کمپلاینس اروپایی است. تأسیس بانک ویژه‌ای که برای ایرانی‌ها داشتن یک حساب بانکی در اتحادیه اروپا را امکان‌پذیر سازد و می‌تواند موجب تسهیل انتقالی سرمایه باشد. شرط علم البته در این مسیر تصویب قانون FATF توسط مجلس ایران است.

به باز ماندن فضای کار و همکاری منجر شود این است که ایران همان‌طور که می‌شنویم و می‌خوانیم آمادگی خود را برای ماندن در برجام ادامه دهد. در غیر این صورت تحریم‌های اعمال شده از طرف اتحادیه اروپا که لغو شده‌اند احتمال برگشت پیدا می‌کنند و در این وضعیت شرکت‌های آلمانی دیگر قادر به ماندن در ایران نخواهند بود.

● با توجه به حضور تان در ایران و با توجه به مدیریت بر یکی از مهم‌ترین اتاق‌های مشترک بازرگانی میان ایران و یک کشور دیگر، به نظر تان آیا اگر تحریم‌های آمریکایی برداشته شوند یا به هر دلیل دوباره سست شوند دیگر مشکلی برای فعالیت شرکت‌های آلمانی در ایران وجود نخواهد داشت؟

بدیهی است که مشکل تحریم آمریکا یک تنگنای جندی است و با وجود آن ادامه کار سخت خواهد بود اما آنچه می‌دانم این است که ایران برخی مشکلات را در داخل دارد که باید حل شوند. به طور مثال یکی از بزرگ‌ترین مشکلات شرکت‌های ایرانی و آلمانی انتقال پول به ایران و از ایران است. در حال حاضر این کار به دلیل اینکه از طرف موسسه‌های مالی کوچک انجام می‌شود مشکل، گران و توام با شرایط پیچیده است. یکی دیگر از مسائل بروکراسی پیچیده در ایران است. مشکل فعلی که سامانه نیما که درباره مسائل ارزی عمل می‌کند، شرکت‌ها را مجبور می‌کند معاملات از طریق این سامانه باشد که موجب شده است بروکراسی بیشتر شده و محدودیت محسوس در تجارت ایجاد کند. این سامانه کارایی کافی برای اجرای کردن دادوستد همه کالاها و خدمات که از خارج خریداری می‌شوند را نیز ندارد. دادوستدهای قدیمی رخ داده قابل انتقال به این سامانه نیستند این چیزی است که نامه اتاق ایران به رئیس‌جمهورشان نیز اعلام شده است. نوسان ارزی بسیار پرشتاب و دامنه‌دار نیز همین میزان داد و ستد را مختل کرده است. در حالی که شرکت‌ها نمی‌توانند سرمایه خود را خارج کنند چگونه باید کار کرد. نکته دیگری که باید به آن توجه شود وجود فساد اقتصادی و قاچاق است که این نیز کار را دشوار می‌کند.



ایران مزیت گردشگری بالایی دارد



● **توماس اندرسون، اقتصاددانی از کشور سوئد است که سال‌هایی از فعالیت خود را در منصب ریاست دانشگاهی معتبر در سوئد سپری کرده و در باریس موضوع تکنولوژی و علم و نوآوری را دنبال می‌کرده است. او چند سالی مشاور دولت عمان برای انتقال تکنولوژی فعالیت می‌کرده و اکنون نیز به ایران در همین باره کمک می‌کند. با او در اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران گفت‌وگو کردیم و از او پرسیدیم، نقش تکنولوژی در توسعه و رشد اقتصادی چیست و آیا در دنیای جدید انتقال تکنولوژی به کشورهای ضعیف‌تر آسان‌تر شده است؟**

قبول دارم که در دهه‌های قبل نوعی انحصار در انتقال تکنولوژی وجود داشت و شرکت‌های بزرگ دنیا حاضر نبودند که داشته‌های خود را به آسانی در اختیار کشورهای دیگر قرار دهند، اما دنیای امروز این‌گونه نیست و با توسعه شبکه‌های اجتماعی و فناوری ارتباطات و اطلاعات انتقال تکنولوژی آسان‌تر شده است. برای اینکه در این باره بیشتر توضیح بدهم به «گوشی تلفن همراه» اشاره می‌کنم. الان این تکنولوژی ارتباطات برخلاف تلفن ثابت که ده‌ها طول کشید در کشورهای آفریقایی و آسیایی فراگیر شود اکنون موبایل به آسانی و در کوتاه‌مدت حتی در اوگاندا تهنیدست هم در اختیار همه مردم قرار دارد. دانش و اطلاعات در دنیای امروز حبس شدنی نیست و به آسانی از کمند انحصارها خود را رها می‌کند. در دنیای امروز شهروندان جهانی به سادگی در متن تحولات تکنولوژیک قرار می‌گیرند و مناسبات و تعامل در این باره گسترده و ژرف است.

● **جناب‌عالی سابقه طولانی در کشورهای دیگر درباره انتقال تکنولوژی و توسعه دانش و توسعه عمومی دارید و حالا در ایران فعالیت می‌کنید. چه شناختی از مجموعه و برآیند دانش و تکنولوژی ایران و اینکه آیا می‌توان امیدوار بود که بتوانیم تکنولوژی روز آمد را به ایران انتقال دهیم پیدا کرده‌اید؟**

با توجه به شناختی که از مجموعه شرایط اقتصادی و فرهنگی ایران پیدا کرده‌ام و توانایی‌هایی که ایران دارد به طور خلاصه می‌توانم بگویم ایران کشور نیرومندی است و ایرانیان شایسته این هستند که تکنولوژی و دانش روز را در بخش‌های گوناگون استفاده کنند. اما برای تسریع و تسهیل امور باید نظام آموزشی ایران مدرن‌تر و کارآمدتر شود. آنچه که می‌تواند راه انتقال دانش را به ایران هموار کند این است که از آموزش‌های ساده به آموزش‌های پیچیده و مدرن

تبدیل شود. این اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه ایران در فضای تعامل با دنیا قرار گیرد و ایران با کشورهای دیگر و شهروندان و نخبگان جهانی دادوستد دانش و تکنولوژی کند. توسعه تکنولوژیک در شرایط حاضر نیازمند استفاده از تجربه‌های جهانی دارد و البته نیازمند سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه است.

● **به نظر جناب‌عالی ایران بهتر است در کدام فعالیت‌ها برای انتقال تکنولوژی سرمایه‌گذاری انجام دهد و با دنیا تعامل کند؟**

واقعیت این است که صنعت نفت در ایران یک صنعت قدیمی است و بخش قابل توجهی از درآمد ارزی ایران نیز از این فعالیت به دست می‌آید. ایران دارای ذخیره گاز طبیعی قابل توجهی است که می‌تواند در بلندمدت درآمد ارزی مناسبی برای ایران مهیا کند. به این ترتیب بهتر است که ایران تکنولوژی روزآمد مربوط به مراحل گوناگون کشف، استخراج و پالایش و تبدیل نفت و گاز به کالاهای بااهمیت را در کانون توجه قرار دهد. علاوه بر این مطالعات من نشان می‌دهد که ایران دارای معادن غنی در فلزات اساسی است و البته تکنولوژی کارآمد و مدرن برای استفاده از این معادن در ایران نیرومند نیست. مهیا کردن زنجیره تولید و فرآوری از معادن باید در بخش تکنولوژی در مرکز توجه قرار گیرد.

● **شما در این مدتی که در ایران فعالیت دارید چه شناختی از توانایی‌های بخش خصوصی ایران پیدا کرده‌اید؟**

آنچه می‌توانم به طور خلاصه بگویم این است که اندازه بخش خصوصی ایران در مقایسه با سهم دولت بسیار کوچک است و بخش خصوصی در مدیریت کلان اقتصادی حضور پررنگی ندارد. علاوه بر این زیرساخت‌های اصلی به بخش عمومی تعلق دارد و آن‌طور که من فهمیدم این است که دولت حتی در مسائل کوچک بخش خصوصی دخالت دارد. اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران به عنوان نماینده بخش خصوصی باید نیرومندتر شود و بتواند سهم دولت را کاهش دهد.

● **اگر اکنون از شما خواسته شود که به مدیران ایران توصیه کنید یک فعالیت یا چند فعالیت را به عنوان موتور توسعه در مرکز سرمایه‌گذاری قرار دهند، کدام فعالیت‌ها را توصیه می‌کنید؟**

همان‌طور که در پرسش‌های قبلی یادآور شدم ایران باید در نفت و گاز سرمایه‌گذاری برای انتقال تکنولوژی انجام دهد. اما پس از آن می‌توان به فعالیت گردشگری اشاره کرد. من در این باره شناخت خوبی به دست آورده‌ام. صنعت گردشگری در دنیا روند رو به پیشرفتی دارد و در هر سال صدها میلیون نفر در سراسر جهان به گردشگری می‌پردازند و میلیارد‌ها دلار هزینه می‌شود. ایران محیط طبیعی مناسبی دارد و تاریخ و تمدن و جغرافیای قدیمی دارد و می‌توان از این برتری‌ها برای جذب جهانگردان با کیفیت بالا استفاده کرد. ورود گردشگران با کیفیت به ایران یک درآمد قابل‌عنایت برای ایران خواهد داشت. صنعت گردشگری توانایی ایجاد اشتغال برای ایران دارد و در این باره می‌توان استارت‌آپ‌های نیرومند تاسیس کرد. ایران یکی از کشورهایی است که تنوع میوه در آن بالاست و این یک برتری برای ایران به حساب می‌آید. ایران توانایی تولید غذای سالم را دارد و این برای صنعت گردشگری یک مزیت است.

سرمقاله

اقتصادسیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

سرمقاله

اقتصادسیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



دلارپاشی مثل پتروشیمی

می‌کنند ترجیح می‌دهند به دلیل مابه‌التفاوت معنادار قیمت دولتی و آزاد این سهمیه را در بازار آزاد بفروشند. مدیران بنگاه‌های پایین‌دستی مجتمع‌های پتروشیمی را متهم می‌کنند که به جای ارائه فرآورده‌ها در بازار داخل آن را صادر می‌کنند. امروز اما یک مساله تازه نیز دیده می‌شود و آن ارز حاصل از صادرات پتروشیمی‌هاست که میان دولت و مجتمع‌های پتروشیمی در جریان است. رئیس‌جمهور می‌گوید پتروشیمی‌ها با تاخیر در ارائه ارز صادراتی خیانت می‌کنند و مدیرعامل پتروشیمی رئیس‌جمهور را متهم می‌کند اطلاعات غلط به او رسیده است و...

آنها با دولت‌های گوناگون این بوده است که آنها خوراک ارزان برای تولید بگیرند. این شروع رانت‌زا برای پتروشیمی‌ها اما چندان هم خوش‌یمن نبوده است و دولت آنها را ناچار می‌کند تولیدات خود را با قیمت‌های دستوری توزیع کنند، اما همین خواست و اراده دولت منشا رانت و فساد شده است. در همه بهار و تابستان ۱۳۹۷ شاهد شدیدترین مجادله‌ها میان مدیران کارخانه‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی با صدها کارخانه پایین‌دستی در رشته‌های مختلف صنعت بوده‌ایم. مدیران پتروشیمی باور دارند که بیشتر کسانی که از سهمیه فرآورده‌های پتروشیمی ارزان استفاده

پتروشیمی یک صنعت بزرگ در ایران است که با سرمایه تاریخی ایرانیان زاد و رشد کرده است و سهم قابل توجهی از سرمایه‌های اولیه ساخت مجتمع‌های پتروشیمی از سوی دولت‌های گوناگون تامین شده است. این اتفاق یعنی زاد و رشد پتروشیمی‌ها زیر سایه دولت موجب شده است که تا مدت‌های طولانی مدیریت و مالکیت این مجتمع‌ها در اختیار دولت باشد و در جریان واگذاری و فروش سهام شرکت‌های دولتی اما راه جدا شد. اکنون مالکیت و مدیریت پتروشیمی‌ها در نهادهای شبه‌دولتی و دولتی و بخش خصوصی توزیع شده است و برآیند چانه‌زنی

بالا و پایین پتروشیمی ایران

علی پالار | کارشناس اقتصادی

مذکور در بیش از ۲ میلیون و هفتصد و نود و پنج هزار تن بوده است. مجموع کل تولید صنعت پتروشیمی در خرداد ماه امسال بیش از ۴۵۵ میلیون تن بوده است. میزان فروش داخلی صنعت پتروشیمی تا پایان خرداد ماه نیز ۴۰۸۹۲۱ هزار تن به ارزش ۱۲۰۶۳۰۴۲ میلیارد ریال بوده است. همچنین فروش بین مجتمعی شرکت‌ها نیز ۲۳۱۹۶۶ هزار تن به ارزش ۵۹۶۰۰۵۵ میلیارد ریال رسید. گفتنی است که بالاترین عملکرد تولید در خرداد ماه امسال را مجتمع‌های پتروشیمی خوزستان، اهتمام جم، خراسان، کربن ایران، شیمی بافت، خارک، کرمانشاه، نوری، مروارید و شیراز به خود اختصاص دادند. صادرات محصولات پتروشیمی تا پایان خرداد ماه به رقم ۵ میلیون و سیصد و پنجاه و شش هزار تن به ارزش ۳ میلیارد و ۱۵۸ میلیون دلار رسید. مجتمع‌های پتروشیمی در سومین ماه سال ۱۳۹۷ بیش از ۱ میلیون هفتصد و سی و هفت هزار تن محصول به ارزش بیش از حدود ۹۶۲ میلیون دلار را صادر کردند. در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس تا پایان فصل بهار بیش از ۲ میلیون و هفتصد و پنجاه و نه هزار تن محصول به ارزش یک میلیارد و ششصد و سی و شش میلیون دلار صادر شد و در منطقه ماهشهر نیز بیش از یک میلیون و پانصد و چهل و شش هزار تن محصول به ارزش بیش از ۸۸۶ میلیون دلار روانه بازارهای بین‌المللی شد. همچنین تا پایان خرداد ماه، در سایر مناطق، بیش از یک میلیون تن محصول به ارزش ۶۳۶ میلیون دلار صادر شد. بالاترین میزان صادرات را از نظر وزنی پتروشیمی زاگرس با حدود ۷۳۲ هزار تن و از نظر ارزشی پتروشیمی نوری با بیش از ۴۴۱ میلیون دلار در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس تا پایان خرداد به خود اختصاص داد. همچنین در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، مجتمع پتروشیمی بندرامام با بیش از ۵۲۱ هزار تن صادرات توانست بیش از ۲۸۳ میلیون دلار صادرات را رقم بزند. در سایر مناطق نیز پتروشیمی خارک بیش از ۲۷۸ هزار تن محصول را به ارزش بیش از ۱۱۰ میلیون دلار روانه بازارهای خارجی کرد و رتبه نخست را در زمینه صادرات به خود اختصاص داد.

ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی کشور تا پایان سال ۱۳۹۶ با بهره‌برداری از ۶ طرح جدید به ۷۲ میلیون تن و ارزش کل فروش خالص این محصولات نیز به ۱۷ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. در سال گذشته، ۶ طرح (پلی اتیلن لرستان، اسید سولفوریک ارومیه، پلی اتیلن مهاباد، آمونیاک و اوره مرودشت، فاز ۲ کارون، تخت جمشید ماهشهر) به ظرفیت ۲٫۲ میلیون تن و سرمایه‌گذاری ۱٫۳ میلیارد دلار به ارزش فروش بیش از ۲ میلیارد دلار محصول افتتاح شد. همچنین، طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده قرار بوده است که در سال ۱۳۹۶ تعداد ۱۱ طرح پتروشیمیایی در مدار تولید بگیرد که تاکنون پنج طرح کردستان، تخت جمشید پارس عسلویه، کاویان ۲، مروارید و پتروشیمی انتخاب افتتاح شده‌اند. طرح باقیمانده شامل پردیس ۳، فاز اول بوشهر، انیدریک مالئیک و بوتان دی‌ال پتروکیمیای ابن سینا، کاوه و مرجان و دو طرح زیربنایی فاز دوم خط لوله غرب و فاز اول پتروشیمی دماوند هستند که تا پایان امسال به بهره‌برداری خواهند رسید. پیش‌بینی می‌شود، مجموع کل تولید صنعت پتروشیمی در سال جاری به مرز ۵۹ میلیون تن برسد و ارزش کل فروش خالص نیز از مرز ۱۷ میلیارد دلار عبور کند که ۶۷ درصد آن متعلق به صادرات و ۳۳ درصد سهم فروش داخلی خواهد بود.

پتروشیمی ایران که در سال‌های سخت تحریم، تحت سخت‌ترین مشکلات مالی، بانکی، فروش و... بود توانست بعد از اجرایی شدن برجام حرکت بدون وقفه خود را در همه زیرمجموعه‌هایش آغاز کند. انبارهای پتروشیمی دیگر به واسطه نبود مشتری پر نیست و مجموعه‌های پتروشیمی، به جز آنها که در حال تعمیر هستند، همه در حال تولید می‌باشند. در زمینه بهره‌برداری از مجموعه‌های پتروشیمی نیز عملکرد خوبی در این صنعت مشاهده می‌شود. در این زمینه وزارت نفت برنامه‌های متعددی را برای توسعه این صنعت طراحی کرده و در دست اجرا دارد که از آن جمله می‌توان به: تکمیل زنجیره ارزش، متنوع‌سازی مقاصد صادراتی، همگرایی شرکت‌های پتروشیمی به منظور احیای نشان محصولات پتروشیمی و در نتیجه تضمین‌کننده صادرات پایدار، توسعه صنایع پایین‌دست پتروشیمی، اعطای تسهیلات ارزی در اختیار شرکت‌های دانش‌بنیان از صندوق توسعه ملی اشاره کرد. با این همه خروج آمریکا از برجام همه چشم‌انداز خوب این صنعت را با ابهام مواجه کرده است و هم‌اکنون دیگر نمی‌توان با قطعیت نسبت به ادامه روند خوب سال‌های اخیر مطمئن بود.



صنعت پتروشیمی در دولت یازدهم به دلیل افزایش خوراک و اجرای برجام، توسعه قابل توجهی یافت به طوری که به گفته کارشناسان این صنعت، اکنون آماده جهشی جدید قرار گرفته است. با اجرای برجام و تسهیل در تامین تجهیزات روند ساخت و توسعه طرح‌های پتروشیمی شتاب گرفت و مجتمع‌های جدید، راه‌اندازی شدند. همچنین پس از توسعه شتابان فازهای پارس جنوبی در دولت یازدهم، میزان تولید گاز کشور افزایش و در نتیجه خوراک واحدهای پتروشیمی افزایش یافت. مجتمع‌های پتروشیمی معمولاً در سال‌های گذشته، به دلیل افزایش مصرف گاز در بخش خانگی در ماه‌های سرد سال، فاقد خوراک بودند، اما در دولت یازدهم به سبب افزایش تولید گاز در پارس جنوبی، کمبود گاز در کشور وجود نداشت، بنابراین، کمتر شاهد قطعی گاز و خوراک پتروشیمی‌ها بودیم. به گزارش شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ظرفیت تولید صنعت پتروشیمی در دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ بیش از ۹ درصد رشد داشته است که ناشی از اجرای ۱۲ طرح تولیدی و یک طرح توسعه‌ای سرویس‌های جانبی به ظرفیت بیش از پنج میلیون بوده است.

تولید مجتمع‌های پتروشیمی نیز تا پایان خرداد ماه ۹۷ در مجموع به بیش از ۱۳۲۶ میلیون تن و ارزش صادرات به بیش از ۳ میلیارد و ۱۵۸ میلیون دلار رسید. عملکرد ۲۰ مجتمع پتروشیمی مستقر در منطقه ماهشهر تا پایان خرداد ماه امسال ۴ میلیون و پانصد و نود و نه هزار تن بوده است. همچنین، عملکرد ۱۶ مجتمع پتروشیمی مستقر در منطقه عسلویه نشان می‌دهد، تولید واقعی این منطقه در مدت زمان یاد شده بیش از ۵ میلیون و هشتصد و شصت و هشت هزار تن بوده است. تولید واقعی ۲۰ مجتمع پتروشیمی مستقر در مناطق داخلی کشور در مدت زمان

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

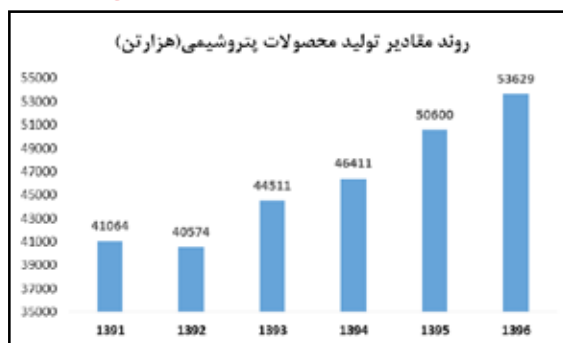
جدول ۱- روند مقادیر تولید محصولات پتروشیمی

طی سال‌های ۹۱ الی ۹۶

شرح	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶
تولید (هزار تن)	۴۱۰۶۴	۴۰۵۷۴	۴۴۵۱۱	۴۶۴۱۱	۵۰۶۰۰	۵۳۶۲۹
نرخ رشد	-۳,۹	-۱,۲	۹,۷	۴,۳	۹,۰	۵,۹

منبع: بانک مرکزی

نمودار ۱- روند مقادیر تولید محصولات پتروشیمی (هزار تن)



♦ مقدار تولید

مقدار تولید صنایع پتروشیمی در سال ۱۳۹۶ برابر با ۵۳,۶۲۹ میلیون تن بوده است که نسبت به سال ۱۳۹۵ حدود ۵,۹ درصد رشد داشته

آمار تولید کالاهای منتخب پتروشیمی به تفکیک محصولات شیمیایی و پلیمری

جدول ۲- آمار تولید کالاهای منتخب پتروشیمی به تفکیک محصولات شیمیایی و پلیمری (هزار تن)

شرح	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	درصد تغییر
پلی اتیلن (PE)	۲۶۰۰	۳۱۳۰,۱	۳۳۰۶,۶	۳۶۰۲,۳	۳۹۷۲,۳	۴۲۶۷,۴	۷,۴
پروپیلن پلی (PP)	۵۷۰	۶۵۹,۳	۷۶۰,۶	۸۱۲,۰	۸۶۸,۰	۸۸۶,۳	۲,۱
پلی اتیلن ترفتالات (PET)	۴۵۰	۵۱۵,۱	۵۲۱	۴۳۳,۰	۴۴۵,۲	۵۰۹,۳	۷۳,۹
پلی وینیل کلراید (PVC)	۴۵۰	۴۵۰,۷	۵۱۲	۵۱۱,۷	۵۰۳,۳	۵۷۴,۴	۱۴,۱
پلی استایرن (PS)	۱۰۴	۱۲۳,۴	۱۳۵,۳	۱۴۷,۴	۲۲۵,۷	۳۱۲,۸	۳۸,۶
اکریلونیتریل بوتادین استایرن (ABS)	۳۲	۵۱,۳	۴۲	۴۱,۶	۵۲,۹	۵۶,۸	۷,۴
استایرن بوتادین رابر (SBR)	۴۱	۳۸,۴	۳۹	۴۶,۰	۵۱,۶	۵۳	۲,۷
پلی بوتادین رابر (PBR)	۳۱	۳۰,۸	۲۷,۵	۳۲,۸	۳۴,۹	۳۸,۵	۱۰,۳
اپوکسی رزین (ER)	۱۱	۱۱,۶	۱۱,۸	۴,۴	۰	۴,۸	-
پلی کربنات (PC)	۱۱	۱۰,۳	۹,۹	۹,۳	۹,۲	۱۶	۷۳,۹
جمع پلیمری	۴۳۰۲	۵۰۲۱	۵۳۶۲,۴	۵۶۳۹,۵	۶۱۶۳,۱	۶۷۱۹,۳	۹
اوره	۴۰۸۲	۳۶۲۲,۳	۳۹۸۶,۶	۴۰۰۰,۰	۵۰۳۲,۰	۵۵۳۵,۳	۱۰
آمونیاک	۳۰۵۲	۲۷۴۶,۶	۳۲۳۸,۹	۳۱۹۷,۰	۳۷۹۵,۱	۴۲۸۵	۱۲,۹
سایر	۳۰۹۵۳	۳۰۹۵۱,۱	۳۴۲۳۱	۳۵۲۲۲,۰	۳۵۷۳۶,۰	۳۷۰۳۴,۷	۳,۶
جمع شیمیایی	۳۸۰۸۷	۳۷۳۲۰	۴۱۴۵۷	۴۲۴۱۹,۰	۴۴۵۶۳,۱	۴۶۸۵۵	۵,۱
جمع کل	۴۲۳۸۹	۴۲۳۴۱	۴۶۸۱۹	۴۸۰۵۹,۰	۵۰۷۲۶,۲	۵۳۵۷۴,۳	۵,۶

منبع: وزارت صنعت و معدن

کالاهای منتخب پتروشیمی به تفکیک محصولات شیمیایی و پلیمری در ۹۶ نسبت به سال ۹۵، ۵,۶ درصد افزایش داشته است.

♦ جایگاه صنعت پتروشیمی در بورس

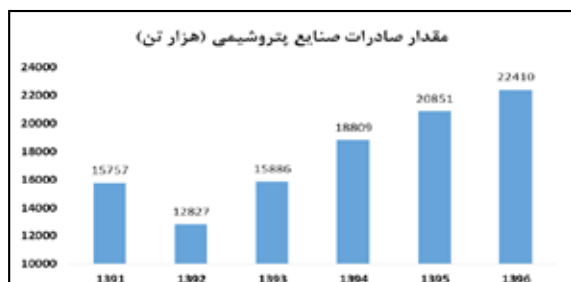
در طبقه بندی‌های سازمان بورس اوراق بهادار نیز گروه مجزایی تحت عنوان پتروشیمی مشاهده نمی‌شود و ناگزیر به انتخاب گروه محصولات شیمیایی که پتروشیمی‌ها زیرمجموعه‌ای از این گروه هستند، می‌باشیم. محصولات شیمیایی به جز شرکت‌های پتروشیمی شامل شرکت‌های دیگری بجز پتروشیمی‌ها نیز هستند نظیر شرکت‌های تولید رنگ و شوینده‌ها.

بر اساس طبقه‌بندی وزارت صنعت، معدن و تجارت، محصولات پتروشیمی به دو گروه پلیمری و شیمیایی تقسیم می‌شوند. سهم عمده محصولات پتروشیمی مربوط به گروه شیمیایی می‌باشد.

در سال ۹۷ نسبت سال قبل، ۵,۱ درصد افزایش مقدار تولید داشته است. محصولات پلیمری نیز در سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵، ۹ درصد تغییر داشته‌اند.

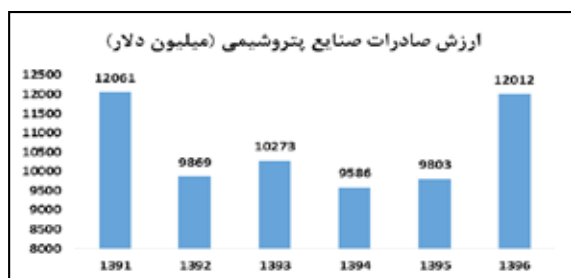
در بین محصولات پلیمری بیشترین افزایش را پلی کربنات (PC) و پلی اتیلن ترفتالات (PET) با ۷۳,۹ درصد داشته است. به طور کلی تولید

نمودار ۲- مقدار صادرات صنایع پتروشیمی (هزار تن)



منبع: بانک مرکزی

نمودار ۳- ارزش صادرات صنایع پتروشیمی (میلیون دلار)



منبع: بانک مرکزی

همان‌طور که مشاهده می‌شود پس از برجام در سال ۱۳۹۴، صادرات مواد پتروشیمی افزایش داشته است. لازم به ذکر است که این افزایش صادرات، رشد بیشتری نسبت به افزایش کل تولید داشته و صرفاً ناشی از آن نبوده است. صادرات بخش صنعت در گروه ساخت مواد و محصولات شیمیایی به تفکیک گروه فعالیت ۲ رقمی آیسیک

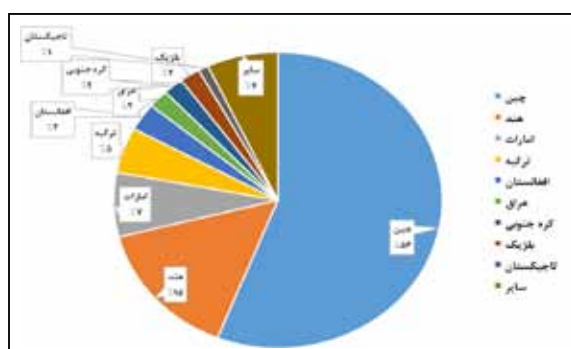
جدول ۵- صادرات بخش صنعت در گروه ساخت مواد و محصولات شیمیایی به تفکیک گروه فعالیت ۲ رقمی آیسیک

شرح	سال ۹۵		سال ۹۶		درصد تغییر به سال قبل در مدت زمان مشابه
	ارزش	وزن	ارزش	وزن	
ساخت مواد و محصولات شیمیایی	۱۸۵۵۵۷۲۳٫۴	۱۰۲۱۰٫۲	۱۹۸۶۰۸۶۰٫۷	۱۱۲۴۷٫۱	۷۰٪
					۱۰٫۲٪

منبع: وزارت صنعت و معدن و تجارت

مقاصد صادراتی

نمودار ۴- سهم صادراتی کشورهای مقصد



جدول ۳- ارزش بازار و تعداد شرکت‌های صنعت پتروشیمی

ارزش بازار	تعداد شرکت‌ها	سطح
۱۳۹۵	۱۳۹۶	
۳,۴۴۴	۱۳,۲۳۵	۳۵۵,۰
۷۶۰	۳,۱۰۱	۲۳,۰
۲۲,۱	۲۳,۴۳	درصد ارزش بازار صنعت محصولات شیمیایی از کل بازار

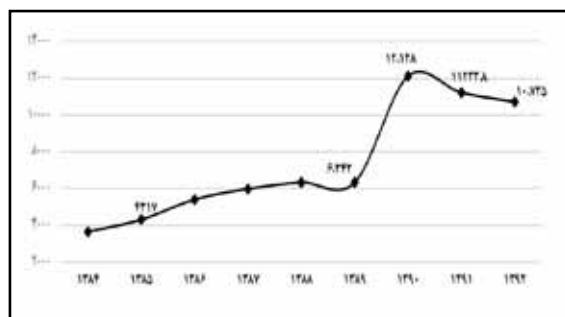
منبع: بورس اوراق بهادار

محصولات شیمیایی بیش از ۲۳ درصد ارزش بازار سرمایه را به خود اختصاص داده است. ارزش بازار این صنعت طی ۹ ماه نسبت به سال قبل حدود ۶ درصد رشد داشته است. سهم نسبتاً بالای صنعت پتروشیمی در بازار، گویای اهمیت این صنعت در بازار سرمایه کشور است.

مصرف صنعت پتروشیمی

آمارهای سازمان بهره‌وری انرژی گویای کاهش مصرف خوراک گاز طبیعی توسط مجتمع‌های پتروشیمی طی سال‌های اخیر است. چنانچه در نمودار ۳ نشان داده شده، از سال ۹۰ به بعد مصرف خوراک گازی پتروشیمی‌ها روند نزولی را آغاز کرد. اگرچه مصرف گاز طبیعی به عنوان خوراک پتروشیمی‌ها در سال ۹۱ با کاهش نسبت به سال قبل مواجه شد، اما همچنان سطح مصرف خوراک گازی از سال ۸۹ بیشتر است. در سال ۹۲ نیز کاهش مصرف گاز طبیعی با سرعت کمتری همراه بوده است.

نمودار ۲- خوراک گازی مصرفی مجتمع‌های پتروشیمی (میلیون متر مکعب)



منبع: ترازنامه انرژی

در سال ۹۲، گاز طبیعی مصرف شده به عنوان خوراک در مجتمع‌های پتروشیمی تقریباً ۴٫۵ درصد کاهش یافته است.

جدول ۴- روند مقدار و ارزش صادرات محصولات پتروشیمی (میلیون دلار)

شرح	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶
مقدار صادرات صنایع پتروشیمی (هزار تن)	۱۲۸۲۷	۱۵۸۸۶	۱۸۸۰۹	۲۰۸۵۱	۲۲۴۱۰
نرخ رشد	-۱۸,۶	۲۳,۸	۱۸,۴	۱۰,۸	۷,۴۷
ارزش صادرات صنایع پتروشیمی (میلیون دلار)	۹۸۶۹	۱۰۲۷۳	۹۵۸۶	۹۸۰۳	۱۲۰۱۲
نرخ رشد	-۱۸,۲	۴,۱	-۶,۷	۲,۲۶	۲۲,۵

منبع: بانک مرکزی

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

حاشیه‌ای بر یک مصاحبه گم شده در فضا

رسانه‌ها حاضر می‌شد پس از آنکه از سوی رئیس‌جمهور به طور ضمنی تهدید شد که از مقامش عزل خواهد شد و حتی شاید به دادگاه معرفی شود که چرا در پرداخت ارز صادراتی فرآورده‌های پتروشیمی تاخیر می‌کند حاضر شد با یک روزنامه گفت‌وگو کند. این گفت‌وگوی رضا نوروززاده نکات بسیار مهمی از وضعیت صنعتی پتروشیمی و پول‌باشی، رانت و فساد در این صنعت را بازتاب می‌دهد. برخی از نکات با اهمیت این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید:

رضا نوروززاده یکی از سیاست‌ورزان قدیمی ایران به حساب می‌آید که چندین دوره در مجلس قانونگذاری ایران فعالیت کرده و ریاست کمیسیون صنعت را برعهده داشته است. نوروززاده پیش از اینکه مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران شود مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (شستا) بود که یکی از بزرگ‌ترین کارتل‌های اقتصادی ایران به حساب می‌آید. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی که کمتر در



یکم - نوروززاده می‌گوید: سهام پتروشیمی‌ها در مالکیت شرکت ملی صنایع پتروشیمی هستند، حتی شرکت‌هایی که در قالب اصل ۴۴ واگذار شده‌اند نیز بخشی از سهام‌شان هنوز دولتی است و مالکیت بخش خصوصی در این صنعت نسبت به سهم دولت و بخش عمومی (منظور شاید شرکت‌های مشهور به خصولتی‌هاست) دارند.

دوم - مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با صراحت می‌گوید اولاً قیمت ارز صادراتی شرکت‌های پتروشیمی معادل ۷۵۰۰ تومان است، ثانیاً اختلاف قیمت ۷۵۰۰ تا ۴۲۰۰ تومان دلار رسمی نیز به دولت داده می‌شود و ثالثاً شرکت‌های پتروشیمی مثل پتروشیمی خلیج فارس دلارهای خود را به شکل قرعه‌کشی بین متقاضیان با قیمت ۷۵۰۰ تومان عرضه می‌کنند.

سوم - نوروززاده می‌گوید که «از داوری رئیس دولت» که گفته است مدیران پتروشیمی که ارز صادراتی خود را زودتر عرضه نمی‌کنند خیانت می‌کنند، تعجب می‌کند و تأکید می‌کند که به رئیس دولت اطلاعات ناصواب داده‌اند و ما با آقای جهانگیری نشست داشتیم و جزئیات آمار را به ایشان شرح دادیم و آقای جهانگیری از ما تشکر کرد.

چهارم - نوروززاده در این مصاحبه می‌گوید: ما به عنوان دولت می‌گوییم هفته‌ای ۲۲۰ میلیون دلار از طریق پتروشیمی‌ها ارز وارد سامانه می‌شود و پیش‌بینی ما این است که امسال ۷ میلیارد دلار در سامانه نیما ارز عرضه کنیم.

چند نکته درباره این گفت‌وگو را در ادامه می‌آوریم تا معلوم شود که داستان پتروشیمی به لحاظ اعداد و ارقام و رانت و فساد بازتر شود.

۱- در کجای دنیا و در کدام کشور سراغ دارید که یک شرکت ارز حاصل از صادرات خود را که مالکیت آن را دارد بنا بر فرموده دولت زیر قیمت بازار آزاد به متقاضیانی که معلوم نیست دلار را برای چه کالایی مصرف می‌کنند عرضه کند. چرا تاکنون هیچ فهرستی از خریداران ارز زیر قیمت پتروشیمی‌ها به افکار عمومی داده نمی‌شود. چه کسانی و کدام بنگاه‌ها از سوی کدام بانک به شرکت‌های پتروشیمی معرفی می‌شوند تا در شرایطی که قیمت هر دلار برابر با مثلاً ۱۴ هزار تومان است دلار ۷۵۰۰ تومانی نصیبشان شود. فرایند معرفی افراد و سازوکار آن چگونه است؟ تراژدی ماجرا این

۳- مدیرعامل صنایع پتروشیمی حق دارد از رئیس دولت گلایه کند که چطور بدون اینکه از وزیر نفت و از مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی اطلاعاتی کسب کند مدیران شرکت‌ها را به خیانت متهم می‌کند. این چه وضعیتی است که بر دولت حاکم شده و رئیس دولت و معاون اول او درباره یک موضوع بسیار بااهمیت دو حرف متناقض می‌زنند یا اینکه رانت پتروشیمی‌ها آنقدر هنگفت است که هماهنگی‌ها در بالاترین سطوح دولت رانیز ناهماهنگ می‌کند. چگونه است که وزیر نفت، وزیر صنعت، معدن و تجارت، مدیرعامل صنایع پتروشیمی هر کدام آمارهای جداگانه می‌دهند؟

۴- بر اساس آنچه که آقای نوروززاده می‌گوید، اگر پتروشیمی‌ها در شهریورماه هر هفته ۲۲۰ میلیون دلار به سامانه نیما ارز فروخته باشند و قیمت هر دلار ارز صادراتی آنها نیز ۷۵۰۰ تومان باشد، با توجه به اینکه میانگین قیمت هر دلار در شهریورماه در بازار آزاد دست‌کم ۱۱ هزار و پانصد تومان بوده است، هر دلار ارز پتروشیمی‌ها ۴ هزار تومان با بازار آزاد تفاوت دارد. اگر ۴ هفته در شهریورماه به طور میانگین ۲۲۰ میلیون دلار به سامانه نیما ارز فروخته شده باشد در مجموع ۸۸۰ میلیون دلار ارز فروخته شده است. آنهایی که این ۸۸۰ میلیون دلار را خریداری کرده‌اند تنها در یک ماه ۳۶۲۰ هزار میلیارد تومان رانت به دست آورده‌اند. کدام منطق و کدام فرمان است که این رانت را پدیدار کرده است؟

است که متقاضیان دلار ۷۵۰۰ تومانی پتروشیمی‌ها به اندازه‌ای زیادند که مدیران واحدهای پتروشیمی با قرعه‌کشی دلار ارزان را میان آنها تقسیم می‌کنند. اگر این اوج رانت‌خواری و ناکارآمدی نیست، پس چیست؟ در حالی که قرعه‌کشی بیکان مربوط به اوایل انقلاب بود و دیگر تمام شده است حالا دلار را قرعه‌کشی می‌کنند و البته شمار کسانی که در صف قرعه‌کشی قرار دارند را نیز بانک‌ها تعیین می‌کنند.

۲- بر اساس گفته آقای نوروززاده واحدهای پتروشیمی موظف هستند که هر هفته ۲۲۰ میلیون دلار به سامانه نیما با قیمت هر دلار ۷۵۰۰ تومان عرضه کنند. اگر ۵۲ هفته در سال را مبنای محاسبه قرار دهیم، پتروشیمی‌ها باید ۱۱/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ به این سامانه ارز تحویل دهند، در حالی که مدیرعامل صنایع ملی پتروشیمی از فروش ۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ صحبت می‌کند. کدام آمار قابل قبول است؟ آیا باید ۷ میلیارد دلار را باور کرد یا ۱۱/۵ میلیارد دلار را؟ مابه‌التفاوت معنادار این دو رقم را چگونه می‌توان تفسیر کرد. یک تفسیر این است که از این پس این عدد محقق خواهد شد. با توجه به زمان انجام این مصاحبه که روز آخر شهریور بوده است، اگر مبنای کار را ۶ ماه دوم سال لحاظ کنیم رقمی که پتروشیمی‌ها به سامانه نیما خواهند داد حدود ۶ میلیارد دلار می‌شود. این عدد نشان می‌دهد که پتروشیمی‌ها در نیمه نخست امسال فقط یک میلیارد دلار ارز خود را به این سامانه داده‌اند. این تفاوت‌های عجیب و غریب چه معنایی جز این دارند که شاید آقای نوروززاده از آن اطلاعاتی ندارد.

ناگهان تقاضا ۳ برابر شد

در سال ۱۳۹۶ از ۵۳/۶ میلیون تن محصول تولیدی حدود ۹ میلیون تن محصول، بین مجتمع‌های پتروشیمی و حدود ۸ میلیون تن فروش خالص در داخل (عمدتاً از طریق بورس کالا) به فروش رفته و ۲۲/۵ میلیون تن صادر شده است.

حدود ۱۵ درصد کل محصولات تولیدی پتروشیمی در سال ۱۳۹۶ به طور خالص در داخل کشور به فروش رفته است. با توجه به اطلاعات ارائه شده از بورس کالا در سال ۱۳۹۶ حدود ۴ میلیون تن محصول پلیمری و حدود ۲ میلیون تن محصول شیمیایی توسط مجتمع‌های پتروشیمی در بورس کالا عرضه شده است. در ادامه روند تغییرات عرضه و تقاضای محصولات پتروشیمی در بورس کالا طی پنج ماهه اول سال ۱۳۹۷ و مدت مشابه سال قبل تحلیل و بررسی شده است.

شایان ذکر است هر چند محصولات پتروشیمی در دو گروه عمده پلیمری و شیمیایی در بورس کالا عرضه می‌شوند، محصولات شیمیایی به دلیل نیاز به شرایط خاص حمل‌ونقل و کاربرد تخصصی‌تر آن در شرایط بحرانی نسبت به محصولات پلیمری کمتر دستخوش تغییر می‌شوند. از این‌رو در این گزارش عمده تحلیل‌ها بر محصولات پلیمری متمرکز است.

مقدار تقاضای محصولات پلیمری در پنج ماهه اول سال ۱۳۹۷ نسبت به مدت مشابه سال قبل سه برابر شده و از ۲/۳ میلیون تن به ۶/۷ میلیون تن افزایش یافته است.

روند کلی عرضه محصولات پلیمری در بورس کالا نزولی بوده، به طوری که در پنج ماهه نخست

سال ۱۳۹۶ در مجموع نزدیک به ۱/۸ میلیون تن محصول پلیمری عرضه شده در حالی که در پنج ماهه نخست سال ۱۳۹۷ این رقم به ۱/۵ میلیون تن کاهش یافته و ۱۷ درصد کاهش نشان می‌دهد.

افزایش شدید شکاف عرضه و تقاضای محصولات پلیمری بیشتر تحت تأثیر عامل تقاضاست، که در بخش دوم گزارش دلایل این موضوعات مورد بررسی قرار گرفته است.

در سال ۱۳۹۶ عرضه محصولات شیمیایی با نوساناتی همراه بوده اما در مجموع روند صعودی داشته و در اغلب موارد از مقدار تقاضا بیشتر بوده است. این شرایط با اعلام دستورالعمل تنظیم بازار محصولات پتروشیمی ملتهب شد، به طوری که تقاضای محصولات شیمیایی در مردادماه امسال به چهار برابر تقاضا افزایش یافت.

مداخله دولت در قیمت‌گذاری

بورس کالا به عنوان یکی از ارکان بازار سرمایه برای مبادلات کالاها، فضای معاملاتی شفاف و رقابتی را به وجود آورده است، اما بعضاً مشاهده می‌شود که دولت برای مهار شرایط بحرانی خاص، در این بازار مداخله کرده و اداره امور را به صورت دستوری به دست می‌گیرد. این در حالی است که به هم زدن مکانیسم‌های بورس کالا نه تنها شرایط را بهبود نمی‌دهد، بلکه نوسانات قیمتی را تشدید و بازار را ملتهب می‌کند. در حال حاضر مطابق دستورالعمل وزارت صمت درباره تنظیم بازار محصولات پتروشیمی، قیمت پایه عرضه محصولات پتروشیمی در بورس کالا براساس نرخ تسعیر ارز رسمی بانک مرکزی تعیین و در زمان

معامله، محدودیت در سقف رقابت اعمال می‌شود. روند عرضه و تقاضای محصولات پلیمری و شیمیایی نشان می‌دهد که اعمال محدودیت در سقف رقابت منجر به پیشی گرفتن بیش از حد تقاضا نسبت به عرضه می‌شود. تقاضای این محصول از ابتدای مردادماه به دلیل اعمال سقف قیمت ۵ درصد افزایش داشته است. درواقع زمانی که این محصول بدون محدودیت سقف قیمت معامله می‌شد، تفاوت عرضه و تقاضا به‌طور متوسط حدود ۱/۸ برابر بود، در حالی که در هفته‌های منتهی به مردادماه این رقم به بیش از هفت برابر افزایش یافت.

تعیین دستوری قیمت پایه محصولات

پتروشیمی

علاوه بر اعمال سقف قیمت، تعیین قیمت پایه با نرخ کمتر از نرخ بازار دوم نیز موجب آشفتگی بازار می‌شود. اعمال این سیاست موجب تفاوت چشمگیر میان قیمت محصولات پتروشیمی در بورس کالا و بازار آزاد و در نتیجه هجوم تقاضا برای خرید از بورس کالا شده است.

تفاوت قیمت برخی از محصولات پتروشیمی در بازار آزاد و بورس کالا به بیش از ۱۶۰ درصد نیز می‌رسد. وجود چنین شکاف قیمتی میان بورس کالای ایران و بازار آزاد می‌تواند انگیزه تولیدکنندگان را به تولید کالا کاهش دهد، زیرا بهترین روش سودآوری این است که محصول از بورس کالای ایران خریداری شود و در بازار آزاد بدون فرآوری عرضه و یا به صورت غیررسمی صادر شود. لذا اصلاح این سیاست برای بهبود شرایط موجود ضروری است.

سرمقاله

اقتصادسیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



مقایسه غم انگیز به این ارقام خوب توجه کنید



واقعیت تلخ داستان پتروشیمی ایران جنبه‌های متفاوتی را شامل می‌شود که بازگویی آنها شاید بتواند اندکی در نزد مسئولان و مدیران تحرک در مسیر بهبود وضعیت این صنعت ایجاد کند. در جدول زیر و ارقام و اعداد آن را با دقت اگر بررسی کنیم داوری ما درباره این صنعت بزرگ با آنچه در ذهن داریم متفاوت خواهد بود. همان طور که ارقام جدول این صفحه نشان می‌دهد دو کشور آلمان و کره جنوبی که نفت و گاز خود را از کشورهای مثل ایران و سایر صادرکنندگان خریداری و آن را تبدیل به فرآورده‌های پتروشیمی می‌کنند توانسته‌اند با فرآوری مرحله‌ای و تولید گران‌ترین کالاهای این صنعت اولاً بیشترین ارزش را به دست آورند و ثانیاً ارزش صادرات خود را در سطح بسیار بالا نگه دارند. در جدول می‌بینیم که ارزش صادرات کشور آلمان و کره جنوبی به ترتیب ۱۱ برابر و ۳/۸ برابر ایران است. این در حالی است که متوسط ارزش صادرات فرآورده‌های پتروشیمی آلمان و کره جنوبی به ترتیب برابر با ۱۰ برابر و ۲/۴ برابر است. نکته تاسف‌بار داستان اما مقایسه و صادرات پتروشیمی عربستان و ایران است. عربستان که بسیار دیرتر از ایران به صنعت پتروشیمی روی آورد نزدیک به ۳/۶ برابر ایران صادرات دارد و متوسط ارزش فرآورده‌های صادراتی آن نیز ۳۷ درصد بالاتر از ایران است.

تولید و صادرات ایران و کشورهای منتخب

میلیون تن

نام کشور	تولید (میلیون تن)	صادرات (میلیارد دلار)	قیمت متوسط فروش (هر تن به دلار)
کره جنوبی	۳۵	۳۸	۱۱۰۰
ایران	۶۰	۹/۵	۴۶۰
آلمان	۴۱	۱۱۶	۴۹۰۰
عربستان	۷۰	۳۶	۶۳۰

۱۰ هزار تقاضا فقط در ۳۰ ماه برای واحدهای پایین دستی

اقتصاد دولتی و متمرکز ایران همواره بوی رانت و فساد می‌دهد و این در ذات چنین اقتصادی است. این بوی رانت و فساد در همه حوزه‌ها وجود دارد. روزهایی و سالهایی بود که دولت‌ها در بودجه‌های سالانه وام‌های ارزان قیمت تکلیفی عرضه می‌کرد و هر فردی که توانسته بود شرکتی یا بنگاهی را ثبت کند و تقاضای وام کند به او وام ارزان قیمت داده می‌شد. این چنین بود که شمار قابل اعتنایی از بنگاه‌هایی که تنها یک عنوان و حداکثر یک سوله و چند دستگاه ماشین داشتند از این وام‌های تکلیفی استفاده می‌کردند. روزها و سالهایی بود که دولت‌ها با هدف حمایت از تولید داخلی مواد اولیه ارزان مربوط به بنگاه‌های خود را در اختیار بنگاه‌ها قرار می‌دادند و رانت و فساد را ترویج می‌کردند. روزها و سالهایی بود که وام‌های ارزان به بنگاه‌های زودبازده داده شد. در همین دولت اعتدال گرا نیز در سال ۱۳۹۶ رقمی معادل ۱۷ هزار میلیارد تومان پول ارزان توزیع شد.

در سال‌هایی دولت‌ها با هدف تولید فرآورده‌های پتروشیمی و صادرات آن کالاهای خوراک ارزان در اختیار این غول‌ها قرار می‌دادند و دیدیم که ده‌ها مجتمع پتروشیمی در هر جای ایران احداث شده است. چنین وضعی بود که موجب شده است تنها در سال ۱۳۹۶ رقمی برابر با ۲۰ هزار مجوز صنعتی یا ظرفیت‌های گوناگون داده شده است که از این مقدار مجوز ۱۷۹۰ مجوز مربوط مواد و محصولات شیمیایی، ۲۰۹۲ مجوز مربوط به محصولات از لاستیک و پلاستیک، ۵۷۸ مجوز مربوط به منسوجات بوده است.

ارقام و آمار نشان می‌دهند در سال ۱۳۹۶ از ۲۰ هزار مجوز صادر شده رقمی معادل ۴۴۶۰ مجوز به واحدهایی داده شده است که مواد اولیه آنها از واحدهای پتروشیمی اخذ می‌شود. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد که نزدیک به ۲۵ درصد از مجوزهای صادر شده در سال ۱۳۹۶ در ایران مجوزهای صادر شده برای کارخانه‌هایی بوده است که مواد اولیه آنها از صنعت پتروشیمی به دست می‌آید. آیا این میزان مجوز درخواستی بر اساس تصادف بوده است یا اینکه کسانی در کمین استفاده از رانت پتروشیمی بوده‌اند. می‌توان حتی کمی با بدبینی نگاه کرد و داوری کرد که احتمالاً مدیرانی بوده و هستند که درخواست مجوز برای این نوع صنایع را ترویج می‌کنند چون می‌دانند که رانت در این بخش وجود دارد. حالا اگر بر همین اساس و مقیاس ارقام سال ۱۳۹۵ را نیز لحاظ کنیم خواهیم دید تنها در ۲ سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ شمار مجوزهای صادر شده برای منسوجات، مواد و محصولات شیمیایی و محصولات از لاستیک و پلاستیک روی هم به عدد شگفت‌انگیز ۸۶۸۴ واحد دارای مجوز می‌رسیم که تنها در ۲ سال اخیر اقدام به درخواست کرده‌اند. اگر با همین معیار و اندازه نیمه نخست امسال را نیز ۲ هزار واحد لحاظ کنیم به عدد ۱۰ هزار درخواست مجوز می‌رسیم. چرا چنین ازدحامی برای احداث واحدهای صنعتی که مواد اولیه آن را باید مجتمع‌های پتروشیمی بدهند، وجود دارد؟ چون پایه اول را کج گذاشته و به این واحدهای بزرگ که حالا دیگر اختیار آنها از دست دولت خارج شده است خوراک ارزان قیمت می‌دهیم.

یک جدول و یک دنیا رانت

در این صفحه می‌توان دید که کمترین اختلاف قیمت پایه با قیمت بازار آزاد معادل ۴۲ درصد برای پلی‌استایرن معمولی ۱۵۴۰ پتروشیمی تبریز و بیشترین رقم نیز برای یک محصول از پتروشیمی نوید زرشیمی معادل ۱۶۸ درصد است. این رانت و فساد ریالی موجب شده است که هیجان برای استفاده از رانت در بالاترین درجه قرار گیرد. در چند ماه تازه سپری شده بیشترین نشست و برخاست‌ها در دولت و در بخش خصوصی مربوط به همین فعالیت است.

بازار آزاد ۱۸۰ هزار ریال گزارش شده است. به این ترتیب می‌توان واقعیت رانت موجود در این صنعت را بیشتر احساس کرد. یک مشتری که بتواند با قیمت پایه از پلی‌پروپیلن شیمیایی ZR۲۳۰۳ کارخانه نوید زرشیمی خرید کند سودی معادل ۱۶۸ درصد به دست می‌آورد. از طرف دیگر اگر همین کارخانه به جای عرضه محصول خود در بورس کالا آن را در بازار آزاد تجربه کند معادل ۱۶۸ درصد بر درآمد شرکت می‌افزاید. بر اساس ارقام جدول حاضر

چرا می‌گوییم پتروشیمی ایران مرکز پول‌پاشی و محلی برای زاد و رشد فساد شده است؟ برای اینکه بتوانیم این ادعا را در کوتاه‌ترین شکل نشان دهیم، کافی است به عددی این جدول مراجعه کنید. همان‌طور که ارقام این جدول نشان می‌دهد تفاوت قیمت پایه برخی از محصولات با قیمت آزاد آن تا ۱۶۸ درصد اختلاف دارند. در حالی که قیمت پایه یکی از انواع پلی‌پروپیلن شیمیایی در بورس کالا حدود ۵۹ ریال بوده است، قیمت آن در

مقایسه قیمت معامله در بورس کالا و قیمت بازار آزاد برخی از محصولات پتروشیمی

نام کالا	تولیدکننده	قیمت پایه	متوسط قیمت معامله	متوسط قیمت معامله با احتساب مالیات و کارمزد	قیمت بازار آزاد	درصد اختلاف
پلی‌پروپیلن شیمیایی ZR۲۳۰C	نوید زرشیمی	۵۸،۶۰۲	۶۱،۵۳۲	۶۷،۲۳۰	۱۸۰،۰۰۰	۱۶۸
پلی‌اتیلن ترفتالات بطری BG۷۸۱	پتروشیمی تندگویان	۶۲،۹۰۴	۶۲،۹۰۴	۶۸،۷۲۹	۱۸۱،۰۰۰	۱۶۳
پلی‌اتیلن ترفتالات بطری BG۸۲۱	پتروشیمی تندگویان	۶۳،۲۶۵	۶۵،۱۴۳	۷۱،۱۷۵	۱۸۵،۰۰۰	۱۶۰
پلی‌وینیل کلراید S۱۵	پتروشیمی اروند	۳۹،۳۶۷	۴۱،۳۳۵	۴۵،۱۶۳	۱۱۱،۵۰۰	۱۴۷
پلی‌پروپیلن نساجی HP۵۵۰J	پلی‌پروپیلن جم	۵۲،۶۳۸	۵۵،۲۶۹	۶۰،۳۸۷	۱۲۲،۰۰۰	۱۰۲
پلی‌پروپیلن نساجی HP۵۵۲R	پتروشیمی مارون	۵۲،۶۳۸	۵۵،۲۶۹	۶۰،۳۸۷	۱۲۲،۰۰۰	۱۰۲
پلی‌پروپیلن شیمیایی ZR۳۴۰R	نوید زرشیمی	۵۹،۸۶۲	۶۲،۸۵۵	۶۸،۶۷۵	۱۳۰،۰۰۰	۸۹
پلی‌اتیلن سبک خطی ۰۲۰۹ AA	پتروشیمی امیرکبیر	۴۷،۷۲۴	۵۰،۱۱۰	۵۴،۷۵۰	۹۸،۸۰۰	۸۰
پلی‌اتیلن سبک خطی ۰۲۰۹ AA	پتروشیمی شازند	۴۷،۷۲۴	۵۰،۱۱۰	۵۴،۷۵۰	۹۸،۲۰۰	۷۹
پلی‌اتیلن سنگین فیلم HF۵۱۱۰	پتروشیمی آریا ساسول	۵۳،۶۷۷	۵۳،۶۷۷	۵۸،۶۴۷	۱۰۴،۸۰۰	۷۹
پلی‌اتیلن سنگین بادی ۰۰۳۵	پتروشیمی بندرامام	۵۳،۸۶۱	۵۶،۵۵۴	۶۱،۷۹۱	۱۰۸،۰۰۰	۷۵
پلی‌اتیلن سنگین فیلم EX۵	پتروشیمی جم	۵۳،۶۷۷	۵۳،۶۷۷	۵۸،۶۴۷	۱۰۲،۵۰۰	۷۵
پلی‌اتیلن سنگین فیلم EX۵	پلیمر کرمانشاه	۵۳،۶۷۷	۵۳،۶۷۷	۵۸،۶۴۷	۱۰۲،۵۰۰	۷۵
پلی‌اتیلن سنگین دورانی ۲۸۴۰ UA	پتروشیمی تبریز	۴۸،۸۳۴	۵۱،۲۷۵	۵۶،۰۲۳	۹۳،۰۰۰	۶۶
پلی‌اتیلن سبک فیلم ۰۱۹۰	پتروشیمی آریا ساسول	۴۹،۸۰۳	۵۲،۲۹۳	۵۷،۱۳۵	۹۱،۵۰۰	۶۰
پلی‌پروپیلن شیمیایی EP۵۴۸R	پلی‌پروپیلن جم	۵۸،۶۰۲	۶۱،۵۳۲	۶۷،۲۳۰	۱۰۵،۰۰۰	۵۶
پلی‌استایرن مقاوم ۷۲۴۰	پتروشیمی تبریز	۷۳،۵۷۱	۷۷،۲۴۹	۸۴،۴۰۲	۱۲۵،۰۰۰	۴۸
پلی‌استایرن معمولی ۱۵۴۰	پتروشیمی تبریز	۷۱،۱۵۷	۷۴،۷۱۴	۸۱،۶۳۳	۱۱۶،۰۰۰	۴۲

مأخذ: همان.

سرمقاله

اقتصادسیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریرم

روزگار صنعت

ایران در جهان

سرمقاله

اقتصادسیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



عبور از شرایط سخت

که باز کردن گره‌های سیاست خارجی در باز شدن گره‌ها در اقتصاد و کسب و کار شهروندان نقش و سهم بالایی دارد. فریدون مجلسی و تاجرنیا و مطهری‌نیا از همین زاویه به مساله نگاه کرده‌اند و فعالان اقتصادی نیز با کمی احتیاط بیشتر همین بحث را به شکل دیگری مطرح کرده‌اند. شاید در شماره‌های بعدی این مجله این پرسش را باز هم مطرح کرد تا اینکه به یک نقطه امن رسید تا دولت نیز با استناد به این پرسش‌ها بتواند کاری صورت دهد.

را باید دنبال کنند؟ کارشناسان، اقتصاددانان و سیاستمداران و نخبگان هر کدام اما در برابر این پرسش که قرار می‌گیرند پاسخ‌هایی می‌دهند که نیازمند تحولات ساختاری است که این خود به زمان بلندمدت نیاز دارند. ماهنامه اتاق بازرگانی به سراغ برخی از فعالان سیاسی، فعالان اقتصادی و کارشناسان رفته و این پرسش را با آنها در میان گذاشته است. پاسخ‌دهندگان اما می‌دانند شاید نتوانند همه چیز را صریح و آشکار بیان کنند، اما حالا معلوم شده است

این روزها بزرگ‌ترین و پرشمارترین پرسش ایرانیان در هر قشر و گروهی این است که «چه می‌شود؟» و «چه باید کرد؟». واقعیت این است که پرشمار شدن این پرسش را می‌توان به نوعی استیصال مردم نسبت داد. مردم ایران در برابر اراده و خواست نهادهای اداره‌کننده جامعه تسلیم شده‌اند و چشم بر مهارت و سخاوت دولت، مجلس و قوه قضائیه و سایر نهادهای دوخته‌اند. مردم می‌خواهند بدانند که آینده چه می‌شود و چه راهی برای عبور از این روزهای سخت

در گفت‌وگو با دکتر مهدی مطهرنیا، استاد روابط بین‌الملل بررسی شد

الزامات ایران برای عبور از بحران

دکتر مهدی مطهرنیا استاد روابط بین‌الملل و آینده‌پژوه سیاسی است. این استاد دانشگاه که در حوزه تخصصی خود جزو معدود کارشناسانی است که همواره حرف و ایده تازه‌ای برای مطرح کردن دارد، در گفت‌وگوی پیش رو ضمن بررسی شرایط فعلی کشور و چالش‌هایی که اکنون گریبان‌گیر آن شده، معتقد است که برای گذار از این شرایط نیاز به تغییراتی اساسی است که مهم‌ترین آنها تغییر در بافتار نظام و سیستم است، بطوریکه باید در کنار بازنگری‌های ساختاری، بازنگری بافتاری در چارچوب عاملیت‌های انسانی صورت بگیرد. در همین راستا مشروح این گفت‌وگو در ادامه آورده می‌شود:

را با زمانه پس از انقلاب تنظیم کند و جهت‌گیری‌های انقلابی در لباس‌های گوناگون، خود را در دهه‌های مختلف به نمایش گذاشتند. این مساله به جای نهادینه شدن انقلاب در یک نظامی که در آن سیستم، سامانه و سازمان حکومتی مستحکم وجود دارد، یک جهش انقلابی به سوی انقلاب در درون مرزها و هدایت در برون مرزها را برای خود هدف‌گذاری کرد.

لذا انقلابیونی که پیروز شده بودند کاری جز انقلابی‌گری بلد نبودند و نمی‌توانستند فعالیت دیگری داشته باشند. از این رو انقلابی‌گری را درون مرزها حفظ و در استمرار آن تلاش کردند و سعی داشتند آن را به بیرون از گستره جغرافیایی ایران بزرگ هدایت کنند. کشوری که دارای منابع، معادن و استعدادهای درخشانی برابر با بسیاری از اجتماع قدرتهای موجود در کشورهای اروپایی بود با جهت‌گیری انقلابی و ادامه تاسیس و باز تاسیس انقلاب در این چهار دهه در این مسیر انقلابی عمل کرد. این رویه در دولت یازدهم به ناگاه به جای رویکرد انقلابی‌گری به پشتوانه سند چشم‌اندازی که رهبری انقلاب خود در سال ۸۲ برای اجرا ابلاغ نموده بود، با رویکرد تعامل سازنده در سیاست خارجی وارد میدان شد تا زمینه‌های توافق ژنو را اجرا و برای دست آورد برجام تلاش کند.

اما شاهد بودیم که هنوز جوهر امضای توافق برجام خشک نشده و برنامه جامع اقدام مشترک شکل نگرفته بود که ایران شروطی را برای برجام مشخص کرد و متعاقب آن دلوایسان ظهور و بروز پیدا کرده و از سوی نهادهای فرا دولتی و حکومتی رسمیت آنها مورد شناسایی قرار گرفته و قدرت پیدا کردند. برجام و شکل‌دهی وضعیتی دیپلماتیک به جای انقلابی‌گری، دولت را با چالش فراوانی روبرو کرد. ولی رویکرد دیپلماتیک رجحان پیدا کرد و ترجیح رویکرد انقلابی بر دیپلماتیک و انتقال قدرت از اوبامای نو دموکرات به ترامپ پست نو محافظه‌کار زمینه‌های ایجاد ثبات از حرکت انقلابی به دیپلماتیک را در دولت یازدهم متزلزل کرد.

این مساله موجب ایجاد فضایی شد که باز این بار نوعی پست نو محافظه‌کاری انقلابی ترامپ‌پستی خود را در برابر جهت‌گیری انقلابی موجود در ایران قرار دهد. انقلاب ترامپ در برابر نو دموکرات‌ها و دموکراسی صلح

● در دور نخست دولت آقای روحانی یک روند به نسبت با ثباتی را در عرصه داخلی و سیاست خارجی تجربه کردیم. این مساله در دور دوم دولت ایشان به خصوص پس از حوادثی از قبیل زلزله کرمانشاه، اعتراضات دی‌ماه، افزایش نرخ ارز و نیز مشکلاتی که در عرصه سیاست خارجی به واسطه خروج ترامپ از برجام ایجاد شد، روندی کاملاً معکوس را به نمایش گذاشت. به نظر شما این روند با ثبات چگونه به مسیر پرستلاخ کنونی رسیده است؟

دولت یازدهم میراث‌دار دولت‌های قبل در نظام جمهوری اسلامی ایران است. دولت یازدهم را نمی‌توان از دولت‌های قبل خود و دولت‌های قبل از آن را نیز از دولت‌های سابق خود جدا دانست.

بر اساس تئوری «از پیروزی تا پیروزی» که من در دهه ۱۳۸۰ مطرح کردم، انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ توانست واقعیت پیروزی را بر اساس شکست دادن رژیم کهن و راه‌اندازی رژیم جدید در آغوش گیرد؛ و در ۱۲ فروردین ۵۸ با رای ۹۸٪ درصدی مردم رژیم جدید را بنا نهاده و دوره دوم یعنی دوره «وضعیت انقلابی» را آغاز نماید.

ولی این رژیم براساس حرکت سریع انقلابی و پیروزی واقعی که به زودی در آغوش کشید نتوانست خود

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریر

روزگار صنعت

ایران در جهان

جوی اوبامایی خود را در برابر تهران قرار داد؛ و اکنون پیامدها و تبعات آن کاملاً روشن است. لذا اگر ثباتی در دوره نخست ریاست جمهوری حسن روحانی در دولت یازدهم به وجود آمد به واسطه نهادینه شدن مفهوم دیپلماسی به جای انقلابی گری در حوزه سیاست خارجی بود. نقل و انتقال پرونده هسته‌ای از شورای امنیت به دولت با کد نرمش قهرمانانه، پذیرش بخشی از خرد ورزی سیاسی به جای حرکت انقلابی عقل‌گرا در حوزه فعالیت‌های سیاسی در ایران بود، ولی این استمرار پیدا نکرد و دلایل درونی و برونی متعددی دست به دست هم داد تا دوران ثبات ناشی از این جهت‌گیری خردورانه و ایجادکننده ثبات را به یک تعقل‌گرایی مبتنی بر حفظ وضع موجود بکشاند. همین مساله منجر به ایجاد فضای عدم استفاده صحیح از همان فضای روانی و انتقال آن به فضای جدیدی شد که همه سخن از این می‌گویند که چه باید کرد؟!

● **در این میان برخی از مقامات به خصوص مقامات دولتی تأکید دارند که در شرایط فعلی ما دچار آسیب هستیم نه بحران. این امر به نظر شما چگونه تفسیر می‌شود؟**

آسیب و بحران در ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر هستند. آسیب در درون مطرح است و تهدید در مرزهای بیرونی. در همین راستا، تنگاتنگی و بهم چسبندگی آسیب در درون و تهدید از برون می‌تواند بحران را باشد. آسیب‌های درونی کم نیستند. حکومتی که مدعی ایجاد عدالت دینی و مهم‌تر از آن آزادی است و قبل از آزادی شعار استقلال را می‌داد و استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی به عنوان مردمی‌ترین شعار در انقلاب ۵۷ مطرح بود، اکنون انباشته از وابستگی به کالاهای چینی، نفوذ شرق در درون جامعه ملی از طریق اقتصاد وابسته و پیوسته به برون است. از منظر اجتماعی آسیب‌های بسیار جدی در جامعه ما وجود دارد. آمارهای مربوط به میزان طلاق، فساد و فحشا در پشت پرده آمارهای درونی منتشر شده برای اهل فن هویدا است. در بخش فناوری جهان در حال پیوستن به هوش مصنوعی است ولی صنعت ایران از تولید اساسی‌ترین کالاهای مملکت بازمانده است. در اقتصاد، ریال ایران بی‌ارزش‌ترین پول جهان است و در برابر پول رایج همسایگان خود حتی عراق و افغانستان قافیه را باخته است. از نظر سیاسی نبرد و رویارویی نخبگان هویداست. در بخش ارزشی اخلاقیات تا حدود زیادی از جامعه رخت بر بسته است. در بخش نیروی انسانی بالاترین میزان فرار مغزها از کشور را شاهد هستیم. در بخش امنیت که یکی از گزاره‌های جدی و مورد مباحث سیستم است با چالش‌های جدی در منطقه و نظام بین‌الملل روبرو هستیم و اگرچه وضعیت وارد بحران نشده است ولی چالش‌ها

به جای فرصت با چهره‌ای تهدید گونه خود را به نمایش می‌گذارند. در بخش قوانین و حقوق هم به جایی رسیده‌ایم که بسیاری از حقوق و قوانین و ضوابط حاکم باید تغییر کنند تا آینده ایران را بسازیم. آیا در چنین وضعیتی می‌توانیم بگوییم بحرانی وجود ندارد؟! آنچه رئیس‌جمهوری می‌گوید به باور من درست است. او نباید بی‌محابا وضعیت بحرانی را اعلام کند. باید ببینیم که دیگران نباید با حرف ایشان احساس وجود جدی بحران کرده و امید خود را از بین ببرند.

با تمام این احوال، بحران در حال شکوفایی است. در نظریه بحران‌های میشل برچر و وینگفیلد گفته می‌شود بحران‌ها دوره‌هایی دارند. تولد، شکوفایی، فروکش و پیامدها. بحران‌ها در ایران تولد پیدا کرده‌اند و در حال شکوفایی هستند. اگر بحران‌ها مدیریت نشوند، زمانه فروکش آنها دیرتر و هزینه‌ها و پیامدهای آنها بسیار سخت‌تر خواهد بود. اگر بر مرحله شکوفایی آنها پوششی بیفکنیم تا آنها بروز و ظهور نداشته باشند، اگر چه عملی نادرست نیست ولی نمی‌تواند مدیریت‌کننده بحران‌ها در آینده باشد.

● **شما به عنوان استاد روابط بین‌الملل و یک آینده پژوه سیاسی برای خروج از این وضعیت چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟ آیا راهکارهای ما باید بلندمدت باشد یا کوتاهمدت یا تلفیقی از این دو؟**

ایران باید تغییراتی اساسی را بپذیرد. تعدد قوای تصمیم‌گیرنده و عدم مشخص بودن مسئولیت‌پذیری‌های دولتی و حکومتی باید در قانون اساسی مرتفع شود. دولت به ظاهر تمام قدرت را دارد و مسئولیت تمام اقدامات اجرایی بر عهده دولت است، ولی از منظر بافتی و جدا از ساختار قانون اساسی، دولت دارای تمام قدرت نیست، لذا نباید مسئولیت‌پذیر تمام اقدامات باشد.

زمانی نخست‌وزیری و رئیس‌جمهوری در نوعی اصطکاک معنادار با هم به سر می‌بردند و از این جهت، جنبه‌ای پر ابهام وجود داشت. اکنون دولت و حکومت این اصطکاک را در همان جنبه و به همان میزان به نمایش گذاشته‌اند. دولت‌هایی می‌آیند و رای مردم را در اختیار دارند، ولی بنا به هر دلیلی در مسیر حرکت حکومت قرار ندارند. اینکه کدامیک حق می‌گویند و کدام یک در مسیر حق نیستند بحثی سیاسی است، ولی بحث علمی در سیاست این است که حکومت گاه نقش اپوزیسیون را می‌پذیرد و خود به بالاترین مقام اپوزیسیون دولت‌ها ی ناهمگون با خودتبدیل می‌شود.

به این معنا که حکام و نهادهای حکومتی بر اساس بررسی مطالبات مردمی بیشترین فشار را به نام ملت و سخنگوی پر قدرت با پشتوانه حکومتی از دولت مطرح می‌کنند. این

جهت‌گیری در دولت‌های هفتم و هشتم خود را نشان داد و در دولت‌های یازدهم و دوازدهم سایه‌های سنگین خود را بار دیگر به نمایش گذاشت. ولی گاهی دولت‌هایی که با نهادهای حکومتی همگن هستند بالاترین میزان حمایت نهادهای حکومتی را با وجود عدم کارآمدی در اختیار می‌گیرند. همین معنا را می‌توان در دولت‌های نهم و دهم مشاهده کرد که پیامدهای آن هم‌اکنون در کشور و در عرصه‌های مختلف خود را نشان می‌دهد.

در اینجا بافتار نظام و سیستم باید مورد توجه قرار بگیرد. هر اندازه ساختارها خوب باشند عاملیت‌ها و نیروهایی که در این ساختار همچون روح دمیده می‌شوند نیز باید مورد توجه قرار گیرند. تزریق نیروهای انسانی متخصص و مکانیسم‌های فکری و عملیاتی مناسب و متناسب در این معنا مورد توجه است. گزاره‌ای که تخصص و تعهد را در کنار هم می‌بیند و عقیده دارد این تعهد است که بر تخصص رجحان دارد باید مورد بازبینی قرار بگیرد. انسانی که متخصص نیست ولی متعهد است بر اساس تعهد خود جایگاه تخصصی دیگران را غصب نمی‌کند. بسیاری از کسانی که با ادعای تعهد و تخصص به عنوان عاملیت بافتار، این ساختار را در دستان خود گرفته‌اند دارای تخصص در زمینه‌های گوناگونی که مسئولیت پذیرفته‌اند نیستند. لذا باید به تعهد آنها نیز شک کرد.

در همین راستا، باید در کنار بازنگری‌های ساختاری، بازنگری بافتاری در چهارچوب عاملیت‌های انسانی صورت بگیرد و سپس نحوه مدیریت در آن، مورد توجه قرار بگیرد تا این ساختارها و بافتارها را از منظر درونی مناسب و از منظر بیرونی با محیط متناسب مدیریت کنند. معتمد، مدیریت و رهبری و ریاست باید از هم منفک شوند و افراد در درون یک ساختار و بافتار از جهت مدیریتی و رهبری و ریاست، هر کدام مشخص و فعل و انفعالات موجود در ساختار و بافتار موجود بتوانند کار ویژه‌های خود را عملیاتی کنند. نهادهای موازی با هم باید حذف شده و در کنار هم و در بستر قانونی مشخصی با یکدیگر، به هم پوشانی در ساختار و بافتاری مستحکم نائل آیند. وضعیت انقلابی باید به یک انقلاب نهادینه شده در نظام اخلاقی، نظام علمی، نظام بروکراتیک و نظام اقتصادی ایران حرکت کند. به عبارتی زیر سیستم‌های موجود در سازمان و سامانه حرکتی ما باید باز تعریف شوند و یک انقلاب اخلاقی و علمی و بروکراتیک و اقتصادی در ایران به وجود بیاید. اگر در زمینه ساختار و بافتار و همچنین نظام ارتباط‌دهنده میان آنها، مورد نیاز است. اگر برای انجام این مهم از نظر جداسازی نقش‌های مدیریتی و ریاستی و رهبری کاری انجام نشود بی‌تردید در آینده مشکلات بیشتری خواهیم داشت که میل به بحرانی شدن را در خود خواهند داشت.



برابر آزمون سختی قرار داده است. اینکه آیا اروپا حاضر خواهد شد منافع کلان شراکت با آمریکا را قربانی ماندن در برجام و به جان خریدن تحریم‌ها کند یا ملاحظات و دغدغه‌های امنیتی و حیثیت سیاسی اتحادیه، می‌طلبد تا اروپا هم‌چون تجربه ۱۹۹۶ و معافیت‌های تحریمی برای کوبا، راه مستقلى را در پیش بگیرد.

◆ نگاهی به قانون ضد تحریم ۱۹۹۶، مصوب اتحادیه اروپا

در سال ۱۹۹۶، اتحادیه اروپا، جهت مقابله با تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای اروپایی‌ها با آن مروادات تجاری دارند، نظیر کوبا، لیبی و ایران این قانون را وضع کرد. به موجب این قانون اگر در «کشوری ثالث» قوانین و مقرراتی به اجرا گذاشته شود که:

- ۱) پیامدهای فراسرزمینی، آن قانون، حقوق بین‌الملل را نقض کرده و مانع از دستیابی به اهداف تجاری و اقتصادی اتحادیه اروپا شود.

- ۲) اجرای آن قانون تغییر و کنترل فعالیت‌های اشخاص حقیقی و حقوقی در حوزه حاکمیت کشورهای اتحادیه اروپا را در پی داشته باشد.

- ۳) بر نظام و روال‌های حقوقی جاری و منافع اتحادیه و اشخاص حقیقی و حقوقی آن اثر منفی بگذارد.

تحت چنین شرایطی، ضروری است که برای حفظ نظام حقوقی جاری و منافع اعضای اتحادیه و اشخاص حقیقی و حقوقی آن از طریق حذف، خنثی‌سازی، ممانعت

اروپا اعلام کرد: قانون ضد تحریم اتحادیه اروپا را برای تحریم‌های آمریکا علیه ایران، به کار خواهد بست. رشد اقتصادی در ایران مبتنی بر رشد بخش نفتی بوده است؛ با خروج آمریکا از برجام و در حالی که هنوز تحریم‌های سه ماهه علیه ایران شروع نشده است، بسیاری از بنگاه‌های خصوصی خارجی این علامت را دریافت کرده‌اند که برای اینکه در لیست تحریم‌های دلار آمریکا قرار نگیرند باید از ایران خارج شوند و به همین خاطر است که خروج شرکت‌های اروپایی مانند پژو و توتال از ایران شروع شده است. این اتفاق روی بخشی از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در ایران تأثیر منفی می‌گذارد. تلاش آمریکا برای تحقق تحریم‌های نفتی، مسدود کردن مبادلات ایران با شرکای نفتی از جمله چین، کره جنوبی و ژاپن است. آمریکا می‌خواهد به جای نفت ایران، نفت عربستان سعودی و خودش را جایگزین کند که این مساله روی صادرات نفت و مشتقات آن تأثیر منفی گذاشته و در نهایت رشد اقتصادی ما را هم کاهش خواهد داد. با خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های بانکی و پولی آنها احتمالا سعی خواهند کرد دسترسی ایران به دلار را محدود کنند تا از این طریق بتوانند ارزش ریال ایرانی را کاهش دهند؛ ریالی که حالا به دلیل حجم عظیم واردات بسیار به دلار وابسته شده است. خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱، اتحادیه اروپا و سه کشور آلمان، فرانسه و بریتانیا را در

سیدمجتبی جلال‌زاده
کارشناس مسائل بین‌الملل



وضعیت این روزهای اقتصاد ایران تعریف چندانی ندارد و بدتر از آن چشم‌انداز آینده است که چندان چشم‌امیدی نمی‌توان به آن داشت و ماه‌های پرتلاطمی در انتظار اقتصاد ایرانی است. اقتصادی که در گذشته، دولت، بیش از هر عاملی بر آن تأثیر داشت، امروز پدیده‌ای مهارناشدنی و خارج از سیاست‌های کلان دولتی شده است. عده‌ای آن را گام‌هایی به سوی ورشکستگی می‌دانند و همان راهی را متصور هستند که پیش از ما ونزوئلا رفته است و برخی دیگر ریشه مشکلات را در بیماری هلندی که گریبان‌گیر اقتصاد شده است، جست‌وجو می‌کنند. اما هرچه هست همه می‌دانند که حال اقتصاد خوب نیست و بیمارتر از سال‌های گذشته است؛ اما نه آنقدر بیمار که دیگر قطع امید کنیم؛ بلکه دوره‌ای که می‌بایست با تدابیر جدید و وسعت نظری کارکردگرایانه‌تری به دنبال راه‌حل برایش بود. از سوی دیگر با اعلام کناره‌گیری آمریکا از برجام توسط رئیس‌جمهوری آمریکا؛ شرکای اروپایی این توافق‌نامه ضمن اعلام مخالفت با اقدام آمریکا، اعلام کردند که در راستای خنثی‌سازی تحریم‌های آمریکا تلاش خواهند کرد؛ اندکی بعد سخنگوی اتحادیه

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

یا هر شکل دیگری جهت مقابله با قوانین و اقدامات آن کشور ثالث، اقدام گردد. علاوه بر این؛ بنابراین قانون، دادگاه‌های دول عضو اتحادیه اروپا از اجرای آرای صادره از آمریکا (به عنوان دولت تحریم‌کننده) که متضمن جریمه مالی علیه اشخاص اروپایی هستند، منع می‌شوند. به موجب ماده یک قانون مذکور اتحادیه اروپا، مقررات این قانون، صرفاً جهت مقابله با قوانینی که در ضمیمه آن قید می‌شود، به کار بسته خواهد شد و بنا به شرایط، «شورای اروپا» -که متشکل از وزرای کلیه کشورهای عضو است- می‌تواند قانونی را به این ضمیمه اضافه کند یا از آن حذف کند. پس می‌توان گفت که منظور سخنگوی اتحادیه اروپا از اعمال این قانون علیه قوانین تحریمی جدید آمریکا، اضافه کردن این قوانین به ضمیمه قانون ضد تحریم ۱۹۹۶ است و به تبع، منوط به تصمیم شورای اروپا خواهد بود.

شرکت‌هایی که به علت قوانین تحریمی، متحمل خسارت می‌شوند؛ می‌توانند به موجب این قانون از دولت واضع تحریم خسارت دریافت کنند، هر چند این عبارت بسیار مبهم طرح شده است و همین جنبه عملی آن را تا حدی زیادی مخدوش ساخته است. به موجب این قانون شرکت‌های اروپایی که از قوانین تحریمی دولت تحریم‌کننده پیروی کنند دچار محدودیت‌های مالی از جانب اتحادیه اروپا خواهند شد، هر چند این ماده نیز مبهم است؛ و بنا به گفته کارشناسان مبنای مشخصی برای جریمه شرکت‌ها ارائه نمی‌دهد که بتوان بر اساس آن شرکت‌ها را محکوم کرد. همچنین دولت‌های اروپایی در

بسیاری از شرکت‌های بزرگ اروپایی (مثل شرکت خودروسازی رنو) ذینفع هستند در نتیجه اعمال محدودیت‌های مالی برای بسیاری از شرکت‌ها بعید بنظر می‌رسد. همانطور که گفته شد این قانون در سال ۱۹۹۶ جهت مقابله با تحریم‌های آمریکا علیه کوبا وضع شد با این وجود در ضمیمه، قوانین تحریمی ایران و لیبی هم آورده شد. اما این قانون در اصل یک ابزار سیاسی برای مقابله با آمریکا و اعمال فشار سیاسی در جهت حمایت از تجارت اروپا با کوبا بود و تاکنون در محاکم مورد استناد قرار نگرفته است. به جهت همین کاربرد سیاسی، متن این قانون در مواردی مبهم و کلی است. این قانون ساز و کاری جهت حفظ تجارت و مرادفات تجاری با کشور تحریم شده ایجاد کرده است و در مواردی موفق بوده است، اما به دلیل انگیزه وضع آن، در خصوص مقابله با تحریم‌های بانکی اشاره‌ای ندارد. این فقدان، از موثر بودن این قانون در مقابله با تحریم‌های فعلی آمریکا تا حدی زیادی کاسته است، گفتنی است در بیانیه توقف فعالیت بسیاری از شرکت‌های اروپایی به همین نکته اشاره شده است.

♦ فرجام

رشد اقتصادی در ایران پایدار نیست. در ایران رشد اقتصادی تابع سرمایه‌های خارجی، صادرات و واردات و در نهایت بخش نفت بوده است که هر سه این موارد از بی‌ثباتی رشد اقتصادی حکایت دارد. به همین خاطر احتمالاً در آینده‌ای نزدیک رشد اقتصادی با تکان‌های شدیدی مواجه خواهد شد و اینکه چقدر رشد یا کاهش رشد داشته باشیم به رفتار شرکای خارجی و سرمایه‌های آنها و همچنین وضعیت

بخش نفت بستگی دارد. به همین خاطر هم باید منتظر بمانیم و ببینیم که آیا اروپا می‌تواند در برابر آمریکا مقاومت کند که البته احتمال بعیدی است. همچنین ما باید منتظر رفتار چین در قبال اقتصادمان باشیم.

به‌طور کلی هیچ یک از این وعده‌ها تاکنون نتوانسته است شرکت‌ها و بانک‌های بزرگ اروپایی را به همکاری با ایران تشویق کند یا مانع از آن بشود که شرکت‌های اروپایی حاضر در ایران به فعالیت‌های خود در این کشور خاتمه دهند. حتی نهادهای دولتی (از جمله بانک‌های مرکزی) یا بین دولتی (بانک سرمایه‌گذاری اروپا) قبول تعهد در زمینه انجام وعده‌های «اتحادیه اروپا» به ایران را بسیار دشوار تلقی می‌کنند، زیرا به استفاده از دلار نیاز حیاتی دارند و از لحاظ تأمین مالی، نمی‌توانند از بازارهای مالی آمریکا صرف نظر کنند. در این شرایط، تنها می‌توان به همکاری شرکت‌های کوچک و متوسط اروپایی با ایران امید بست، البته آنهایی که هیچ ارتباطی با بازار آمریکا و شرکت‌های آمریکایی ندارند. اگرچه شاید اروپا در نهایت توان ایستادگی در برابر آمریکا را نداشته باشد، اما قطعاً به لحاظ حیثیتی نیازمند حفظ برجام و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی واشنگتن در عصر دونالد ترامپ است. این موضوع از آنجا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که این روزها انتقادهای شدیدی از انفعال اروپا در برابر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا مطرح می‌شود. به همین دلیل بسیاری از سیاستمداران اروپایی، دفاع از برجام را فرصتی طلایی برای ایجاد تعادل میان اروپا و آمریکا ارزیابی می‌کنند.



چه باید کرد؟



مجتبی اسکندری
روزنامه‌نگار



رانتیر دولتی سودایی محال و دست ناپاافتنی می‌نماید.

رتبه ایران بر اساس شاخص GII (شاخص بین‌المللی نوآوری)، هرچند با بهبود در سال‌های اخیر به رده ۶۵ جهانی رسیده است ولیکن بیشتر ناظر بر افزایش فعالیت استارت آپ‌های خصوصی در سطح کشور و ایجاد تنوع در دسترسی مردم به خدمات نوآورانه است. بدیهی است که نوآوری در اقتصاد دولتی، حداکثر به مدل‌های گوناگون خودروی پراید منجر خواهد شد!

رتبه ۱۳۰ ایران در ارتقای شاخص بهره‌وری در میان کشورهای جهان و همچنین رتبه ۱۲۸ ایران در روابط میان کارگر و کارفرما، نشان از بروکراتیزه شدن شدید اقتصاد کشور دارد که در باب دولتی بودن اقتصاد ایران، آمارها لب به سخن می‌گشاید. اگر مخاطبان سرسخت با آمار پیش گفته قانع نشدند، باید آمار مبتنی بر شاخص آزادی اقتصادی و همچنین شاخص ادراک فساد را، چاشنی‌وار به مابقی مطلب افزود! بر اساس آمار منتشره از سوی بنیادهای هریتیج و فریزر، ایران با قرار گرفتن در رتبه ۱۵۶ از نظر آزادی اقتصادی، در شرایط وخیمی به سر می‌برد. رتبه ۱۳۰ ایران در شاخص ادراک فساد، همبستگی معنادار شاخص ادراک فساد با آزادی اقتصادی را نمایان می‌سازد.

بدیهی است که با وجود وجود نقدینگی بسیار افسارگسیخته و هولناک در کشور، کماکان دولت و سایر خصولتی‌ها به

مطلوبیت توزیع رانت بسیار بالایی دارند و وجود فساد در چنین اقتصادی، امری بدیهی به نظر می‌رسد. توزیع یارانه‌های سنگین بر کالاهای اساسی و دارو و همچنین حامل‌های انرژی، خرید تضمینی برخی کالاهای کشاورزی نظیر گندم، پرداخت حقوق بازنشستگان از جانب دولت (و نه صندوق‌های بازنشستگی)، مالکیت و عاملیت تولید، توزیع و فروش بسیاری از کالاها و خدمات، نظیر: خودرو، فلزات سنگین، اینترنت و حامل‌های مهم سوختی نظیر بنزین و گازوئیل و قیر و بسیاری کالاها و خدمات دیگر، به شکلی کاملاً انحصاری یا دست‌کم انحصار از راه دور، کارفرمایی و اجرای پروژه‌های عمرانی، پرداخت کسورات موسسات اعتباری ورشکسته و بدحساب از محل دارایی‌های بانک مرکزی، وفور کارمندان در دوایر دولتی و غیردولتی و بسیاری موارد دیگر، نشان می‌دهد که اقتصاد دولتی (به معنای غیر خصوصی و نه فقط تیول داری قوه مجریه)، بلای جان اقتصاد خرد و کلان ایران و ایرانیان شده است.

به قول میلتنون فریدمن، اقتصاددان نوبلیست شهیر آمریکایی، انباشت قدرت و ثروت در یکجا، ولو با بهترین نیت، فساد می‌آفریند.

به‌طور طبیعی اقتصاد دولتی منابع بسیاری را می‌بلعد و هرگز به شکوفایی و کارایی در تخصیص منابع دست نخواهد یافت، خلاقیست در تولید و بهره‌وری در منابع انسانی و مواد اولیه نیز، با اقتصاد

اقتصاد ایران، حال و روز خوشی ندارد. این گزاره بیشتر به یک جمله ماضی استمراری می‌ماند که این روزها به چند شکل، از زبان‌های گوناگون شنیده می‌شود. یک عده کارگزاران سابق نظام‌اند که روزگاری مسئولیت تقنینی یا اجرایی داشتند، دسته‌ای دیگر، نمایندگان مجلس‌اند که بیشتر برای تبری خود از سهامداری مشکلات، از وضع موجود می‌نالند. جناح‌های سیاسی نیز با کنایه‌های لبه‌دار خود، هر یک توپ را به زمین جناح مقابل سانت می‌کنند تا بگویند که عامل وضع موجود آن «دیگری» سیاسی است. دسته‌ای دیگر از منتقدان اما، خود اوپوزیسیون‌پنداران حاکمیتی است که در نهادهای گوناگون انتخابی و انتصابی حضور دارند. انتصابی‌ها همواره طلبکارند و انتخابی هم گاه حواله به دولت تفنگدار می‌دهند و گاه برادران قاچاقچی یا دولت خراسان!

حال آنکه هیچ یک از این موارد نمی‌تواند علت تامه و حتی علت موجب وضع موجود باشد. علت تامه وضعیت کنونی اقتصاد ایران را باید در دولتی بودن اقتصاد و نیز روابط پرتنش با دنیا، جست‌وجو کرد. به‌طور مشخص اقتصادهای دولتی تابع

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

بنگاه‌داری عمده خود، در تولید و توزیع و حتی مصرف! کما فی السابق، با قدرت ادامه می‌دهند. انحصارگرایی اقتصادی در ایران، مرزهای جنون را نیز درنور دیده و به سرکوب قیمت‌ها توسط دولت رسیده است. افزایش قاچاق کالا، سوخت و ارز، تشدید شاخص شدت مصرف انرژی، کاهش بازدهی تولید، گسترده‌گی دامنه مشاغل ناپایدار و فاقد توان تولید ارزش افزوده، همگی داغ بر داغ اقتصاد ایران می‌افزاید. نهاد دولت به‌طور طبیعی میل به بزرگ شدن دارد و بزرگ شدن نیز تالی افزایش کنترل‌گری و حتی تصدی‌گری بر بخش‌های مختلف اقتصاد را موجب می‌شود.

آنچه تاکنون گفته شد، بیشتر نوعی آسیب‌شناسی شتاب زده از وضع موجود بود که البته داروهای مشخصی نیز برای درمان آسیب‌هایی که به ابرچالش می‌مانند، وجود دارد.

نخستین راهکار برای برون‌رفت از وضع کنونی، آزادسازی قیمت ارز و حامل‌های انرژی است. بدیهی است که آزادسازی، با افزایش قیمت تفاوت دارد و به عبارتی وانهادن پروسه قیمت‌گذاری به خریدار و فروشنده یا همان مکانیسم ازلی عرضه و تقاضاست! نرخ ارز که از اوایل دهه ۵۰ شمسی، سرکوب شده و به بهانه حمایت از مصرف‌کنندگان و حتی تولیدکنندگان! باعث بالا ماندن غیرواقعی قیمت ریال بوده است، پیچیده‌ترین معضل این روزهای اقتصاد ایران است. با نگاهی اجمالی به این ماجرا می‌توان دریافت که سرکوب نرخ ارز، به مثابه یارانه دادن به کالاهای خارجی در برابر کالای داخلی بوده و در نهایت با افزایش توزیع این رانت، تولیدکنندگان ورشکسته می‌شوند و بحران افزایش بیکاری، بیشتر حلقوم اقتصاد به اغما رفته ایران را می‌فشارد. دولت‌ها در این شرایط برای کاهش واردات، با وضع تعرفه‌های سنگین، سعی می‌کنند تا نمایشی مبتنی بر حمایت از تولید داخلی اجرا کنند حال آنکه، افزایش تعرفه باعث رشد و گسترش قاچاق شود. همان‌گونه که تفاوت قیمت تمام شده کالاهای تولید داخل، با کالاهای وارداتی یا قاچاق، بازهم افزایش بیکاری و گسترش فقر را در پی دارد. سرکوب قیمت حامل‌های انرژی نیز، به جای حمایت از اقشار و طبقات آسیب پذیر و فرودست، باعث تقویت مصرف، از جانب کسانی است که می‌توانند پول بیشتری بابت انرژی ارزان پرداخت کنند. همین امر، به علت وجود مابه‌التفاوت قیمت

سوخت در داخل با کشورهای همسایه، باعث تشدید قاچاق سوخت شده و با توجه به وضع موجود بازهم تداوم خواهد یافت. آزادسازی قیمت حامل‌های سوخت، باعث کاهش مصرف سوخت و همچنین کاهش هزینه‌های دولت خواهد شد و این امکان را به دولت خواهد داد که با بازتوزیع مناسب‌تر سوبسیدها، خدمات بهداشتی و آموزشی بهتری به مردم عرضه کند. عدم توجه‌پذیری اقتصادی تولید بنزین، گازوئیل و سایر فرآورده‌های بالادستی و پایین دستی حوزه نفت، باعث شده تا جذابیت سرمایه‌گذاری برای ایجاد پالایشگاه‌های جدید نفت و گاز و همچنین صنایع بالادستی پتروشیمی از بین برود. این در حالی است که واردات بنزین و گازوئیل با توجه به قیمت‌های داخلی صرفه بیشتری دارد. این ماجرا در رابطه با برخی کالاها نظیر گندم نیز صدق می‌کند. دولت با خرید تضمینی گندم با قیمت دو و نیم برابر ارزش جهانی این کالا، ضمن تشویق مردم به تغییر الگوی کشت و در نهایت تغییر الگوهای هیدرولوژیکی، به شکل هولناکی منابع عمومی را هدف ریسک‌های کوتاه‌مدت خود قرار می‌دهد. این در حالی است که این فرآیند هزینه‌های سنگین‌تری را در میان مدت به دولت تحمیل خواهد کرد.

بانکداری و مدیریت عمده بر بیمه‌های کشور، باعث بروز پدیده *dicoupling* یا جدایی بازارهای مالی و تولیدی از یکدیگر شده است. به این معنا که بانک‌ها در فضای کسب سود از مسیری غیر از تولید قرار گرفته‌اند و ریسک بیمه بر تولید افزایش یافته است. در واقع مردم نیز با توجه به این وضع، در بهترین حالت ترجیح می‌دهند

که سرمایه خود را از تولید دور کرده و در بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری بخوابانند و سود بدون ریسک زیاد بازپس گیرند. بانک‌ها نیز برای بازپرداخت سود سپرده‌گذاران، به مسیریایی غیر از سرمایه‌گذاری در تولید سوق داده می‌شوند و بازهم حباب‌های شدیدی در بازارهای سکه، ارز و مسکن از طریق سفته بازی ایجاد می‌کنند تا بتوانند علاوه بر کسب سود، سود معهود به سپرده‌گذاران را نیز، بازپرداخت کنند. این در حالی است که چرخه مالیاتی نیز وضع موجود را تشدید می‌کند باعث فرار شدید سرمایه از کشور خواهد شد.

در مجموع می‌توان گفت که واگذاری تصدی‌گری دولت در بنگاه‌داری و خرید خدمات، برچیده شده و کار به بخش خصوصی واگذار شود. پروژه‌های نیمه تمام و بنگاه‌های زیان ده و حتی سود ده، به شکل کامل یا دستکم به شکل اجاره به شرط تملیک به بخش خصوصی سپرده شود. نرخ سود سپرده و نیز نرخ بهره بانکی به شبکه بانکی واگذار شود و دولت در این زمینه استقلال شبکه بانکی را به رسمیت بشناسد.

اصلاحات فوری در نظام مالیاتی، به نحوی که سفته بازی را نشانه گرفته و از تولید نیز حمایت گسترده صورت پذیرد. خرید تضمینی کالاها و نیز تخصیص یارانه به حامل‌های انرژی نیز در یک فرآیند شفاف و به سرعت حذف شود. قیمت ارز و سایر کالاها نیز بدون سرکوب دولتی، توسط مکانیسم عرضه و تقاضا تعیین شود.

مطلب را با این جمله از فریدمن به پایان می‌برم: اگر مدیریت یک صحرا را به دولتی واگذار کنید، بعد از ۵ سال با کمبود شن مواجه می‌شوید!



۷ گام برای عبور از بحران اقتصادی - ایرانی ضرورت جراحی اقتصاد

مهدی پورقاضی | رئیس کمیسیون
صنعت اتاق بازرگانی تهران

در حال حاضر تفکر پوپولیستی روی سیاستمداران کشور چنبره انداخته است. در حالی که در چین، تایوان و ده‌ها کشور پیشرفته دنیا مسیر اقتصاد به درستی دنبال می‌شود اما در ایران شاهد این هستیم که به ظاهر سنگ امنیت، اشتغال، تولید و آرامش مردم به سینه زده می‌شود اما در نهایت تصمیماتی گرفته می‌شود که بر خلاف اقتصاد آزاد است؛ چرا که دولتمردان با وجود وعده‌وعیدها و شعارهایی که سر می‌دهند، حاضر نیستند به تصمیماتی هم جهت با اقتصاد آزاد تن دهند. بنابراین در شرایط فعلی همه فعالان اقتصادی و مردم در نگرانی به سر می‌برند و نسبت به این موضوع واهمه دارند که شاید به زودی تغییرات پیش‌بینی نشده خلاف منافع ملی اتفاق بیفتد.

واقعیت این است که اقتصاد کشور دچار سیاست پوپولیستی شده که به دنبال آن نه تنها مردم بلکه تجار و فعالان اقتصادی نیز متحمل هزینه‌ها و صدمات زیادی شده‌اند. بنابراین در شرایط فعلی اقتصاد کشور با اصلاحات جزئی اصلاح نمی‌شود بلکه به جراحی سختی نیاز دارد که همه باید برای این تغییرات صبور باشند. از اینرو باید سیاست‌های مختلفی را در پیش گرفت که از وضعیت بحرانی فعلی خارج شویم.

بر این اساس در ابتدا باید برای ایجاد محیط باثبات کلان اقتصادی، از تصمیمات غافلگیرانه، نپخته و سنجدیده خودداری کنیم. برای تحقق این هدف ضرورت دارد تصمیماتی گرفته شود که دست کم ۶ ماه اعتبار داشته باشد تا اعتماد از دست رفته به جامعه بازگردد. این در حالی است که در شرایط فعلی، اقتصاد از تصمیمات خلق الساعه خسته شده و فعالان اقتصادی به دنبال بخشنامه‌های متعدد ۶ ماهه اخیر، اعتماد خود به دولت را از دست داده‌اند؛ چرا که طی ماه‌های اخیر شاهد این بودیم

که یک شبه بخشنامه‌ها و قوانین جدیدی ابلاغ شد.

برای دستیابی به محیط باثبات اقتصادی همچنین باید یک صدای واحد وجود داشته باشد و سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف دولتی به‌طور جداگانه ساز خودشان را نزنند.

در حال حاضر وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت صنعت، بانک مرکزی و از همه مهم‌تر سازمان برنامه و بودجه ساز خودش را می‌زند. در شرایط فعلی جامعه اقتصادی پیام روشنی را دریافت نمی‌کند. در نتیجه با پیامدهای منفی در بازار از جمله ارز چندنرخه روبرو هستیم که به محیط باثبات اقتصادی لطمه وارد می‌کند و به ضرر اقتصاد است. در این میان باید از برخوردهای فیزیکی در اقتصاد خودداری شود. به عنوان مثال بگیر و ببندهای مربوط به کشف احتکار و بستن بنگاه‌ها که طی هفته‌های اخیر رخ داد، به ثبات اقتصادی ضربه می‌زند.



قدم دوم این است که تولید دانش بنیان، کالاهای صادراتی و تولیدی که دارای بهره‌وری ارتقا یافته هستند، مورد حمایت قرار گیرند. در این راستا باید به این نکته توجه داشته باشیم که هر چیزی مورد حمایت قرار نگیرد؛ چرا که منابع مالی کشور محدود است و نمی‌توان آن را صرف همه چیز کرد. بنابراین ضرورت دارد که فضای رقابت برای فعالان اقتصادی توسط دولت تضمین شود.

بر این اساس باید شورای رقابت بطور مستقل عمل کند. به این معنا که تصمیمات این شورا باید جهت کاسته شدن رانت باشد. این در حالی است که در شرایط فعلی شاهد این هستیم که بطور مثال با تغییر قابل توجه نرخ دلار، تنها اجازه افزایش قیمت ۱۰ درصدی به خودرو داده شده در حالی که این موضوع نشان می‌دهد که تصمیمات شورای رقابت مستقل از امیال مسئولان و دولتمردان نیست. در این شرایط انتظار می‌رود برای تعیین قیمت، همه مکانیسم‌ها به درستی در نظر گرفته شود و دولت و قوه مقننه از دخالت نابجا در این گونه تصمیم‌گیری‌ها خودداری کنند. به این شکل شورای رقابت نه تنها تامین مواد اولیه بخش تولید را تضمین می‌کند بلکه قیمت‌ها را بر اساس قیمت‌های منطقه‌ای بررسی خواهند کرد تا به نرخ منطقه‌ای دست پیدا کند.

قدم سوم این است که شرایط رقابت برای بخش دولتی و خصوصی یکسان شود و همچنین بخش خصوصی توسط دولت مورد مشورت قرار گیرد. این در حالی است که در شرایط فعلی شاهد این هستیم که بخش خصوصی در بیشتر تصمیمات مورد مشورت قرار نگرفته است. نکته قابل تأمل اینکه نظامی‌ها در رقابت با بخش خصوصی فعالیت اقتصادی می‌کنند اما هیچ حساب و کتابی پس نمی‌دهند یا اینکه بطور مثال از استان‌های متبرکه مالیاتی گرفته نمی‌شود. بنابراین رقابت بین بخش خصوصی و

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریر

روزگار صنعت

ایران در جهان



به زحمت می‌تواند از منابع این صندوق استفاده کند.

همچنین باید ارز بدون تاخیر تک نرخی شود. همانطور که در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا تنها یک نرخ برای ارز وجود دارد. از این رو باید از سرکوب قیمت ارز در سامانه نیما و بازار ثانویه خودداری شده و اجازه داده شود که نرخ ارز در سامانه نیما به نرخ آزاد ارز نزدیک شود. در این میان بانک مرکزی نیز باید به بازار عرضه و تقاضا احترام بگذارد و در آن دخالت نکند. از طرفی کنترل رشد نقدینگی نیز از اقدامات مهمی است که باید در دستور کار قرار گیرد؛ چرا که با چنین نقدینگی مهار نشدنی‌ای به تورم‌های بالا خواهیم رسید. قدم هفتم که یکی از مهم‌ترین اقدامات برای عبور اقتصاد ایران از بحران فعلی به حساب می‌آید، بهبود روابط با دنیاست. در شرایط فعلی رابطه ایران نه تنها با آمریکا و برخی کشورهای همسایه خوب نیست بلکه روابط ما حتی با کشورهایی که به ظاهر روابط خوبی داریم نیز در تشنج به سر می‌برد. از اینرو در حال حاضر موقعیتی نداریم که حتی کشورهای همسایه بتوانند به راحتی کالاهای ما را بپذیرند. بنابراین باید با دنیا هم‌پیوندی اقتصادی را در پیش بگیریم.

کلام آخر اینکه با در پیش گرفتن اقدامات فعلی دولتمردان نمی‌توان به آینده اقتصادی کشور خوشبین بود مگر اینکه هفت گام ذکر شده برای عبور از بحران فعلی اقتصاد در دستور کار قرار گیرد.

ما این است که سازمان‌های توسعه‌ای اهداف مشخصی ندارند و نمی‌توانند استراتژی مشخصی برای توسعه صنعتی تعریف کنند.

شفاف‌سازی در ارائه آمارها نیز یکی دیگر از اقداماتی است که باید در این حوزه مد نظر قرار گیرد. در حال حاضر با وجود اینکه تورم حدود ۵۰ درصدی در زندگی مردم احساس می‌شود اما همچنان بانک مرکزی میزان تورم را حدود ۱۰ درصد اعلام می‌کند. بنابراین ارائه آمارهای دستچین شده توسط دستگاه‌ها نشان می‌دهد که آمارهای اعلام شده از سوی دولت دستکاری شده است. در حالی که باید همه دستگاه‌ها و سازمان‌ها شفافیت را سرلوحه کار خود قرار دهند تا موجبات بی‌اعتمادی مردم را فراهم نکنند. در این راستا همچنین باید ارگان‌هایی مثل بانک مرکزی در رابطه با بی‌نظارتی‌ها مورد تنبیه قرار بگیرند و حتی به دادگاه معرفی شوند تا از میزان تخلفات کاسته شود.

اصلاح سیاست‌های مالی و پولی اقدامی است که باید در قدم ششم مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس بایستی از ریالی کردن صندوق توسعه ملی خودداری شود؛ چرا که این صندوق متعلق به نسل‌های مختلف است. تجربه ثابت کرده اگر منابع صندوق توسعه ملی ریالی شود، دیگر به صندوق باز نمی‌گردد. البته در این میان باید نرخ بهره این صندوق جذاب باشد تا فعالان اقتصادی و بنگاه‌ها بتوانند از آن استفاده کنند در حالی که در شرایط فعلی بخش خصوصی

دولتی به شکل فعلی غیر منصفانه است. ضرورت دارد که فعالیت این گروه‌ها با شرایط این چنینی متوقف شود. برای حل بحران‌های اقتصادی، باید با انحصار طلبی مقابله کرد. همچنین ضرورت دارد که دولت از دخالت در قیمت‌گذاری خودداری کند و پای خود را از قیمت‌گذاری‌ها بیرون بکشد. بر این اساس باید انجمن‌هایی همچون انجمن حمایت که در دست بخش خصوصی است، مورد حمایت قرار گیرد.

قدم چهارم این است که باید تکلیف مشوق‌ها و یارانه‌ها مشخص شود. چرا که در حال حاضر به اسم مردم و اشتغال تصمیماتی گرفته می‌شود که با علم اقتصاد جور در نمی‌آید. چنانچه قرار است مشوقی داده شود، باید به وضوح مشخص شود که این یارانه و مشوق برای چه هدفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان مثال باید تکلیف یارانه ۴۵ هزار تومانی که به مردم داده می‌شود، مشخص شود که این میزان پول قرار است برای چه هدفی هزینه شود. شفاف‌سازی در اقتصاد یکی دیگر از مباحث مهمی است که باید به عنوان قدم پنجم مورد توجه قرار گیرد. بنابراین اگر کسی از امتیاز یا معافیت ویژه استفاده می‌کند، باید بطور شفاف به اطلاع عموم مردم برسد. در این میان باید دولت الکترونیک جدی گرفته شود و بر روی پنجره‌های واحد کار شود. چرا که در اقتصادی که در آن فساد رخنه کرده باشد، نمی‌توان سرمایه‌گذاری انجام داد یا برنامه‌های توسعه‌ای را پیاده‌سازی کرد. همانطور که در حال حاضر یکی از معضلات

تعامل با دنیا پیشران توسعه اقتصاد

محمد امیرزاده

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران

اقتصاد فلجی که این روزها با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم، حاصل نگرش دولتی حاکم بر اقتصاد است. با اینکه دولت‌های مختلف طی سال‌های گذشته از همکاری بیشتر با بخش خصوصی دم زدند اما در نهایت شاهد این هستیم که بیش از ۸۰ درصد اقتصاد ایران در سیطره دولت قرار دارد و به تبع آن تصمیم‌گیری‌ها و قانون‌گذاری‌ها نیز به نفع ارگان‌های دولتی پیش می‌رود. تا جایی که در حال حاضر پیش‌بینی نرخ ارز به عنوان یکی از متغیرهای کلیدی و مهم اقتصادی به امری دشوار تبدیل شده است.

واقعیت این است که در هیچ یک از کشورهای دنیا شرکت‌های بزرگ در اختیار دولت قرار ندارند اما در ایران بسیاری از هلدینگ‌های بزرگ و همچنین پروژه‌های اقتصادی در دست ارگان‌های دولتی است. این در حالی است که تجربه نشان داده منابعی که می‌تواند در بخش خصوصی بازدهی ایجاد کند، با دخالت دولت تنها هزینه به بار آورده است. بنابراین دولت در هر پروژه‌ای که وارد شده نه تنها قفل شدن آن را به دنبال داشته بلکه در نهایت موجب تحمیل هزینه‌های قابل توجهی به مردم شده است. همانطور که نگاهی به نتایج مطالعات در این زمینه هم نشان می‌دهد که ورود دولت به برخی از پروژه‌ها، تاخیر چندین ساله و میلیاردها دلار خسارت را در پی داشته است. از این رو در حال حاضر بخش خصوصی از نگرش دولتی حاکم بر اقتصاد گله‌مند است و معتقد است که قوانین کاسب‌کارانه و بدنه فربه دولتی، اقتصاد کشور را با چنین بحران‌هایی روبرو کرده است.

بنابر آنچه گفته شد، اعمال سلیقه فردی در دولت دشمن توسعه بخش خصوصی است در شرایط فعلی یکی از حرکت‌های مهمی که می‌تواند برای عبور از بحران فعلی اقتصاد راه‌گشا باشد، رفع موانع بخش خصوصی و قطع دست افراد از دخالت در پیشبرد پروژه‌های بزرگ است. بنابراین اگر قرار است اقتصاد شکل درستی به خود بگیرد و رونق داشته باشد، باید تصمیم‌گیری‌های سیاسی به نفع منافع ملی باشد که برای تحقق این موضوع، دولت باید بپذیرد که تصمیم‌گیری بدون مشورت و همراهی بخش خصوصی امکان‌پذیر نیست. نکته قابل توجه اینکه تضعیف

بخش خصوصی و طبقه متوسط هر جامعه‌ای در نهایت مشکلات اقتصادی فراوانی را برای مردم به وجود خواهد آورد.

اما از آنجایی که سیاست، سیاست خارجی و اقتصاد همگی ملزوم یکدیگر هستند، باید در شرایط فعلی به دیپلماسی و بهبود ارتباطات بین‌المللی نیز توجه ویژه‌ای داشت؛ چرا که به عقیده ما پایه و اساس حرکت‌های اقتصاد، تعامل با دنیا است. این در حالی است که عدم ارتباط بین‌المللی و مشکل در روابط سیاسی در شرایط حاضر برای ما مشکل‌ساز شده است. تجربه نشان داده مذاکره، پایان هر جنگ و درگیری‌ای بوده است. از این رو بنده آنچنان به دیپلماسی معتقد هستم که تصور می‌کنم اگر در جنگ جهانی اول هم مذاکره انجام می‌شد، به جای کشته شدن هزاران نفر انسان بی‌گناه، تنها رهبران این جنبش‌ها کشته می‌شدند. اما به دلیل اینکه به دیپلماسی و مذاکره اهمیت داده نشد، بسیاری از ملت‌ها قربانی تأثیرات سیاست‌های استعماری طرف‌های درگیر در این مناقشه شدند؛ بطوری که در نهایت اثرات این جنگ بزرگ به ایران هم رسید و یک سوم جمعیت ایران بر اثر قحطی و گرسنگی جان خود را از دست دادند. بنابراین مذاکره و دیپلماسی نقش مهمی در



عبور از بحران‌ها و توسعه اقتصادی کشور دارد. همانطور که برجام بعد از چندین سال مذاکره حاصل شد. در شرایط فعلی مدیران ایرانی هم باید بتوانند با افزایش ارتباطات بین‌المللی، بهترین بازارهای جهانی و مصرف‌کننده جهان را به دست بگیرد تا به این شکل در مسیر جهش صادراتی و توسعه قرار گیرد. در این خصوص البته باید به این نکته توجه داشت که مهم‌ترین موتور محرکه آماده کردن بانک‌ها برای پشتیبانی از صادرات است. همچنین شناسایی قوانین مزاحم کسب و کار و اعلام آنها به دولت و مجلس بطور شفاف یکی از اقدامات مهمی است که از مسئولان اتاق بازرگانی انتظار می‌رود نسبت به پیگیری آن اقدام کنند.

از طرفی با توجه به اینکه کشور ما در آمد زیادی دارد، این توقع می‌رود که منابع مالی در جای درست خود هزینه شود و مشکلاتی همچون نقدینگی که در حال حاضر برای اقتصاد دردسر ساز شده، با حل موانع رد و بدل شدن پول حل شود. این در حالی است که طی سال‌های گذشته، سرمایه‌های اقتصادی به دست افرادی رسید که مولد نبودند. بنابراین این سرمایه به جای تقویت اقتصاد تبدیل به سبیل نقدینگی شد؛ بطوری که تمام بخش‌های اقتصادی از جمله بخش خصوصی و دولت آسیب دیدند.

در این میان با توجه به اینکه نگاهی به وضعیت نابسامان بازار ارز نشان می‌دهد که بخشی از مشکلات ارزی و نرخ فعلی دلار ریشه اقتصادی دارد و بخش مهمی از آن نیز به تصمیم‌گیری‌های غلط اقتصادی دولتمردان ارتباط دارد، این انتظار از دولت وجود دارد که جهت شناور بودن نرخ دلار گام بردارد. در غیر این صورت هر چند سال یک بار حباب دلار می‌ترکد و وضعیت نابسامان و متشنجی همچون شرایط فعلی را برای مردم و فعالان اقتصادی به وجود می‌آورد. این در حالی است که اگر دولت‌ها از حفظ منافع خود صرف‌نظر کنند و منافع ملی را در تصمیم‌گیری‌های خود مد نظر قرار دهند، هیچگاه با چنین مشکلاتی روبرو نخواهیم شد.

کلام آخر اینکه در شرایط فعلی باید در قدم اول مذاکره با جوامع بین‌المللی و در قدم بعدی توانمندسازی بخش خصوصی مورد توجه دولت قرار گیرد تا بخشی از بحران‌های اقتصادی کشور حل و فصل شود. تجربه نیز نشان داده که ملت ایران با همراهی یکدیگر بزرگ‌ترین مشکلات فائق آمده اما باید این واقعیت را مدنظر داشت که اگر به ایستادگی خود در مورد همکاری با آمریکا و کشورهای دیگر ادامه دهیم، شرایط اقتصادی سخت‌تر خواهد شد.

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

از کجا شروع کنیم؟



علیرضا صدقی
روزنامه‌نگار

ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به مفهوم تام و تمام «بحران‌زده» نزدیک شده است. آن‌چه بیش از گذشته این بحران‌زدگی را عینیت بخشیده و عیان ساخته، در خلق و خو، رفتار اقتصادی، کنش اجتماعی، بازتاب‌های سیاسی و نمودهای فرهنگی جامعه قابل ردیابی است.

جامعه‌ای که بدون هیچ‌گونه حمله نظامی، بحران فراگیر اقتصادی، بروز چالش‌های اجتماعی و... رفتاری حاکی از نگرانی عمیق و از دست رفتن امید به آینده را از خود بروز می‌دهد، به یقین جامعه‌ای «بحران‌زده» لقب می‌گیرد. با این اوصاف اگر این بحران، در اعداد و ارقام و آمارهای رسمی هم خودش را نشان ندهد، نمی‌توان و نباید از کنار ماجرا به سادگی عبور کرد و ابعاد خطر خیز و نگران‌کننده آن را نادیده گرفت.

چه اینکه بحران مورد اشاره در ساخت و ساختاری درونی، تکثر پیدا کرده و ذهن و ضمیر آحاد جامعه را درنور دیده است. نمونه بارز این وضعیت را می‌توان در اوضاع کسب و کار و نگرانی از خرید و فروش کالا و خدمات، اوضاع فروشگاه‌های زنجیره‌ای و کمبود اقلام مصرفی مورد نیاز خانوار در آنها، فاصله‌گذاری بخش قابل توجهی از جامعه با ارکان تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز نظام، بی‌توجهی به اخبار - تا حدودی - امیدوارکننده، بی‌اعتمادی به اقدامات و برنامه‌های دولت، مجلس و دیگر نهادهای تصمیم‌گیر نظام در صحنه اجرا و استراتژی و... مشاهده کرد.

با این وصف، هر لحظه انتظار می‌رود تا جامعه با چالش «انباشت نگرانی»ها و به تبع آن «انفجار توده‌ای» مواجه شود. در صورت بروز این وضعیت، مخاطرات حاصل از آن را نمی‌شود از طریق برنامه‌ریزی‌های کلان و در بستری آرام و منطقی دنبال کرد. مسال‌های که یا از اولیای امور عبور می‌کند یا آنها را به ناکجاآباد «سقوط مشروعیت» می‌کشاند و این هر دو آفتی بزرگ و حمله‌ای شدید برای کشور، ملت و نظام محسوب می‌شود. به‌طور قطع انفجار توده‌ای تمام وجوه گوناگون «عقلانیت»، «تصمیم‌گیری»، «رویکردهای استراتژیک»، «آرامش» و «تدبیر» را در برابر مسئولان امر

از کار انداخته و به آتشی خانمان‌برانداز تبدیل می‌شود.

تردیدی نیست که این «انفجار توده‌ای» نه از جنس مطالبه‌گری «طبقه متوسط» است و نه به راهکارها و راهبردهای «روشنفکران» و «صاحب‌نظران» توجهی نشان می‌دهد. در حقیقت اگر چنین وضعیتی رخ دهد، «رهبران افکار عمومی» گروهی نواخته خواهند بود که هیچ شناخت و «معرفت‌شناسی» قابل ملاحظه‌ای از آنها وجود ندارد. این رهبران افکار عمومی می‌توانند از جنس «سلبریتی‌های فضای مجازی» یا «عوام پرگو» یا حتی «عوامل وابسته» باشند. آنها می‌توانند با شعارهای «عوام‌فریبانه» گروه‌های مختلف اجتماعی را با خود همراه کرده و تا می‌توانند به اهداف خود نزدیک شوند.

از دیگر سو، شیب رویدادها و اتفاقات نشان می‌دهد تا رسیدن به زمان مورد اشاره، «زمان زیادی» باقی نیست. فراوانی رویدادها، حجم اعتراض‌ها و شدت عمل کنش‌گران حاضر، موجب شده است تا نشانه‌هایی از مقدمات تحقق این «انفجار توده‌ای» فراهم‌آید. این همه یعنی نظام و به تبع آن دولت در حال حاضر در زمان «فرصت طلایی» به سر می‌برد. این فرصتی است که حاکمیت یا می‌تواند با استفاده حداکثری از آن بسیاری از «تهدید»های موجود را به «فرصت» بی‌نظیر تبدیل کرده یا در پی حوادث روان شده و سر از همان ناکجاآباد در خواهد آورد.

درست در این نقطه است که باید پرسیده شود: «چه باید کرد؟» پاسخ به این پرسش به‌طور قطع ابعاد وسیعی را شامل خواهد شد. در حقیقت نمی‌توان با رویکردهایی یک‌سویه و بدون توجه به ابعاد و وسعت وضعیت موجود نسبت به آن واکنش نشان داد. طبیعی است زمانی که سخن از مخاطره‌ای فراگیر، با زمینه‌ها و وجوه متعدد و متکثر به میان می‌آید، ارائه راهبردها و راهکارهای «تک‌ساحتی» نه قابلیت اجرا دارند و نه شرط مدیریت کارآمد هستند. لذا نباید انتظار پاسخی کوتاه در برابر این پرسش داشت.

توقع آن است که مسئولان امر و حتی آحاد مردم، ابعاد و وجوه بسیار متنوع مشکل پیش‌آمده را درک کرده و سعی داشته باشند تا در بستری عقلایی موضوع را از طریق سنجه‌های قابل درک مرتفع کنند یا آسیب‌ها را به حداقل برسانند. وضعیت موجود به گونه‌ای است که تکانه‌های متعددی را در سطوح مختلف زندگی مردم به وجود آورده و

توان تصمیم‌گیری‌های عادی و روزمره را هم از برخی از آنها سلب کرده است. در چنین وضعیتی است که پیش از هر اقدامی باید نسبت به «بازایی اعتماد از دست رفته» اقدام کرد. در حقیقت به نظر می‌رسد حاکمیت و به تبع آن دولت باید در پی «اعتمادآفرینی» و «اطمینان‌بخشی» باشد. در گام نخست این «اعتمادآفرینی» هم تضمین صحت و سلامت چرخه نظام تأمین و توزیع قرار دارد. در حقیقت مسئولان امر باید در ابتدا نسبت به اصلاح و بازآفرینی سلامت «نظام تأمین و توزیع» اقدام کنند. در صورت توجه و اهتمام به این موضوع بخش قابل توجهی از «بار روانی» موجود در جامعه کاهش پیدا کرده و بخشی از اعتماد و اطمینان از میان رفته به مردم باز خواهد گشت. این اتفاق هم میسر نخواهد شد، مگر با قطع کردن دست‌های ایجاد اختلال و اختلال از سطح بازار و نظام توزیع و تأمین کالاهای اساسی مردم؛ تحقق اهداف این رهیافت، با تکیه بر استفاده از تجربیات گذشته و توجه به بن‌مایه‌های تئوری‌های «اقتصاد اجتماعی» یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

حاکمیت در گام‌های بعدی باید از میزان آسیب واردشده کاسته و شدت، قدرت و اثرگذاری آنها را در حد ممکن و مقدر کاهش دهد. بطور قطع هیچ‌کس توقع ندارد مشکلاتی که طی چهل سال گذشته بر کشور وارد شده است، در یک شب یا حتی یک سال و دو سال مرتفع شود. بلکه انتظار عمومی آن است که مسیر حرکت حاکمیت و دولت و مجلس در راه رفع مشکلات موجود تعریف شود.

همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد رفع این مشکلات تنها راه‌حل اقتصادی ندارند. بلکه حاکمان باید زمینه‌های اجتماعی بروز بحران‌های تازه را از میان برداشته تا توسعه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به سمت ایجاد ثبات در جامعه حرکت کند. تردیدی نیست که خروج از این وضعیت با هر راهکاری، باید در نهایت به حرکت در مسیر «توسعه پایدار» کشور بینجامد. مسیری که متأسفانه به نظر نمی‌رسد در حال حاضر چندان مورد توجه کارگزاران و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کلان قرار گرفته باشد و بیشتر سعی می‌شود تا با بهره‌گیری از قوه قهریه و ایجاد رویکردهای «امنیتی» به مبارزه با قاعده هرم پردازند. راهبردی که تاکنون نه در ایران و نه در هیچ نقطه دیگری از جهان پاسخ‌گوی برون‌رفت از چنین وضعیتی نبوده است.

فریدون مجلسی توضیح داد

تعامل واقعی با غرب در کوتاه مدت راه حل مناسبی است

فریدون مجلسی یک دیپلمات با سابقه در ایران است که البته در سال‌های اخیر به کار ترجمه کتاب‌های معتبر درباره مسائل بین‌المللی روی آورده است. مجلسی به دلیل احاطه‌اش به مسائل دیپلماتی و علاقمندی به مسائل ایران در کانون توجه قرار دارد و سخنانش از سوی کارشناسان معتبر تلقی می‌شود. او در نیمه دوم شهریور ماه به اتاق ایران آمده بود تا درباره مسائل روز ایران و جهان با اعضای سندیکای تولیدکنندگان برق تبادل نظر کند. نامه اتاق بازرگانی گفت‌وگوی کوتاهی با او انجام داده است که در زیر می‌خوانید:

●●●

● جناب‌عالی در گفت‌وگوی مفصلی که با اعضای سندیکای تولیدکنندگان برق داشتید به نکات بااهمیتی درباره اینکه چگونه می‌توان اقتصاد ایران را از بحران نجات داد را به ویژه در ارتباط با تعامل با جهان مطرح کردید. پرسش مشخص این است که در کوتاه مدت چه می‌توان کرد که کسب و کار ایرانیان بدتر از این نشود و شرایط سخت‌تر نشود؟

توجه داشته باشید که مسائل حل نشده اقتصاد ایران که طی دهه‌های متوالی انباشت شده‌اند پر شمارند و حل آنها نیازمند به زمان است. دولت و سایر نهادهای حکومتی باید دست‌بندی کارشناسانه از این مسائل داشته باشند و برای حل هر کدام از آنها برنامه وجود داشته باشد و اولویت نیز با فعالیت‌هایی باشد که در حال حاضر ایران را در شرایط دشوار قرار داده است. آنچه من از تحولات ایران و جهان به ویژه تحولات آمریکا به عنوان کشور اول اقتصادی و نظامی جهان می‌فهمم این است که ایران باید تکلیف خود را با این کشور مشخص کند. الان سدهای بلندی در مسیر نوعی تعامل میان ایران و آمریکا بنا شده است که باید با عقلانیت آنها را شناسایی و برطرف کنیم. روزی که رئیس‌جمهور سابق ایران با صدای بلند می‌گفت قطعنامه‌های تحریم ایران کاغذپاره‌ای بیش نیستند باید فکر این روزها را می‌کردیم. ایران باید توجه داشته باشد که تضاد و درگیری با کشور شماره یک جهان در اقتصاد و در حوزه نظامی گری نیروی فوق‌العاده می‌خواهد و این مساله با توجه به قدرت اقتصاد ایران که به هر حال در مقایسه با کشورهای حتی نظیر ترکیه و کره جنوبی نیز قدرت برتری نیست کار سختی است. یادم‌اند که پرونده هسته‌ای ایران در وضعی قرار گرفت که ایران به لحاظ تکنالهای اقتصادی ناچار شد که با جهان مذاکره کند. الان نیز به نظر می‌رسد که باید با لحاظ کردن همه فضاهای کار و همه پیامدهای احتمالی از ادامه وضع موجود به این بیندیشیم که شاید مدارا در این روزها حتی از نبرد کارسازتر باشد.

● برخی اعتقاد دارند که ایران می‌تواند در کوتاه مدت با همکاری کشورهای مثل روسیه و چین به لحاظ سیاسی و اقتصادی از تکنالهای اصلی عبور کند. آیا واقعاً کشور چین به اقتصاد ایران کمک خواهد کرد؟ من از اینکه با کدام دیدگاه کارشناسانه این حرف‌ها بیان می‌شود اطلاع ندارم، اما می‌دانم که این اتفاق نمی‌افتد. چین در همه سال‌های اخیر توانایی و یا تمایلی برای کمک به اقتصاد ایران نداشته است. رهبران چین همه قطعنامه‌های سازمان ملل متحد درباره تحریم‌های ایران را اجرا کردند و در همه سال‌های که ایران ذخایر ارزش‌اش را در بانک‌های این کشور نگه می‌داشت به ایران کمک نکرد بلکه برخی تکنالها را نیز فراهم کرد. یادم‌اند نوشته است که چین منابع ارزی ایران را به لحاظ اینکه ریسک دارد و باید بیمه آن را

ایران بدهد نگهداری کرد و ایران را ناچار می‌کرد که از کالاهای چینی خریداری کند.

● آیا اروپا می‌تواند در کوتاه مدت به ایران کمک کند؟ به نظر می‌رسد با توجه به اینکه اتحادیه اروپا با ایران مناسبات احترام‌آمیز بیشتری دارد بهتر است ایران به اقتصاد اروپا نزدیک شود. کشورهای اروپایی تعدادشان بیشتر و دست‌شان برای کمک دادن به ایران بازتر است و ایران نیز صنایع کارخانه‌ای‌اش بیشتر اروپایی است تا چینی. به همین دلیل بهتر است همکاری با اروپا در دستور کار باشد. اروپایی‌ها بارها اعلام کردند اگر ایران برخی شرایط را بپذیرد قدرت چانه‌زنی اروپا در برابر آمریکا افزایش می‌یابد.

◆ سخنان مجلسی در جمع کارفرمایان

من می‌خواهم کمی در نقش وکیل شیطان یعنی آمریکا باشم و داستان را از زاویه نگاه آنها بررسی کنم. واقعیت این است که به نظر می‌رسد رهبری آمریکا در همه ۴۰ سال اخیر با استناد به رفتار و گفتار مدیران و سیاست‌های ایرانی توانسته‌اند دشمنی خود با نظام سیاسی ایران نزد افکار عمومی خویش را توجیه کنند. رهبران آمریکا معتقدند اگر ایران با این کشور کاری نداشت آمریکایی‌ها نیز با این کاری نداشتند اما ایرانی‌ها بودند که با آمریکایی‌ها دشمنی کردند و راه را برای آشتی بسته‌اند. مجلسی با تأکید بر اینکه این حرف‌ها را تأیید نمی‌کنم و فقط دارم از زاویه نگاه نظام سیاسی این کشور به کینه‌ورزی چهار دهه‌ای دو کشور نگاه می‌کنم، آمریکایی‌ها می‌گویند ایران است که ۴۰ سال است راه‌های تماس و گفت‌وگو با آمریکا را مسدود کرده و علیه این کشور خشونت کلامی روا می‌دارد. دارد. ما تنها کشوری هستیم در دنیا که می‌خواهیم متحدان استراتژیک آمریکا را از روی زمین محو کنیم. این حرف‌ها چیزهایی است که می‌توان در دیدگاه رهبری امروز کاخ سفید نیز دید.

◆ تحریم

مجلسی در باره تحریم‌ها گفت: روزی که برای نخستین بار موضوع تحریم‌های ایران از سوی شورای امنیت طرح شد رئیس‌جمهور وقت ایران

آقای احمدی نژاد نخواست از ایران در این شورا دفاع شود و آمریکایی‌ها هر چه خواستند از این شورا بهره بردند. معنای این حرکت که کشوری به دلیل برخی رفتارهایش به شورای امنیت ارجاع داده می‌شود این است که این کشور محل صلح و امنیت جهانی است و متأسفانه ایران در دوره احمدی نژاد شش بار در شورای امنیت محکوم شد. اگر شرایط ایران که البته با اوایل دهه ۱۳۹۰ تفاوت دارد گونه‌ای شود که ایران باردیگر کارش به شورای امنیت کشیده شود شرایط دشوار خواهد شد. ایران باید توجه کند الان فقط یک کشور است که این تحریم‌ها را اعمال می‌کند اما این کشور یعنی آمریکا قدرت نخست اقتصادی و نظامی جهان با فاصله از سایر کشورهاست و اثرگذاری‌اش بیشتر است. ایران باید بهانه‌های تحریم را از آمریکا بگیرد تا متحدان اروپایی این کشور که علاقمندند با ایران همکاری کنند در برابر آمریکا توانایی چانه‌زنی داشته باشند. یادم‌اند باشد در شرایط تعمیق و گسترش دامنه تحریم‌ها حتی افغانستان نیز دنبال تحریم ایران افتاده است و عراق نیز این تحریم‌ها را به هر حال رعایت خواهد کرد.

◆ ۱۹۷۳ و ۲۰۱۸

من در سال ۱۹۷۳ مأموریت داشتم و در بلژیک بودم. در آن سال به دلیل اینکه جنگ اعراب و اسرائیل رخ داده بود همه کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس فروش نفت به اروپا را مسدود کرده بودند چون اروپا را پشتیبان اسرائیل می‌دانستند. این روزها اما همه این کشورها به اروپا نفت صادر می‌کنند و تنها ایران است که اگر اروپایی‌ها بتوانند نفت در برابر کالا را اعمال کنند شاید از ایران نفت خریداری کنند. این اتفاقی است که افتاده و ایران رودرروی غرب ایستاده است و اعراب دوستان نزدیک اروپا شده‌اند این در حالی است که اروپایی‌ها ترجیح می‌دهند به جای دوستی با اعراب با ایران دوست باشند. یادم‌اند باشد اروپا علاقمند است بتواند در شرایط مطلوب نفت و گاز ایران را جایگزین نفت و گاز سایر کشورها و روسیه کند. ایرانی‌ها نیز از دست کم ۱۰۰ سال پیش دوست دارند شبیه اروپایی‌ها زندگی کنند و این یک مساله مهمی است.

◆ روسیه و ایران

مجلسی ادامه داد ایران تصور می‌کند روسیه نیازمند حمایت ایران است اما روس‌ها خودشان این نگاه را ندارند. آنها با ایران مناسباتی ابزار گرایانه دارند و هرگاه احساس کنند ایران شاید برای منافع آنها فایده‌ای ندارد ایران را کنار می‌گذارند. روسیه چندین برابر تجارت با ایران با اسرائیل تجارت دارد و ۲۵ درصد ساکنان اسرائیل یهودی‌های روسی تبارند و آنها در نهایت اسرائیل را بر ایران ترجیح می‌دهند. روسیه رقیب نفتی ایران است و باید از این زاویه به روس‌ها نگاه کرد.

◆ به سوی آرامش

وی در بخش پرسش و پاسخ در جواب به این سوال که آیا ایران و آمریکا به سوی جنگ می‌روند توضیح داد به نظر من این‌طور نیست و من نشانه‌ای از اینکه ایران و آمریکا حتی در این وضعیت به سوی جنگ پیش بروند نمی‌بینم. تصور من این است که ایران سعی می‌کند با برخی آدرس‌هایی که می‌دهد به آمریکا نشان دهد حاضر است وضعیت کج‌دار و مریز فعلی ادامه یابد و نوعی آرامش پدیدار شود. مجلسی درباره نرخ دلار گفت من فکر می‌کنم دلار در نزدیکی‌های ۱۳ هزار تومان باقی می‌ماند چون نشانه‌ای از وخیم‌تر شدن اوضاع نیست.



سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

سرمقاله

اقتصادسیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



فرار روبه جلو برای مقابله با تحریم

نباشد، تجاری نیست و اگر تجارت نباشد نه درآمدهای گمرکی خواهد بود و نه تولیدی که دولت از مالیات آن ارتزاق کند. نکته اساسی آنجاست که برجامی که بسیاری بر آن باورند که هیچگونه دستاورد خاصی برای کشور نداشته است، گویی غافل از آنند که برجام قرار نبود همه مشکلات داخلی را حل و فصل کند. برجام معاهده‌ای بود که روابط بین‌المللی ایران با جهان را بهبود بخشد و گر نه ارتباط نظام مالی داخل با بین‌الملل، نخست باید از داخل اصلاح شود. در دوره برجام موقعیت‌های حساس و مهمی را از دست دادیم.

دوره قبل تحریم‌ها، مقامات ایرانی نتوانستند به خوبی شرایط تحریمی را مدیریت کنند. فشارهای اقتصادی و برهم خوردگی نظام ارزی، کشور را در آستانه فروپاشی قرار داده بود. به گفته علینقی مشایخی، اگر روند تحریم‌ها تداوم می‌یافت، ناگزیر بودیم مانند دولت صدام، نفت در برابر غذا تجارت کنیم. با این حال برجام فصل‌الختامی بود بر این شرایط، اما گویا دوباره شرایط آن دوران در حال بازگشت است. نظام اقتصاد رانتی ایران، به شدت متکی به درآمدهای نفتی است. اگر نفت نباشد، ارزی نیست و اگر ارز

حسن صادقی
عضو هیأت تحریریه



کمتر از یک ماه دیگر، تحریم‌های دوباره آمریکا، گریبان گیر اقتصاد ایران می‌شود اما این بار به شکلی دیگر. در دوره قبل تحریم‌ها، اتحاد حول آمریکا بود و ایران منزوی اما این بار آمریکا که هیچ متحد پا به کاری ندارد. با این حال هژمونی آمریکایی، هنوز قدرت زیادی برای اعمال تحریم‌ها دارد. در

ادبیات تحریم از منظر تجارت خارج

ممنوعیت صادرات ممکن است جزئی یا کامل باشد. نوع سوم تحریم‌ها، تحریم‌های مالی است که در آن، امکان وام‌دهی و سرمایه‌گذاری در کشور هدف محدود می‌شود. این نوع تحریم‌ها محدودیت‌های بیشتری بر پرداخت‌های بین‌المللی اعمال می‌کنند، تا راه‌گریز از اثرات تحریم اعمال شده را سد کنند. علاوه بر این، دارایی‌های خارجی کشور هدف نیز ممکن است فریز شود.

روش‌های تحلیل تأثیر تحریم بر اقتصاد

در مطالعات مختلف، روش‌های متنوعی برای تحلیل و تخمین تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر کل اقتصاد و با تجارت و رشد اقتصادی به کار رفته‌اند، که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مدل مازاد مصرف‌کننده، مدل جاذبه، روش منحنی پیشنهاد در تجارت، مدل نظریه بازی‌ها و مدل انتخاب عمومی (تحریم‌های هوشمند)

مدل مازاد مصرف‌کننده به این صورت است که در این مدل، با استفاده از مفهوم مازاد مصرف‌کننده و رفاه اجتماعی، تأثیر مالیات بر صادرات و واردات بررسی می‌شود. چنین روشی را برای تخمین هزینه تحریم‌های اقتصادی به کار برده می‌شود. البته تفاوتی جزئی میان تحریم‌های مالی و تجاری وجود دارد. تحریم‌های تجاری (مانند تحریم صادرات به کشور هدف یا تحریم واردات از کشور هدف) باعث تغییر مقیم میزان تولید می‌شود و با محدود شدن بازار فروش یا محدود شدن بازار خرید، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده و کاهش می‌دهد. اما تحریم‌های مالی، جریان وجوهای مالی و سرمایه به داخل کشور را هدف قرار داده و با محدود کردن آن در بازار سرمایه، تأمین مالی بنگاه‌های داخلی را سخت‌تر کرده و نرخ بهره واقعی افزایش می‌یابد. همین امر، علاوه بر کاهش تولید (به واسطه کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و وام‌های خارجی)، موجب کاهش تولید به واسطه کاهش سرمایه‌گذاری به دلیل افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری (نرخ بهره) می‌شود. بنابر این، تحلیل آن اندکی متفاوت بوده و معمولاً هنگام تحلیل به این موضوع توجه می‌شود.

در مدل جاذبه نیز برای تحلیل اثرات تحریم‌های اقتصادی بر تجارت کشور هدف، نه فقط روابط تجاری با کشور تحریم‌کننده، بلکه کل روابط تجاری کشور هدف، از «مدل جهان» استفاده می‌شود. اگر چه محدود ساختن تجارت کشور هدف معمولاً هدف اولیه تحریم نیست، اما یکی از نتایج محقق شده است. اساس مدل جاذبه بر این پایه استوار است که تعاملات اقتصادی میان دو کشور متناسب با اندازه آن دو و دارای نسبت عکس با فاصله میان خود باشد. این مدل‌ها قدرت تبیین تجربی بالایی دارند. تأثیر فاصله زیاد بوده و با گذشت زمان نیز کاهش نمی‌یابد و نظام تعاملاتی که از این روابط دو طرفه ناشی می‌شود، ساختار فضایی اقتصاد را شکل می‌دهد. این مدل، در واقع استعاره وام

علیرضا کازرونی | کارشناس اقتصادی |
تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تجارت چگونه است و در سال‌های تحریم، چه میزان روابط تجاری کشور را با کشورهای طرف معامله با ایران تغییر داده است؟ تأثیر تحریم‌ها بر سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی چگونه بوده و عموماً چه نوع تحریم‌هایی، تجارت کشور را بطور کامل مختل می‌کند؟ در این تحلیل به بررسی این موارد می‌پردازیم:

در ادبیات اقتصادی، به‌طور معمول تحریم‌های اقتصادی به دو گروه منفی و مثبت تقسیم‌بندی می‌شوند، بدین گونه که تحریم‌های اقتصادی منفی به مثابه بهترین ابزارهای اقتصادی با هدف ضربه اقتصادی به یک یا چند کشور استفاده شده و تحریم‌های اقتصادی مثبت نیز محلی برای همکاری‌های بین‌کشوری تلقی می‌شود. در این بین، تحریم‌های اقتصادی منفی با توجه به پیامدهایی که برای کشورهای تحریم شده به دنبال دارد (مانند کاهش درجه یکپارچگی با اقتصاد جهانی) از اهمیت بیشتری برخوردار است. در یک چارچوب دیگر، تحریم اقتصادی را می‌توان از منظر تعداد کشورهای تحریم‌کننده بررسی کرد. بر این اساس، تحریم‌های اقتصادی به دو قسمت تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه تقسیم می‌شوند. به این صورت که تحریم اقتصادی به چهار نوع کنترل و محدودسازی تجاری، معلق ساخت کمک‌ها و حمایت‌های تکنولوژیکی، مصادره اموال و دارایی‌های کشورهای هدف تحریم و ممنوعیت لیستی از شرکت‌های کشورهای هدف برای تجارت با کشور اعمال‌کننده، تقسیم‌بندی می‌شوند.

تحریم اقتصادی از نظر اهدافی که این تحریم‌ها دنبال می‌کنند، در سه قالب طبقه‌بندی می‌شود. تحریم واردات که در آن، واردات یک یا چند کالای کشور هدف از سوی کشور با کشورهای تحریم‌کننده محدود و ممنوع شده، و به این روش، تقاضا برای تولیدات کشور هدف محدود می‌شود. چنین اقداماتی به دنبال محدود ساختن توان کشور هدف برای کسب درآمدهای ارزی و در نهایت، کاهش توانایی تأمین کالاهای مورد نیاز اعمال می‌شود. همچنین، این نوع تحریم با هدف ضربه اقتصادی به یک صنعت خاص یا بخشی از کشور هدف انجام می‌شود. یکی از نقاط ضعف اینگونه تحریم‌ها این است که کشور هدف می‌تواند با یافتن بازارهای جایگزین برای محصولات خود با فروش آنها از طریق کشور و اشخاص ثالث، تحریم‌ها را دور بزند.

نوع دیگر تحریم‌ها، تحریم صادرات است که در آن، صادرات کالاهای خام به کشور هدف از سوی کشورهای تحریم‌کننده ممنوع و محدود می‌شود. در این نوع تحریم، مصرف‌کنندگان کشور هدف باید قیمت‌های بالاتری بپردازند، و تولیدکنندگان کشور فرستنده قیمت‌های پایین‌تری دریافت می‌کنند. این نوع تحریم، یکی از معمول‌ترین تحریم‌ها محسوب می‌شود.

به‌طور مثال شرایط تجاری در کشور را در این مدت محدود، نتوانستیم به بازارهای جهانی گره بزنیم. هنوز ساختار تجاری و اقتصادی پوسیده است. بخشی از انرژی دولت در سال‌های برجام، صرف آرام کردن مخالفان توافق هسته‌ای و به تأیید رساندن معاهدات بین‌المللی نظیر FATF شد. در حالی که در این مدت بسیاری از معاهدات تجاری و پیمان‌های پولی می‌شد، به انجام رساند. هنوز بخش قابل توجهی از مخاطرات اقتصادی کشور از مجرای دلار صورت می‌گیرد که اگر در این مدت پیمان‌های پولی مستحکمی با کشورهای طرف معامله منعقد کرده بودیم، امروز روند افزایش نرخ دلار، اینچنین در سفره‌های مردم مشهود نبود چراکه اولین تأثیر این تصمیم، شفاف‌سازی تخصیص ارزهای دولتی بود.

در سال گذشته که مصادف بود با همه‌پرسی کردستان عراق، دولت ترکیه که بیشترین دشمنی را با اقلیت کرد دارد، از تحریم صادرات محصولات خود به اقلیم کردستان امتناع کرد چراکه بیش از ۱۳ میلیارد دلار، بخش خصوصی در این سرزمین سرمایه‌گذاری کرده بود. این موضوع دلالت بر این دارد که پیوندهای تجاری قدرتمند میان کشورها، به خودی خود، نزدیکی‌های سیاسی را نیز به همراه خواهد داشت که متأسفانه در این مدت از تقویت آنها غافل بودیم. بطور مثال در این مدت به دلیل حکمرانی ضعیف در مدیریت حمل‌ونقل ریلی، هنوز نتوانسته‌ایم بخش قابل توجهی از ترانزیت کالا را با استفاده از ریل انجام دهیم و از سوی دیگر با توجه به وابستگی شدید تجارت خارجی کشور از طریق مبادی دریا، همچنان به خدمات پشتیبان خارجی وابسته‌ایم و همین دو عامل مهم‌ترین نقاط ضعف داخلی در مواجهه با تحریم‌ها هستند. در این پرونده مروری دقیق بر تحریم‌ها و چگونگی اثرگذاری آن بر تجارت می‌شود و پس از آن بر راهکارهای علمی تبیین شده برای مقابله با شرایط تحریمی، مروری گذرا می‌شود.

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



گرفته‌ای از مکانیک فیزیکی است که براساس آن، مقدار جاذبه میان دو جرم، رابطه‌ای مستقیم با جرم آنها و رابطه‌ای عکس با فاصله شان دارد. همچنین، رویکردهای تجربی متفاوتی نیز برای حل مسائل اقتصادسنجی مرتبط با این چارچوب‌های پیچیده پیشنهاد شده‌اند.

روش منحنی پیشنهاد در تجارت نیز روش دیگری است که نشانگر رضایتمندی یک کشور برای تجارت بر حسب رابطه مبادله است که توسط کامینر و لوتنبرگ ارائه شده است. این منحنی نشان می‌دهد کشور مورد نظر در ازای مقادیر مختلف کالای وارداتی مورد نیاز خود حاضر است چه مقدار کالا صادر کند. این رویکرد به بررسی پیامدهای تحریم تجاری پرداخته، اثرات تحریم بر رابطه مبادله کشور هدف با کشور تحریم‌کننده را تحلیل کرده و همچنین اثرات رفاهی تحریم را نیز نشان می‌دهد.

مدل‌های نظریه بازی هم توصیف‌کننده انتخاب‌های استراتژیک طرفین در روابط اقتصادی و سیاسی بوده و برای تحلیل تحریم‌های اقتصادی بسیار بصیرت بخش‌اند. منافع یا عواید خالص انتظاری در طول بازی تحریم تغییر می‌کنند، و تصمیم‌گیری در هر دو طرف می‌تواند قبل و حین بازی تغییر یابد. همچنین، این مدل‌ها تبیینی از نتایج حاصل از همکاری در مقابل نتایج حاصل از رقابت در شرایط نا اطمینانی را فراهم می‌آورند. نتایج حاصل از همکاری هنگامی که استراتژی اتخاذ شده توسط یک طرف، مشروط به استراتژی اتخاذ شده طرف دیگر باشد، تبیین‌کننده تصمیمات استراتژیک اقتصادی است. این بستر همکاری، موجب فراتر رفتن تصمیمات کشور تحریم‌کننده از وضعیت فعلی و در نظر گرفتن تصمیمات سایر کشورها در قدرت تفرّد و اجبار کشور تحریم‌کننده می‌شود.

مدل‌های انتخاب عمومی (تحریم‌های هوشمند) نیز تحریم‌ها در جهان را به عنوان ابزارهای دیپلماتیک دو

لبه‌ای فرض می‌کند که بالقوه هم به شهروندان بی‌گناه یک کشور آسیب می‌رسانند و هم به دولت آن کشور. در واقع، شهروندان بی‌گناه نیز برای رفتار سیاسی دولت خود جریمه می‌شوند. سیاستگذاری تحریم‌های اقتصادی نیز در پی اثرگذاری از طریق همین تضییع حقوق شهروندان است تا انگیزه‌ای برای شهروندان کشور هدف فراهم آورده و خواستار تغییر سیاست دولت شوند. همچنین، تحریم‌ها همزمان می‌کوشند با ترغیب گروه‌های ذینفع در کشور هدف، آنها را علیه سیاست‌ها و رهبران کشورشان در قالب فرآیندهای سیاسی با اعمال خشونت آمیز بشویند. نظریه انتخاب عمومی در مبحث سیاستگذاری اقتصادی معتقد است، گروه‌های ذینفع کشور تحریم‌کننده بر تصمیمات در مورد شروع، آن و پایان تحریم اثر می‌گذارند، به نحوی که گویی بازاری برای تحریم وجود دارد. این بازار تحریم ممکن است در کشور هدف نیز وجود داشته باشد.

♦ اثر تحریم‌ها بر ساختار تجارت خارجی

اثرات رفاهی تحریم‌های تجاری علاوه بر کاهش تابع عرضه و تقاضای داخلی برای صادرات و واردات کشور هدف، به تغییر در مقدار واردات و صادرات کاهش یافته به اثر اعمال تحریم‌ها نیز بستگی دارد. معمولاً تحریم‌ها توسط همه شرکای تجاری اعمال نشده و تمام کالاهای تجاری کشور هدف را نیز پوشش نمی‌دهد. بنابراین، ممکن است تحریم‌ها به خودکفایی کشور هدف ختم شده و در کل، اثر تحریم‌ها به سهم تجاری کشور هدف به بقیه جهان بستگی دارد. معمولاً چند کشور وجود دارند که کالاهای تجاری کشور هدف را تولید کرده و منبعی جایگزین برای تقاضای واردات کشور تحریم شده محسوب می‌شوند که کشور هدف می‌تواند با کمی هزینه بیشتر، کالای مورد نیاز را وارد کند؛ به همین دلیل، تحریم‌های یکجانبه به احتمال زیاد

خسارت کمتری به کشور هدف وارد می‌کنند. سیر صعودی به کارگیری تحریم‌های اقتصادی پس از دوره جنگ سرد، موجب پیدایش بحث‌های بسیاری درباره میزان اثربخشی آنها شده است. یکی از علل اساسی شکست تحریم‌های اقتصادی، تحریم‌شکنی کشورهای تحریم شده است. در بیشتر موارد، تحریم شکنی نه تنها باعث تغییر رفتار تحریم شونده نمی‌شود، بلکه برای گروهی از افراد و گروه‌های داخل کشور، مشوق‌هایی ایجاد می‌کند تا با استفاده از شرایط حاکم به سودهای کلانی دست یافته و در واقع، نفع خود را در ادامه تحریم‌ها ببینند. در یک سناریوی تحریم شکنی، سه بازیگر در عرصه بین‌المللی نقش دارند که روابط آنها در امر تحریم شکنی مهم است. بسته به عواملی همچون رابطه سیاسی بازیگران تحریم شکنی و میزان تجارت دوجانبه آنها، می‌توان به رفتارشناسی بازیگران تحریم‌شکنی پرداخت. در ادبیات پژوهش تحریم، دو تئوری برای توصیف این رفتار وجود دارد که عبارتند از تئوری واقع‌گرایانه و تئوری لیبرال هر دو منشوری، توضیحات قانع‌کننده‌ای برای رفتارشناسی تحریم شکنی ارائه می‌دهند که توسط شواهد تجربی نیز تأیید می‌شود. در کل، هم عوامل سیاسی و هم عوامل اقتصادی نقشی حیاتی در موضع‌گیری کشور ثالث در برابر اعمال تحریم‌ها دارند.

در مورد تأثیر تحریم‌های یکجانبه بر تحریم شکنی نیز دو دیدگاه رقیب وجود دارد نخست، دیدگاه تحریم شکنی، که بر اساس آن، تحریم‌های یک جانبه تحریم شونده را ترغیب می‌کند تا با استفاده از حربه‌های تحریم شکنی، مناسبات اقتصادی خود با کشورهای ثالث را تقویت کند. دوم، دیدگاه آثار منفی سرریز شدند که برخلاف دیدگاه تحریم شکنی است، به این معنا که تحریم‌های یک جانبه نه تنها رابطه تحریم شونده با کشورهای ثالث را تقویت نمی‌کند، بلکه به مختل شدن روابط آنها ختم می‌شود.

♦ تجربه تحریم‌های تجاری

تاکنون چندین کتاب درباره اقتصاد تحریم از سوی کشورهای صادرکننده تحریم نوشته شده که از منظر خود به موضوع پرداخته و با مدل‌های مختلف علاوه بر تحلیل تأثیر تحریم‌های خود بر کشورهای مختلف، راه‌های موثر در افزایش تأثیر این تحریم‌ها را نیز تحلیل کرده‌اند. در یک نگاه کلی می‌توان گفت اقتصاددانان پدیده تحریم را از جنبه‌های کارایی تحریم‌ها در دستیابی به اهداف سیاست خارجی، ماهیت و اهمیت محصولات موجود در لیست تحریم‌ها و اثر تحریم‌ها بر کشورهای ثالث تجزیه و تحلیل کرده‌اند. در این قسمت، ابتدا نگاهی اجمالی بر مطالعات انجام شده خارجی انداخته و سپس، تحقیقات انجام گرفته در داخل کشور مرور خواهند شد.

مطالعات خارجی نظریه تحریم اولین بار برای اظهار نارضایتی و بازداشتن برخی رفتارهای کشور، مطرح شد. سپس، این نظریه را گسترش یافت. به اعتقاد تئوریسین‌های این نظریه، تحریم روشی برای ارسال پیام به کشورهای دیگر است، که باید رفتار مشابهی با کشور تحریم‌کننده داشته باشند.

♦ بررسی تحریم‌های صورت گرفته در ایران

تأثیر تحریم‌ها علیه ایران را از نظر سیاسی و تاریخی مشاهده و بررسی شده و اثرپذیری و نفوذ چنین سیاستی بر ایران با تردید روبه رو بوده است. تأثیر اقتصادی تحریم بر ایران در قالب مدل جاذبه بررسی شده و اثر تحریم تجاری بر ایران را حدود ۲۷ میلیون دلار و اثر تحریم مالی را بین ۱۱۶۰ تا ۱۳۲۱ میلیون دلار در سال برآورد کرده‌اند که در مجموع، کل هزینه‌های تحریم بر ایران در دامنه ۱۱۶۰ تا ۱۳۴۸ میلیون دلار در سال برآورد می‌شود. همچنین، بر اساس تحقیقات انجام شده، با وجود هزینه‌های سنگین تحمیل شده بر هر دو کشور تحریم‌کننده و تحریم شونده، ایران سیاست‌های خود را تغییر نداده است.

در مطالعه‌ای، بررسی تأثیر تحریم اقتصادی آمریکا بر تجارت آمریکا (بر اساس مدل جاذبه) انجام شده که یکی از اندیشمندان مطرح حوزه تحریم اقتصادی، برای بررسی این تأثیر، تحریم‌ها را به سه دسته تحریم‌های ضیف، متوسط و شدید تقسیم کرده است. تحریم‌های ضیف عبارتند از چهار نوع محدودیت، تعلیق کمک‌های اقتصادی، ممنوعیت صادرات قطعات نظامی و محصولات با کاربردهای دوگانه، محدودیت ارائه خدمات ضمانت بانکی و محدودیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های خصوصی در کشور هدف بوده است.

تحریم‌های متوسط نیز دربرگیرنده مجموعه تحریم‌های مالی و تجاری (نظیر ممنوعیت سرمایه‌گذاری در کشور هدف، بلوکه کردن اموال و دارایی‌های کشور هدف، محدودیت صادرات به کشور هدف) است که علاوه بر اقلام نظامی، لیستی از سایر کالاها را نیز در بر می‌گیرد. و در نهایت، تحریم‌های شدید شامل تحریم‌های گسترده تجاری و مالی هستند که با هدف ایجاد محدودیت‌های

جدی در تجارت و سرمایه‌گذاری در کشور هدف، اعمال می‌شوند. در این بررسی براساس مدل جاذبه، محاسبه و تخمین میزان تجارت گمشده و بازیان‌های تجاری ناشی از تحریم بر اقتصاد آمریکا پرداخته شده و نشان داده شده که در بین شش کشور مورد مطالعه، ایران دومین کشوری است که تحریم‌های آن بیشترین زیان یا تجارت گمشده را بر اقتصاد آمریکا تحمیل کرده است. همچنین، در مطالعه دیگری تأثیر تحریم اقتصادی بر تجارت، اشتغال و دستمزدها در آمریکا بررسی شده و تأثیر آن معنادار بوده است.

مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی بر تجارت» تأثیر تحریم اقتصادی بین‌المللی بر تجارت خارجی آمریکا در دوره ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ بررسی شده و نشان می‌دهد تأثیر تحریم اقتصادی بر تجارت خارجی، منفی و معنادار است. همچنین، در این مطالعه تحریم اقتصادی به سه طیف ضعیف، متوسط و شدید تقسیم شده و بر اساس مدل جاذبه، تأثیر هر یک از آنها بر تجارت بررسی شده است. براساس نتایج به دست آمده، تحریم‌های شدید، نسبت به تحریم‌های دیگر، تأثیر منفی بیشتری بر تجارت خارجی داشته است.

بررسی ابعاد تحریم اقتصادی ایران توسط کشورها و نهادهای بین‌المللی نیز نشان می‌دهد تحریم‌ها از مسیر کانال‌هایی نظیر قرارداد کشتی‌ها، قرارداد بیمه و نهادهای مالی تأثیر معناداری بر کسب و کار ایران داشته، و در نهایت تجارت خارجی ایران را بطور جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در همین راستا تأثیر محدودیت‌ها و موانع تجاری، نظیر تحریم اقتصادی از سوی کشورهای غربی، بر حجم تجارت ایران با کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی شانگهای نشان می‌دهد، محدودیت‌های تجاری نظیر تحریم اقتصادی از سوی کشورهای غربی موجب افزایش معنادار حجم تجارت ایران با کشورهای عضو این سازمان شده است. در گزارشی با عنوان «تحریم‌های ایران» تحلیل تأثیر تحریم اقتصادی بر بخش نفت و سرمایه‌گذاری در ایران پرداخته شده و نشان می‌دهد تحریم در سه دهه گذشته، تأثیر زیادی بر تولید و سرمایه‌گذاری به ویژه در بخش نفت در ایران داشته است.

مطالعات داخلی تحریم‌های آمریکا، اروپا و سازمان ملل علیه ایران، زمینه تحقیقاتی مناسبی برای بررسی اثر این تحریم‌ها فراهم آورده و مطالعات متعددی بطور خاص به بررسی اثربخشی تحریم‌ها در ایران پرداخته‌اند. در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی یک جانبه آمریکا بر اقتصاد بازگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی» بررسی تأثیر تحریم‌های یک جانبه آمریکا بر تجارت جهانی و بازار جهانی انرژی پرداخته است. در این مطالعه، متغیر مجازی برای نشان دادن تحریم اقتصادی در زمان‌های مختلف به کار رفته است. نتایج این مطالعه نشانگر اثر عمیق تحریم‌های گسترده بر جریان تجارت متقابل و کاهش حدود ۹۰ درصدی آن بوده و تحریم‌های محدود و متوسط نیز تجارت

دوجانبه را به ترتیب بیش از یک چهارم و یک سوم کاهش می‌دهند. تأثیرات تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۰ را بررسی شده و نشان می‌دهند تحریم‌های آمریکا با وارد کردن خسارت اقتصادی به ایران تا حدودی با موفقیت‌های اقتصادی همراه بوده و تحریم مالی نیز تأثیر شدیدتری نسبت به تحریم تجاری دارد. همچنین در تحلیل نهایی و با استفاده از روش مازاد مصرف‌کننده، هزینه تحریم تجاری و مالی در ایران حدود ۱۰۱ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد شده است.

آثار تحریم بر اقتصاد ایران در سه حوزه انرژی، کالا و خدمات بانکی با تأکید بر تجارت خارجی بررسی شده و نشان دادند ایالات متحده در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۸، با گزینش سیاست خصوصت با ایران سعی در تضعیف اقتصاد ایران داشته و از سال ۲۰۰۷ به بعد و با تشدید تحریم‌ها، قیمت کالاهای سرمایه‌ای از سوی فروشندگان اروپایی ۷ تا ۱۰ درصد افزایش یافته است. با وجود تحریم‌های اقتصادی ایران، بخش انرژی چندان آسیب‌پذیر نبوده و همچنان به رشد و توسعه خود ادامه داده است.

در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر تجارت ایران»، اثر تحریم‌های اقتصادی بر تجارت دوجانبه ایران با ۳۰ شریک تجاری آن در دوره ۱۳۸۶ - ۱۳۵۲ را در قالب مدل جاذبه تعمیم یافته بررسی شده که در این مطالعه، تحریم‌های مالی و تجاری یکسان در نظر گرفته شده و به صورت متغیر مجازی وارد مدل شده است، بطوری که در سال‌های تحریم، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختیار می‌شود. نتایج حاصل از این برآورد بیانگر اثر منفی اما کوچک تحریم بر تجارت ایران و شرکای تجاری آن است. بنابراین، اثر منفی تحریم‌های اقتصادی بر تجارت ایران با شرکای تجاری قابل اغماض است. در دوره تحریم‌ها، روند صادرات و واردات چند کشور (که به نوعی نقش موثرتری در تراز تجاری ایران داشته‌اند) در سه سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱، همزمان با شدت گرفتن تحریم‌ها، صادرات و واردات نوسان داشته، و کشورهایی همچون عراق، چین، امارات، افغانستان و هند چند کشور عمده طرف معامله در صادرات بوده‌اند.

اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران در دوره ۱۳۹۲ - ۱۳۵۲ اعمال تحریم‌های ضعیف، تأثیر معناداری بر رشد نداشته، اما تحریم‌های متوسط و قوی در کوتاه‌مدت تأثیری منفی بر آن داشته‌اند. همچنین رابطه بلندمدت، اعمال تحریم‌های ضعیف و قوی در بلندمدت تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته، اما تأثیر تحریم‌های متوسط بر آن منفی است. تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر سطح اشتغال در ایران را در قالب تکنیک‌های اقتصادسنجی سری زمانی بررسی شده که در این راستا، بر اساس ترکیبی از طبقه بندی‌های موجود، تحریم‌های اقتصادی به دو بخش تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه گسترده (جامع) تقسیم شده و اثرات آنها با استفاده از دو متغیر مجازی بررسی شده است.

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

شطرنج تحریم‌ها



می‌کند. بر اساس گفته‌های نفیو تحریم‌های تجاری ایران در سال ۲۰۰۹، بدون هماهنگی و انسجام دیگر تحریم‌ها، میسر نبود. به اعتقاد او، اعمال تحریم‌ها باید از چند کانال پیگیری می‌شد. نخست از طریق مجامع بین‌المللی، دوم از طریق مصوبات داخلی کشورها و سوم از طریق بنگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ خارجی. همه موارد دلالت بر یک سیر اصولی و همه‌جانبه اعمال تحریم‌ها دارد که در این مسیر آمریکایی‌ها، با اتحاد بین‌المللی، توانستند به آن جامه عمل بپوشانند. مطالب زیر بخشی از کتاب این کارشناس تحریم به نام هنر تحریم‌هاست که به خوبی فرآیند تحریم‌های تجاری و انرژی در ایران را توضیح می‌دهد.

ریچارد نفیو، مسئول تیم طراحی تحریم‌ها علیه ایران، در دوره دوم اوباما و چهره اصلی اصلی تیم پشتیبان مذاکره‌کنندگان توافق هسته در امور تحریم‌های وین بود. نفیو بیش از آن به مدت ۱۰ سال، مسئول امور ایران در شورای امنیت ملی در کاخ سفید و قائم‌مقام هماهنگی سیاست تحریم در وزارتخانه ایالات متحده بوده است. کتاب تالیف شده او با نام «هنر تحریم‌ها» به خوبی از منطق تحریم‌های ایران سخن می‌گوید. به اعتقاد نفیو، هدف از تحریم، تنها قطع کردن بخشی از فرآیندهای اقتصادی نیست بلکه فرآیندی کاملاً حساب شده و دقیقی است که کشور تحریم شده را مدام بی‌رمق‌تر از گذشته

♦ آغاز توفان تحریم‌ها

مهم‌ترین مسائلی که در مورد سیاست ایران در دولت اوباما در ابتدا وجود داشت، عبارت بودند از تلاش اوباما برای تعامل دوباره با ایران که هم به صورت عمومی مطرح شد و هم در یک نامه خصوصی او به رهبر ایران آیت‌الله خامنه‌ای در بهار ۲۰۰۹ به وی ابلاغ شد. این حرکت اوباما اهمیت زیادی داشت چرا که عملاً بافتار و فضای روابط ایران و آمریکا در هشت سال بعد را ترسیم می‌کرد. این اقدام همچنین توانست به جامعه جهانی بفهماند که آمریکا در تلاش است که همان مسیر تعامل با ایران توسط ۵+۱ را، به صورت جدی دنبال کند. این کار نتایج خاص خود را داشت، اما می‌توانست به عنوان جزئی مهم از

مسیر کلی تحریم‌ها قلمداد شود. به نحوی که اگر ایران نخواست از پیشنهاد دوستانه دولت اوباما برای مذاکره استقبال کند، آن وقت مسیر کلی تحریم‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کرد. در واقع در بهار و تابستان سال ۲۰۰۹، کارشناسان تحریم در وزارتخانه‌های خارجه و انرژی آمریکا داشتند از ایده تحریم‌های بیشتر نسبت به ایران فاصله می‌گرفتند. بخش زیادی از کار فشار بر ایران قبلاً انجام شده بود و در دل قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل آمده بود و همچنین در قطعنامه‌های ملی آمریکا نیز بر آنها تأکید شده بود.

در واقع در تابستان سال ۲۰۰۹ این روند مسیر دوباره‌ای به خود گرفت و تشدید تحریم‌ها

مورد دقت بیشتری قرار گرفت. در این مقطع به دستور شورای امنیت ملی آمریکا و وزیر خارجه وقت هیلاری کلینتون، وزارت خارجه بسته‌های جدیدی از اقدامات تحریمی را مدنظر قرار داد و گزینه‌های مختلف این اقدامات را در قالب پیشنهاددهای تک‌صفحه‌ای و ساده ارائه کرد که می‌توانست قضای حاکم بر آنها، ارزش و منافع و مضرات آنها و مسائل دیگر در مورد آنها را بیان کند. این کار تحت نظارت و دستورات «استیو مال» کارمند ارشد وزارت خارجه آمریکا که در آن زمان مشاور معاون وزیر خارجه یعنی بیل برنز بود، انجام می‌گرفت.

همچنین من در وزارت خزانه‌داری همکاری می‌کردم تا بتوانم بسته‌های جدید اقدامات

تحریمی را تهیه و تدوین کنیم. این بسته‌های جدید تحریمی بخش‌های انرژی، حمل و نقل، خدمات مالی و برنامه هسته‌ای ایران صنایع دفاعی و همچنین دسترسی دیپلماتیک این کشور به سایر نقاط جهان را مدنظر داشت. پیشنهادهای مذکور به صورت خلاصه برای کمیته معاونان شورای امنیت ملی آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۹ توضیح داده شد که البته در کنار آن گزارش‌هایی در مورد اقدامات اعتمادساز آمریکا برای پیشنهاد به ایران نیز به عنوان بخش جدیدی از سیاست دیپلماتیک جدید آمریکا مطرح شد. در این زمینه هدف‌های تحریمی مانند پروژه راکتور پژوهشی تهران یعنی TRR که در اکتبر ۲۰۰۹ به ایران پیشنهاد شده بود و من نیز روی آن کار کرده بودم، وجود داشت. این پروژه پیشنهاد ارائه سوخت هسته‌ای برای راکتور مذکور را به ایران ارائه می‌کرد تا در عوض آن، ایران بسیاری از ذخیره‌های اورانیوم غنی شده خود را تحویل بدهد. از منظر آمریکا این معامله خوبی بود، چرا

موقت خود با این توافق و همچنین یک توافق دیگر برای دادن اجازه بازرسی از تأسیسات جدید غنی‌سازی ایران در فردو را اعلام کرد. آمریکا از وجود تأسیسات فردو اطلاع داشت، اما آن را پنهان نگه داشته بود تا از نیت ایران در این زمینه آگاه شود. جلیلی همچنین پذیرفت که مجدداً با کارشناسان فنی در ماه اکتبر دیدار کند. دو هفته بعد و تحت نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران، آمریکا، فرانسه و روسیه به صورت موقت در پیشنهاد مرتبط با راکتور تحقیقاتی تهران توافق کردند، اگرچه سولاتی در مورد نحوه برنامه‌ریزی در آن باقی مانده بود و این پیشنهاد را برای تأیید دولت‌های متنوع به پایتخت‌های خود فرستادند. بلافاصله بعد از این قضیه مشخص شد که حمایت سیاسی لازم در تهران برای قرارداد مذکور وجود ندارد و نیاز به یک فشار جدید تحریمی احساس می‌شود. در پایان ماه اکتبر با توجه به احتمال پاسخ منفی از سوی ایران، من به همراه یک تیم کوچک به بروکسل و مادرید رفتم تا در



مورد مسائل موجود به دولت‌های اتحادیه اروپا و همین دولت اسپانیا گزارشی در مورد برنامه‌های تحریمی آمریکا ارائه کنم.

♦ انتخاب احمدی‌نژاد

در این دیدارها ایده‌های مختلف برای تحریم از سوی دو طرف مطرح شد و چار چوب اصلی برای تحریم‌های احتمالی اروپا در آینده در صورت پاسخ منفی از سوی ایران گذاشته شد، خصوصاً در شرایطی که ایران به پیشنهاد راکتور تهران پاسخ منفی بدهد. باز هم سیاست در تهران نقش ایفا کرده این بار حتی سیاستمداران اصلاح‌طلب نیز با تلاش‌های احمدی‌نژاد برای رسیدن به یک توافق با آمریکا مخالفت می‌کردند. انتخاب محمود احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۹ روی چهره سیاسی او اثر بسیاری گذاشته بود، چرا که تظاهرات خیابانی و اتهامات فراوان در مورد تقلب در انتخابات مشکلات فراوانی برای او ایجاد

که ایران سوخت هسته‌ای مورد نیاز خود را به دست می‌آورد، سوختی که عملاً نمی‌توانست در سلاح‌های هسته‌ای به کار گرفته شود، و همزمان ذخایر خطرناک اورانیوم از این کشور خارج می‌شد. علاوه بر این با این کار ایران دیگر نمی‌توانست استدلالی برای غنی‌سازی اورانیوم داشته باشد و مفهوم عرضه سوخت هسته‌ای توسط کشورهای خارجی نیز بیشتر تقویت می‌شد تا پاسخی به استدلال‌های ایران داده شود. بطوری که این کشور نتواند برای تأمین سوخت هسته‌ای خود روی بازارهای بین‌المللی حساب کند و می‌بایست حتماً این صنعت را در داخل دنبال کند.

متأسفانه سیستم سیاسی داخلی ایران پیشنهاد مذکور را به نوعی رد کرد و آن را زایل کرد. مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران آقای سعید جلیلی ابتدا علاقه خود به این پیشنهاد را زمانی توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بلیزر مطرح شد، نشان داد. درواقع آقای جلیلی موافقت

کرد. پس عملاً احمدی‌نژاد توانایی رسیدن به یک توافق را برای ایران نداشت. در نوامبر ۲۰۰۹ آقای اوباما به سفیر آمریکا در سازمان ملل یعنی خانم رایس و همچنین وزیر خارجه خانم کلینتون و یک وزیر دیگر اجازه داد تا برنامه‌های خود برای تحریم را پیش ببرند.

این اقدامات در سه شکل دنبال می‌شد که البته همگی در دل یک سیاست منسجم و یکپارچه نمود پیدا کرد، یعنی تحریم‌های سازمان ملل، اقدامات چندجانبه غیررسمی و فشار داخلی آمریکا بر شرکت‌های خارجی و بانک‌ها. در این زمینه، مسیر سازمان ملل مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کرد، اگرچه انتظار برای اعمال تحریم‌های همه‌جانبه سازمان ملل همچنان انتظار بزرگی بود، اما همه می‌دانستند که تحریم‌های سازمان ملل می‌تواند مبنای لازم برای اعمال اقدامات مشابه از سوی دولت‌ها را فراهم کند و به اقدامات ملی بیشتر منجر شود. خانم رایس و تیم او همکاری‌های خود با دیگر سفرا از کشورها در سازمان ملل را تقویت کردند تا بتواند قطعنامه تحریمی جدیدی را ایجاد کند و مبنای کار آنها نیز ایده‌های تحریمی بود که از نیمه سال ۲۰۰۸ به جا مانده بود. در آن زمان نشست‌های فراوانی در این زمینه برگزار شد تا همه به یک سیاست واحد در این زمینه دست یابند. دولت آمریکا موفق شد مفاهیم کلیدی در این زمینه را شناسایی کند و گزینه‌های مفید آمریکا را در سیاست تحریم‌ها مورد تأکید قرار دهد. به این ترتیب چهار حوزه کلیدی شناسایی شد که تمام این چهار حوزه توانستند بر قطعنامه ۱۹۲۹ سازمان ملل که در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۰ تصویب شد جای خود را پیدا کنند.

ایجاد زمینه‌ای برای اعمال تحریم‌های بیشتر در حوزه انرژی از همان آغاز مشخص بود که شورای امنیت، تحریم‌های خاص و لازم الاجباری را بر صادرات انرژی ایران را اعمال نخواهد کرد. با وجود اینکه آمریکا اعلام کرده بود، این صادرات انرژی مسیر مناسبی برای اعمال فشار اقتصادی بر ایران خواهد بود و همه می‌دانستند که ایران اتکا بسیار زیادی بر نفت برای کسب درآمد خارجی دارد. با علم به این نکته، آمریکایی‌ها از متحدان خود در اروپا و آسیا خواستند برنامه‌های ملی خاص خود برای تحریمی حوزه انرژی ایران را اعمال کنند. در این مسیر صرف اینکه سازمان ملل در قطعنامه‌های خود، حوزه انرژی ایران را به عنوان یک مشکل اصلی به رسمیت شناخته بود، کفایت می‌کرد.

آمریکا در این زمینه تلاش کرد، طراحی تحریم‌ها را به نحوی انجام دهد که تهدیدهای ملی ناشی شده از حوزه انرژی در ایران را به خوبی به نمایش بگذارد. نخست اینکه بخش انرژی ایران به این کشور کمک می‌کرد تا از فشار تحریم‌ها بگریزد و دوم اینکه می‌توانست پوششی برای فعالیت‌های پشتیبانی کالاهای هسته‌ای باشد که می‌توانست در صنایع تسلیحاتی هسته‌ای به کار گرفته شود. نتیجتاً تحریم سازمان ملل و بازه

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

زمانی که این تحریم اعمال شد همین مساله را مورد تأکید قرار داد و هشدار داد که سازمان ملل این نکته را به رسمیت می‌شناسند که دسترسی ایران به منابع انرژی ثابت و متنوع نقش مهمی در توسعه و رشد پایدار این کشور دارد، ضمن اینکه ارتباط بالقوه میان درآمد‌های ایران از بخش انرژی و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های هسته‌ای حساس در زمینه اشاعه وجود دارد و تجهیزات فرآوری شیمیایی و مواد مورد نیاز در صنعت پتروشیمی اشتراکات بسیار زیادی با موادی دارند که در برخی از فعالیت‌های چرخه سوخت هسته‌ای به صورت حساس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ادامه محدود کردن بخش انرژی ایران با توجیه پنهانی بودن بسیاری از فعالیت‌ها در این بخش، دولت آمریکا درست مانند سه مصوبه و قطعنامه قبلی تحریمی علیه ایران می‌خواست انزوای مالی این کشور را تقویت کرده و اعمال تحریم توسط دولت‌های خارجی در حوزه خدمات مالی مرتبط با ایران را آسان‌تر کند. این مساله شامل خدمات بانکداری مستقیم و کمک صادراتی، بیمه و تمام اشکال سرویس‌ها و خدمات مالی می‌شد، قطعنامه سازمان ملل در این زمینه در نقاط مختلف هم در متن اصلی این اهداف را برآورده کرد و کشورها و سازمان‌ها را ملزم کرد که اموال و دارایی‌های بانک‌های مشخص شده نظیر بانک تجارت و همچنین سپاه پاسداران و مهم‌ترین بازوی اقتصادی سپاه یعنی قرارگاه خاتم الانبیا را مسدود کند.

♦ عدم همکاری دولت‌ها

افزایش اختیارات شورای امنیت برای بازرسی و بررسی محموله‌های کالایی اگرچه دولت‌ها این اختیار را داشتند که از زمان آغاز نظام تحریم‌های سازمان ملل در سال ۲۰۰۶ محموله‌های ایران را بازرسی کرده و از عبور کالاهای حساس به سمت ایران جلوگیری کنند، اما خیلی از این دولت‌ها از تمام اختیارات خود در این زمینه استفاده نمی‌کردند. دولت آمریکا تلاش کرد شفافیت بیشتری را برای دولت‌ها در این زمینه ایجاد کند تا آنها از اختیارات خود برای بازرسی، مصادره و ضبط محموله‌های مشکوک در حوزه کالاهای موشکی و هسته‌ای حساس تا تسلیحات معمولی استفاده کنند. تشدید اقدامات شناسایی و اعلام نقض تمام تحریم‌های سازمان بین‌الملل: دولت آمریکا در اینجا نیز تلاش کرد تفسیر واحدی از تحریم‌های سازمان ملل به وجود به وجود آورد که از طریق آن گروهی از کارشناسان بتوانند به شورای امنیت و اعضای آن در اعمال و اجرای الزاماتشان کمک کنند. شورای امنیت به سرعت به بخشی از اقدامات بین‌المللی در شناسایی و اطلاع‌رسانی پیرامون تلاش‌های ایران در گریز از تحریم‌ها تبدیل شد و فرمول‌ها و توصیه‌هایی در مورد اقدامات مفید دولت در اجرای قطعنامه تحریمی ارائه کرد. گزارش‌های بازرسی شورا در

مورد محموله‌های حساس به صورت خاص از اهمیت بالایی در منزوی کردن ایران و دست گذاشتن روی محموله‌های این کشور ایفا کرد، خصوصاً در مواردی که اشخاص و نهادهایی شناسایی شدند که با سپاه پاسداران در ارتباط بودند و قوانین مرتبط با حمل‌ونقل را در غرب آفریقا در سال ۲۰۱۰ زیر پا گذاشته بودند.

همانطور که گفتیم مسیر شورای امنیت در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ تنها روش آمریکا برای اعمال تحریم نبود، این کشور علاوه بر این مساله متحدانش را تشویق می‌کرد تا از اقدامات داخلی و ملی خود نیز استفاده کنند. ضمن اینکه دولت آمریکا در ارتباط تنگاتنگ با کنگره تلاش می‌کرد قوانین تحریمی جدید در این زمینه را به وجود بیاورد. اعمال تحریم توسط متحدان آمریکا هم لازم بود و هم نقش تکمیلی برای قطعنامه ۱۹۲۹ داشت. آمریکا در این زمینه با همکاری نزدیک با اتحادیه اروپا، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، کانادا و سایرین گزینه‌های تحریمی علیه ایران را افزایش داد که می‌توانستند هم شامل تحریم‌های شورای امنیت باشند و هم اثر آنها را تقویت کنند. در این زمینه دو عنصر خاص بیش از سایرین نمود داشت.

♦ شرکا قبول کردند

نخست اینکه شرکا و متحدان آمریکا خصوصاً اروپا، ژاپن و کره جنوبی پذیرفتند که از سرمایه‌گذاری بیشتر در صنعت نفت و گاز ایران بپرهیزند و تمام پشتیبانی‌های فنی و مالی باقیمانده در این کشور را بیرون بکشند. اگرچه این دولت‌ها خرید نفت و گاز ایران را ممنوع کردند اما این کار آنها دو اثر مهم و آسیب‌رسان بر ایران داشت، یعنی هم دولت ایران را از منابع مورد نیاز برای حفظ و ارتقا تجهیزات فعلی محروم می‌کرد و هم نشان می‌داد که منابع انرژی ایران می‌توانند اهداف پذیرفتنی و مشروع برای اعمال تحریم‌ها باشد. درست در همین زمان یک اعلامیه از دولت آمریکا صادر شد که نشان می‌داد آمریکا قرار است بر مبنای قانون تحریم‌های ایران تحقیق و تفحص در مورد شرکت‌های درگیر در سرمایه‌گذاری نفت و گاز در ایران را شروع کرده و آنهایی را که در این زمینه به ایران کمک می‌کردند را شناسایی کند. نکته دوم اینکه شرکای آمریکا پذیرفتند بخش انرژی ایران را درون خطوط قرمز خود قرار دهند و انجام هرگونه فعالیت اقتصادی در این حوزه را نیازمند کسب مجوز قبلی بدانند، مثلاً هرگونه فعالیتی که بالای چهل هزار یورو ارزش داشته باشد، می‌بایست نخست مجوز این دولت‌ها را کسب کند. در نتیجه این اقدامات توانایی ایران برای انجام فعالیت‌های معمول اقتصادی به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفت و مهم‌تر اینکه حس مشروع بودن اقتصاد ایران در دنیا آسیب دیده بود و کار به جایی رسیده بود که ایران در نظام اقتصاد بین‌الملل یک مورد خاص شده بود

و انجام فعالیت‌های تجاری با آن سخت و پیچیده و پرهزینه می‌توانست باشد. نتیجه اینکه اگرچه برخی شرکت‌های بزرگ به فعالیت‌های خود در ایران ادامه دادند و برخی از کشورهای کوچک نیز ریسک این مساله را پذیرفتند اما در سال ۲۰۱۰ انبوهی از شرکت‌ها و نهادهای ایران خارج شدند. مصوبه تحریم‌های آمریکا در مجلس این خروج را تقویت کرد. در ژوئن ۲۰۱۰ درست بعد از تصویب قطعنامه سازمان ملل، آقای اوباما قانون تحریم‌های جامع ایران را امضا کرد که به سپاس‌دار معروف است قانون «سپاس‌دار» در خود اشکال مختلف تحریم‌ها را داشت که برخی از آنها تحریم‌های فعلی در حوزه نفت و گاز ایران را تقویت می‌کردند یا جرمه‌های در نظر گرفته شده برای نقض نظام تحریم‌های آمریکا را بالاتر می‌بردند. اما شاید مهم‌ترین بند قانون سپاس‌دار ماده (۱۰۴) آن بود که مبنایی را برای اعمال یک تحریم همه‌جانبه مالی بر ایران ایجاد می‌کرد. در این بند که برای تهیه آن مذاکرات طولانی و مفصلی در قوه‌های مجریه و قانونگذاری آمریکا در سال ۲۰۰۹ انجام شده بود، آمریکا این توان را پیدا کرده بود تا دسترسی بانک‌های خارجی به بازار آمریکا را محدود کند. اگر آن بانک‌ها با نهادهای تحریمی ایران با سپاه پاسداران معامله کرده باشند.

با گسترش یافتن لیست تحریمی آمریکا در مورد بانک‌های ایرانی نظام مالی بین‌الملل نیز به این نتیجه رسید که هرگونه معامله با ایران می‌تواند به از دست رفتن بازار آمریکا برای او بینجامد، اگرچه برخی نهادهای مالی بدون داشتن ارتباط با آمریکا می‌توانستند در چنین شرایطی دوام بیاورند و دشواری کمی داشته باشند، اما بانک‌های چند ملیتی می‌ترسیدند که این بند دامن آنها را بگیرد و به همین دلیل بلافاصله به جمع نهادهایی پیوستند که از تجارت با ایران سر باز می‌زدند. حقیقت آشکار در این زمینه این بود که ایران بازار بسیار خوبی برای شرکت‌ها و بانک‌های خارجی فراهم می‌کرد، اما بازار آمریکا به مراتب بزرگ‌تر و وسیع‌تر از ایران بود و هیچ‌کس نمی‌پذیرفت که فرصت‌های دسترسی به بازارهای آمریکا را به دلیل حضور در ایران از دست بدهد. این سه سطح تحریم‌ها، یعنی سازمان ملل، تحریم‌های چندجانبه و تحریم‌های شرکتی و سازمانی که تحت فشار آمریکا اعمال شد از چند زاویه و جهت از ژوئن ۲۰۱۰ و زمان تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ ایران را تحت فشار شدید قرار داد. در پایان تابستان ۲۰۱۰ ایران هر هفته با یک خبر بد مواجه می‌شد، بطوری که مصوبه‌های داخلی مختلف در آمریکا، اروپا، ژاپن، کره استرالیا و کانادا تصویب می‌شد و علیه ایران اعمال می‌شد. اما اگر چه فشار وارد شده بسیار شدید بود و امکان توقف آن وجود نداشت، اما این فشارها که در دو سال بعد نیز افزایش بسیار شدیدی پیدا کرد، نتوانست به امتیازدهی ایران در مذاکرات آن سال‌ها بینجامد.

تبدیل بحران ارزی به بحران سیاسی



سیاستگذاران شوک خارجی را عامل افزایش نرخ ارز می‌دانند چرا که معتقدند بر اساس گفته‌های ریاست‌جمهوری آمریکا، بازگشت تحریم‌های هسته‌ای و ناتوانی اروپا در مقابله با اثرات این تحریم‌ها، موجی از بی‌اعتمادی را در میان مردم برانگیخته که حاصل آن، کاهش ارزش پول ملی و به تبع آن نزول بسیاری از کسب و کارهای داخلی است. شوک خارجی چیست؟ مکانیزم‌های اثرگذاری آن کدامند و منطق اقتصادی در خصوص این قبیل شوک‌ها چه نظری دارد؟ پاسخ به همه این سوالات می‌تواند تا حدودی گره گشای فضای مبهم کنونی باشد که در باییم تا چه اندازه، شوک خارجی در وضعیت نابسامان داخلی اثرگذار است و تحریم‌های هسته‌ای چه سهمی را در بحران‌های ایجاد شده دارند و از سوی دیگر وضعیت وخیم بانک‌ها و ترازنامیزان دولت، چه آینده‌ای را پیش رو خواهد داشت. این گزارش می‌کوشد تا تعریف دقیق و جامعی را از شوک‌های خارجی ارائه دهد.

در ماه‌های اخیر و به واسطه خروج دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای، ارزش پول ملی روند شدید نزولی داشت. با این همه، به نظر می‌رسد دولت مردان در تدوین و چارچوب بندی‌های متعدد برای ایجاد آرامش در بازار ارز، همچنان شکست خورده‌اند و قیمت ارز به صورت لجام گسیخته‌ای افزایش یافته است و از سوی دیگر نرخ تورم داخلی به دلیل لنگر ارزی افزایش یافته، که این سیگنالی است برای بهم خوردن تعادل دیگر متغیرهای اقتصاد کلان. با این حال همچنان سیاستگذاران در مهار بحران کنونی ناکام مانده‌اند. هر چند مقامات دست اندرکار، گره این مشکلات را به گردن خروج آمریکا از برجام و تشدید ریسک‌های سیاسی و فرار سرمایه می‌اندازند، اما همه این موارد با وجود اینکه بیراه نیست اما کامل هم نیست اما مهم‌ترین نکته آن است که مهم‌ترین مجرای اثرگذاری تحریم در ساختار اقتصادی ایران، مربوط به بخش ارزی کشور است.

♦ شوک خارجی چیست؟

همه کشورها ممکن است در معرض شوک‌های خارجی مختلفی قرار گیرند. این شوک‌ها دلایل مختلفی دارد و می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و غیراقتصادی زیادی به دنبال داشته باشند. از این رو، بررسی انواع شوک‌های خارجی به اقتصاد و نحوه مدیریت آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. تصویرهای ترسیم شده از شوک پذیری اقتصاد و نحوه اعمال و اصابت شوک‌های خارجی معمولاً با اختلالات مقطعی، بلندمدت و طولانی مدت همراه است. بطور مثال برخی از این اختلالات

به این نکته اشاره کرد که برای ساده‌سازی یا فرار از پیچیدگی یا دلایل دیگر، دانش اقتصاد متعارف را فراموش می‌کنند یا به نظریه پردازی‌های بعضاً غیراجرایی در ساختار فعلی می‌پردازند.

از این رو تحلیلگران شوک‌پذیری را صرفاً مقطعی و ویژه شرایط خاص سیاسی یا اقتصادی (مثلاً تحریم) فرض می‌کنند و به نزدیک بینی سیاسی و سیاستی دچار می‌شوند. با این حال در این نوشتار تلاش می‌شود تصویری کلان، سازگاری نه چندان پیچیده و نیز به دور از مقدمات و تفصیل فنی از ماهیت شوک‌پذیری

نقطه‌ای یا بخشی هستند. یعنی صرفاً بخشی از شوک‌ها یا بخشی از نقاط آسیب را پوشش می‌دهد و در نتیجه، تصویر کلان عرصه شوک‌پذیری اقتصاد را نمایش نمی‌دهند. از سوی دیگر برخی دیگر از این شوک‌ها چارچوب سازگار ندارند و ارتباطات منطقی لازم بین بخش‌ها را در نظر نمی‌گیرند. همچنین بیشتر این شوک‌ها زیاد از حد پیچیده یا پیچیده نما هستند. همچنین تفصیل مقدمات با توضیحات فنی آنها را از حوصله مطالعه سیاستگذار، قانونگذار، تصمیم‌گیر یا مجری، خارج می‌سازد. از دیگر ماهیت شوک‌های خارجی می‌توان

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

خارجی اقتصاد در شرایط مختلف، سازوکارهای اعمال و اصابت شوک و همچنین راه‌های کاهش آسیب کلان در جریان شوک را در چارچوب ادبیات دانش متعارف اقتصاد ارائه کند، بطوری که سیاستگذار یا قانونگذار بتواند در هر لحظه و با توجه به داده‌های موجود، تصویری کلان از آنچه ممکن است شوک خارجی بر سر اقتصاد بیاورد و راه‌های کاهش اثرپذیری از آن، بیان کند.

♦ شوک خارجی

هر نوع تغییر برون‌زا در اقتصاد بطوری که باعث نوسان شدید در محیط داخل شود، شوک خارجی گفته می‌شود. شوک‌های خارجی از آن جهت مورد توجه تصمیم‌گیر و سیاستگذار قرار دارند که پتانسیل ایجاد بحران اقتصادی را دارند. تجربه بحران‌های اقتصادی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که به دلیل ماهیت بحران‌های اقتصادی که افشار مختلف را درگیر می‌کند، معمولاً تأثیرات آن در ساختار اجتماعی و سیاسی نیز محسوس است و در موارد متعدد، بحران اقتصادی به بحران سیاسی منتهی می‌شود. به این ترتیب، آسیب‌پذیری اقتصادی در مقابل شوک‌های خارجی نه تنها خط قرمز اقتصادی که معمولاً خط قرمز سیاسی هم محسوب می‌شود و از این جهت، اصلاح یا تغییر رژیم‌های سیاستگذاری مالی، پولی یا ارزی به گونه‌ای که آن را در مقابل شوک خارجی مصون کند، راهکاری برای جلوگیری از تغییر رژیم سیاسی دانسته می‌شود که در صورت تن دادن به اولی، ممکن است دومی بروز کند.

شوکه‌ها معمولاً براساس محل اصابت به سه نوع مختلف تقسیم‌بندی می‌شوند. نخست شوک در بازار کالا است که در شرایطی رخ می‌دهد که به دلیل نوسان در وضعیت اقتصادی کشورهای شریک، یا سیاست‌های تجاری اعمال شده توسط شرکا یا رقبا با طرف متخاصم، مقدار صادرات و واردات تغییر کند، یا به دلیل تغییر در شرایط اقتصاد جهانی، رابطه مبادله (نسبت قیمت صادرات به واردات) با نوسان شدید مواجه شود.

نوع دیگر شوکه‌ها، شوک در بازار نهاده‌ها بود که ناشی از نوسان در بازار نهاده‌های تولید است. به عنوان مثال، به دلیل تغییر شرایط اقتصادی در کشور میزبان کارگران داخلی شاغل در خارج، مقدار عواید فرستاده شده از این کارگران به داخل با افت شدید مواجه می‌شود (عمدتاً در کشورهایی رخ می‌دهد که نسبت عواید دریافتی از کارگران مقیم خارج به کل اقتصاد داخل، قابل توجه باشد. به عنوان مثال، این وضعیت در کشورهای همسایه روسیه یا برخی کشورهای مهاجر فرست به اقتصادهای حاشیه خلیج فارس مشاهده شده است).

نوع سوم شوکه‌ها نیز شوک در بازارهای مالی ناشی از افزایش‌ها یا توقف یا سکنه‌های ناگهانی در جریان سرمایه است و معمولاً به دلیل تغییر سیاست‌های پولی در کشورهای با حجم بازار بزرگ، افزایش ریسک جهانی، سرایت ریسک با بحران از کشورهای همسایه، توقف در بازارهای مالی اتفاق می‌افتد.

شوکه‌های خارجی معمولاً در چهار دسته کشورها امکان ظهور و بروز دارد نخست اقتصادهای توسعه یافته یا پیشرفته که جریان سیال سرمایه دارند. دوم اقتصادهای در حال توسعه یا در حال ظهور (اینکه الزاماً هر اقتصاد در حال توسعه‌ای در حال ظهوری نوظهور نیست. در ادبیات بخش خارجی اقتصاد، تنها اقتصادهای در حال توسعه با در حال ظهور مشابه می‌شوند که همزمان در حال باز شدن باشند). سوم اقتصادهای در حال انضمام به جریان سرمایه با بازار جهانی اقتصادهای در حال ورود به اتحادیه‌های تجاری یا ارزی بزرگ‌تر (این نوع اقتصادها، اقتصادهای بسته در حال ورود به بازار آزاد هستند) و در نهایت اقتصادهای درگیر مناقشات تجاری و سیاسی.

به این ترتیب، شوک‌پذیری محصول شرایط خاص سیاسی (مثلاً درگیری بین‌المللی) نیست و هر کشوری که در معرض جریان‌ات ورود و خروج سرمایه و بازار جهانی باشد، در معرض شوک نیز خواهد بود و باید به فکر چاره باشد. شوک‌های خارجی در دو حالت می‌توانند درگیر تلاطم‌های شدید در اقتصاد شوند. اگر مقدار شوک بزرگ باشد و شوک چندان بزرگ نباشد، اما محل اصابت، شکننده (آسیب‌پذیر باشد، در هر دو وضعیت فوق، تأثیرات کلان اعمال شوک، بسته به نوع پاسخ سیاستی داده شده تفاوت می‌کند). از آنجا که دریافت شوک در اقتصاد به هم پیوسته جهانی فعلی تقریباً اجتناب ناپذیر است (این مساله نه تنها برای اقتصادهای از لحاظ سیاسی درگیر، که برای سایر اقتصادها نیز مکرراً اتفاق می‌افتد).

♦ روش‌های دمپ شوک خارجی

شوکه‌های خارجی با توجه به نحوه اصابت و اختلالاتی که در ساختار اقتصادی پدید می‌آورند، استراتژی‌های متفاوتی برای مقابله دارند. نخستین استراتژی ایجاد یک محیط خوش‌بنیه داخلی (کاهش شکنندگی) است بطوریکه محیط داخلی به اندازه کافی در مقابل شوک خارجی استحکام داشته باشد. به عبارتی، با مهربانی به خود نلرزد و از سوی دیگر امکان‌پذیری پاسخ‌دهی سیاستی مناسب داشته باشد. یعنی در این شرایط سیاستگذار به‌طور منفعلانه و عجولانه تصمیم نگیرد. به عبارت دیگر بتواند در مقابل شوک خارجی، فعال و منعطف عمل کند و این طور نباشد که

سیاستگذار اسیر توهّمات خوش‌بینانه و غافل از پیامدهای این قبیل شوکه‌ها باشد. بطور مثال هنگام افزایش شدید درآمدها، مخارج دولت هم زیاد شود و در نتیجه عوارض آن، مثلاً تورم، بر اقتصاد تحمیل شود یا در مقابل کاهش شدید درآمدها، مخارج هم به‌شدت کاهش پیدا کند و در نتیجه عوارض آن از جمله کاهش شدید رشد اقتصادی اتفاق بیافتد.

از سوی دیگر سیاستگذار زمانی که متوجه شوک خارجی شد، باید واکنش نشان دهد، اما این واکنش باید متناسب با توانایی‌های خود باشد. به‌طور مثال هنگام حمله سفته‌بازان به نظام ارزی، بخواهد وارد عمل شود، اما ذخایر ارزی کافی نداشته باشد یا برای نجات سیستم بانکی بخواهد اقدام کند، اما منابع مالی کافی نداشته باشد. به این ترتیب شکنندگی بخشی و بین بخشی و سفتی (انعطاف‌ناپذیری) سیاستی دو مساله اصلی آسیب‌پذیری اقتصاد در مقابل شوک‌های خارجی به شمار می‌روند. از یک طرف بخش‌های اقتصاد آن قدر شکننده هستند که در برابر ضربات نرم مهم آسیب‌پذیرند و از طرف دیگر، فضای سیاستگذاری اقتصادی آنچنان سفت (غیرمنعطف) است که امکان انعطاف و پاسخ مناسب را از سیاستگذار می‌گیرد.

در بخش‌های بعدی این گزارش، برای بخش‌های مختلف اقتصاد، بیشتر تجزیه کرده و در نهایت با توجه به این طبقه‌بندی، یک چارچوب ساختاری اقدام برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در مقابل شوک‌های خارجی ارائه می‌شود.

♦ نظام ارزی شکننده

شکنندگی سیستم ارزی هنگامی بروز می‌کند که بانک مرکزی یک نرخ برابری رسمی ارزی اعلام می‌کند و می‌خکوب ارزی به جای اینکه سفت باشد، نرم تعیین شود. از سوی دیگر ناتوانی مالی دولت در انجام تعهدات (عدم تعادل درآمدها و تعهدات) یا تسلط مالی دولت بر بانک مرکزی (برای تامین مالی نیازهای دولت) همراه شود (نسل اول مدل‌های بحران‌های ارزی)

انقباض اقتصاد کلان همراه یا بحران بدهی (عدم تعادل درآمدها و تعهدات) ممکن است سودآوری بانک‌ها را در وضعیتی که حساسیت ارزش دارایی‌های سیستم بانکی به وضعیت اقتصاد بالا است - کاهش داده و احتمال بحران بانکی را افزایش دهد. این امر به معنای کاهش نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری بر دارایی‌های داخلی است که به نوبه خود به معنای تشویق خروج سرمایه و افزایش احتمال بحران ارزی خواهد افتاد. به این ترتیب، احتمال سرایت بحران بدهی به حوزه بانکی و ارزی بستگی به میزان استحکام شاخص‌های بانکی (ترکیب پورتفوی

بانک‌ها، میزان ذخایر ارزی بانک مرکزی، درجه سیالیت سرمایه در کشور و نیز چگونگی پاسخ سیاستی دولت به بحران بدهی) دارد. به عبارت دیگر سیستم بانکی مستحکم (یعنی دارای شاخص‌های بانکی مناسب)، بر اوراق بدهی دولتی اتکای زیاد ندارد، ذخایر ارزی کافی دارد و در وضعیتی که سیالیت سرمایه در کشور با سیستم بانکی بالا نیست و پاسخ سیاستی دولت به بحران بدهی، متکی به سرکوب مالی (کاهش عمدی یا نزول نرخ بهره به زیر نرخ تورم) است، در واقع سرایت بحران از اقتصاد کلان به بانک‌ها با شدت کمتری رخ می‌دهد در واقع به عنوان وضع مالیات پر سرده‌گذار و انتقال منافع حاصله به قرض‌گیرنده دولتی برای کاهش میزان بدهی‌های دولت، کمتر از بحران بدهی تأثیر می‌پذیرد.

♦ اختلال سیستمی در هنگام بحران

سوی دیگر شوک‌های خارجی می‌تواند از بحران‌های بانکی شروع شود. سرایت از بحران بانکی به بحران بدهی‌های دولت و بحران ارزی، نوع دیگری از جریان انتقال بحران است که کانال سرایت مستقیم بحران بانکی به بحران بدهی‌ها از طریق هزینه‌های سنگین مالی نجات سیستم بانکی از ورشکستگی (همانند تخمین تعهدات بانکی، مانند آنچه در ایرلند اتفاق افتاد یا افزایش سرمایه بانک‌ها) است. همچنین، بانک‌های تحت فشار، ممکن است اوراق بدهی دولتی خود را بفروشند و از این طریق، هزینه‌های تأمین مالی دولت را افزایش دهند. کانال سرایت از بحران بانکی به بحران ارزی نیز به این صورت است که در وضعیتی که سلامت سیستم بانکی با تهدید مواجه است، بانک مرکزی رغبت کمتری برای دفاع از ارزش پول ملی از طریق افزایش نرخ بهره و افزایش تقاضا برای پول داخلی) خواهد داشت، چرا که افزایش نرخ بهره بهره ممکن است سودآوری بانک‌ها را کاهش دهد (دلیل این امر نیز با اشاره به کسب و کار اصلی سیستم بانکی یعنی «تجارت سرسید» توضیح داده می‌شود. به عبارت دیگر، از آنجا که بطور معمول، تعهدات بانک‌ها نسبت به دارایی‌های خود، سرسید کوتاه‌مدت‌تری دارد، بنابراین با افزایش نرخ بهره، تعهدات بانکی، افزایش ارزش بیشتری نسبت به دارایی‌ها پیدا می‌کنند و سودآوری بانک‌ها کاهش پیدا می‌کند. در چنین وضعیتی حمله سفته‌بازان به پول ملی، برای حمله‌کنندگان کم‌هزینه‌تر و خطر این حمله محتمل‌تر خواهد شد) همچنین، تأثیر منفی بحران بانکی بر بخش حقیقی اقتصاد موجب کاهش درآمدهای مالیاتی دولت، در کنار کاهش نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری دارایی‌های داخلی خواهد شد. به این ترتیب، از یک طرف وضعیت مالی دولت

بدتر خواهد شد و از طرف دیگر انگیزه تغییر پرتفوی دارایی‌ها به نفع دارایی خارجی تقویت خواهد شد. در نتیجه، احتمال بروز هر دو بحران بدهی و ارزی با هم افزایش خواهد یافت.

به این ترتیب، میزان احتمال سرایت و تبدیل بحران بانکی به بحران بدهی و ارزی به موارد ذیل بستگی دارد. اندازه سیستم بانکی از کل اقتصاد (مانند حجم بزرگ پاتک‌ها در ایسلند و قبرس)، گستره و ماهیت مالکیت خارجی در سیستم بانکی، میزان توانایی دولت برای تأدیه تعهدات خود، حجم انباشت ذخایر بانک مرکزی، میزان سیالیت سرمایه در کشور، و در نهایت چگونگی پاسخ سیاست دولت به بحران بانکی به عبارت دیگر هنگامی که حجم بخش بانکی به کل اقتصاد پایین باشد، دولت در حاشیه امن خوبی قرار خواهد داشت که هم توانایی مدیریت بحران را دارد و هم بانک مرکزی انباشت بزرگی از ذخایر را خواهد داشت و سیالیت سرمایه محدود خواهد شد. از سوی دیگر در وضعیتی که دولت به سرعت در جهت کنترل ابعاد بحران بانکی بر بیاید، احتمال سرایت از بحران بانکی به دو بخش دیگر بدهی و ارزی کمتر خواهد بود.

♦ بحران ارزی به بحران بدهی و بانکی

انتظار وقوع بحران ارزی در عوامل اقتصادی منجر به سرایت بحران از طریق خروج سرمایه از بانک‌ها خواهد شد. به این ترتیب، خروج سپرده‌ها از بانک‌ها و نیز عدم تمدید بدهی‌های کوتاه‌مدت دولت، باعث افزایش همزمان احتمال بروز بحران‌های بدهی (مبتنی بر نقدشوندگی) و بانکی خواهد شد. از سوی دیگر افزایش نرخ بهره داخلی همراه با انتظار کاهش ارزش پول ملی، موجب افزایش تعهدات مرتبط با تسویه بدهی‌های دولت خواهد شد. (از طریق افزایش حجم بدهی‌های با سرسید کوتاه‌مدت یا با نرخ متغیر دولتی) و در نتیجه احتمال بروز بحران بدهی را افزایش خواهد داد. افزایش نرخ بهره همچنین به کاهش سودآوری سیستم بانکی می‌انجامد. بنابراین، احتمال بروز بحران بانکی هنگامی که سیستم بانکی در معرض ورشکستگی قرار دارد، بیشتر است.

همچنین نرخ بهره واقعی بالا و در نتیجه احتمال افزایش بیش از اندازه ارزش پول داخلی ممکن است از مسیر کاهش تقاضای کل (سرمایه‌گذاری یا خالص صادرات و ...) به کاهش رشد اقتصاد بیانجامد. در نتیجه از یک طرف سوددهی سیستم بانکی از مسیر کاهش توان قرض‌گیرندگان برای تأدیه قروض خود کاهش پیدا خواهد کرد و از طرف دیگر موقعیت مالی دولت از طریق کاهش درآمدهای مالیاتی تضعیف می‌شود. به این ترتیب، احتمال بحران بانکی و بدهی بطور همزمان افزایش می‌یابد.

کاهش ارزش پول ملی در صورتی که حجم بزرگی از بدهی‌های دولتی به صورت ارز خارجی باشد (و این حجم، بزرگ‌تر از حجم درآمدها به ارز خارجی دولت باشد) ممکن است تعادل مالی دولت را با مشکل مواجه کرده و با مشکل روبه رو کند. همین اتفاق ممکن است برای سیستم بانکی و بنگاه‌های داخلی هم بیفتد. اگر بر اساس ساز و کاری که قبلاً ذکر شد، شرکت‌های داخلی تحت تأثیر قرار گیرند، به این ترتیب بعید نیست که از طریق کاهش درآمدهای مالیاتی دولت و نیز افزایش وام‌های معوقه، هم به وضعیت مالی دولت بهم بخورد و هم سیستم بانکی متزلزل شود. تأثیر غیر مستقیم در زنجیره اتفاقات فوق به این صورت است که در نتیجه تأثیرات گفته شده، رشد اقتصاد کمتر می‌شود و در نتیجه، تضعیف وضعیت مالی دولت و افزایش حجم وام‌های معوقه تشدید می‌شود.

به این ترتیب، احتمال سرایت و تبدیل بحران ارزی به بحران بدهی دولتی و بانکی بستگی به موارد سلامت وضعیت مالی دولت (تعادل درآمدها و تعهدات، تنوع درآمدهای دولتی و عدم وابستگی به منبع نوسان‌کننده) وجود ضربه‌گیر مالی در ساختار مالی دولت، تنظیم بودجه سالانه در چارچوب برنامه‌ریزی میان مدت مالی، شورای مالی مستقل، احترام به قواعد مالی، چارچوب‌های خودکار هموارکننده درآمدها و مخارج، سلامت ترازنامه‌های بانکی و بنگاه‌ها، میزان وخامت عدم تطابق ارزی در ترازنامه‌های مالی سه بخش، تناسب ترکیب سررسیدهای تعهدات و دارایی‌ها در ترازنامه‌های دولتی دارد.

♦ پاسخگویی سیاستگذار

در زمان بحران

هنگامی که نهادها و نظام‌های مالی بودجه و مالی (پول و بانک) و ارزی اصلاح شده باشند، در حالت عادی به گونه‌ای تدبیر سیاسی صورت گیرد که ساختار را شکننده نکند و به سوی بحران حرکت ندهد و در عین حال، توانایی انعطاف در مواقع بحران را داشته باشد. انتظار بر این است که در هنگام بحران، شوک کمتری به سیستم (به دلیل شکننده نبودن) وارد شود و در عین حال، همان میزان شوک وارد شده نیز از طریق سیاست‌های مالی، پولی و ارزی مناسب و منعطف شامل انعطاف و پاسخگویی دولت از طریق انقباض یا انبساط کافی، توان استفاده از حائل یا ذخایر، انعطاف پولی بانک مرکزی و انقیاد با انعطاف مناسب، توان استفاده از ذخایر، امکان عملیات احیا با کمک رسانی به سیستم بانکی شوک زده، توان تغییر در نرخ‌های بهره و انعطاف ارزی مناسب، جذب شود و به شکست سیستم نینجامد.

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



صنعت در چاه تحریم

این مشکلات می‌تواند به کاهش مشروعیت نظام منجر شود. یکی دیگر از آسیب‌هایی که می‌تواند با اعمال تحریم‌های خارجی و تضعیف بخش تولیدات صنعتی به کشور وارد شود، وابستگی کشور به واردات کالاها و تامین آن از طریق قاچاق است. اگرچه در سال‌های اخیر شاهد برخی فعالیت‌های سیاستگذاران برای رفع مشکلات این بخش و جلوگیری از قاچاق در کشور بوده‌ایم، اما با اعمال تحریم‌های شدید خارجی انتظار می‌رود، در صورت عدم ممانعت درست از ورود کالای قاچاق به داخل مرزهای کشور و از سوی دیگر، عدم توان تولید داخل، محیط امن اقتصادی برای فعالیت فعالان اقتصادی از بین برود. پرونده حاضر نگاهی به ابعاد صنعت در شرایط تحریم دارد.

آوردن نیروی بیکار کشور به مشاغل کاذب شود. از این رو، باید گفت، تعطیلی واحدهای صنعتی می‌تواند در نهایت، تبعات اقتصادی و اجتماعی فراوانی برای کشور داشته باشد. همچنین با تعطیلی بخش‌های مختلف تولیدات صنعتی، میزان اتکا به تولیدات داخلی کاهش می‌یابد و کشور همواره نیازمند واردات محصولات کشورهای خارجی خواهد بود. این موضوع علاوه بر اثراتی مانند خروج ارز از کشور، موجب کاهش توان رقابت‌پذیری تولید داخل می‌شود و میزان آسیب‌پذیری کشور را در مقابل نوسانات خارجی بالا می‌برد. به همین دلیل، اعمال تحریم‌های خارجی می‌تواند بیشترین ضربه را به بدنه اقتصادی کشور وارد آورد تا جایی که

صنعت ایران نقش و سهم پررنگ و بالایی در تولید ناخالص داخلی دارد. این بخش اما با همه ابعاد بزرگی که دارد به دلیل تعامل با اقتصاد جهانی از نظر خرید مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و فروش محصول در خرج دارد. از سوی دیگر، با عنایت به اینکه رونق بخش صنعت به ایجاد اشتغال پایدار منجر می‌شود و صنعت بخش زیادی از اشتغال کشور را به خود اختصاص داده است، در صورتی که اعمال تحریم‌ها به تضعیف این بخش و رکود و تعطیلی واحدهای تولیدی در کشور منجر شود، به افزایش بیکاران و در نهایت بروز برخی نارضایتی‌ها در کشور می‌انجامد و زمینه بعضی اعتصابات کارگری و تجمع‌ها را فراهم می‌آورد. همچنین می‌تواند زمینه‌ساز روی

علیرضا ساعدی، عضو هیات عامل صندوق توسعه ملی

آزمون تدبیر و اراده سیاستگذار در شرایط تحریم

● در حال حاضر ایران در چه جایگاهی از صنعتی شدن قرار گرفته است؟

برای تحلیل این موضوع، ابتدا باید درباره تعریف مشخصی از توسعه، توسعه اقتصادی و سپس توسعه صنعتی به تفاهم برسیم. در کشور ما می‌توان چنین بیان کرد که ما هنوز در این سه موضوع به یک درک و فهم مشترک نرسیده‌ایم. مثلاً در اقتصاد وقتی از تابع رفاه اجتماعی صحبت می‌شود، چگونگی تشخیص آن و شرایط تحقق بیشینه‌سازی آن هم مورد بحث قرار می‌گیرد و راهکار ارائه می‌شود ضمن آنکه اقتصاديون براساس ثنوری‌های ارو به دشوار بودن بیشینه‌سازی رفاه عموم اشراف دارند و می‌دانند چقدر باید با احتیاط صحبت و برنامه‌ریزی کنند. در حالی که در سپهر سیاسی کشور این مفهوم کاملاً اقتصادی، با سایر مفاهیم مانند خیر و مصلحت عمومی مخلوط شده و از این طریق است که می‌توان توابع هدف غیر اقتصادی گروه‌های متنوعی را به تابع اقتصادی رفاه عمومی تحمیل کرد. توجه بفرمایید معمولاً در داخل مراد ما از توسعه لزوماً با تعریف جهانی آنکه حاصل تجربه بشری است همخوانی ندارد. به همین طریق، توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی مطلوب ما نیز متفاوت بوده است. شاید بهتر باشد اینگونه عرض کنم که دستکم بخشی از سیاستگذاران ما مصداق توسعه صنعتی مطلوب رادر الگوی صنعتی مثلاً کره جنوبی یا حتی مالزی نمی‌بینند. ما در رد الگوهای توسعه دیگران راحت‌تر تصمیم گرفتیم تا آنکه توانسته باشیم الگوی توسعه خودمان را به صورت واقعاً عملی و قابل اجرا تبیین کنیم. شاید سیاست‌های اصل ۴۴ و اخیراً سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی روشن‌ترین محورهای توسعه‌ای کشور رادر این سال‌های اخیر باشند که مصداق اجرایی کاملاً مشخصی در بر دارد در حالی که مثلاً برنامه چشم‌انداز ۱۴۰۰ و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تا این حد واقع بینانه، عملگرایانه و حاوی مصداق نبوده‌اند اگر برگردیم به سوال شما و اینکه ایران در چه مرتبه صنعتی قرار دارد باید عرض کنم یک جایگاه گنگ را اشغال کرده است، در واقع توسعه ناهمگون صنعتی را شاهد بوده‌ایم که در آن صنعت نه موتور محرکه اقتصاد است و نه عامل اصلی اشتغال. در حالی که عامل اصلی صدمه به محیط زیست کشور به شمار می‌رود. چرا این گونه عرض می‌کنم به خاطر اینکه معمولاً یک سری شاخص برای توسعه صنعتی تعریف شود که به

عقیده بنده، ما در داخل کشور حتی نسبت به آنها برداشت مشترکی نداریم. برای همین هم هست که سال‌هاست بدنبال استراتژی صنعتی می‌گردیم که انقدرها هم مجهول نیست.

با این حال معمولاً برای اینکه اطلاع حاصل کنیم کشوری صنعتی شده یا اینکه مسیر توسعه صنعتی را دنبال کرده، می‌توانیم چند شاخص اقتصادی را در آنها ردیابی کنیم. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به میزان سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی آن کشور، افزایش بهره‌وری صنعتی، رشد فناوری در صنعت، میزان اشتغال صنعتی، تنوع صنایع، سهم صادرات مصنوعات صنعتی به کل صادرات اشاره کرد. بدین ترتیب کشوری مانند ماکه عملاً بر چند حوزه صنعتی خاص مانند سیمان، فولاد و پتروشیمی و این گونه صنایع بزرگ سرمایه بر، متمرکز شده و نتوانسته حلقه‌های مختلفی از زنجیره ارزش صنعت را در داخل رشد و توسعه بدهد و موفق نشده تا بنگاه‌های کوچک و متوسط را به صنایع بزرگ متصل نماید یا با زنجیره ارزش جهانی پیوند برقرار کند را شاید سخت بتوان صنعتی اطلاق کرد. بررسی مصداق گفته شده در رابطه کشور ما می‌تواند به سادگی وضعیت صنعتی شدن ایران را آشکار کند. همچنین

می‌توانیم به راحتی نسبت به این موضوع اذعان پیدا کنیم که در کدام یک از زمینه‌های صنعتی شدن دچار عقب ماندگی شده‌ایم.

● ارزیابی شما از مصداق گفته شده چیست؟

ملاحظه فرمایید نسبت صادرات صنعتی آلمان به تولید ناخالص داخلی آن کشور به عنوان یک پیش‌تاز صنعتی، تقریباً برای دودهمه ۵۰ درصد است در حالی که این نسبت برای کشور ما که سال‌ها است سعی می‌کنیم صادرات را با انواع جایزه و تسهیلات ارزان قیمت و شرایط گمرکی و امثالهم تقویت کنیم این نسبت حدود ۲۱ درصد باقی مانده است. بنابراین در نهایت با در نظر گرفتن مصداق که ذکر کردم، با احتیاط باید بگوییم که ایران صنعتی نشده، چون اشتغال معنادار صنعتی ندارد چون صادرات مصنوعات صنعتی مهمی ندارد و چون در یک کلام، موتور محرکه اقتصاد هنوز نفت است نه صنعت.

نمی‌دانم اصولاً تمرکز ما طی سال‌ها بر چه بوده است من گمان می‌کنم هنوز درباره چگونه صنعتی شدن هم نمی‌اندیشیم. ممکن است عده‌ای بر این نظر باشند که ارائه خدمات بهداشتی و طرح سلامت و درمان رایگان در حوزه پزشکی توسعه دانشگاه‌ها و افزایش پذیرش دانشجویان در سراسر کشور، یا توسعه راه‌ها و شبکه نیرو یا حتی پرداخت یارانه مستقیم باعث بهبود رفاه خانوار و خیر عموم شده باشد (البته به اتکای تعریف خاصی که ارائه می‌کنند) اما فراموش نکنیم اینها همه سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی از محل درآمدهای نفت یا مالیات مستقیم و حتی تورمی از درآمد و پس انداز خانوارها تامین شده‌اند ولی تا زمانی که نیروی کار سالم، توانمند و تحصیل کرده وارد اشتغال صنعتی و ایجاد ارزش افزوده صنعتی نشود ما هنوز صنعتی نشده‌ایم. نگرانی در این است که هزینه‌های اجتماعی صورت گرفته برای عرضه‌کالاهای عمومی برشمرده اگر به زودی به کار گرفته نشوند فقط اتلاف منابع بوده‌اند.

● چه پیش‌نیازهایی برای صنعتی شدن وجود دارد؟

برای دستیابی به صنعتی شدن و توسعه صنعتی، برخی پیش‌نیازها وجود دارند که به‌طور بدیهی اقتصادی هستند و برخی دیگر از آنها نیز عام و نهادی هستند و به محیط و شرایط کسب و کار مربوط می‌شوند که با اینکه لزوماً اقتصادی نیستند ولی آثار مهمی دارند. به عنوان مثال مواردی از جمله نرخ تورم، نرخ سود بانکی، نرخ ارز، وضعیت نظام بانکی، وضعیت بازار سرمایه و ... به عنوان مباحث اقتصاد کلان از سری پیش‌نیازهای سری اول هستند که همواره بر صنعتی شدن یا توسعه اقتصادی کشور تاثیرگذار



سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریرم

روزگار صنعت

ایران در جهان

بوده است. در گروه دوم موضوعات و مباحث نهادی نظیر قانون کار، قانون تجارت، قوانین مالیاتی و قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و اینگونه قوانین، روابط قوا در شیوه حکمرانی و مدیریت اقتصادی کشور، مطرح هستند که اگر چه خارج از مباحث اقتصاد کلان طبقه بندی می شوند اما در حال حاضر در شرایطی هستند که مجموعاً منجر به توسعه صنعتی کشور نمی شوند.

❖ به عقیده شما، مشکلات داخلی دستیابی به توسعه صنعتی را دچار مشکل کرده است؟
در حال حاضر پس از گذشت سال ها، اقتصاد کشور و البته ذیل آن صنعت کشور با مجموعه ای از چالش های انباشته شده روبرو است که در نهایت توسعه صنعتی، توسعه کشاورزی و توسعه خدمات و... را قفل کرده است این چالش ها اخیراً در دسته بندی مشهوری طبقه بندی شده اند و برای عموم شناخته شده هستند. بر این اساس، زمانی که بخش صنعت، اقتصاد کلان، محیط کسب و کار و فضای نهادی را مورد بررسی قرار می دهیم، به این نکته پی خواهیم برد که بنگاه های تولیدی ما اصولاً نمی توانند یا نمی خواهند یا به مصلحت نمی بینند که سیاست و رفتار توسعه ای اتخاذ کنند به عنوان مثال زمانی که قانون کار به نحوی است که بنگاه تولیدی را از انعطاف پذیری دور می کند، این بنگاه نمی تواند در مسیر توسعه حرکت کند یا اینکه وقتی قوانین مالیاتی به شکلی است که شرکت ها نمی توانند از یک حد مشخصی بزرگ تر شوند، ما نمی توانیم به مقیاس تولید فکر کنیم. وقتی که نوسان نرخ ارز می دهد بنگاه در ارتباطات بین المللی خود دچار اغتشاش می شود هنگامی که تورم با عدم قطعیت روبرو است، بنگاه نمی تواند برنامه تولید بلندمدت طراحی کند.

در نتیجه همان طور که این همه سال مشاهده کردیم، هم در کشور خودمان و هم در انواع تجارب بین المللی، زمانی که بنگاه های تولیدی با چالش هایی نظیر نوسان نرخ ارز، تورم مزمن، تغییر مداوم نرخ سود بانکی و... روبرو می شوند، به سوی رفتارهای غیر تولیدی (Non-Productive Profit Seeking) متمایل خواهند شد و به دنبال تامین منافع خود از مسیرهای رانتی می روند چرا که با چنین عدم قطعیت های بزرگی که در شاخص های اقتصادی حدود چند دهه است ادامه دارد، نمی توان یا حداقل خیلی دشوار است از مسیر تولید، سودی کسب کرد. در چنین شرایطی، تقاضا و فشار بنگاه ها برای فعالیتهای انحصاری افزایش می یابد فشار برای کسب مجوزهای خاص گسترش می یابد، استخدام وابستگان مدیران دولتی باب می شود خرید به اصطلاح مشاوره مدیران ذینفوذ آغاز می شود چرا که در این عدم قطعیت ها، نهایتاً منافع نصیب بخش هایی می شود که از اطلاعات خاص و شبکه های اثرگذاری برخوردار هستند. در حالی که در نهایت این سطح معیشت خانوار است که با بحران روبرو خواهد شد. نه فقط بنده، بلکه گمان می کنم بخش عمده ای از

کسانی که وضعیت اقتصاد را در این سال ها هم از منظر دولت و هم از منظر بخش خصوصی و هم از منظر دانشگاهی بررسی کرده اند با این نظر موافق باشند که در حال حاضر بنگاه های تولیدی، دولت ها و سایر نهادهای حکمرانی کشور بر سر نوعی تعادل غیر بهینه اجتماعی اما با ثبات برای این گروه ها، به صورت نانوشته و دوفاکتو به یک توافق و تعادل غیر قابل عبور رسیده اند. به اصطلاح کشتی گیرها فعلاً کلینچ رخ داده و باید یکبار از هم جدا شوند اطراف را ارزیابی کنند تا دوباره در میدان اقتصاد پروتکل ارتباط و انتظارات یکدیگر را بدرستی تبیین کنند

● به نظر شما ما در کشور استراتژی توسعه صنعتی داریم؟

با اینکه این عبارت بطور مشخص از دهه ۸۰ شمسی وارد ادبیات ما شد و طرح جامع و نوگرایی نیز برای آن تدوین شد که شاید نسبت به زمان خود بیش از حد پیشگام بود و لذا اقبال لازم را از سوی سیاستگذاران پیدا نکرد اما به عقیده بنده اثر خود را بر جای گذاشت. البته کشور ما حتی پیش از انقلاب و بعد از انقلاب برای توسعه کشور برنامه داشته است اما با توجه به اینکه این برنامه ها معمولاً با کمبود دقت و عمق کافی کارشناسی، ناسازگاری درونی، عدم منطق اقتصادی و همچنین مشکل در اجرا مواجه بوده اند به نتایج مختلفی منجر شده اند، البته این روزها عموماً بر این باورند که ما هیچگاه استراتژی توسعه صنعتی نداشته ایم.

● نقش تحریم ها در روند صنعتی شدن ایران چه بوده است؟

با وجود اینکه قطعاً تحریم ها در قطع ارتباطات کشور با مراکز تجاری و مالی بین المللی و همچنین بر عدم امکان استفاده از فرصت های تکنولوژیک، سرمایه ای و مهارت های خارجی تاثیر گذار است اما به عقیده بنده، آنچه طی سال های اخیر موجب ایجاد گرفتاری برای صنایع بطور اخص و اقتصاد به طور اعم شده است، لزوماً برآمده از مسائل بیرونی و تحمیل تحریم ها به کشور نبوده بلکه بخش های مهمی از مشکلات داخلی نشأت گرفته است. تاجایی که به عنوان مثال در دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی که کشورهای در حال توسعه در حال بهره گیری از روند جهانی شدن و طی کردن سریع مسیر ترقی بودند و ما هم تحریم نشده بودیم، اما کماکان درگیر مسائل خودمان بودیم و مثلاً بحث ما این شد که آیا توسعه سیاسی مقدم است یا توسعه اقتصادی، یا آنکه سیاست تعدیل از کجا آمد، نقشه کدام نهاد بود و غیره. ما حواسمان به تحولات سریع جهانی نبود.

بنابراین اگر ما امروزه نمی توانیم ادعای صنعتی بودن کنیم، به این دلیل است که همواره در خودمان غور کرده ایم و اصولاً درونگرا بودیم. همانطور که پیش از این هم گفتم، مواردی از جمله نرخ تورم، نرخ ارز و... که در اقتصاد کلان مطرح می شود، فارغ از اینکه ما تحریم هستیم یا نیستیم، می تواند کشوری را به سمت صنعتی شدن یا توسعه اقتصادی پیش ببرد و

نباید فراموش کنیم تدبیر این متغیرها در دوره زمانی طولانی در دست خودمان بوده است. البته جنگ تحمیلی و سپس شرایط منطقه ای نیز مسیرهای ما را برای پیوند جهانی سخت تر کرد اما باید اذعان داشت که کشور ما پیش از تحریم ها هم، آن طور که باید و شاید از امکانات بین المللی استفاده نمی کرد و شاکله فکر اقتصادی آن در مصادیقی همچون خود کفایی، جایگزینی واردات و صادرات نفت محدود بود که در نهایت باعث شد کشور ما وارد مسیر یک اقتصاد درونزا و برون گرا نشود تا جایی که این دو محور نوین، امروز در سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی مصادیق روشنی برای اجرا یافته است. بنابراین باید قبول کنیم که ما با شبهه تحریمی در داخل کشور روبرو بودیم. البته تحریم ها را برای حل مشکلات داخلی با استفاده از راه حل های تجربه شده بین المللی مسدود کرد و همچنین تعاملات تجاری و فنی کشور را به کشورهایی مثل چین و هند و روسیه و مشابه آنها محدود کرد. اما باید به یک اثر مهم تحریم اشاره کنم که خیلی زیر جلدی بود و واقعاً اثر مخربی داشت. رابطه جهانی الزاماتی دارد، قواعد و رسومی دارد، مثل مهمانی رفتن است باید نظیف بود، مودب بود، به موقع رفت و برگشت. تحریم این نقطه اتصال اصلاح کننده را کور کرد چرا که اقتصاد کشور ما می توانست از خط کشو استاندارد ارتباطات بین المللی و امکانات جهانی در گام اول انتظام بگیرد در گام بعدی بدقت بهره مند شود. ما ناچار می شدیم به تدریج سطح کیفی خودمان را در رقابت ارتقا بدهیم. این قطع شده است.

● آیا با وجود تحریم ها ورود ماشین آلات و تجهیزات مدرن به کشور محدود نشد؟

به عقیده بنده، تحریم ها در ورود ماشین آلات به کشور تاثیر خیلی تعیین کننده ای نداشته است بطوری که ماشین آلات و تجهیزات سرمایه ای و کالاهای واسطه ای برای بخش صنعت وارد کشور شد از چین و هند و روسیه و کشورهای ثالث وارد شد، اما ما از رابطه مستقیم و تعاملات رودرو، قوانین جدید، قواعد جدید، شیوه مدیریت جدید، دنیای قرن بیست و یکم و تراز شهروند بین المللی کمی بازمانده ایم. لازم نبود و نیست همه انواع چرخ های ابداع شده توسط بشر را دوباره بسازیم برخی را شاید لازم است تمرین کنیم برخی را هم دنیا تازه شروع کرده مانند فناوری های نوین مثل نانو تکنولوژی، اما حقیقت امر این هست که باید از انباشت تجربه بشری در اقصی نقاط جهان بهره برد.

● تحریم های جدید به خصوص تحریم های آسان ماه چه تاثیری بر وضعیت اقتصادی و صنعتی کشور خواهد داشت؟

بنده بر این باور هستم که رفع تحریم ها اصلاً فرصت بروز کامل پیدا نکرد. به این معنا که فرصت برجام بسیار کوتاه بود و البته ما هم آماده نبودیم. ما به لحاظ اقتصادی خیلی نمی دانستیم توقع مان از بازار جهانی چیست، چقدر ظرفیت و امکانات

نصرالله محمدحسین فلاح عضو هیات مدیره
انجمن مدیران صنایع و کنفدراسیون صنعت ایران

نگران آشفته‌تر شدن وضعیت هستیم

● آثار تحریم‌ها بر روند صنعتی ایران چگونه بوده است؟

واقعیت این است که آثار سنگین تحریم‌ها هنوز در صنعت آشکار نشده است به‌طوری که صاحبان صنایع با اتخاذ برخی راه کارها، مسائل و مشکلات خود را حل و فصل می‌کنند. بنابراین با وجود اینکه آثار تحریم بر صنعت و اقتصاد کشور ما سنگین خواهد بود اما صنعتگران از تحریم‌ها چندان زیاد رنج نمی‌برند بلکه آنچه در حال حاضر موجب اختلال در روند صنعتی شدن ایران شده، خود تحریمی است که به‌طور حتم به اثرگذاری تحریم‌های خارجی کمک می‌کند.

● منظور شما از نقش «خود تحریمی» در صنعت چیست؟

منظور از «خود تحریمی» این است که دونالد ترامپ در آمریکا دستور تحریم علیه ایران را صادر می‌کند اما پیش از اینکه او برای ایجاد تنش در اقتصاد و صنعت ایران وارد عمل شود، دولتمردان با سیاستگذاری‌های نادرست موجب اجرایی شدن خواسته آمریکایی‌ها و اختلال در صنعت می‌شوند. همانطور که طی ماه‌های اخیر با نمونه‌ای از این سیاستگذاری‌ها در بازار ارز مواجه شدیم و در نهایت شاهد این بودیم که علاوه بر کمبود و افزایش قیمت بی‌رویه بسیاری از کالاها و مواد اولیه، به حق تصرف مالکانه مردم و صاحبان صنایع بی‌اعتنایی شد. همچنین به دنبال سیاست‌های اخیر ارزی دولت، نوعی آشفتنی در تدارک اقلامی همچون اقلام مکمل صنعتی به وجود آمد تا جایی که به عنوان مثال گرافیت به عنوان ماده مورد نیاز ریخته‌گرها با افزایش ده برابری قیمت روبرو شد.

از سوی دیگر بلافاصله پس از بحران‌های ارزی، با رفتارهای سختگیرانه گمرک و وزارتخانه‌ها روبرو شدیم که جریان فعالیت برای صنعتگران و تجار را دچار اختلال کرد. این در حالی است که این چالش‌ها نتیجه سیاست‌های نسنجیده دولت است که ارتباطی به تحریم ندارد. البته ما قبول داریم که پمپئو وزیر خارجه آمریکا متخصص جنگ روانی است و تیم ضد ایرانی او در منطقه خاورمیانه و آمریکا خوراکی بهتر از افزایش نرخ ارز ندارند. اما این انتظار از دولت وجود دارد که با اذعان بر چنین واقعیتی، سیاست‌های جدیدی را در پیش بگیرد و با پرهیز از تکرار حرف‌های قبلی، از گسستگی بافت فکری و اجتماعی مردم جلوگیری کند. با این حال شاهد این هستیم که دولتمردان در شرایط بحران اقتصادی با مردم صحبت نمی‌کنند و بر این عقیده هستند که به تمام راه‌حل‌های ممکن برای مقابله با تحریم‌ها اندیشیده شده

داریم و چقدر حاضریم آنها را به مشارکت بگذاریم، لذا عدم تجهیز خودمان هم مزید بر علت شد. خاطرتون هست با اینکه هیات خارجی پرشماری در کشور ما حاضر شدند، اما نه تنها دولت بلکه بخش خصوصی هم برنامه و پیشنهاد مدون و روشنی در دست نداشت که در اختیار این هیات‌ها بگذارد. از این رو با توجه به اینکه کشور ما برای بهره بردن از برجام تجهیز نبود، در حال حاضر نیز با آغاز دور جدید تحریم‌ها به همان شرایط قبلی از نظر تعاملات بین‌المللی باز خواهیم گشت.

اما موضوع نگران‌کننده در این زمینه این است که مسائل و مشکلات داخلی اقتصاد کلان که تاکنون با آن دست به گریبان بودیم و به نحوی با نفت رفع و رجوع می‌شد وارد آستانه‌های وخیم‌تری شده است، به عنوان مثال مشکلات بانکی تشدید شده و تورم مستعد حرکت به ارقام بالاتر است. همچنین با تحریم‌های نفتی و کاهش درآمدهای ارزی و البته موانع تعاملات بانکی و تجاری، علاوه بر مشکلاتی که برای رشد صنعت و توسعه صنعتی به وجود خواهد آمد، کل فعالیت‌های اقتصادی نیز تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

● راهکار شما برای مقابله با مشکلات داخلی و همچنین تحریم‌های خارجی چیست؟

در حال حاضر ما در یک تعادل عمومی بسیار نامناسب هستیم و حرکت از این وضعیت به سمت تعادل مناسب‌تر، امری بسیار مشکل است. همان‌طور که اشاره شد، در حال حاضر اقتصاد کشور در شرایط عدم قطعیت نسبی به سر می‌برد و به نظر می‌رسد که هیچکدام از کان سیاستگذاری مایل به پذیرفتن ریسک خروج از این تعادل نامناسب نیستند. وقتی صحبت از تعادل بد می‌کنیم باید یک مثال نیز مطرح کنیم، ببینید تقریباً اکثر متخصصین اقتصادی جدا از اینکه تحریم‌ها بازمی‌گشت یا خیر بر این نظر بودند که نرخ ارز، یک نرخ مصنوعی و سرکوب شده است و نیازمند یک شیب اصلاحی براساس انباشت تفاوت نرخ تورم ریال است. خوب در این شرایط طبعاً مجموعه سیاستگذاری با نگاه سیاسی به منافع کوتاه‌مدت عامه رای دهندگان و ساده‌سازی مساله از افزایش نرخ ارز جلوگیری می‌نمود اما جالب اینکه بنگاه‌ها و بازرگانان و فعالان اقتصادی نیز کماکان مدافع نرخ ارز ثابت و سرکوب شده بودند. چرا که شاکله صنعت و اقتصاد کشور بر واردات کالاهای سرمایه‌ای واسطه‌ای برای تولیدکنندگان انحصاری و واردات کالاهای مصرفی از طرف بازرگانان بنا شده است و هر دو گروه حاضر به پیچیدگی‌های مواجهه با ریسک نرخ ارز نبودند یا آگاهی لازم را نداشتند. لذا با اینکه منطلقاً فعالان اقتصادی و بخش خصوصی که با ارز سروکار داشتند می‌بایست برای تشکیل بازار آتی ارز و ابزار پوشش ریسک جهش ارز از دولت و مجلس مطالبه می‌کردند اما کماکان به انتظار افزایش قیمت ماندند و به ظاهر ریسک آن را پذیرفتند چرا که تجربه تمام سالیان گذشته به آنها نشان می‌داد که جهش ارزی ممکن است بخشی را دچار مشکلات نماید اما صاحبان انواع دارایی‌ها عملاً از طریق افزایش ارزش دارایی خود منتفع می‌شوند و از سوی دیگر اکثر تعهدات ارزی نیز عملاً با انواع بخشودگی‌ها و یارانه‌های پنهان و پیدا مستهلک خواهد شد. خوب این طور چرخه‌های معیوب که زیاد هم داریم چندان ارتباطی به تحریم‌ها ندارد.

با این حال هنوز هم فرصت ارایه راه‌حلی برای خروج از این شرایط وجود دارد اما باید بپذیریم که برای اصلاح وضعیت اقتصادی کشور به‌طور حتم برخی از منتفعان تعادل فعلی دچار خسران خواهند شد. نکته آن است که حرکت از تعادل فعلی به سمت تعادل آتی یا بعدی، دینامیزم ناشناخته‌ای دارد که مشخص هم نیست چقدر قابل مدیریت است. راه‌حل چیست؟ به نظرم سپردن مسوولیت‌ها به کاردان‌های قدرتمند، با اراده، پرانرژی و آماده برای نوآوری و به‌کارگیری ابزارها و روش‌های جدید و سایه حمایت بر سر آنها. از بد حادثه در لایه‌های مختلف مدیریت کشور در طول زمان لایه‌های تخصصی و تکنوکراتیک در اداره امور حذف یا فرسوده شده‌اند.

● به عنوان کلام آخر اگر صحبتی دارید بفرمایید.

خیر ممنونم، سپردن کارها به کاردان و پشتیبانی آنها و پذیرش ریسک، ثبات رای و عزم سیاسی سیاستگذاران می‌تواند ما را از تنگناهای موجود عبور دهد. ان‌شاءالله

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



است در حالی که در عمل چنین چیزی مشاهده نمی‌شود.

● نتیجه سیاست‌های اخیر ارزی دولت بر صنعت چه بوده است؟

سیاست‌های دولت طی چند ماه اخیر بسیار آزاردهنده بود و در نهایت نشان داد که دولتمردان برای مقابله با بحران‌ها برنامه‌ای ندارند. از طرفی با توجه به اینکه طی سال‌های اخیر به ویژه سال‌های بعد از انقلاب برای کاهش وابستگی به ارز وارداتی اقدامی نشد، ناگزیر آثار نوسانات ارزی بر صنعت کشور ما سنگین بوده است. در حال حاضر نیز اگرچه صنعت آنطور که باید و شاید آثار افزایش قیمت دلار را به خود جذب نکرده اما به مرور آثار سیاست‌های نسنجیده ارزی در این حوزه آشکار خواهد شد که در نهایت منجر به افزایش نرخ تورم خواهد شد. البته واقعیت این است که صنعت در شرایط بحرانی و متلاطم رفتارهای گوناگونی را از خود نشان می‌دهد بطوری که ممکن است چند صنعت از چنین شرایطی منتفع شوند اما بطور کلی در حال حاضر وضعیت صنعت نه تنها جذاب نیست بلکه دردآور است.

● پس به عقیده شما در جریان نابسامانی‌های اقتصادی، عده‌ای منتفع می‌شوند؟

بله. یکی از نگرانی‌های صنعت این است که با ایجاد فضای آشفته در اقتصاد، بلافاصله شبکه‌های فاسد برای سودجویی و ماهی‌گیری از آب گل‌آلود وارد عمل می‌شوند که در نهایت دود آن به چشم صنعتگران و مردم خواهد رفت. در حال حاضر نیز با توجه به اینکه با وضعیت نابسامان و بحرانی در صنعت و اقتصاد

روبرو هستیم، زمینه برای ایفای نقش بازیگران فاسد مهیا است. همانطور که طی ماه‌های اخیر نیز با واگذاری مبهم ارز دولتی به برخی گروه‌ها و همچنین جابه‌جایی ردیف‌های کالایی روبرو بودیم. از این رو ضرورت دارد که دولت چشم و گوش خود را باز کند و بطور جدی برای شفاف‌سازی وارد عمل شود.

● برخی بر این عقیده هستند که دولت برای جبران کسری بودجه با افزایش قیمت دلار همراهی کرد. نظر شما در این خصوص چیست؟

واقعیت این است که به دنبال نوسانات نرخ ارز، دولت ارز مختص کالاهای اساسی و حتی ارز نیمایی را با قیمت‌های بالاتری عرضه کرد که بطور حتم منجر به افزایش درآمد دولت هم شده است. اما نکته قابل تامل در این میان این است که درآمد حاصل شده از این تغییرات قرار است که چه تاثیری بر صنعت داشته باشد و چگونه منجر به کاهش بدهی‌های دولت خواهد شد. بنابراین سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا از این پس بدهی دولت به بخش خصوصی به شیوه‌های صحیح پرداخت خواهد شد یا اینکه قرار است با تزریق منابع مالی به سیستم بانکی، تسهیلات ارایه شده به تولیدکنندگان افزایش پیدا کند؟

● راهکار شما برای حل بحران‌های فعلی و مقابله با تحریم‌های جدید چیست؟

در درجه اول باید از تصمیم‌گیری‌های شتابزده و کنترل‌دستوری در اقتصاد پرهیز شود. همچنین لازم است که از سیاست‌های فرسوده قدیمی که کارآمد

نیست دست‌برداریم و اجازه دهیم که اقتصاد آزاد در ایران شکل بگیرد. باور داشتن حقوق مالکانه برای مردم، پرهیز از خودتحریمی و ایجاد شفاف‌سازی در اقتصاد نیز از دیگر راه کارهای مقابله با بحران‌های فعلی است. همچنین لازم است مسئولان پاسخگوی عملکردهای منفی خود در سمت‌های گوناگون باشند و وضعیت به این شکل نباشد که استعفا و واگذار کردن امور به شخصی دیگر، مترادف حیثیت کشی برای آنها تلقی شود. این در حالی است که برخی مسئولان بعد از تخریب‌های فراوان اقتصادی، تنها به عذرخواهی بسنده می‌کنند. از طرفی ضرورت دارد که برای مقابله با تحریم‌ها، ادعاهای آمریکا را جدی بگیریم و با بازنگری در سیستم‌های فعلی، برای رویارویی با تغییرات جدید آماده شویم.

● به عنوان کلام آخر اگر صحبتی دارید، بفرمایید.

به عقیده بنده تبلیغات نادرستی که در رسانه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد، خطرناک است و باید برای مقابله با آنها اقدامات لازم صورت گیرد. همان‌طور که چندی پیش شاهد این بودیم که سران ۳ قوه برای اندک زمانی هم که شده، دست از اختلافات برداشتند و در نهایت منجر به ورود موجی از آرامش در بازار شدند. بنابراین تقاضای بنده از رهبری کشور این است که در شرایط بحرانی فعلی که قرار است دشمن خارجی منجر به گسستگی بافت اجتماعی مردم شود، دولتمردان را به همدلی، همکاری و اتحاد دعوت کند تا دیگر شاهد شکل‌گیری بحران‌های اینچنینی در فضای اقتصادی کشور نباشیم.



در انتظار بحران شکاف قدرت خرید مصرف کننده

| سیده فاطمه مقیمی | رئیس کانون زنان بازرگان ایران |

به مصرف کننده می‌رساند و دلیل آن هم مشخص است، وقتی کیفیت قابل رقابت با دنیا نباشد، دولت‌ها مجبور می‌شوند به اسم حمایت از تولیدات داخلی، بر سر راه ورود کالاهای مشابه خارجی مانع گذاری کنند، این مانع گذاری‌ها رفته رفته به یک عادت برای دولت و به یک اعتیاد به تولید بی کیفیت و فروش به قیمت بالا برای آن صنف یا صنعت ایجاد می‌کند و این اعتیاد باعث می‌شود به جای بالا بردن کیفیت، روز به روز شاهد روش‌های سازمان یافته‌تر، ناب‌تر و بدیع تری از تقلب یا تمسخر مصرف کننده را شاهد باشیم.

تا اینجای موضوع را همه ما می‌دانیم و به آن گاه خندیده‌ایم و گاه تمسخر کرده‌ایم، اما کسی نمی‌داند اگر این اعتیاد روی خشن خود را نشان بدهد، تا کجا بتوانیم بخندیم. برای روشن تر شدن موضوع، یک صنف خاص را در نظر می‌گیریم، به عنوان مثال صنعت خودروسازی در کشورمان را در نظر

بزرگ باشد، بر اساس اولویت بندی خود به دنبال «خرید در نقطه بهینه» است؛ یعنی تهیه آنچه می‌خواهد با بالاترین کیفیت ممکن، در کوتاه ترین مسیر ممکن، در پایین ترین قیمت ممکن، با کمترین اتلاف وقت، با کمترین سیر مراحل اداری، با آسان ترین مسیر نقل و انتقال پول و...

در نقطه‌ای از جهان که بهینه سازی و بهینه یابی مطرح نباشد، صنایع به ناکجا آبادی می‌رود که در آن کیفیت مطرح نیست، منافع مصرف کننده مطرح نیست، قیمت پایین تر مطرح نیست، تنها به اصطلاح «قطع وابستگی به خارج» مطرح است. تجربه جهانی نشان داده حتی اگر بالاترین تعداد و اندوخته ذخایر و معادن در کشوری باشد، تا زمانی که تکنولوژی و در کنار آن بنیان اقتصادی رشد نکرده باشد، کالای با کیفیت تولید نخواهد شد. اتفاقاً در همین ناکجا آباد تشکیلات مافیایی تشکیل می‌شود که همین کالاهای نامرغوب و گران را گران تر

در دنیای امروز تولید و تجارت، بعضی واژه‌ها ارزش خود را از دست داده‌اند، واژه‌هایی مانند «خودکفایی» یا «تولید صد درصد داخلی» از این جمله واژه‌ها هستند. شاید هنوز در برخی کالاها مانند گندم رسیدن به نقطه خودکفایی از منظر یک کشور همیشه در حال جنگ و تخاصم ارزشمند باشد، اما کشورهایی که ارزش بیشتر را برایشان «حفظ محیط زیست» یا «ارزش افزوده ملی بر پایه استعدادهای منطقه‌ای و بومی» یا «منافع مصرف کننده، در قیمت یا در کیفیت» داشته باشد، خودکفایی در گندم ارزش محسوب نمی‌شود.

به طور قطع و بدیهی می‌توان گفت، هر کالایی که در کره زمین وجود دارد، در یک نقطه با «بالاترین کیفیت» و در یک نقطه نه الزاماً منطق، با «کمترین فاصله» و در یک نقطه ایضاً نه الزاماً منطق با «پایین ترین قیمت» عرضه می‌شود؛ بر این اساس در هر لحظه از بین ده‌ها فاکتور، مصرف کننده یا تبدیل کننده، که می‌تواند حتی یک کارخانه

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



بگیریم. صنعت خودروسازی در ایران هر چند دیرپاتر از بسیاری از کشورهاست، اما به هیچ عنوان توان رقابتی ندارد. ایران با بیش از پنجاه سال سابقه ورود به عرصه خودروسازی به هیچ روی قابل مقایسه با حتی چین که حداکثر ده سال سابقه ورود به این صنف را دارد نیست. صنایع خودروسازی ما، تولیدکننده نیست، در واقع فقط مونتاژکننده است، قطعه‌سازها دیگر قطعه‌ساز نیستند، قطعه‌واردکن هستند و... البته شاید در تولید پیکان یا پراید بعد از چهل سال تولید، توانسته باشیم، در دوره‌ای، به تولید صد درصد داخلی برسیم، اما باید از خود پرسید «چه داده‌ایم، چه گرفته‌ایم؟»

دولت در چند دهه اخیر، برای حمایت از کارخانجات داخلی تعرفه سنگین وارداتی و شرایط دست‌وپاگیر وضع کرده بود، در اواخر سال ۹۵ به کلی وارد کردن خودرو توسط بازرگانان را ممنوع کرد و در اختیار نمایندگی‌های مجاز گذاشت و در بخشنامه

بعدی تنها نمایندگی‌هایی را مجاز دانست که خود دستی بر آتش تولید نیز داشته باشند؛ یعنی نه تنها تولید غیرقابل رقابت در اختیار خودروسازهای داخلی قرار گرفت بلکه تنها رقیب ممکن آنکه واردات خودرو بود نیز هم در اختیار همان‌ها قرار گرفت، چطور می‌توان انتظار داشت در چنین بستر آماده‌ای مافیا تشکیل نشود؟ واردکنندگان فعلی از فضای غیررقابتی حداکثر استفاده را می‌کنند و حتی پس از پرداخت تعرفه سنگین دولتی، خودروی خارجی را با بیش از گاه ۱۰۰ درصد سود خالص، به بازار آزاد می‌فروشند.

«نیت نویسنده این یادداشت متهم کردن خودروسازهای داخلی نیست، تنها برای مشخص شدن مفهوم به عنوان مثال از خودروسازها نام برده شد.»

مشکل دقیقاً از نقطه‌ای پیش می‌آید که خودروسازها به سودهای با درصد بالا عادت کنند، در این شرایط هر روز به دنبال اخذ سود بیشتر از سرمایه‌گذاری کمتر می‌روند و محدودیت‌های قانونی هم راه برایشان امن و کم‌ریسک‌تر می‌کند؛ اما مشکل کجاست، مشکل «شکاف ایجاد شده بین قیمت محصول و قدرت خرید مصرف‌کننده» است؛ این شکاف روزبه‌روز در حال عمیق‌تر شدن است، بازار خودرو در حال دو پاره شدن است، یک پاره خودروهای با کیفیت اما بسیار گران وارداتی است در کنار خودروهای گران بی کیفیت اما نوی تولید شده در داخل و یک پاره خودروهای فرسوده است که از منظر قیمت باز هم گران است! اما با قدرت خرید مصرف‌کننده نزدیک‌تر است و جالب اینکه هزینه‌های مربوط به قطعات و تعمیرات خودرو، در هر دو پاره بازار روزبه‌روز در حال افزایش است و خود به معضلی علی‌معاهده بدل گردیده است.

دردناک است بشنویم، در یک تصادف خودروی وارداتی خسارت وارد شده به خودرو بالاتر از دیه همه اعضای خانواده‌ای شده که در آن جان باختند!

این شکاف قیمت، در کنار نیاز بازار، سلیقه بازار را عوض خواهد کرد و در آینده نزدیک تولیدکننده داخلی را با بحران فروش روبرو خواهد نمود. بازار خودرو هر روز ملتهب‌تر خواهد شد، شکاف کیفیتی بین خودروساز داخلی و خارجی هر روز بالاتر خواهد رفت، کار به نقطه‌ای خواهد رسید که مردم مجبور شوند خودروی ارزان اما بی کیفیت چینی را به صورت گذرموقت در داخل کشور سوار شوند اما از خودروساز داخلی خرید نکنند و این مساله برای تولیدکننده‌هایی که ادعای

تولید یک میلیون خودرو در سال را داشتند فاجعه‌بار است.

با توجه به این موارد و با در نظر گرفتن نوسانات ارزی اخیر، پیش‌بینی می‌شود خودروسازها حداکثر در دو سال آینده با بحران فروش مواجه شوند و این بحران فروش به دلیل نبود قدرت خرید در مردم است نه کمپین‌های مردمی؛ از آنجا که خودروساز داخلی به سود نامتعارف و کیفیت بسیار پایین عادت کرده، بازاری برای صادرات نخواهد داشت و این بن‌بست خودروساز داخلی را به ورشکستگی خواهد رساند.

تنها راهکار پیشگیری از این بحران، کاهش تعرفه‌های گمرکی در کنار حذف انحصارهای وارداتی است، اگر هر بازرگان حقیقی یا حقوقی معتبر، بتواند اقدام به ثبت سفارش و واردات خودرو کند، حتی در همان چارچوب قبل از سال ۹۵، رقابت به بازار خودرو بازمی‌گردد. در شرایط ایده‌آل حتی اگر هر شخص حقیقی و حقوقی داخلی بتواند با کارت ملی خود اقدام به خرید و واردات خودرو کند شرایط بهتر خواهد شد. امیدوارم مسوولان زنگ خطر نبود رقابت در بازار خودرو را تا دیر نشده بشنوند.

مطرح شدن موضوع خودروسازی داخلی در این یادداشت هرچند خود، انتقاد به وضع بازار خودرو نیز هست، اما به عنوان مثالی برای هشدار دادن شکاف قدرت خرید مصرف‌کننده و بهای عرضه نهایی کالا ذکر شده بود. این مثال به موارد بسیار قابل تعمیم است؛ مواردی که گاه کیفیت زندگی را هدف می‌گیرند و گاه سلامت شهروندان را به خطر می‌اندازند، در برخی موارد هم سلامت فکری و اجتماعی را در معرض تهدید قرار می‌دهند.

بالا رفتن نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در کنار عدم افزایش حقوق و دست‌مزد در کنار افزایش سرسام‌آور نرخ ارز در کشوری که به اسم حرکت به سمت خودکفایی، تنها بستر را برای رشد شبکه‌های مافیایی قدرتمندتر فراهم کرده این شکاف را به صورت وحشت‌آوری تعمیق می‌کند؛ تحریم نیز مزید بر علت می‌شود تا همان موارد اولیه و قطعات که کارخانه‌های مونتاژکار بر آن استوارند با قیمت چند برابری وارد شود و هر کدام از این چند برابر شدن‌ها به چند برابر شدن قیمت محصول نهایی منجر می‌شود.

از دیگر موارد می‌توان به «حذف خدمات دندان‌پزشکی از سبد زندگی خانوار»، «حذف گوشت قرمز و سفید از سبد خرید خانوارهای کم‌درآمد»، «حذف ازدواج از برنامه زندگی جوانان»، «حذف آموزش از زندگی بسیاری از کودکان» و موارد بسیار دیگر اشاره کرد.

چوب تحریم کدام صنایع را می زند؟



افسانه شفیعی

عضو موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی



پس از ماه ها تنش و التهاب در عرصه سیاست جهانی برای بازداشتن آمریکا از اعمال یک جانبه تحریم ها علیه ایران، اولین دور تحریم های این کشور بر بخش وسیعی از محصولات و مبادلات تجاری ایران در بازار های جهانی برقرار شد و از آبان ماه نیز شاهد اعمال بخش جدیدی از تحریم ها از سوی ایالات متحده خواهیم بود. از این رو بد نیست که در شرایط کنونی با تحلیل پیامدهای اعمال تحریم برای صنایع مختلف، به راهکارهای مقابله با این پدیده آشنا اشارهای داشته باشیم. واقعیت این است که صنایع مختلف کشور به تناسب درجه وابستگی و ماهیت صادراتی آثار متفاوتی از تحریم را به خود جذب می کنند. همچنین طبق بررسی های انجام شده، درجه حساسیت و عکس العمل صنایع کشور در قبال نوسانات نرخ ارز به عنوان پل ارتباطی کشور ما با بازار های جهانی، متفاوت است. بر این اساس صنایع کشور به ۳ گروه صنایع منبع محور، صنایع کشاورزی پایه و صنایع ساخت محور تقسیم بندی می شوند که طبق این دسته بندی، هر یک از این گروه ها عکس العمل متفاوتی در قبال تحریم ها از خود نشان خواهند داد. به عنوان مثال نگاهی به وضعیت گروه اول نشان می دهد که صناعی از جمله صنایع سیمان، صنایع پالایشگاهی و... در کوتاه مدت از تحریم ها آسیب نخواهند دید چرا که این صنایع وابستگی زیادی به واردات ندارند و در واقع با فعالیت های درون زا بخش عمده ای از تولید صنعتی کشور را نیز به خود اختصاص می دهند اگر چه در بخش تجهیزات به واردات متکی هستند اما تجهیز ساختار این صنایع در بلندمدت انجام می شود. بنابراین از تحریم ها تاثیر چندانی نخواهند گرفت.

اما با توجه به اینکه طی سال های اخیر اتکای صادراتی کشور ما به صنایع معدنی و هیدروکربوری که در گروه صنایع منبع محور دسته بندی می شوند، افزایش یافته است، نمی توان از پیامد تحریم ها در این بخش صرف نظر کرد. در حال حاضر بالغ بر ۹۰ درصد صادرات کشور به چند صنعت مشخص از جمله صنایع شیمیایی، پالایشگاهی و فلزات اساسی نظیر فولاد وابسته است که به طور حتم با اعمال تحریم ها، بازار های جهانی مثل سال های گذشته در اختیار ما نخواهد بود. از طرفی الزامات تنظیم بازاری که صنایع را مکلف می کند تا در ابتدا بازار داخل را تامین کرده و سپس صادرات انجام دهند نیز به این چالش اضافه خواهد شد. همچنین سیاست های ارزی نیز فضای فعالیت برای این صنایع را محدود خواهد کرد همانطور که در حال حاضر نیز شاهد این هستیم که بسیاری از صنایع نسبت به پیمان سپاری

قدرت زنجیره صنایع پایین دستی در گروه صنایع منبع محور افزایش پیدا کند تا کالاهای نهایی این بخش در اختیار صنایع ساخت محور قرار بگیرد. همچنین یکی از روش هایی که می تواند به صنایع کوچک و متوسط کمک کند این است که از طریق شرکت های مدیریت صادراتی (یا شرکت های بازرگانی تخصصی و عمومی صادراتی) که در سطح خود سازمان توسعه تجارت ایجاد می شود، به مناطقی که تاکنون با آنها در ارتباط بودیم، متصل شویم. به این ترتیب میزان تقاضا برای صادرات افزایش می یابد و بنگاه های تولیدی و صادراتی در مقیاس بزرگ تری فعالیت خواهند کرد. از سوی دیگر دولت باید در جریان قراردادهای بزرگی که با کشورهای خارجی انجام می دهد، شرایط مبادله ای ایجاد کند. به این معنا که در ازای خرید کالا یا خدمات از کشوری مثل ژیمنس، این کشور برای تامین و تکمیل پروژه های خود در کشورهایی مثل تاجیکستان از ظرفیت های داخلی ایران استفاده کند و کشور ما تامین کننده برخی از قطعات و کالاها باشد.

آخرین راهکار نیز به مرکز مبادلات پیمانکاری فرعی مربوط می شود که اگر چه زیربنای آن در سال ۸۲ ایجاد شده اما پیشرفت راضی کننده ای نداشته است. در حالی که این مراکز باید با هدف ایجاد ارتباط بین صنایع کوچک و متوسط با متقاضی داخلی و خارجی در سطح استان ها شکل بگیرند و با موقعیت یابی مناسب، از ریزش بنگاه های کوچک جلوگیری کنند. چرا که با آسیب دیدن صنایع کوچک و متوسط، از یک سو با کوچک شدن ساختار صنعتی و از سوی دیگر با کاهش سطح درآمد افراد شاغل در این بنگاه ها روبرو خواهیم شد. در نهایت نیز با کاهش قدرت خرید مردم، مقیاس تولید کوچک و سر بار هزینه ها بالا خواهد رفت که بازار را برای فعالیت تولیدی بنگاه های بزرگ نیز بدون صرفه، محدود و کوچک خواهد کرد. در حالی که با تمرکز بر راه کارهای ارابه شده، می توان علاوه بر صیانت از ساختار بازار، تا حدی با تهدیدات خارجی نیز مقابله کرد.

ارزی اعتراض دارند چرا که این موضوع قدرت رقابت را از این گروه سلب می کند. بنابراین در نهایت شاهد این هستیم که نوعی خودتحریمی در داخل کشور اتفاق می افتد که امکان فعالیت صنایع را محدود خواهد کرد. نکته قابل توجه در این میان این است که گروه دوم یعنی صنایع ساخت محور از جمله صنایع خودروسازی، لوازم خانگی، ماشین آلات الکترونیکی، ماشین آلات اداری و حساسگر و... بحرانی ترین شرایط را در زمان تحریم تجربه خواهند کرد. چرا که این صنایع عمدتاً ماهیت مونتاژی دارند و برای تامین تجهیزات، قطعات و مواد مورد نیاز خط تولید به خارج از کشور متکی هستند. بر این اساس تحریم ها منجر به افزایش قیمت چند برابری قطعات و مواد اولیه مورد نیاز آنها خواهد شد و در نهایت غیر فعال شدن بخشی از خطوط تولید کارخانه هایی مثل کارخانه های خودروسازی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین گروه صنایع ساخت محور نه تنها تا پیش از این چندان امید صادراتی نداشتند بلکه با شرایط پیش رو و کاهش قدرت رقابت، از پس تامین بازار داخل نیز بر نخواهند آمد.

از سوی دیگر صنایع کشاورزی پایه از جمله صنایع غذایی، نساجی، پوشاک، چرم و... به عنوان گروه سوم نیز تحت تاثیر آثار مخرب تحریم ها قرار خواهند گرفت که در نهایت باعث می شود با تشدید تحریم ها و کاهش سهم صنایع ساخت محور و صنایع کشاورزی پایه در بازار، سهم ۶۵ درصدی صنایع منبع محور بیش از پیش افزایش پیدا کند. از این رو طی روزهای پیش رو، با اقتصادی مواجه خواهیم شد که تنها به صورت اسمی، نام صنعت را به دوش می کشد و فرآوری و پردازش را جایگزین ساخت و تولید محصول نهایی خواهد کرد. بنابراین با توجه به افقی که پیش رو قرار می گیرد، اصطلاحاً با صنعت ابتر و فروت روبرو خواهیم شد. بر این اساس آنچه می تواند منجر به کاهش گپ میان صنایع منبع محور و ساخت محور و همچنین موجب جلوگیری از انحلال صنعت شود، این است که

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

امنیت می خواهیم

● در حال حاضر صنعت احداث و انرژی در چه وضعیتی قرار دارد؟

واقعیت این است که قبل از انقلاب، این صنعت حرفی برای گفتن نداشت و حتی در صنعت برق برای نصب پست کوچک ۲۰ کیلو ولتی سر کوبه‌ها نیز باید به فرانسوی‌ها متوسل می‌شدیم. اما طی سال‌های اخیر با خودباوری و اراده جدی بخش خصوصی و همین‌طور حمایت دولت برای بومی‌سازی در داخل کشور، شاهد انتقال تکنولوژی بودیم. در نهایت با توجه به اینکه این صنعت از سرمایه‌انسانی بسیاری خوبی در دانشگاه‌ها برخوردار است، به خوداتکایی دست پیدا کردیم. البته این موضوع به این معنا نیست که به خودکفایی هم دست پیدا کرده باشیم بلکه در حال حاضر مانند بسیاری از صنایع دیگر جهان، مواد اولیه بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی از خارج از کشور تامین می‌شود. همان‌طور که به عنوان مثال ای‌سی تلفن همراه ایل هم در آمریکا ساخته نمی‌شود اما این برند تلفن همراه به‌طور کلی به آمریکا تعلق دارد.

● این صنعت در حال حاضر با چه چالش‌هایی روبرو است؟

با وجود اینکه انرژی در صنایع بزرگی از جمله صنایع برق، فولاد، سیمان، پتروشیمی‌ها، پالایشگاه‌ها، صنایع ریلی و... نقش دارد اما قیمت تمام شده آن در قیمت‌گذاری‌ها لحاظ نمی‌شود. از این رو در حال حاضر این صنعت با چالشی به نام قیمت‌گذاری دستوری مواجه است که می‌تواند منجر به اختلال در کسب و کار حوزه احداث و انرژی شود. در حالی که صنعت انرژی به دلیل پتانسیل بالا و نقش پر رنگی که در صنایع دیگر ایفا می‌کند، می‌تواند در تولید ناخالص ملی و رشد و شکوفایی اقتصادی کشور نیز نقش قابل ملاحظه‌ای داشته باشد اما به شرط اینکه با سیستم قیمت‌های تعیین و تکلیفی با آن رفتار نشود و قیمت‌گذاری آن بر اساس قیمت تمام شده باشد. همچنین باید امکان به روز کردن و انتقال تکنولوژی به کشور وجود داشته باشد تا این صنعت آسیب نبیند. البته این به آن معنی نیست که دست‌اندر کاران صنایع ما در این حوزه کم اهمیت است بلکه بایستی ارتباطات و مراودات بین‌المللی همواره وجود داشته باشد. از سوی دیگر باید بپذیریم که صنعتگران و پیمانکاران کشور در حوزه احداث و انرژی سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را انجام داده‌اند و حالا نیاز به بازار دارند در حالی که بازار ۸۰ میلیونی ایران بازار بزرگی برای حوزه انرژی نیست. بطوری که شاید بتوان گفت سرمایه‌گذاری در این بخش برای برآورده کردن نیاز ۵۰۰ میلیون نفر صورت گرفته است. بنابراین تمرکز بر موضوع فتح بازارهای بین‌المللی و توسعه صادرات در این حوزه بسیار اهمیت دارد و می‌تواند در زنده

نگه داشته شدن این صنعت نقش اساسی داشته باشد. ● سیاست‌های ارزی دولت در صنعت احداث و

انرژی چه تبعاتی به دنبال داشته است؟ به‌طور قطع سیاست‌های اخیر ارزی دولت که منجر به ایجاد نوسانات شدیدی در این بازار شد، تبعات منفی را در این صنعت به دنبال داشته است بطوری که بیش از ۱۰۰۰ قرارداد در بخش توزیع و انتقال صنعت برق متوقف شده که ناشی از جهش نرخ دلار است. نکته قابل تامل اینکه با وجود تاثیر و اهمیت این قراردادها در مشکل خاموشی‌های سال آینده اما ادامه آنها میسر نیست. چرا که پیمانکاران با احتساب نرخ ۴۵۰۰ تومانی دلار و ریسک ۵ تا ۱۰ درصدی آن تامین تجهیزات این قرارداد را پذیرفته‌اند در حالی با دو تا سه برابر شدن ناگهانی نرخ دلار، نمی‌توان از پس عمل به تعهدات برآمد. همان‌طور که در حال حاضر هم با نوسانات نرخ ارز و افزایش نرخ فلزات، شرایط نامتعرفی برای پیمانکاران به وجود آمده و انجام پروژه‌ها با قیمت‌های سابق امکان‌پذیر نیست. از این رو شاهد این هستیم که بسیاری از پیمانکاران و سازنده‌ها ضرر ضبط شدن پیمان نامه‌ها را هم به جان می‌خورند چرا که نمی‌توانند تعهدات خود را انجام دهند. بنابراین این ضررها بسیار آزاردهنده است و ضرورت دارد که دولت به این بخش ورود کند و همانند عملکرد بسیاری از دولت‌های خارجی، حامی عبور بنگاه‌ها از این شرایط باشد. در غیر این صورت با



بحران‌های بزرگ‌تری روبرو خواهیم شد. ● تحریم‌ها تاکنون چه مشکلاتی را برای این صنعت به وجود آورده و از این پس چه وضعیتی در انتظار صنعت انرژی خواهد بود؟

تحریم‌ها طی سال‌های گذشته حرکت صنعتی ایران را تا حدی محدود کرده و هزینه خرید کالاهای مورد نیاز برای این صنعت را تا ۳۰ درصد افزایش داده است. همچنین با ایجاد مشکلاتی همچون عدم دستیابی به مواد اولیه، به برخی کارخانه‌های کشور آسیب بزرگی وارد کرده است. البته بنگاه‌های صنعتی هر طور که شده با دور زدن تحریم‌ها نسبت به تامین نیازهای خود اقدام کرده‌اند اما همان‌طور که گفته شد، هزینه تامین این نیازها بالاتر رفته است. این در حالی است که به‌طور حتم تحریم‌های آبان‌ماه نیز این هزینه‌ها را افزایش خواهد داد و از این پس تحریم‌ها و محدودیت‌های بانکی بیشتر خواهد شد در حالی که بدون ارتباطات بانکی نمی‌توان کاری انجام داد. از این رو باید پیش‌بینی‌های لازم برای عبور از تحریم‌های آبان‌ماه تدارک دیده شود تا بنگاه‌های ایرانی با کمترین حد محدودیت مواجه شوند.

● راهکار شما برای عبور صنعت از مشکلات

داخلی و همچنین مقابله با تحریم‌ها چیست؟ واقعیت این است که اقتصاد ایران با وابستگی به منابع نفتی اداره می‌شود که در حال حاضر نوسان نرخ ارز نیز بر آن سایه انداخته است. از این رو عبور از تحریم‌ها با ادامه چنین وضعیتی امکان‌پذیر نیست. بنابراین در درجه اول باید حرکت اقتصادی خود را با تکیه بر درآمدهای غیرنفتی پیش ببریم. همان‌طور که طبق برنامه ۱۴۰۴ نیز باید ۸۰ درصد درآمدهای نفتی کشور به درآمدهای غیرنفتی تبدیل شود. بر این اساس باید زیرساخت‌های لازم برای دستیابی به این هدف محقق شود و پیش نیازهای مقابله با این اقتصاد مریض را فراهم کنیم. همچنین باید در سایه امنیت اقتصادی، ارتباطات خود را با دنیا گسترش دهیم و به تقویت حوزه انرژی برای رسیدن به اقتصاد آزاد توجه داشته باشیم. این در حالی است که ایران به دلیل پتانسیل‌هایی همچون نیروی انسانی و انرژی ارزان به راحتی می‌تواند در حوزه احداث و انرژی حتی در دوران تحریم هم نقش قابل توجهی را از خود نشان دهد.

● به عنوان کلام آخر، اگر صحبتی دارید بفرمایید.

واقعیت این است که گذر از تحریم و راه یافتن به بازارهای جهانی بدون امنیت اقتصادی میسر نیست. از این رو خواسته ما فعالان اقتصادی از دولت‌مردان این است که برای تحقق این موضوع اقدامات اجرایی مناسب را انجام دهند تا با وضعیت مناسب در اشتغال، رشد ناخالص ملی، تورم و... روبرو شویم.

علیرضا حائری، دبیر سابق انجمن صنایع نساجی تاکید کرد:

ضربه مهلک تحریم‌ها به صنعت

شود که برخی کشورها ماشین آلات مورد نیاز صنایع را به ایران نفروشد چرا که نمی‌توان هزینه آن را از طریق سیستم بانکی پرداخت کرد. بنابراین با قطع رابطه ایران با سیستم‌های بانکی بین‌المللی، نمی‌توان از فاینانس و تامین مالی استفاده کرد که این موضوع در نهایت رشد، توسعه و تجهیز کارخانه‌های صنعتی را با مشکل مواجه خواهد کرد. در واقع تحریم‌ها به خصوص تحریم سیستم بانکی می‌تواند ضربات مهلکی به صنعت و اقتصاد کشور وارد کند که صنعت نساجی نیز جدا از این ماجرا نیست.

● چالش اصلی صنعت نساجی با توجه به

سیاست‌های ارزی اخیر دولت چیست؟

در حالی که یکی از افتخارات دولت اول روحانی، ثبات نرخ ارز در بازار بود اما در حال حاضر نوسان نرخ ارز، قدرت پیش بینی آینده را از مدیران و صنعتگران گرفته و آفت و چالش بزرگ این صنعت به حساب می‌آید که مانع فعالیت بسیاری از صنایع شده است. این در حالی است که اگر افزایش نرخ ارز حساب شده و مشخص باشد، واحدهای تولیدی با چنین مشکلاتی مواجه نخواهند شد.

● به نظر شما، چه راهکارهایی برای مقابله

با تحریم‌ها و رشد صنعت نساجی کشور وجود دارد؟

به عقیده بنده، راه نجات صنعت نساجی به خصوص در حوزه پوشاک، ایجاد واحدهای مشترک با برندهای مطرح جهانی است که می‌تواند علاوه بر آوردن تخصص، مواد اولیه و منابع مالی خارجی‌ها به کشور، منجر به حضور تولیدات مشترک در بازارهای جهانی شود و ارزآوری بسیار مناسبی را برای کشور به دنبال داشته باشد. یکی دیگر از پیشنهاداتی که می‌تواند در شرایط تحریم به ما کمک کند، عقد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد، تجارت ترجیحی یا ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای است که هر چه تعداد آنها بیشتر باشد، اثر تحریم‌ها بر تجارت کشور کمتر خواهد بود. نکته قابل تامل اینکه اگر تاکنون به سازمان تجارت جهانی ملحق شده بودیم، این امکان برای ما وجود داشت که در واکنش به تحریم‌های آمریکا به این سازمان شکایت کنیم. این در حالی است که بعد از چندین و چند سال همچنان از دستیابی به این هدف بازمانده‌ایم.

● به عنوان کلام آخر، اگر صحبتی دارید بفرمایید.

در حال حاضر نوسان نرخ ارز آفت تصمیم‌گیری مدیران است و با توجه به اینکه مسیر دولت نیز مسیر صحیحی نیست، نمی‌توان به آینده صنایع خوشبین بود. از این رو این انتظار از دولت وجود دارد که به توصیه‌ها و هشدارهای کارشناسان با جدیت بیشتری توجه کند.



● لطفاً در مورد وضعیت فعلی صنعت نساجی کشور توضیح دهید.

صنعت نساجی حدود ۴۰ رشته صنعتی از جمله پوشاک، فرش ماشینی، ریسندگی، تولید الیاف، پتوبافی و... را در زیرمجموعه خود دارد که برخی از این رشته‌های صنعتی همچون فرش ماشینی و تولید الیاف پلی استر از ماشین آلات به‌روز و ظرفیت بالایی برای تولید برخوردار هستند و به رشد و توسعه مناسبی هم دست پیدا کرده‌اند. این در حالی است که دولت چند رشته صنعتی از قبیل ریسندگی پنبه‌ای، تولید نخ‌های فیلامنت پلی استر، فرش ماشینی و پوشاک را جزو رشته‌های منتخب نساجی اعلام کرده است که از آنها حمایت می‌کند. از این رو این رشته‌ها از لحاظ رشد و توسعه فعالیت قابل قبولی داشته‌اند. دیگر رشته‌های صنعت نساجی هم با اینکه وضعیت ممتاز و درخشانی ندارند اما به فعالیت خود ادامه می‌دهند و از بین رفته‌ها نیستند. ناگفته نماند که رشته تولید الیاف اکریلیک هم جزو رشته‌های منتخب صنعتی برای دریافت حمایت‌های دولتی بود اما تحریم‌ها اثرات منفی زیادی روی آن داشته به‌طوری که در شرایط فعلی حال و روز خوبی ندارد و تولید آن به صفر رسیده است.

● به‌طور کلی تحریم‌ها چه اثری روی این صنعت داشته است؟

واقعیت این است که صنعت نساجی در دولت‌های نهم و دهم که با تحریم روبرو بودیم، به‌طور کلی از صنعت روز دنیا عقب افتاد. در حال حاضر نیز تحریم‌ها این صنعت را از مسیر درست خود منحرف کرده است. چرا که برای بازسازی، نوسازی و تجهیز کارخانه‌های جدید به تکنولوژی روز و ماشین آلات پیشرفته، باید همگام با صنعت و تکنولوژی روز دنیا پیش رفت اما زمانی که تحریم‌ها ارتباط صنایع ایران با دیگر صنایع پیشرفته جهان را دچار مشکل می‌کند، دچار عقب‌افتادگی در تولید خواهیم شد که

بطور حتم تأثیرات غیرقابل جبرانی به دنبال خواهد داشت. در شرایط عادی صنعت نساجی در بخش ماشین آلات سالانه به ۵۰۰ میلیون دلار هزینه برای خرید و تجهیز ماشین آلات نیاز دارد که در نهایت باعث می‌شود این صنعت به‌روز بماند و پا به پای تکنولوژی روز دنیا پیش رود. اما اگر هزینه مناسب برای تامین این ماشین آلات به موقع تامین نشود، قاعدتاً صنعت نساجی از صنایع روز دنیا عقب خواهد افتاد. از این رو با توجه به اینکه بیشتر کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی با مشکل نقدینگی مواجه هستند، تامین این منابع مالی باید از راه‌هایی همچون سوئیفت و ارتباطات بانکی بین‌المللی تامین شود که بطور حتم با تشدید تحریم‌ها، چنین امکانی نیز فراهم نخواهد بود. همچنین از امکاناتی مثل یوزانس نیز نمی‌توان برای تامین مواد اولیه بهره برد. این در حالی است که بر اساس سیستم یوزانس این امکان وجود دارد که خریدار کالا یا خدمات، مبلغ پرداختی را به صورت تسویه و ظرف چند ماه به فروشنده کالا پرداخت کند. بنابراین با اینکه قبل از تحریم‌ها امکان استفاده از یوزانس فراهم بود اما در حال حاضر که دوباره اثر تحریم‌ها حس می‌شود، بسیاری از صنایع و کارخانه‌ها نمی‌توانند از این امکان استفاده کنند و باید خریدهای خود را به صورت نقدی انجام دهند.

● بنا به گفته شما، آیا با تحریم‌های مالی و بانکی تجهیز کارخانه‌ها به ماشین آلات مدرن نیز به مشکل خواهد خورد؟

بله. با توقف یوزانس و ادامه تحریم‌ها تجهیز کارخانه‌ها به ماشین آلات روز هم به مشکل می‌خورد چرا که امکان بسیار خوبی از واحدهای تولیدی گرفته می‌شود. از این رو مشکلاتی نظیر کمبود نقدینگی و کاهش ظرفیت‌های تولید به وجود خواهد آمد که بلافاصله منجر به افزایش قیمت تمام شده خواهد شد. در نهایت نیز امکان رقابت در بازارهای بین‌المللی از صنایع سلب می‌شود. حتی تحریم‌ها می‌تواند باعث

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

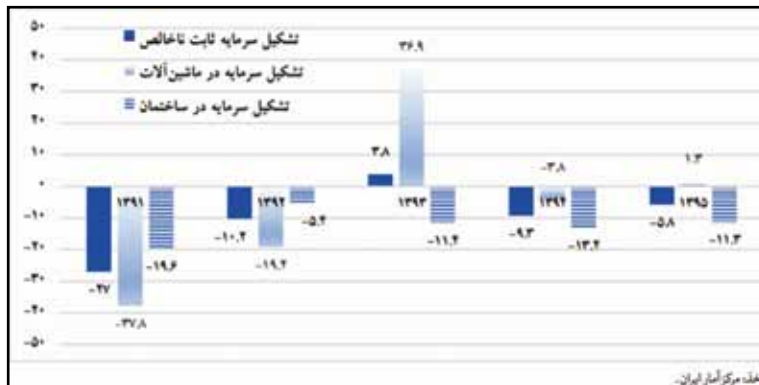
چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

تحریم‌های جدید، کاهش رشد صنعتی



دکتر احمد تشکینی
عضو هیات علمی موسسه
مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

توضیح اجمالی:

اعمال برخی محدودیت‌های بین‌المللی (مانند تحریم بخش نفت و صادرات غیرنفتی، محدودیت‌های نقل و انتقال مالی، تحریم صنعت خودرو و کشتیرانی) در ابتدای دهه ۹۰ برعلیه ایران پیامدهایی شامل کاهش جریان ورودی درآمدهای ارزی به کشور، افزایش هزینه‌های مبادلاتی تجاری-تولید و بی‌ثباتی و نوسان شدید در بازار ارز را به همراه داشت. این پیامدها از جنبه‌های مختلفی عملکرد بخش صنعت ایران را تحت تأثیر قرار داد:

- کاهش سطح تولید و افزایش ظرفیت‌های بلااستفاده بخش صنعت: شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی (براساس اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) از ۱۰۰ در سال ۱۳۹۰ به ۹۹.۳ در سال ۱۳۹۵ (متوسط رشد سالانه شاخص ۰.۱-) رسیده است. پایین‌تر بودن سطح تولید سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰ به مفهوم وجود ظرفیت‌های بلااستفاده طی دوره مذکور در بخش صنعت است. بررسی ۲۴ زیرگروه صنعتی نشان می‌دهد سطح تولید ۱۴ رشته فعالیت پایین‌تر از سطح تولید سال ۱۳۹۰ و تنها ۱۰ رشته فعالیت دارای سطح تولید بالاتر از سال ۱۳۹۰ است (ضمناً ۵ رشته فعالیت از ۱۰ رشته فعالیت مذکور، رشد جمعی پایین‌تر از ۱۰ درصد داشته‌اند). به عنوان نمونه شاخص تولید «صنایع تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر» طی دوره ۹۵-۱۳۹۰ به ترتیب ۵۵، ۱۰۰، ۴۳، ۶۶، ۵۶ و ۷۷ بوده که نشانگر افت شدید ظرفیت تولید به ویژه در سال ۱۳۹۲ می‌باشد.

- رشد منفی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص: ایجاد نااطمینانی در بازار ارز و محیط پرتلاطم اقتصاد کلان کشور منجر به گرایش منابع به سمت فعالیت‌های سوداگرایانه و کاهش سرمایه‌گذاری‌های مولد شد. براساس اطلاعات مرکز آمار ایران طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ متوسط رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کل ۱۰- درصد، متوسط رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین‌آلات ۵- درصد و متوسط رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ساختمان ۱۲- درصد بوده است.

- کاهش رشد بهره‌وری: طی دوره ۹۴-۱۳۹۰ متوسط رشد سالانه شاخص بهره‌وری نیروی کار بخش صنعت ۰.۷ درصد، متوسط رشد بهره‌وری سرمایه ۰.۷- درصد و متوسط رشد بهره‌وری کل عوامل تولید ۰.۴۴- درصد بوده است. شایان ذکر است بخش صنعت طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ با تجربه رشدهای پرنوسان و کند در دامنه ۹- الی ۱۳.۳ درصد توانست تنها متوسط سهم ۰.۱۴ واحد درصدی از متوسط رشد اقتصادی ۱.۲۴ درصدی را به خود اختصاص داد (یعنی طی دوره موردنظر بخش صنعت بطور متوسط حدود ۱۲ درصد

بلااستفاده)، کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش بهره‌وری بر عملکرد بخش صنعت طی سال‌های اخیر اثرگذار بوده است. این بدان مفهوم ضمنی است که طی سال‌های اخیر بر ظرفیت‌های بلااستفاده بخش صنعت افزوده شده و بدلیل رشدهای منفی سرمایه‌گذاری، ظرفیت‌های جدیدی برای رشد و توسعه سال‌های آتی این بخش ایجاد نشده است. ضمن آنکه رشد بهره‌وری منفی نیز به مثابه عدم وجود پتانسیل رشد این بخش بدون افزایش ظرفیت‌های جدید است. براین اساس برخی چالش‌های پیش‌روی بخش صنعت با تأکید بر اعمال محدودیت‌های بین‌المللی جدید شامل موارد زیر است:

۱- کاهش رشد صنعتی: اعمال تحریم‌های جدید بطور مستقیم صنایع خودروسازی، پتروشیمی و بطور غیرمستقیم سایر صنایع را بلحاظ سطح تولید تحت تأثیر قرار خواهد داد. به عنوان نمونه شاخص تولید «صنایع تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر» طی دوره ۹۵-۱۳۹۰ به ترتیب ۵۵، ۱۰۰، ۴۳، ۶۶، ۵۶ و ۷۷ بوده که نشانگر افت شدید تولید به ویژه در سال ۱۳۹۲ می‌باشد.

۲- توقف فعالیت و کاهش اشتغال صنعتی: افزایش هزینه‌های تولید و افزایش هزینه‌های مبادلاتی منجر به توقف و تعطیلی برخی فعالیت‌های صنعتی به ویژه کوچک و متوسط خواهد شد.

در این راستا پیشنهادها زیر قابل ارایه است:

- تحریک تقاضای رشته فعالیت‌های صنعتی مانند کانی غیرفلزی و فلزات اساسی از طریق پیگیری سیاست تحریک بخش مسکن.

- تحریک تقاضای داخلی از طریق ارایه اعتبار خریدار برای بخش‌هایی مانند پوشاک، مبلمان و محصولات الکترونیک داخلی.

- بهره‌برداری از تقاضای بازارهای منطقه‌ای در صنایع صادراتی مانند کانی غیرفلزی، فلزات، صنایع غذایی، مبلمان و تولید ماشین-آلات برق و دستگاه‌های برقی و صنایع دارای بازارهای صادراتی جهانی مانند محصولات شیمیایی، لاستیکی، پلاستیکی و دارویی.

- ارایه اعتبار برای نوسازی ماشین‌آلات و تجهیزات با تأکید بر ماشین‌آلات داخلی با هدف ایجاد تحرک در صنایع تعمیر و نصب ماشین‌آلات، محصولات رایانه‌ای، ماشین‌آلات برق و تولید ماشین‌آلات طبقه‌بندی نشده.

در رشد اقتصادی سهم داشته است). از جمله دلایل این امر می‌توان به کاهش تقاضای موثر برای محصولات صنعتی اشاره داشت که در سه گروه مشتمل بر «کاهش اندازه تقاضا در بازار داخل»، «کاهش توان رقابت‌پذیری محصولات تولیدی ساخت داخل در برابر رقبای خارجی» و «تأثیرپذیری شدید فروش شرکت‌های صنعتی در بازارهای داخلی و خارجی از تکانه‌های قیمت ارز» قابل طبقه‌بندی است:

الف) کاهش اندازه تقاضا در بازار داخل:

- کاهش قدرت خرید خانوارها (کاهش ۲۰.۷ درصدی سطح درآمد ملی واقعی و ۱۸ درصدی مخارج مصرفی خانوارها در دوره ۹۵-۱۳۹۰).

- کاهش مخارج دولت (متوسط رشد سالانه مخارج جاری معادل ۴ درصد، متوسط رشد سالانه مخارج سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان ۰.۶ درصد و کاهش متوسط رشد سالانه مخارج سرمایه‌گذاری در بخش ماشین‌آلات و تجهیزات ۱۳.۶ درصد طی دوره ۹۵-۱۳۹۰).

- کاهش مخارج سرمایه‌گذاری (کاهش ۶۱ درصدی مخارج سرمایه‌گذاری صنعتی برحسب پروانه‌های بهره‌برداری طی دوره ۹۱-۱۳۸۷ و سپس بهبود نسبی تا سال ۱۳۹۵ به میزان ۵۲ درصد عملکرد سال ۱۳۸۷ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰)).

ب) کاهش توان رقابت‌پذیری محصولات تولیدی ساخت داخل در برابر رقبای خارجی:

- قیمت‌گذاری کالاهای صنعتی به صورت هزینه-افزوده (متوسط رشد ۱۸.۱ درصدی شاخص قیمت کالاهای صنعتی طی دوره ۹۵-۱۳۸۵).

- فشار قاچاق در دامنه ۲۵-۱۵ میلیارد دلار طی دوره ۹۵-۱۳۹۲ (نساجی و پوشاک با سهم ۱۳ درصدی، لوازم خانگی با سهم ۱۱ درصدی و موبایل با سهم ۱۰ درصدی).

- جایگاه ضعیف حقوق مصرف‌کنندگان در برنامه‌های تولید صنعتی و در نتیجه کاهش وفاداری مشتریان (رتبه ۱۲۷ ایران از میان ۱۴۴ کشور در شاخص مشتری‌مداری کسب‌وکارها به عنوان یکی از زیرشاخص‌های رقابت‌پذیری جهانی در سال ۲۰۱۶).

ج) تأثیرپذیری شدید فروش شرکت‌های صنعتی در بازارهای داخلی و خارجی از تکانه‌های قیمت ارز در مجموع می‌توان بیان داشت محدودیت‌های بین‌المللی از کانال کاهش تولید (افزایش ظرفیت‌های

بهمن عشقی، دبیر کل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران سازمان‌های توسعه‌ای و صنعت ایران

● به نظر شما ضرورت تاسیس این سازمان چیست؟

تاریخ دخالت دولت‌ها در روند صنعتی شدن کشورها را اینطور می‌توان توضیح داد که دنیای مدرن تلاش می‌کند برای ورود به عصر صنعتی تلاش می‌کنند از طریق سرمایه‌گذاری تجاری تولید ثروت کنند. میزان سرمایه‌گذاری شده را در سرمایه‌گذاری صنعتی به کار بگیرند و زمانی که این ثروت در سرمایه‌گذاری صنعتی به کار گرفته شد به زاد و ولد و تکثیر سریع آن کمک کند. به عنوان مثال در روند صنعتی شدن بریتانیا و کمپین هند شرقی که اتفاق افتاد در بریتانیا قرن هجدهم بود که این اتفاق روی داد. و در قرن نوزدهم ابرقدرتی بریتانیا شکل گرفت. اتفاقی که افتاد این بود که اول تاجران وضعیت خوبی پیدا کردند و ابزارهای خوبی را به دست آوردند کمپانی هند شرقی زیر نظر کمپانی بریتانیا تشکیل شد. و این کمپانی هند شرقی اسباب استعماری بریتانیا را فراهم کرد و در ادامه کم کم توسعه صنعتی در بریتانیا آغاز شد. میزان درآمدهای حاصل را در مسیر توسعه صنعتی خرج کرد. در واقع می‌توان گفت این روند صنعتی شدن همه کشورها بوده است. در عصر مدرن دو تا کار انجام شد؛

۱) دولت‌ها پذیرند که سرمایه‌گذاری بلندمدت داشته باشند. چون یکی از لازمه‌های صنعت پذیرش سرمایه‌گذاری بلندمدت است.

۲) واکسیناسیون کردن صنعتی: یعنی در مقابل اتفاقات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی یک حصاری دور صنعت کشیده شود صنعت و تولید در هر شرایطی تحت حمایت و حفاظت بماند.

با این دو دیدگاه سازمان‌های توسعه‌ای به وجود آمده‌اند وظیفه دارند که در همه حوزه‌ها دست فعالان صنعتی را بگیرند و او را راه ببرند و او را از حالت نوزاد در آورده به یک دوند ماهر تبدیل کنند. در ایران ۳ سازمان این وظیفه را دنبال کرده‌اند که یکی از این سازمان‌ها سازمان ایدرو است. دوتای دیگر سازمان ایمیدرو و سازمان شرکت‌های صنعتی بود. اینها سازمان‌هایی بودند که باید دست صنعتگر را می‌گرفتند و هر کدام وظیفه مشخص خود را داشتند. ایدرو باید پول می‌داد شریک می‌شد و کمک سنی می‌کرد مستشاری می‌کرد و به عنوان مشاور فعالیت می‌کرد فعالان اقتصادی باید می‌بود تا در دوره‌های آنها و چالش‌های آنها را در اختیار دولت بگذارد اما امروز یکی از مشکلات صنعت این است که پل ارتباطی بین دولت و فعال اقتصادی وجود ندارد در واقع ایدرو یک سازمانی باید باشد که پل ارتباطی بین صنعت و دولت باشد. در کنار همه این موارد و مباحث وظیفه این سازمان‌ها بنگاهداری نیست شاید یک زمانی این سازمان باید به خودکفایی برسد اما لازمه آن بنگاهداری نیست.

● این سازمان به چه میزان توانسته است در عملکرد خود موفق باشد؟

دولت به بخش خصوصی باید کمک کند تا بخش خصوصی به صنعتگر ماهر و تولیدکننده ماهر تبدیل شود و وظیفه این سازمان‌ها بنگاهداری نیست. سازمان ایدرو بعد از انقلاب از وظایف خود فاصله گرفته است اصلاً شاید در اواخر دهه پنجاه از ماموریت‌های خود فاصله گرفته است. جهان‌بینی و تفکر یک مدیر است که آینده سازمان را مشخص می‌کند برای رفتار توسعه صنعتی می‌توان رفتار کشور آمریکا یعنی اوپاما را با شرکت جنرال موتورز مثال زد که در سال ۲۰۰۷ شرکت دچار بحران اقتصادی شد که در این شرایط دولت آمریکا ۲ میلیارد دلار از این شرکت حمایت کرد و در مقابل آن یک سری وظایف را از آن خواست؛

۱) اول باید منحل می‌شد همچنان همان کمپانی هست ولی اعلام ورشکستگی کرد برای اینکه بدهی خود را تسویه کند.

۲) موتور خودرو باید تغییر دهید و از تولید ماشین‌ها و موتورهای سنگین خودداری کنید با تفکر جهانی پیش بروید و موتورهای سبک، کم مصرف و برقی تولید کنید.

این به عنوان یک مثال سند توسعه صنعتی است که باید از آن تجربه گرفت. رفتار دیگری که دولت ایالت در مقابل این شرکت انجام داد این بود که هیچ‌وقت یک مدیر برای آن انتخاب نکرد خواست تا شرکت خودش را مدیریت کند. و اعلام کرد که سهام این شرکت پیش دولت وثیقه است بعد از سه سال سهام این شرکت را

در بازار ثانوی فروخت پول خود را با سود برداشت. این کار را دولت ایالت انجام داد و دوباره همین پول را به بخش خصوصی برگرداند و در صندوق دولت قرار داد این نمونه کامل سند راهبردی توسعه صنعتی است.

● سازمان ایدرو به چه میزان در رقابت‌پذیری نقش داشته است؟

اگر به آمار صنعتی ایران مراجعه کنیم متوجه می‌شویم که این سازمان در بحث توسعه صنعتی و رقابت‌پذیری نقش خوبی را ایفا نکرده است و یکی از ماموریت‌های آن رقابت‌پذیری است ولی گام موثر و مفیدی بر نداشته است. صنعت کشور ما به سمت فولاد و پتروشیمی کشیده می‌شود یعنی زمانی که ما از صادرات کالاهای غیر نفتی صحبت می‌کنیم آیا از کالاهایی صحبت می‌کنیم که صنعت محور بوده است؟ آیا از صادرات صنعت خودرو یا از صنعت الکترونیک در بحث صادرات می‌توان صحبت کرد؟ صادرات ما بیشتر یا فولاد است یا پتروشیمی. در زنجیره ارزش در پایین‌ترین حلقه با انرژی تقریباً رایگان مواد خام را به مواد اولیه تبدیل می‌کنیم و به ورق فولاد تبدیل کرده‌ایم همین بخشی از صادرات ما را تشکیل داده است. بیشتر تولیدات ما در گریدهای پایین انجام می‌شود. توسعه صنعتی وظیفه‌اش این است که دست صنعتگر را بگیرد و آن را از حالت نوزاد در بیاورد و رشد دهد و این اتفاق باید با نگاه جهانی شدن انجام شود.

● سخن آخر شما در مورد این سازمان چیست؟

در کل می‌توان گفت که این سازمان‌ها باید طوری فعالیت کنند که اگر بازار داخلی دچار التهاب یا بی‌ثباتی شد صنعت دچار مشکل نشود این زمانی اتفاق می‌افتد که دید جهانی باشد و این یکی از وظایف مهم سازمان ایدرو است تولید را همیشه در مقابل شرایط حمایت کند و آن را واکسینه کند.

سخن آخر من در مورد این سازمان این است که خودش را آسیب‌شناسی کند و همینطور صنعت را هم باید آسیب‌شناسی کند. اینکه کشور با چه چالش‌ها و دغدغه‌های مواجه است. اولین عارضه صنعتی ما بهره‌وری است یعنی بهره‌وری ما پایین است به خصوص بخش آموزش نیروی انسانی. و همینطور بهره‌وری انرژی ما هم در صنعت پایین است یعنی ما باید در صنعت تخصص محور عمل کنیم و به مدارک و گواهی‌ها توجه زیادی نکنیم و بیشتر به تخصص افراد در خط‌های تولید توجه داشته باشیم و به آنها آموزش لازم را داده باشیم و به همین شیوه در بخش‌های دیگر و در شاخص‌های دیگر بهره‌وری گام برداریم. بطور کلی و حرف آخر این است که صنایع کشور را آسیب‌شناسی کنند با دیدگاه جهانی به فکر حمایت درست از این صنایع باشد و آنها را از حالت صنعت نوپا در آورده و رشد دهد و از بنگاهداری خودداری کند.



سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

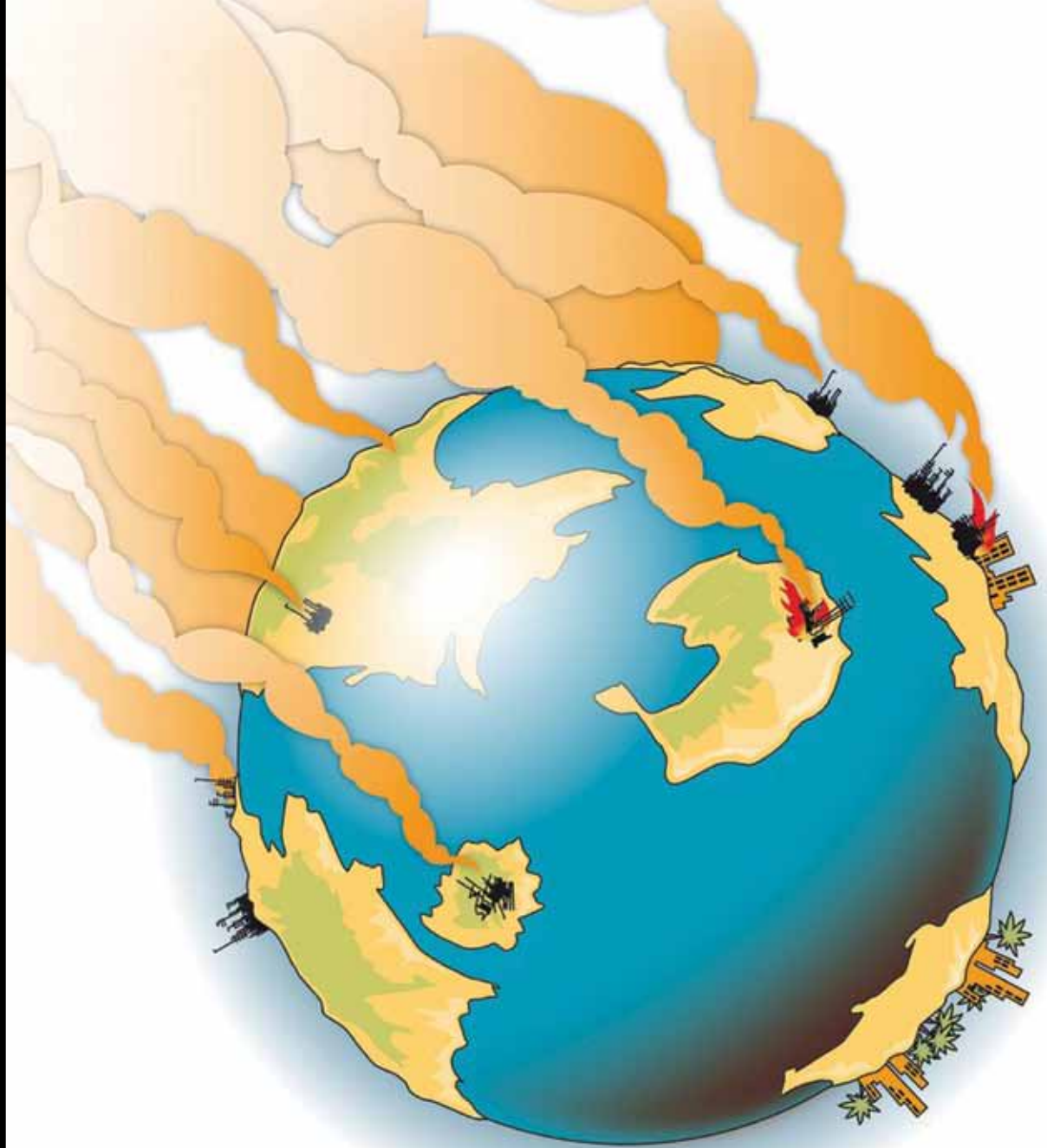
رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریرم

روزگار صنعت

ایران در جهان



تزلزل فضای امنیتی و اقتصادی دنیا



مونا مشهدی رجبی
عضو هیأت تحریریه

امضای توافق سال ۲۰۱۵ میلادی بین ایران و کشورهای صنعتی و تایید پایبندی ایران به توافق از سوی سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، دوباره شرکت‌های اروپایی وارد بازار ایران شدند. به جد شرکت‌های کوچکی که بازار ایران را برای عرضه محصولات خود انتخاب کرده بودند، شرکت‌های بزرگی از قبیل زیمنس، توتال، پژو و حتی بنز هم فعالیت در ایران را از سر گرفتند ولی هنوز مدت کوتاهی از فعالیت آنها در ایران نگذشته بود که دوباره مجبور به خروج از کشور شدند. خارج شدن آنها از بازار ایران باز هم هزینه زیادی را به شرکت‌های مذکور و اقتصاد اروپا تحمیل کرد و باعث سردرگمی فعالان اقتصادی غربی شد.

است. در روی دیگر سکه کشورهای اروپایی خود را برای تحمل آسیب‌های اقتصادی زیاد در فصل آخر سال جاری آماده می‌کنند. آسیب‌هایی که به دلیل فشار تحریم‌های آمریکا علیه ایران و فشار اقتصادی ناشی از خروج شرکت‌های اروپایی فعال در بازار ایران از این کشور به اقتصاد آنها تحمیل خواهد شد. مایکل فارل تحلیلگر اقتصادی به سی‌ان‌ان گفت: شرکت‌های اروپایی قبل از تحریم سال ۲۰۱۲ در ایران فعالیت گسترده‌ای داشتند. در جریان تشدید تحریم‌ها علیه ایران، شرکت‌های اروپایی از ایران خارج شدند و خروج شرکت‌ها و سرمایه‌های آنها هزینه زیادی به اقتصاد کشورهای اروپایی تحمیل کرد. بعد از

در شرایطی که ایران به دادگاه عدالت سازمان ملل متحد شکایت کرده است و آمریکا به دلیل نقض یک پیمان بین‌المللی و تحریم اقتصادی و نفتی که آسیب زیادی به زندگی مردم عادی وارد کرده است مقصر معرفی کرده است، اروپایی‌ها در تلاش هستند تا توافق هسته‌ای را حفظ کنند و ایران را به باقی ماندن در این توافق تشویق کنند. اما این تنها یک روی سکه



♦ هدف آمریکا از وضع تحریم‌ها چیست؟

هدف آمریکا از وضع این تحریم‌ها مشخص است. آمریکا می‌خواهد نفت ایران را از بازار جهانی حذف کند و قدرت اقتصادی ایران را در منطقه و در جهان تقلیل دهد. ولی با افزایش قیمت نفت در بازار جهانی و پیش‌بینی تداوم این روند افزایشی در صورت حذف نفت ایران از بازار، سیاست‌های کاخ سفید به جز ایران به کشورهای دیگر هم آسیب وارد می‌کند. حال سوال این است که آیا تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به اقتصاد کشورهای اروپایی هم آسیب وارد خواهد کرد؟ کشورهایایی که هم پیمان آمریکا هستند و در حل مسائل جهانی همواره با آمریکا همراهی می‌کردند ولی تصمیم یک جانبه آمریکا باعث شد تا نه تنها اروپا از نظر امنیتی با مشکل مواجه شود بلکه از نظر اقتصادی هم در معرض خطر قرار بگیرد؟ مقامات اروپایی در ماه‌های اخیر بارها در مورد اینکه نمی‌توان روی آمریکا برای حفظ امنیت منطقه حساب کرد صحبت کردند. اروپایی‌ها بر این باورند که بالا گرفتن درگیری بین آمریکا با

کشورهای خاورمیانه از جمله ایران موج پناهجوها را به سمت اروپا سرازیر می‌کند و اقتصاد منطقه را با چالش‌های بزرگی روبرو خواهد کرد. اما به نظر می‌رسد آمریکا تمایلی برای حمایت از شرکای اروپایی خود ندارد و به همین دلیل در راهی حرکت می‌کند که خلاف منافع اروپا و موافق خواسته‌های آمریکا است.

یورو نیوز بر این باور است که سیاست‌های آمریکا بیش از اینکه به ایران آسیب بزند به کشورهای دوست و همپیمانانش یعنی اروپای غربی آسیب وارد می‌کند. اروپا به دلیل کاهش عرضه نفت ایران که با قیمت بسیار ارزان به بازار اروپا عرضه می‌شود، با دو فشار اقتصادی بزرگ روبرو خواهد شد. اول فشار ناشی از کمبود عرضه نفت و تلاش برای پیدا کردن جایگزین برای نفت وارداتی ایران و دوم تحمل هزینه‌های بیشتر ناشی از افزایش قیمت نفت وارداتی. هم‌اکنون نفت ایران با قیمت پایین‌تر از متوسط جهانی به خریداران عرضه می‌شود تا خریداران ترغیب شوند در مقابل سیاست آمریکا ایستادگی کنند. اگر اروپا خرید

نفت از ایران را متوقف کند و بخواهد از کشورهای دیگر نفت وارد کند، باید هزینه بیشتری برای واردات بپردازد که این مساله به اقتصاد آسیب وارد خواهد کرد. به خصوص که اروپا به تازگی از بحران خارج شده است و تحمل فشار بیشتر می‌تواند بحران اقتصادی اروپا را بزرگ‌تر کند.

♦ ایران، بازیگر مهم بازار نفت

ایران سومین کشور بزرگ صادرکننده نفت در سازمان اوپک است. البته تا پیش از این ایران بعد از عربستان در اوپک جایگاه دوم را داشت ولی هم‌اکنون که عراق تولید خود را افزایش داده است، این کشور بعد از عربستان و عراق جایگاه سوم را در میان تولیدکنندگان دارد. تولید روزانه ایران قبل از اعمال تحریم نفتی علیه این کشور برابر با ۴ میلیون بشکه در هر روز بود. هم‌اکنون مناطق اصلی اقتصادی در دنیا از آمریکای شمالی گرفته تا اروپا و آسیای شرقی شاهد افزایش نرخ رشد اقتصادی هستند. این روند از سال ۲۰۱۷ میلادی شروع شده است و در نتیجه این مساله

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



هستند و انتظار می‌رود شوک‌های تازه‌ای در بازار نفت ایجاد شود. به عنوان مثال کشور ونزوئلا با مشکلات زیادی روبرو است و توان تولید نفت را ندارد و توافق بین اوپک و کشور روسیه مبنی بر کاهش ۱,۸ میلیون بشکه‌ای میزان تولید نفت نسبت به سال ۲۰۱۷ میلادی هم می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان نفت موجود برای عرضه در بازار داشته باشد.

♦ اروپایی‌ها می‌روند یا می‌مانند؟

در شرایطی که شرکت‌های خارجی به فعالیت خود در ایران پایان می‌دهند، افزایش قیمت نفت ناشی از فشار تحریم‌ها و نگرانی در مورد کمبود عرضه به اقتصاد کشورهای دوست و هم‌پیمان آمریکا به خصوص اتحادیه اروپا آسیب وارد خواهد کرد. اتحادیه اروپا ۹۸ درصد از نفت مصرفی خود را وارد می‌کند و از آنجا که واحد پول یورو ارزشی که باید و شاید در مقابل دلار ندارد، تاثیر افزایش قیمت‌ها روی اقتصاد این منطقه بیشتر است. بررسی‌ها نشان می‌دهد افزایش قیمت نفت در بازار جهانی هم‌اکنون هم روی اقتصاد آلمان که قطب اقتصادی اتحادیه اروپا است، تاثیر منفی گذاشته است. اقتصاد صادرات محور کشور آلمان در مقابل شوک‌های قیمت کالاهای اساسی بسیار آسیب‌پذیر است. این شوک‌ها باعث کاهش راندمان فعالیت‌های اقتصادی و در نهایت افزایش نرخ بیکاری می‌شود. آمار نشان می‌دهد از ماه ژانویه تاکنون سطح سفارشات کارخانه‌ها در این کشور کاهش یافته است.

اگر آمریکا از ابزار تحریم علیه اروپا به دلیل همکاری اقتصادی یا خرید نفت از ایران استفاده کند، بدون شک اقتصاد این منطقه بازاری به بزرگی آمریکا را از دست می‌دهد و بحرانی بزرگ را تجربه خواهد کرد. به همین دلیل بعید به نظر می‌رسد که اروپا تمایلی برای وارد شدن در بازی داشته باشد. در حقیقت اروپا از انتهای سال جاری شرایط سختی را تجربه خواهد کرد. از یک طرف تحریم نفتی علیه ایران اجرا می‌شود و از طرف دیگر تحریم علیه شرکت آلومینیوم روسی با نام روسال نیز شروع خواهد شد. روسال دومین تولیدکننده بزرگ آلومینیوم در دنیا است و ۲۰ درصد از کل آلومینیوم مصرفی در اتحادیه اروپا را تامین می‌کند. در نتیجه از انتهای سال جاری اروپا نه تنها با شوک نفتی روبرو می‌شود بلکه شوک کمبود آلومینیوم را نیز تجربه خواهد کرد که هر دو مساله می‌تواند اقتصاد را دچار آسیب بسیار جدی کند. تحریم شرکت روسال هم مانند تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا بدون مشورت با شرکای اقتصادی آمریکا انجام شد. در نتیجه اعلام این تحریم در ماه آوریل سال جاری بازار بایوکسیت و آلومینیوم در دنیا با شوکی بزرگ روبرو شد و هزینه تامین این فلز اساسی برای

کشورهای اروپایی و آمریکایی رشد کرد. سایت اوپک پراش نوشت که اروپایی‌ها مدت‌ها نتوانستند کمبود عرضه آلومینیوم را جبران کنند و زمانی که نتوانستند کسری ایجاد شده در بازار را از کشورهای دیگر تامین کنند قیمتی حداقل بیست درصد بالاتر پرداخت کردند. این قیمت بالاتر ضمن اینکه به مصرف‌کنندگان نهایی آسیب وارد کرد به واحدهای تولیدی هم فشار زیادی را تحمیل کرد. حال با گذشت چند ماه از این جایگزینی اخباری در مورد ناتوانی بسیاری از تولیدکنندگان آلومینیوم در ادامه فرآیند افزایش حجم تولید به گوش می‌رسد. اخباری که نشان می‌دهد اروپا از این پس نمی‌تواند این فلز را به اندازه مورد نیازش تامین کند و کارخانه‌های خودروسازی که اصلی‌ترین و مهم‌ترین مصرف‌کنندگان آن فلز هستند با چالش‌های بسیار زیادی روبرو خواهند شد.

♦ آیا اروپا ایستادگی می‌کند؟

در پایان باید گفت سیاست‌های خارجی دولت ترامپ در تناقض با منافع کشورهای اروپایی است زیرا نفت و آلومینیوم برای حفظ حرکت موتورهای اقتصاد اروپا ضروری هستند و اروپا به دلیل نزدیکی به ایران و روسیه، بخش زیادی از این منابع را از این دو کشور تامین می‌کند. با تحریم این دو کشور و تهدید آمریکا مبنی بر تحریم هر کشوری که با این دو کشور کار کند، در واقع آسیب بزرگی به فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی در اروپا وارد خواهد شد و آمریکا دوست و شریک دیرینه‌اش را از دست می‌دهد. اسکاٹ بلینسکی تحلیل‌گر بازار انرژی بر این باور است که سیاست‌های ترامپ تهدیدی جدی برای اقتصاد اروپا و شرکت‌های اروپایی است که تلاش کردند سال‌های سخت اقتصادی را پشت سر بگذارند. به همین دلیل است که من انتظار دارم اروپایی‌ها در مقابل کاخ سفید و سیاست‌های تحریمی این کشور مقاومت خواهند کرد زیرا تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که آمریکا دیگر دوست و هم‌پیمان اروپا نیست بلکه کشوری است که تنها با اهداف و برنامه‌های خود تصمیم‌گیری می‌کند و تاثیر این سیاست‌ها روی اقتصاد کشورهای دوست اهمیتی برایش ندارد.

اما وزن اقتصاد آمریکا در اقتصاد جهانی بسیار بالا است و بعید به نظر می‌رسد اروپا توان پشت کردن به این اقتصاد بزرگ دنیا یا نادیده گرفتن سیاست‌هایش را داشته باشد. اروپا برای اینکه بتواند از بازار آمریکا استفاده کند و در این بازار فعالیت گسترده‌ای داشته باشد، باید با آمریکا همراهی کند و شاید این مساله دلیلی باشد برای کوتاه آمدن اروپایی‌ها در مقابل سیاست‌های اقتصادی آمریکا که بدون شک به ضرر اقتصاد اروپا هم هست.

مصرف نفت در سطح جهان در سال گذشته ۵.۱ میلیون بشکه در روز رشد کرد. همان‌طور که تهران هشدار داده است ظرفیت تولید نفت در سازمان کشورهای صادرکننده نفت به اندازه‌ای نیست که پاسخگوی کمبود عرضه در بازار باشد. کمبود عرضه‌ای که در نتیجه تحقق تهدید آمریکا مبنی بر به صفر رساندن میزان صادرات نفت این کشور در بازار ایجاد خواهد شد. خطر اصلی اینجاست که هر محدودیتی روی صادرات نفت ایران، باعث افزایش قیمت نفت در بازار جهانی می‌شود و کشورهای مصرف‌کننده نفت را با فشار افزایش هزینه‌های تامین انرژی روبرو می‌کند. طبق قانون، آمریکا باید قبل از اجرای تحریم‌های نفتی علیه ایران، اطمینان حاصل کند که بازار نفت دنیا با کمبود عرضه روبرو نخواهد شد. ولی با توجه به افزایش میزان تقاضای نفت در سال‌های اخیر و پایان یافتن نسبی رکود اقتصادی دنیا، حصول اطمینان از این مساله کار بسیار دشواری است. به خصوص که شمار زیادی از کشورهای نفت‌خیز با بحران روبرو

تاب آوری تجارت در شرایط تحریم

در تحریم‌های پیشرفته‌تر، در خصوص برخی کالاهای خاص، مانند تجهیزات پیشرفته هسته‌ای با نظامی، محدودیت‌هایی در بهره‌برداری نیز قابل اعمال است. در این حالت، بر فرض دور زدن تحریم‌ها هم، آن کالا قابل استفاده نخواهد بود. برای نمونه، نصب GPS در مدار کنترلی بعضی از دستگاه‌های پیشرفته که با وجود تحریم وارد شده‌اند، موجب شناسایی موقعیت جغرافیایی ایران و از کار باز ایستادن آنها شده است. همچنین برخی نرم‌افزارها با اتصال به اینترنت و شناسایی IP مربوط به ایران غیر فعال می‌شوند.

از منظر گروه کالایی، کالاهای تجهیزات صنایع نظامی و موشکی، کالاهای دارای کاربرد دوگانه، صنعت هسته‌ای و فناوری‌های حساس، صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، فلزات گرانبها و فلزات پر کاربرد مواد اولیه و تجهیزات صنایع دریایی، تجهیزات و قطعات صنایع هوایی، تجهیزات مرتبط با بخش حمل‌ونقل، کالاهای و خدمات بخش خودروسازی، تجارت مواد خام و تیم ساخته معدنی نظیر: سنگ آهن و سیمان (واردات از ایران مشمول تحریم) قرار گرفته‌اند. همچنین باید توجه داشت که گروه‌های کالایی بسیاری بطور مستقیم موضوع تحریم نبوده‌اند، اما به دلیل اعمال تحریم‌های مالی و حمل‌ونقل، تجارت آنها نیز با محدودیت‌هایی مواجه شده است.

عبارتند از - مرحله اول: توافق مبادله و انعقاد قرارداد، مرحله دوم: انتقال وجوه کالای موضوع مبادله، مرحله سوم: حمل‌ونقل کالا، مرحله چهارم: بهره‌برداری و خدمات پس از فروش با توجه به درگیری نهادهای مالی در مرحله پرداخت وجوه، این مرحله در بخش تحریم‌های مالی و سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرد. همچنین تحریم‌های مرتبط با مرحله انتقال کالا، در بخش تحریم‌های حمل‌ونقل لحاظ خواهد شد. لذا در بررسی تحریم‌های تجاری، بیشتر به مراحل توافق مبادله و انعقاد قرارداد و همچنین بهره‌برداری و خدمات پس از فروش پرداخته می‌شود. به‌طور کلی در مورد نحوه برخورد کشورهای تحریم‌کننده با متخلفان از تحریم‌های تجاری، می‌توان گفت کشورهای متخاصم در مرحله توافق مبادله از دو رویکرد نرم و سخت برای مقابله استفاده می‌کنند. در رویکرد نرم، با اعمال سیاست‌های تهدیدآمیز مانند: بدنام کردن ایران در فضای بین‌المللی، تهدید شریک تجاری به تحریم و ریسک تجاری با ایران را افزایش می‌دهند. همچنین با سیاست‌های تشویقی، مانند: اعطای وام و واگذاری پروژه به شرکت‌هایی که تجارت خود را با ایران قطع می‌کنند، آنها را از انجام دادن تجارت با ایران باز می‌دارند. در رویکرد سخت، شرکت‌هایی که با ایران تجارت داشته باشند مورد مجازات قرار می‌گیرند.

یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که به‌شدت تحت تاثیر تحریم قرار می‌گیرد، حوزه تجارت است. این حوزه از دو طریق مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر قرار می‌گیرد. مجاری غیرمستقیم آن عبارتند از تحریم‌های نفتی و مالی که هر یک کدام اثرات خاص خود را دارد. به‌طور مثال اگر دولت نفت نفروشد، طبیعتاً ارزی هم برای واردات وجود نخواهد داشت و اگر تراکنش‌های مالی بین‌المللی، مشمول تحریم شود، به‌طور کلی، تجارت برای طرفین هزینه بر خواهد بود. اما اثرات مستقیم آن را می‌توان در چیدمان صنعتی و افزایش خام‌فروشی دنبال کرد.

از سوی دیگر زمانی که تجارت قانونی بین‌المللی برای کشور هزینه بر شود، دولتمردان ناگزیرند تامین بخشی از تولیدات داخل را از طریق قاچاق و بازارهای غیر رسمی پیگیری کنند. نتیجه این سیاست، آسیب زدن به ساختار تجاری و رسوب باندهای قاچاق در کشور خواهد بود که نتیجه آن را همچنان در ساحت تجاری ایران به روشنی می‌بینیم. با این حال این گزارش، مروری اجمالی و دقیق از مکانیزم تحریم‌های تجاری در سال‌هایی که ایران زیر تیغ فشار بین‌المللی بود، نشان می‌دهد.

تحریم‌های تجاری بطور کلی تجارت، مستقل از موضوع آن (گروه کالا یا خدمات مورد مبادله) دارای چهار مرحله است که



سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

در تجارت بین‌المللی، اگر فرآیند مبادله به صورت تهاتری یا کالا به کالا انجام نشود، لازمه تجارت کالا یا خدمت، انتقال پول از جانب واردکننده به صادرکننده است و بر همین اساس اگر در فرآیند انتقال پول اختلالی ایجاد شود، مبادلات بین‌المللی مختل می‌شود. به همین دلیل، تحریم‌های بانکی مکمل تحریم‌های تجاری است و قسمت قابل توجهی از تحریم‌هایی که توسط آمریکا و اروپا علیه ایران اتخاذ شده است، مربوط به حوزه مالی و بانکی است، محدودیت‌هایی که به واسطه تحریم‌های بانکی در نقل و انتقال پول برای ایران ایجاد شده است، عمدتاً شامل مسدود کردن حساب‌های بانکی متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی خاص، اعمال محدودیت برای بانک‌ها و موسسات مالی ایرانی در فرآیند انتقال ارز (دلار و یورو)، محدودیت در گشایش یا برای بانک‌های ایرانی و دشوار شدن ضمانت مبادلات؛ تحریم انواع همکاری‌های بانکی (یا هر واحد پولی با بانک‌های ایرانی)، قطع دسترسی بانک‌های ایرانی به زیرساخت تبادلات مالی و بانکی مانند سوئیفت برای انتقال پول است.

روند تکاملی تحریم‌های مالی و بانکی نیز خود بر دو محور استوار است. که نخست از محور حمل‌ونقل دریایی است. با توجه به برخورداری ایران از بنادر متعدد در سواحل دریای خزر، دریای عمان و خلیج فارس، اهمیتی راهبردی برای کشور دارد. از یک سو، بیش از ۹۰ درصد تجارت ایران از طریق دریا انجام می‌شود. از سوی دیگر، ناوگان کشتی‌های تجاری و نفت کش ایران بزرگ‌ترین ناوگان در منطقه و چهارمین

ناوگان بزرگ در دنیاست. برخورداری از این ناوگان مجهز امکان کسب درآمد برای ایران از طریق اجاره دادن کشتی و نفت کش را مهیا کرده است. همچنین بیش از ۹۰ درصد صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی ایران از طریق دریا صورت می‌گیرد. از این رو کشورهای تحریم‌کننده به خوبی این اهمیت را درک کرده‌اند، تلاش می‌کنند محدودیت‌هایی را در فرآیندهای مختلف حمل‌ونقل دریایی برای ایران ایجاد کنند. حمل‌ونقل هوایی در ایران عمدتاً به منظور جابه‌جایی مسافر استفاده می‌شود و به همین دلیل، مشمول حجم کمتری از تحریم‌ها قرار گرفته است. مهم‌ترین نتایجی که از بررسی تحریم‌های ایرانی به دست می‌آید، حامل این نتایج است که در بسیاری از موارد، تمام مراحل متصور برای تحریم ایران توسط اروپا یا آمریکا یا هر دو طی شده است، لذا گام‌های بعدی در این بخش‌ها به افزایش نظارت بر اجرای تحریم‌های وضع شده و همچنین افزایش جریمه‌های تخلف از این تحریم‌ها محدود خواهد بود.

از سوی دیگر در حال حاضر، تحریم‌های اتحادیه اروپا درون سرزمینی بوده، حوزه شمول آنها محدود به کشورهای اروپایی است، اما تحریم‌های آمریکا برون سرزمینی بوده، شامل تمام کشورها و شرکت‌هایی می‌شود که با ایران تعامل تجاری، صنعتی، مالی و ... داشته باشند. یکی از روندهای قابل پیش‌بینی برای تحریم‌های آتی، برون سرزمینی شدن تحریم‌های اتحادیه اروپا است که فشار بر ایران را بطور افزایش چشمگیری خواهد داد اما نکته جالب آنجاست که

برون سرزمینی شدن آن، نیازمند اتحاد فراگیر و توجه همه کشورهای اروپایی است که دستیابی به آن کار سختی است.

♦ روند تحریم‌های مالی آمریکا و اتحادیه اروپا

سیر نهادهای تحریم شده به این صورت بوده که نهادهای مالی مشمول تحریم توسعه داده شده‌اند (شعب خارجی برخی بانک‌ها تمام بانک‌ها و بانک مرکزی) و از سوی دیگر، محدودیت‌های وضع شده برای نهادهای مذکور تشدید شده‌اند (تشدید نظارت بر نهاد، محدودیت در حجم و نوع تراکنش‌ها و تحریم تمام تراکنش‌ها با نهاد مذکور). همچنین تحریم‌های بانکی در ابتدا شامل تراکنش‌های دلاری و یورویی بود، اما به تدریج، همه تراکنش‌ها (مستقل از ارز مورد استفاده) را شامل شد. آخرین تحریم مالی تحریم استفاده از ریال در معاملات بین‌المللی نیز به منظور پیشگیری از تسویه حساب تجارت خارجی ایران با پول‌های ملی طرفین تجاری وضع شد.

♦ تحریم‌های حوزه تجاری و صنعتی

در حوزه تجاری - صنعتی، امکان افزایش تحریم‌ها و محدود شدن تجارت در صنایع دیگر وجود دارد؛ به ویژه صنایعی که نقش مهمی در تأمین بودجه دولت دارند با بخش مهمی از صادرات ایران را به خود اختصاص می‌دهند. تحریم تجارت محصولات معدنی (نظیر: سنگ آهن، سیمان و در این زمینه محتمل است. از سوی دیگر آسیب‌پذیری اقتصاد بین‌الملل ایران که به خوبی از مطالعات انجام شده بر روی شاخص آسیب‌پذیری





در مقاصد صادراتی و تنوع مشتری‌ها برای کاهش آسیب‌پذیری امری لازم و ضروری است. یکی از عوامل آسیب‌زا در تحریم‌ها، نداشتن تنوع و گستره مشتری‌ها و خریداران برای کالاهای ایرانی بوده است. بعد از انقلاب، سهم پنج شریک اول صادراتی ایران از صادرات ایران چیزی حدود ۵۰ درصد بوده است. هم‌اکنون ایران بیشترین صادرات را به عراق و در مقام دوم به چین دارد.

♦ وابستگی به واردات کالاهای راهبردی و کالاهای سرمایه‌ای

یکی دیگر از نقاط آسیب‌پذیر در کشور وابسته بودن اقتصاد به واردات کالاهای راهبردی و کالاهای سرمایه‌ای است. این وابستگی اقتصاد را در معرض شوک‌های ناشی از تحریم صادرات این دسته از کالاها به داخل کشور قرار می‌دهد. در اینجا شوک

به صورت افزایش هزینه‌های تولید و کاهش تولید ناخالص ملی صورت می‌گیرد. همچنین اگر این وابستگی از طریق چند کشور محدود برطرف شود، خطر بروز شوک چندین برابر می‌شود. آسیب‌پذیری اقتصاد ایران از واردات را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد: یکی، وابستگی به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و مواد اولیه بنگاه‌های تولیدی کشور (بخش از اقتصاد ایران، میزان ۵۵ درصد از واردات کالا در سال ۱۳۹۰، کالای واسطه‌ای و ۱۵ درصد کالاهای سرمایه‌ای در کشور بوده است. از این رو در صورت تغییرات ناگهانی قیمت ارز، بحران‌های جهانی و تحریم‌های جهانی، تولید ملی تحت تأثیر و در معرض خطر قرار می‌گیرد. برای ارزیابی میزان وابستگی به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای می‌توان از نسبت مجموع کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به کل واردات استفاده کرد. مشخص است که هر چه میزان این شاخص کمتر باشد، میزان وابستگی کمتر خواهد بود.

♦ وابستگی به مبادی محدود

یکی دیگر از آسیب‌پذیری‌های تجارت خارجی، وابستگی واردات به مبادی محدود است. جدای از میزان واردات و درصد کالاهای واسطه، خود وابسته بودن واردات به مبادی محدود نیز کشور را در معرفی ریسک قرار خواهد داد. بیشترین واردات ایران از کشورهای امارات، چین و هند به ترتیب با ۲۴-۲۸ و ۱۱ بوده است. هر قدر کالاهای وارداتی راهبردی‌تر و ضروری‌تر برای کشور باشد، وابستگی آن به یک مبدأ واردات، آسیب‌پذیری اقتصاد را بیشتر خواهد کرد.

تولیدات یک کشور محدود باشد و طیف محدودی از کالاها را تولید کند. آن گاه برای تأمین سایر نیازهای خود باید به واردات کالا و خدمات با واردات سرمایه روی بیاورد.

♦ وابستگی به صادرات یک کالای خاص و مقصد صادراتی

یکی از پرداختن به موضوع اقتصاد مقاومتی در کشور، مساله وابستگی صادراتی است: وابستگی نیمی از صادرات کشور به یک محصول خاص که موجب خواهد شد در صورت ایجاد اختلال در صادرات آن محصول، هم بخش وسیعی از تولید و اشتغال داخل و هم سهم قابل توجهی از درآمدهای ارزی کشور دچار نقصان شود و کشور را در معرض خطر قرار دهد که این خطر به دلیل وابستگی کشور است. در واقع، محدود بودن کالاهای صادراتی یا مقصد صادرات باعث افزایش ریسک تجارت بین‌المللی می‌شود.

در ایران عمده صادرات کشور را نفت و مشتقات آن تشکیل می‌دهد؛ به نحوی که سهم صادرات غیرنفت رقمی بین ۲۵ تا ۳۰ درصد است. این موضوع اقتصاد را در معرض آسیب قرار خواهد داد. یکی وابستگی درآمدی و ارزی کشور به یک کالای خاص و دیگری، ضعف در تولید و عدم رقابت پذیر بودن صنایع تولیدی داخلی برای رقابت با خارج و افزایش صادرات غیرنفتی در کشور در واقع، افزایش صادرات به تنهایی نمی‌تواند از آسیب‌پذیری کشور جلوگیری کند، بلکه در کنار افزایش صادرات تنوع بخشی به صادرات و تنوع به مقاصد صادراتی نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. علاوه بر تنوع بخشی به محصولات صادراتی، تنوع

اقتصاد انجام شده است نشان می‌دهد، بیشتر این آسیب‌ها ناشی از این فرض است که برخی از ویژگی‌های ذاتی و ساختاری اقتصاد موجب می‌شوند که اقتصادها در معرض شوک‌های ناخواسته قرار بگیرند.

این ویژگی‌ها شامل: درجه باز بودن اقتصادی وابستگی به واردات کالاهای راهبردی و سرمایه‌ای، وابستگی به صادرات یک کالای خاص یا مقصد صادراتی و دولتی بودن اقتصاد هستند. حال درجه باز بودن اقتصاد به معناست که هر چه جمع صادرات و واردات به کل تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد، درجه باز بودن اقتصاد نیز بیشتر است. این نسبت بطور متعارف در اقتصادهای موسوم به پیشرفته بین ۳۰ تا ۶۰ درصد است، اما در کشورهای شرق آسیا و در آستانه بحران ۱۹۹۷، بیش از ۱۰۰ درصد و گاه به ۲۰۰ درصد رسیده بود.

در این شرایط یک اختلال خارجی در صادرات یا واردات با ورود و خروج سرمایه، امواج بزرگی در اقتصاد ایجاد خواهد کرد و به علت سهم بالای تجارت خارجی در اقتصاد، توقف در تجارت کالایی یا مالی موجب سکته در کل اقتصاد خواهد شد. این اتفاقی بود که در بحران ۱۹۹۷ ابتدا در بازارهای مالی شرق آسیا (که وابسته به سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌گذاران خارجی بود) و سپس در سایر بخش‌ها رخ داد. درجه بالای باز بودن اقتصاد، کشور را به سوی شرایطی سوق خواهد داد که قابل کنترل در برابر تکانه‌های خارجی نخواهد بود. درجه باز بودن اقتصاد تا حد بسیار زیادی از ویژگی‌های ذاتی اقتصاد است که از توانایی اقتصاد برای تولید طیف وسیعی از کالا و خدمات به منظور تأمین تقاضای کل ناشی می‌شود. اگر میزان

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

فشار اقتصادی روی ایران بیشتر می شود

◆ کاهش فروش نفت حتی قبل از اجرایی شدن تحریم

در ماه جولای تولید نفت ایران ۵۶ هزار بشکه در روز نسبت به ماه قبل از آن کاهش یافت در حالی که مقایسه میزان تولید ایران با تولید در ماه می حکایت از کاهش ۱۵۰ هزار بشکه ای تولید در هر روز داشت. مطالعات انجام شده توسط رویترز نشان داد در ماه اوت سال جاری صادرات نفت ایران به ۰۶۲ میلیون بشکه در هر روز رسیده است در حالی که پیش از این ماه ایران روزانه ۱۶۲ میلیون بشکه نفت صادر می کرد. از طرف دیگر بعد از امضای برجام در سال ۲۰۱۵ میلادی، ایران تمرکز بیشتری روی توسعه روابط اقتصادی با کشورهای آسیایی کرد و نتیجه این کار تبدیل شدن دو کشور چین و هند به اصلی ترین خریداران نفتی ایران شد به همین دلیل است که اگر ایران بتواند این دو کشور را به ادامه خرید نفت از کشورش متقاعد کند، دیگر ترامپ از هدف اصلی خود که رساندن درآمد نفتی کشور به مرز صفر است دور خواهد شد. اروپا سومین خریدار بزرگ نفت ایران است که با وجود اینکه بارها در مورد ادامه همکاری با ایران بعد از خروج آمریکا از برجام صحبت کرده است و در تلاش است تا راهکارهایی را برای این مساله ارائه دهد، تاکنون نتوانسته است فضا را برای این همکاری باز کند. مقامات ایران هم از اینکه هنوز اروپا سازوکاری عملی برای کسب منفعت ایران از توافقی که برای حصول آن بیش از یک دهه زمان صرف شد، تنظیم نکرده است، ناراضی هستند. ولی وزن زیاد اقتصاد آمریکا در دنیا، استفاده این کشور از ابزار تحریم و سهم

اعضای دولت و برکناری شماری از اعضای اقتصادی دولت باعث می شود تا فشار زیادی به دولت ایران وارد شود و این مساله قدرت ایران در مواجهه با مسائل جهانی را نیز کم کرده است. اما با وجود اینکه شاخص های اقتصادی ایران بسیار ضعیف است، ولی تندرورها در ایران بزرگ ترین شکست روحانی در این دوره ریاست جمهوری او را در عرصه اقتصادی نمی دانند بلکه بر این باور هستند که او در ابعاد سیاسی بسیار ضعیف عمل کرده است و نتیجه همین ضعف در حوزه سیاسی است که افول اقتصادی را به همراه آورده است. آنها بر این باورند که دولت روحانی با اعتماد به آمریکا در زمان مذاکرات و امضای توافق هسته ای در سال ۲۰۱۵ میلادی بزرگ ترین اشتباه را انجام داد و خروج دولت ترامپ از توافق هسته ای در ماه می سال ۲۰۱۸ میلادی هم تاییدی بر غیرقابل اعتماد بودن سیاست های آمریکا در قبال ایران است. این افراد مذاکره ایران با آمریکا در مورد مساله هسته ای که منجر به توافق برجام در سال ۲۰۱۵ شده بود را نتیجه یک محاسبه نادرست در مورد روابط کشورها و یک ارزیابی اشتباه در مورد قابل اعتماد بودن آمریکا می دانند. همین دیدگاه در میان بخش زیادی از مقامات ارشد ایران است که موضع رئیس جمهوری ایران را در کشور سخت تر کرده است و فشار اقتصادی هم ناشی از بازگشت تحریم های اقتصادی هم بر مشکلات کشور افزوده است.

ظرف کمتر از دو ماه آینده، تحریم نفتی آمریکا علیه ایران آغاز می شود ولی حتی پیش از اجرا شدن این تحریم هم اقتصاد ایران، با شرایط بسیار سختی روبرو است. بررسی آمارهای اقتصادی ایران نشان می دهد که بخش های مختلف اقتصاد با کمبود نقدینگی و بحران مالی دست و پنجه نرم می کند و افت ارزش پول کشور سرعت گرفته است. این نشانه های بحران در اقتصاد کشوری که دومین ذخایر نفتی را در سازمان کشورهای صادرکننده نفت دارد، حکایت از بحرانی عمیق تر و ریشه دارتر در اقتصاد است.

سایت اوپل پرایس نوشت: ارزش پول ملی ایران، ریال از ابتدای سال جاری تاکنون یک سوم شده است و از آنجا که روند سقوط ارزش پول این کشور ادامه دارد، بازار سیاهی برای مبادله دلار در این کشور ایجاد شده است. بازاری برای تبدیل دارایی های مردمی که خواهان خرید دلار هستند تا مانع از کمتر شدن ارزش دارایی های خود شوند. این بحران اقتصادی سبب شد تا دولت اقدام به اخراج شماری از اعضای کلیدی اقتصادی خود کند، به این امید که افراد تازه بتوانند از عمق فاجعه در اقتصاد کشور بکاهند. در ماه جولای، رئیس بانک مرکزی ایران برکنار شد، در اوایل ماه اوت سال جاری وزیر کار از سمت خود کنار گذاشته شد و در هفته های اخیر خبر از برکناری وزیر اقتصاد ایران مخابره شد. ولی با وجود تمامی این تحولات هنوز نشانه ای از بهبود اوضاع اقتصادی مشاهده نمی شود.

علی واعظ رئیس پروژه ایران در گروه بین المللی بحران به وال استریت ژورنال گفت: استیضاح



بالای منفعت اقتصادی شرکت‌هایی که با آمریکا کار می‌کنند همگی مانع از این می‌شود که اروپا بتواند منافع مد نظر ایران را تامین کند.

نکته مهم دیگر این است که هنوز تحریم نفتی ایران شروع نشده است و بدون شک زمانی که این تحریم از سر گرفته شود، فشار بر اقتصاد ایران، فشار بر بازار ارز، فشار بر قیمت کالاها و فشار بر مردمی که با دستمزدهای ثابت زندگی می‌کنند بیشتر خواهد شد. البته به دلیل تقابل خواسته‌های آمریکا با چین، روسیه، ترکیه و شمار دیگری از کشورهای حامی ایران، انتظار نمی‌رود صادرات نفت ایران به صفر برسد ولی رسیدن حجم صادرات به مرز ۱ میلیون بشکه در روز بسیار محتمل و البته خوش‌بینانه است.

کاهش درآمد صادراتی نفت باعث افت درآمد دولت می‌شود و اگر قیمت نفت در اثر حذف ایران در بازار جهانی افزایش چشمگیری پیدا نکند، می‌توان انتظار داشت ارزش ریال ایران در بازار باز هم نصف شود. مرکز مطالعاتی بیزینس مانیتور در گزارش اخیر خود از انقباض اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۹ میلادی خبر داد و نوشت: اقتصاد ایران دیگر توان رشد نخواهد داشت زیرا نفت نبض اقتصاد ایران است و شبکه بانکی پویا هم مانند رگ‌هایی عمل می‌کنند که خون را در اقتصاد کشور به جریان می‌اندازند. حال هر دو بخش مهم اقتصادی کشور از کار افتاده است و دیگر توانی برای رشد باقی نخواهد ماند. انتظار می‌رود اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۹ میلادی با نرخ ۴ درصد منقبض شود، فرصت‌های شغلی بیشتری از بین برود، تورم افزایش یابد و بحران مالی بزرگ‌ترین گریبانگیر دولت شود.

◆ تاثیر تحریم‌های پیش رو بیشتر خواهد بود

آمریکا بر این باور است که کاهش فروش نفت ایران شکاف‌های سیاسی و اقتصادی را در کشور عمیق‌تر خواهد کرد زیرا این بار آمریکا هیچ کشوری را از خرید نفت ایران معاف نکرده است و در نظر دارد فشار بر اقتصاد کشور را تا آنجا افزایش دهد که مقامات ایران به پای میز مذاکره بازگردند ولی هیچ یک از تحلیلگران سیاسی هم با

توجه به ساختار کنونی دولت آمریکا، سیاست‌های ترامپ در مقابل کشورهای خارجی و توافقی‌های بین‌المللی تصور نمی‌کند که ایران وارد این مسیر شود. هر چند که به نظر می‌رسد مذاکره دوباره با آمریکا و البته حصول نتیجه مطلوب بعد از این مذاکرات، تنها راهی است که می‌تواند اقتصاد ایران را نجات دهد.

◆ تاثیر تحریم‌ها روی قیمت نفت

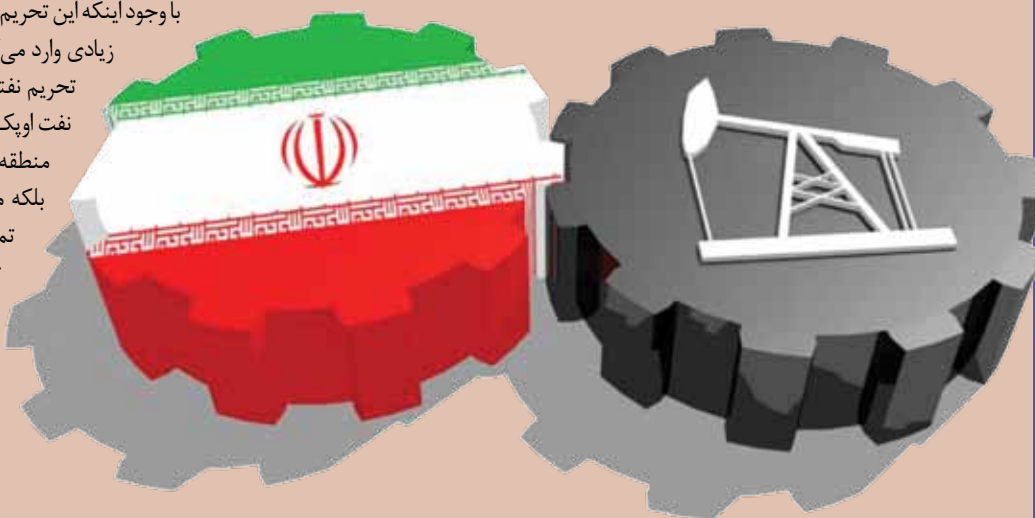
در مورد قیمت نفت بعد از اجرایی شدن تحریم‌های نفتی ایران و حذف بخش زیادی از نفت ایران از بازار نمی‌توان نظری کلی ارائه داد ولی بدون شک کاهش عرضه زمینه‌ساز افزایش قیمت می‌شود. ضمن اینکه این کاهش عرضه همراه با بالا گرفتن اختلاف بین ایران و آمریکا است که تنش‌های ژئوپلیتیکی در خاور میانه را نیز افزایش خواهد داد. آمریکا در تلاش است تا با همراه کردن کشورهای تولیدکننده نفت با خود، زمینه را برای جبران نفت ایران در بازار فراهم کند. ضمن اینکه این کشور هم‌اکنون یکی از تولیدکنندگان بزرگ در دنیا است و خود می‌تواند بخشی از نیاز بازار را تامین کند. بررسی آمارهای تولید نفت در کشورهای اوپک در ماه‌های اخیر نشان می‌دهد آمریکا در اجرای این سیاست موفق عمل کرده است زیرا در ماه اوت تولید ماهانه نفت اوپک رشد کرد ولی پیش‌بینی حذف ایران از بازار نفت در ماه‌های پیش رو مانع از کاهش قیمت این منبع انرژی در بازار جهانی شد.

بانک آمریکا در گزارش خود نوشت: افزایش عرضه نفت در بازار جهانی باعث می‌شود تا قیمت نفت تا انتهای سال جاری بین ۶۵ تا ۸۰ دلار باشد ولی تاثیر منفی حذف نفت ایران از بازار از فصل اول سال ۲۰۱۹ مشاهده خواهد شد و ما انتظار سه رقی شدن قیمت هر بشکه نفت در بازار جهانی را داریم. تجربه‌ای که با تحریم نفتی قبلی هم تکرار شد و انتظار می‌رود این بار هم مشاهده شود. آژانس بین‌المللی انرژی هم در گزارش ماهانه خود به تاثیر تحریم نفتی ایران روی بازار نفت جهانی اشاره کرد و نوشت: با اجرایی شدن تحریم نفتی ایران از روز ۴ نوامبر سال ۲۰۱۸، تامین نفت مورد نیاز دنیا دشوار خواهد بود. زیرا هم‌اکنون در

کشورهای تولیدکننده‌ای مانند ونزوئلا، لیبی، عراق و شمار دیگری از کشورهای نفت‌خیز بحران‌های داخلی وجود دارد و این بحران‌ها مانع از این می‌شود که آنها با حداکثر توان خود نفت به بازار عرضه کنند. به نظر می‌رسد چالش بزرگی که در فصل آخر سال جاری و فصل اول سال بعد پیش روی اقتصاد دنیا است، بزرگ‌تر از چیزی است که تصورش را می‌کردیم. کشورهای تولیدکننده باید ذخایر استراتژیک را وارد بازار کنند ولی در صورتی که تحریم نفتی ایران ادامه پیدا کند و راه‌حلی دیپلماتیک برای این مساله پیدا نشود، بازار نفت روزهای سختی را پیش رو خواهد داشت.

◆ آیا چین و هند خریدار نفت ایران باقی می‌مانند

اصلی‌ترین سسوالی که این روزها در تمامی رسانه‌ها مطرح می‌شود و کارشناسان در تلاش برای پاسخگویی به آن هستند، عکس‌العمل دو کشور چین و هند در مقابل تحریم نفتی ایران است. اغلب کارشناسان بر این باورند که بطور قطع این دو کشور خرید نفت از ایران را به صفر نمی‌رسانند ولی اینکه چقدر خریدشان از ایران را کاهش می‌دهند هم اهمیت زیادی دارد. اخبار نشان می‌دهد چین در نظر ندارد خریدش را از ایران کمتر کند حتی در نظر دارد رابطه خود با ایران را تقویت هم بکند. هند هم با وجود تلاش‌های آمریکا قصد ندارد خریدش از ایران را به صفر تقلیل دهد و اخیراً اعلام کرده است واردات نفت خود از ایران را به نصف سطح کنونی تقلیل می‌دهد در صورتی که امکان خرید نفت معادل نصف میزان کنونی را داشته باشد و مشمول تحریم‌های آمریکا نشود. جالب اینجاست که در ماه‌های اخیر این دو کشور حتی بیش از قبل از ایران نفت خریدند تا بخشی را برای تامین نیازهای آتی ذخیره کنند. البته آنها اعلام کردند که این سیاست موقتی است. در پایان باید گفت که تحریم نفتی ایران یکی از بزرگ‌ترین مسائل دنیای امروز است، مسال‌های که روی قیمت نفت، توازن در این بازار و در نهایت اقتصاد دنیا تاثیر دارد و حتی می‌تواند سطح روابط اقتصادی در دنیای آینده را نیز تعیین کند بنابراین با وجود اینکه این تحریم‌ها به اقتصاد ایران فشار زیادی وارد می‌کنند ولی نمی‌توان از تحریم نفتی دومین تولیدکننده نفت اوپک به عنوان یک موضوع منطقه‌ای یا کشوری یاد کرد، بلکه مسال‌های که روی تمامی کشورهای دنیا تاثیر منفی خواهد داشت و بخشی از این اثرات غیرقابل جبران خواهد بود.



سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

بسیار خطرناک



ایران توانست ۲۰۱ میلیون بشکه نفت در هر روز به بازارهای جهانی صادر کند. ایران به مدد قیمت بالای نفت توانست در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ میلادی ۱۳۲٫۶ میلیارد دلار ذخیره ارزی به دست آورد که از این ذخیره ارزی برای تامین نیازهای جاری در روزهای سخت اقتصادی استفاده کند. انتظار می‌رفت در صورت جذب سرمایه‌های خارجی و توسعه زیرساخت‌های صنعت نفت، میزان صادرات نفت ایران دو برابر شود ولی با آغاز تحریم‌ها دیگر این وضعیت محقق نخواهد شد. این بحران درآمدی ناشی از آغاز تحریم‌های نفتی برای کشوری که با نرخ بیکاری ۱۰٫۴ درصدی - نرخ بیکاری رسمی - مواجه است و نرخ تورم ماهانه نزدیک به ۱۰ درصد را تجربه می‌کند می‌تواند بسیار خطرناک باشد.

♦ تحریم‌های سال ۲۰۱۸

در روز ۸ می سال ۲۰۱۸ میلادی بعد از کشمکش‌های زیادی که سران اروپایی با ترامپ داشتند و درخواست‌های مکرری که در مورد باقی ماندن او در توافق انجام می‌دادند، بالاخره آمریکا رسماً از توافق هسته‌ای خارج شد و وضع مجدد تحریم‌ها را اعلام کرد. او برای بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای زمان‌بندی ارائه داد ولی حتی قبل از رسیدن به آن زمان‌بندی اجرای تحریم‌ها به خصوص تلاش برای مانع تراشی در مسیر صادرات نفت ایران آغاز شد. آمریکا اعلام کرده است که این بار می‌خواهد درآمد

نیود ولی باید در نظر داشت که این کشور به تدریج توانسته بود از بحران خارج شود. تدریجی بودن این روند از پیش قابل پیش‌بینی بود ولی عدم همکاری بسیاری از شرکت‌ها و بانک‌ها با ایران به دلیل نگرانی از سیاست‌های ترامپ در آمریکا باعث شد تا روند توسعه اقتصادی در این کشور کندتر از انتظار شود.

آمارها نشان می‌دهد بعد از امضای توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ میلادی و برداشته شدن بخشی از تحریم‌ها از جمله تحریم نفتی اقتصاد ایران در مسیر رشد قرار گرفت. ایران توانست از فوریه سال ۲۰۱۶ میلادی صادرات نفت به اروپا را از سر بگیرد. این اولین محموله صادراتی نفت ایران به اروپا طی سه سال منتهی به فوریه ۲۰۱۶ بود و موفقیت بزرگی برای اقتصاد ایران محسوب می‌شد. در این زمان ایران توانست ۴ میلیون بشکه نفت به کشورهای فرانسه و اسپانیا و روسیه صادر کند. اصلی‌ترین بازارهای صادراتی نفت ایران کشورهای چین و هند و کره جنوبی و ترکیه و ژاپن بودند.

رشد صادرات نفت برای کشوری که ۸۰ درصد از درآمد صادراتی خود را از صادرات نفت تامین می‌کند به معنای باز شدن شاهراه اقتصادی کشور است و به همین دلیل بود که نه تنها نرخ رشد اقتصادی افزایش یافت بلکه زیرساخت‌های اقتصادی کشور هم به تدریج اصلاح شد. این کشور پنجمین صادرکننده بزرگ نفت در دنیا است و افزانه ۴ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند. در سال ۲۰۱۷ میلادی

تا تحریم نفتی ایران چند ماهی باقی مانده است ولی هر روز اخباری در مورد درخواست مقامات آمریکایی برای تسریع اجرایی شدن تحریم‌ها به گوش می‌رسد. درخواست‌هایی که اخیراً از طرف سنا مطرح شد. آنها مدعی بودند که تحریم‌های کنونی اقتصادی علیه ایران به اندازه کافی اثر گذار نیست و باید تحریم‌های نفتی و بانکی زودتر از چهارم نوامبر اجرایی شود. آنها قطع ارتباط بانکی ایران با سوئیفت را از مقامات آمریکایی خواستند حال آنکه به این سیاست انتقادات زیادی وارد شده است.

اما سوال این است که تاثیر تحریم‌های اقتصادی روی ایران چقدر است؟ آیا به راستی اثر اقتصادی تحریم‌ها در ایران مشاهده نشده است و ایران توانسته فشار تحریم‌ها را به حداقل برساند؟ طبق گزارش اخیر مرکز اطلاعاتی thebalance، در سال ۲۰۱۷ میلادی ارزش تولید ناخالص داخلی ایران ۱۶۳ هزار میلیارد دلار بود و این کشور نوزدهمین اقتصاد بزرگ دنیا بود. در این سال ارزش تولید ناخالص داخلی ایران ۳٫۵ درصد رشد کرد و بخش‌های مختلف اقتصاد به تدریج از رکود خارج شد. شاید اصلی‌ترین و مهم‌ترین بخشی که در این سال از رکود خارج شده باشد بخش مسکن باشد که در این سال فروش مسکن در ایران رشد کرد و فعالیت‌های ساختمانی هم بیشتر شد. البته باید در نظر داشت که عملکرد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۷ میلادی یعنی دو سال بعد از امضای توافق هسته‌ای مانند سال‌های قبل از تحریم

ایران از فروش نفت را به صفر برساند و در جهت تحقق این هدف از عربستان و روسیه خواست تا عرضه خود را افزایش دهند. از طرف دیگر تحریم کشورهای که نفت ایران را خریداری می کنند هم سیاست دیگری است که قرار است اجرا شود. به دلیل سیاست های پیشنهادی آمریکا بود که گزارش هایی از بی مشتری ماندن نیمی از نفت آماده برای صادرات ایران ماه ها قبل از شروع تحریم ها منتشر شد.

به هر حال به دنبال تحریم های آمریکا علیه ایران به تدریج قیمت نفت در بازار جهانی رشد کرد و تا مرز ۸۰ دلار هم بالا رفت. سرمایه گذاران بازار نفت بر این باور هستند که توقف عرضه نفت ایران می تواند قیمت را تا مرز ۱۰۰ دلار افزایش دهد. بانک اچ اس بی سی در گزارش اخیر خود اعلام کرده است که تصمیم ترامپ برای بازگرداندن تحریم ها علیه ایران حتی پیش از اجرایی شدن این تحریم ها قیمت نفت را ۱۰ دلار افزایش داد و اجرایی شدن آن می تواند افزایش ۴۰ درصدی قیمت هر بشکه نفت را به همراه داشته باشد.

البته این پیش بینی در صورتی محقق می شود که کشورهای دیگر از تحریم وضع شده توسط آمریکا تبعیت کنند. اخیرا اخباری منتشر شده است مبنی بر اینکه کشورهای ترکیه و چین و شماری از کشورهای اروپایی تمایلی به تبعیت از تحریم های نفتی آمریکا ندارند و به خرید نفت از این کشور ادامه می دهند.

بنابراین شواهد نشان می دهد که تحریم نفتی ایران و تهدیدهای آمریکا مبنی بر رساندن درآمد نفت ایران به صفر می تواند زمینه را برای افزایش قیمت نفت و گذشتن آن از مرز ۱۴۰ دلار فراهم کند. رکوردی که در دور قبلی تحریم نفتی ایران شکسته شد. در این شرایط بخشی از کاهش حجم صادرات نفت ایران با افزایش درآمد ناشی از افزایش قیمت نفت جبران می شود و تاثیر مخربی که قرار بود روی اقتصاد ایران گذاشته شود تقلیل پیدا می کند. ولی محدودیت های دیگری که برای ایران وجود خواهد داشت می تواند تاثیر مخرب کاهش فروش نفت را بیشتر نشان دهد.

♦ تحریم فروش دلار به ایران

یکی از مخرب ترین تحریم ها، تحریم فروش دلار به ایران و تحریم بانکی است. در واقع علاوه بر اینکه تحریم های بانکی و تحریم سوئیفت ایران را از دسترسی به بازارهای مالی بین المللی محروم می کند و امکان انتقال پول به ایران را از بین می برد، تحریم فروش دلار به ایران حتی امکان انتقال پول های حاصل از فروش نفت ایران که در بانک های خارجی وجود

دارد به کشور را نیز از بین برده است و این اوج مشکلات اقتصادی است. همین تحریم بود که باعث شد تا قیمت دلار در بازار ایران افزایش یابد و ارزش پول ملی ایران تنزل یابد. همین افت ارزش پول ملی واردات را نیز را گران تر می کند و کالاهای وارداتی موجود در بازار ایران را بدون مشتری می گذارد. تورم حاصل همین بحران است و بدون شک نرخ تورم تا انتهای سال جاری رشد بی سابقه ای پیدا خواهد کرد. همچنین آمریکا خرید اوراق قرضه دولتی ایران را نیز ممنوع اعلام کرده است و کشورهای مختلف را از فروش طلا و فلزات ارزشمند به ایران منع کرد. تحریم بخش خودروسازی و قطعات خودرو از دیگر تحریم هایی بود که به اقتصاد ایران آسیب وارد خواهد کرد.

باید در نظر داشت که طلا و دلار به عنوان منابعی که در بانک مرکزی نگهداری می شود و به بانک کمک می کند تا ارزش پول ملی را ثابت نگه دارد و عدم وجود این پشتوانه ها بدون شک زمینه را برای نوسان بیشتر ارزش پول ملی فراهم می کند. این نوسان ها بی ثبات کننده است و اقتصاد را با چالش های بزرگی روبرو خواهد کرد. چالش هایی از قبیل عدم وجود زمینه مناسب برای سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی، در کشور که به تدریج افت نرخ رشد اقتصادی، رکود، تورم، بیکاری و بحران های بزرگ اقتصادی را به همراه می آورد.

همچنین صنعت خودروسازی یکی از بزرگ ترین صنایع فعال در ایران است که برای شمار زیادی از مردم در کشور فرصت شغلی ایجاد کرده است. تحریم صنعت خودروسازی که باعث شد تا شمار زیادی از شرکت های اروپایی فعال در ایران از بازار خارج شوند و خرید قطعات خودرو به ایران محدود و بسیار پر هزینه شود، می تواند این صنعت را نیز با چالش روبرو کند. ضمن اینکه بحران تورمی ناشی از افت ارزش پول ملی و کاهش پشتوانه ارز و طلای بانک مرکزی برای حمایت مالی از اقتصاد باعث خواهد شد تا قدرت خرید مردم هم کمتر شود و خودروهای گران قیمت داخلی خریداری در بازار داخل نداشته باشند. از طرف دیگر انحصاری شدن بازار خودرو در ایران، عدم همکاری شرکت های اروپایی با خودروسازی ایران و بحران های مرتبط با این صنعت باعث خواهد شد تا کیفیت محصولات ایران کمتر از دیگر محصولات موجود در بازار باشد و حتی اگر کشوری برای صادرات خودروهای ایرانی وجود داشته باشد، متقاضی برای خرید این خودروها وجود نداشته باشد. در واقع بازار صادرات خودروی ایران محدودتر می شود و یکی دیگر از منابع درآمدی دولت هم از بین می رود.

♦ آیا اروپا می تواند برجام را حفظ کند؟

بعد از خارج شدن آمریکا از توافق هسته ای، اروپا شدیداً این عمل را محکوم کرد و اعلام کرد تا تلاش می کند تا ایران از منافع برجام بهره مند باقی بماند و توافق را ترک نکند. اما تاکنون نتوانسته است تضمین های عملی برای این کار به ایران بدهد زیرا به گفته مقامات اروپا، آمریکا وزنه های بسیار مهم و قدرتمند در اقتصاد دنیا است. نادیده گرفتن سیاست های این وزنه بزرگ اقتصادی برای اروپا کار بسیار دشواری است به خصوص که تعاملات گسترده اقتصادی بین اروپا و آمریکا وجود دارد.

با این شرایط اروپایی ها حتی در صورت تمایل برای همکاری اقتصادی با ایران و حفظ توافق هسته ای بدون آمریکا، هم نمی توانند چندان اثر گذار باشند. البته هم اکنون هم با وجود اینکه اروپا خواستار ادامه همکاری با ایران است ولی شرکت های بزرگ اروپایی به دلیل داشتن منافع زیاد در آمریکا از همکاری با ایران سرباز زده اند و بازار ایران را ترک کردند. اروپا اعلام کرده بود که شرکت های متوسط و کوچک را برای فعالیت در بازار ایران به کار خواهد گرفت ولی با تشدید فشارهای تحریم به خصوص منع انتقال پول و ارتباط بانکی با ایران دیگر راهی برای فعالیت نخواهد بود. ضمن اینکه شرکت های کوچک و متوسط اروپایی قدرت عمل چندان زیادی در عرضه های مختلف اقتصادی و صنعتی ندارند و در فرآیند اجرای پروژه ها به خدمات شرکت های بزرگ محتاج خواهند شد که این شرکت ها هم برای حفظ منافعشان در بازار آمریکا، با ایران یا شرکت های فعال در ایران همکاری نمی کنند.

در پایان باید گفت با وجود اینکه مقامات آمریکا خواستار تسریع وضع تحریم ها و تشدید تحریم ها علیه اقتصاد ایران هستند و مدعی هستند که این تحریم ها فشار زیادی به اقتصاد وارد نکرده است، آمارهای بیکاری، ارزش پول ملی، نرخ رشد اقتصادی و تورم نشان می دهد که تاثیر تحریم ها روی اقتصاد کشور مشهود است. اگر از صاحبان کسب و کار در ایران سوال کنید همه از وضعیت کار ناراضی هستند و گلایه مند هستند که حتی اجازه مغازه های خود را نیز نمی توانند تأمین کنند چه برسد به سود و هزینه های جاری خانواده. در این شرایط این سوال ایجاد می شود که بعد از آغاز تحریم نفتی اوضاع اقتصاد ایران چگونه خواهد بود؟ آیا مقامات اقتصادی کشور می توانند به اقتصاد کمک کنند تا این چالش را ساده تر پشت سر بگذارد یا اینکه ما تجربه ای مشابه تجربه اقتصاد ونزوئلا را خواهیم داشت.

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

ایران در سهراهی مقابله با تحریم‌ها



انتظار اینکه که عربستان سعودی و دیگر کشورهای عضو اوپک بتوانند بعد از تاریخ ۴ نوامبر میزان تولید نفت خود را به حدی برسانند که کمبود نفت ایران در بازار را جبران کنند، انتظاری بسیار خوش‌بینانه است. ممکن است این کشورها برای دوره‌ای کوتاه تولید خود را افزایش دهند ولی نه از نظر فنی و نه از نظر سیاسی توان لازم برای ادامه این کار برای دراز مدت وجود ندارد. تداوم افزایش تولید نفت توسط کشورهای اوپکی و روسیه باعث می‌شود تا ساختار این کارتل نفتی آسیب ببیند که برای هیچ یک از کشورهای عضو کارتل مطلوب نیست. از طرف دیگر ایران در مقابل این فشارهای اقتصادی که اتفاقاً بعد از سال‌ها دیپلماسی بر کشور وارد شده است ساکت نخواهد ماند و هر پاسخی که برای مقابله با این فشارها در نظر بگیرد مستقیماً روی بازار نفت و در نهایت اقتصاد کشور تاثیر خواهد داشت. هلیما کرافت رئیس مرکز مطالعات کالاهای اساسی و استراتژیک در بانک «آر بی سی» بر این باور است جنگ تجاری ایجاد شده بین آمریکا و کشورهای اروپایی و چین در کنار بحران ارزی موجود در کشورهای در حال توسعه و بازارهای در حال گذار می‌تواند مانعی بزرگ در مسیر افزایش قیمت نفت باشد ولی تاثیر این دو عامل در مقابل تاثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی احتمالی در کشورهای نفت خیز خاورمیانه و بالا گرفتن جنگ‌های منطقه‌ای و داخلی بسیار کم است. تحریم نفتی ایران

و تشدید فشار اقتصادی بر این کشور باعث می‌شود تا خطر تنش‌های ژئوپلیتیک در خاورمیانه افزایش یابد و این خطر می‌تواند زمینه را برای افزایش غیر قابل اغماض قیمت نفت در بازار فراهم کند.

♦ پاسخ ایران چه خواهد بود

کشورهای اروپایی با سیاست ترامپ مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای مخالف هستند، رهبران اروپایی در سفرهایی که پیش از خارج شدن آمریکا از توافق به واشنگتن داشتند بر این نکته تاکید کردند که توافق هسته‌ای، بهترین توافق ممکن با ایران است و حفظ آن اهمیت زیادی دارد ولی دولت آمریکا بدون توجه به نظر هم‌پیمانانش از این توافق خارج شد و هزینه‌های زیادی را به اقتصاد دنیا تحمیل کرد. اولین نتیجه این سیاست یکجانبه‌گرایی، فاصله افتادن بین آمریکا و کشورهای اروپایی است. این دو منطقه که همیشه دوست و هم‌پیمان بودند، حال با هم اختلافات زیادی دارند و این اختلافات در سیاست‌های اقتصادی و سیاست خارجی بروز کرده است. حال صداهایی از اروپا شنیده می‌شود مبنی بر اینکه این منطقه باید استقلال خود را حفظ کند و پشت سر آمریکا حرکت نکند. ولی بزرگی اقتصاد آمریکا و تاثیرگذاری سیاست‌های اقتصادی و حتی واحد پولش در تعاملات تجاری و اقتصادی دنیا اجازه نمی‌دهد که دنیا به این کشور پشت کند و باید همراه با این کشور حرکت کرد.

از طرف دیگر ایران هم در مقابل سیاست‌های آمریکا ساکت نخواهد نشست و بر مبنای منافع خود یک راهکاری را برای پاسخ به این تهدیدها و تحریم‌ها در پیش می‌گیرد. در این شرایط تصمیم ایران در مورد نحوه عکس‌العمل در مقابل تهدیدهای آمریکا است که می‌تواند وضعیت امنیتی، اقتصادی و تجاری دنیا را تعیین کند و حتی تا اندازه زیادی در تعیین قیمت نفت در بازار جهانی اثرگذار باشد. سوالی که هر روز در رسانه‌های فعال در حوزه انرژی مطرح است و کارشناسان در پی یافتن پاسخ برای آن هستند، این است که پاسخ ایران به فشارهای یکجانبه آمریکا چیست؟ آیا اروپا می‌تواند توافق هسته‌ای ایران را حفظ کند و به همکاری با ایران ادامه دهد؟ آیا آمریکا به تهدید خود مبنی بر تحریم هر شرکت یا کشوری که با ایران همکاری می‌کند جامه عمل می‌پوشاند؟ احتمال درگیری نظامی بین ایران و آمریکا یا کشورهای خاورمیانه چقدر است و ایران چگونه می‌تواند از این خطر بزرگ برهد؟ از طرف دیگر پاسخ‌های مختلف ایران به فشارها چه تاثیری روی بازار نفت خواهد داشت؟ هلیما کرافت تحلیلگر بانک «آر بی سی» در پاسخ به این سؤالات به شبکه خبری «سی آن بی سی» گفت: پاسخ ایران به این تهدیدها را می‌توان تحت سه سناریو بررسی کرد. عکس‌العمل ایران در غالب هر یک از این سناریوها می‌تواند قیمت نفت در بازار جهانی و آینده اقتصاد دنیا را تحت تاثیر قرار دهد. وی سناریوها را این طور معرفی کرد:

◆ سناریوی اول: بازی انتظار

سناریوی بازی انتظار همین سناریویی است که ایران بعد از خارج شدن آمریکا از توافق هسته‌ای در پیش گرفت و حتی بعد از بازگشت تحریم‌های بانکی در ماه اوت هم به آن پایبند ماند. تحت این سناریو خطرات نظامی و امنیتی حداقل است و ایران تلاش می‌کند تا روابط اقتصادی خود را با کشورهای دوست و هم‌پیمان افزایش دهد بدون اینکه تنش ایجاد کند.

سناریوی بازی انتظار بعد از اجرایی شدن تحریم نفتی این است که ایران با پایبند ماندن به توافق هسته‌ای، با شرکای تجاری خود عملکردی دوستانه داشته باشد و تلاش کند تا مسائل دوجانبه را از طریق دیپلماسی مذاکره حل کند. در این وضعیت ایران از هر تحرک نظامی امتناع می‌کند و تلاش می‌کند تا فضا برای تحرکات نظامی در نزدیکی مرزهای کشورش هم فراهم نشود. این تحرکات نظامی هم شامل تحرک نظامی علیه یک کشور خاص و هم علیه منافع یک کشور در مناطق دیگر جهان می‌شود.

طبق این سناریو ایران هیچ کاری که باعث متشنج شدن فضا بشود انجام نمی‌دهد ولی اگر ترامپ در این مسیر حرکت کند بدون شک پاسخ خواهد داد. در این شرایط قیمت نفت بعد از تحریم نفتی ایران تغییر چندانی نمی‌کند و اگر تغییری ایجاد شود به دلیل فشار بر بازار عرضه خواهد بود.

بررسی عملکرد ایران طی چند ماه اخیر نشان داده است تاکنون هم ایران به تعهدات خود در توافق هسته‌ای پایبند بوده است. آژانس بین‌المللی انرژی هم پیش از اینکه آمریکا از توافق هسته‌ای خارج شود و هم بعد از خارج شدن این کشور از توافق بارها پایبندی ایران به توافق را تایید کرده بود. حال سوال این است که آیا بعد از بازگشت کامل تحریم‌ها در روز ۴ نوامبر سال ۲۰۱۸ میلادی، باز هم ایران به تعهدات برجامی خود پایبند می‌ماند یا خیر؟ پاسخ این سوال است که می‌تواند وضعیت سیاسی و اقتصادی دنیا را در سال‌های آتی مشخص کند.

کرافت ادامه داد: تاکنون ایران به این دلیل به توافق پایبند مانده بود که اروپا متعهد بود که ایران را از منافع برجام بهره‌مند کند ولی با گذشت چند ماه از خارج شدن آمریکا از توافق هسته‌ای شاهد این هستیم که شرکت‌های بزرگ اروپایی هم از ایران خارج شده‌اند و به همکاری خود با ایران پایان داده‌اند. شرکت‌هایی از قبیل توتال و زیمنس و پژو که سهم زیادی در بازار ایران داشتند ولی به دلیل منافع زیادی که در بازار

آمریکا داشتند، بعد از اجرایی شدن بخش اول تحریم‌ها از همکاری با ایران امتناع کردند. از طرف دیگر اروپا اعلام کرده است که قصد ادامه همکاری با ایران را دارد ولی به دلیل تحریم‌ها و فشارها تاکنون نتوانسته است در این زمینه موفقیتی به دست آورد. یورو نیز در این زمینه نوشت: ایران نتوانسته ضمانت‌های لازم برای منفعت بردن از پایبندی به برجام را از اروپا بگیرد و قرار بر این است که با حصول اطمینان از ناتوانی اروپا در دادن تضمین‌های لازم به ایران، این کشور فعالیت هسته‌ای خود را از سر بگیرد. از طرف دیگر ایران تهدید کرده است اگر اجازه صادرات نفت به این کشور داده نشود، شاهراه انتقال نفت در جنوب کشور را خواهد بست. این شاهراه مسیر انتقال روزانه ۱۹.۵ میلیون بشکه نفت است و بسته شدن آن به معنای بحرانی شدن اوضاع سیاسی و اقتصادی در دنیا است. در صورتی که ایران این تهدید را عملی کند، احتمال درگیری نظامی با آمریکا در محل تنگه هرمز وجود دارد که این درگیری می‌تواند بحرانی انسانی، اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیکی به همراه بیاورد. ولی در سناریوی بازی انتظار ایران از انجام هر کاری که زمینه‌ساز افزایش تنش باشد امتناع می‌کند و بسته شدن تنگه هرمز هم یکی از این سیاست‌ها است.

◆ سناریوی دو: تداوم تنش‌ها

سناریوی دوم این است که تنش‌های کنونی بین ایران و آمریکا ادامه پیدا کند و دامنه این تنش‌ها به روابط ایران در منطقه هم برسد. این سناریو خطرات ژئوپلیتیکی زیادی را به همراه دارد و می‌تواند زمینه را برای افزایش ۵ تا ۱۰ دلاری قیمت هر بشکه نفت در بازار فراهم کند. تحت این سناریو ایران فعالیت هسته‌ای تعلیق شده خود را از سر می‌گیرد ولی براس نشان دادن حسن نیت خود، به بازرسان بین‌المللی اجازه می‌دهد تا از سایت‌های هسته‌ای کشور بازدید کنند و تایید کنند که برنامه هسته‌ای ایران برای اهداف صلح‌آمیز است.

آغاز فعالیت هسته‌ای ایران بدون شک با اعتراض زیاد از طرف کشور اسرائیل روبرو می‌شود و احتمال درگیر شدن ایران و اسرائیل در خارج از مرزهای دو کشور وجود دارد ولی از آنجا که این درگیری به کشور نفت‌خیز ایران نمی‌رسد، تأثیرش روی قیمت نفت چندان زیاد نخواهد بود.

بالا گرفتن تلاش برای هسته‌ای شدن در خاورمیانه بعد از شروع فعالیت هسته‌ای ایران مساله دیگری است که نه تنها برای

منطقه بلکه برای کل جهان خطرناک است. به خصوص که در شماری از کشورهای خاورمیانه اعضای گروه داعش، طالبان و گروه‌های تروریستی مختلف فعالیت می‌کنند و خطر دسترسی این افراد به تجهیزات هسته‌ای می‌تواند منطقه و جهان را بحرانی کند.

◆ سناریوی سوم: تشدید تنش‌های بین ایران و غرب

سخت‌ترین سناریو و تأثیرگذارترین سناریو روی بازار نفت را می‌توان زمانی دانست که ایران به‌طور رسمی از توافق هسته‌ای خارج شود و سیاست‌های خصمانه‌ای در مقابل کشورهای غربی در پیش بگیرد. تحت این سناریو ایران ضمن خارج شدن از توافق هسته‌ای در حرکت کشتی‌های نفتی از تنگه‌هایی از قبیل هرمز و باب‌المندب اختلال ایجاد خواهد کرد، احتمال حملات سایبری به ایران در این سناریو وجود دارد تا از این طریق داده‌های موجود در ایستگاه‌های اطلاعاتی و داده‌پردازی از بین برود یا منتقل شود.

در این سناریو خطرات ژئوپلیتیکی بسیار زیاد است و زمینه برای افزایش بیش از ۱۵ دلاری قیمت هر بشکه نفت در بازار جهانی فراهم می‌شود. از طرف دیگر هرچه ایران فعالیت هسته‌ای خود را با قدرت بیشتری پیگیری کند، تمایل و سرمایه‌گذاری کشورهای دیگر خاورمیانه برای سرمایه‌گذاری در بخش هسته‌ای بیشتر می‌شود و امنیت منطقه زیر سوال می‌رود. تحت این سناریو تنها ایران نیست که با خطر جنگ روبرو است بلکه تمامی خاورمیانه به خصوص کشورهای عربستان و اسرائیل و یمن و عراق با خطر جنگ و درگیری خارجی و داخلی روبرو خواهند بود و شمار زیادی از مردم بی‌گناه در این کشورها جان خود را از دست خواهند داد. این سناریو سخت‌ترین سناریوی پیش روی ایران است، سناریویی که می‌تواند تنش را در کل منطقه افزایش دهد و قیمت نفت را به بالغ بر ۱۳۰ دلار برساند به خصوص اگر عربستان و ایران که هر دو کشور تولیدکننده نفت هستند تحت تأثیر این افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها قرار بگیرند.

در پایان باید گفت در شرایطی که هیچ یک از رهبران دنیا تمایلی به آغاز جنگ برای حل مساله و تنش ایجاد شده ندارند ولی اگر وضعیت را درست ارزیابی نکنند و تصمیم‌های عجولانه و نادرست اتخاذ کنند نه یک کشور و دو کشور بلکه کل خاورمیانه را دچار تنش می‌کنند و اقتصاد دنیا را با بحران قیمت بالای نفت روبرو می‌کنند.

سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان

سرای تجارت ایرانیان در آستراخان



زحمات اتاق گیلان در آماده‌سازی این سرا که با معماری زیبا با الهام گرفتن از معماری روسیه و ایران احداث شده است، یادآور شد که این سرا نه تنها در ارتباط دوجانبه ایران و آستراخان نقش اقتصادی خود را ایفا نماید بلکه بتواند مرکزی برای فعالیت کلیه کشورهای حوزه کاسپین باشد. به گفته رئیس اتاق ایران کشورهای حوزه خزر می‌باید ۷۰ درصد نیاز خود را مرتفع کرده اما آمارها حاکی از ۱۲ تا ۱۴ درصد است. وی افزود: در این دیدار بخش خصوصی آماده است و می‌باید به صورت جهشی این روابط را متحول کنیم.

در مراسم افتتاح سرای تجارت ایرانیان در آستراخان روسیه سفیر ایران در روسیه با اشاره به اینکه بهترین لحظات زندگی وی در روسیه احداث سرای تجارت ایرانیان در آستراخان است، چون این روابط ریشه در قرن شانزدهم دارد، گفت: تاریخ بین ایران و روسیه یک تاریخ غنی و دارای مراودات اقتصادی مشترک و برجسته بوده است. مهدی سنایی افتتاح سرای تجارتی در آستراخان را احیای همان نقش تاریخی حضور ایرانیان در

شود و همچنین برنامه‌ریزی شده است این سرا نمایندگی‌هایی را در شهرهای دیگر روسیه به ویژه در مناطق جنوبی آن ایجاد کند. شهر بندری آستراخان در دهانه رودخانه ولگا و دریای خزر قرار دارد و یک شاهراه زمینی است. هم‌اکنون بیش از ۲۰۰ شرکت ایرانی در آستراخان فعال هستند و این منطقه به اکنون تجارتی ایرانیان در جنوب روسیه تبدیل شده است.

مهندس شافعی، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران از سرای تجارتی در آستراخان به عنوان یک تفکر جدید در راستای توسعه فعالیت‌های اقتصادی میان ایران و روسیه نام برد و اظهار داشت سرای تجارتی شوق جدیدی در تجارت با روسیه ایجاد کرده است. وی سرای تجارتی ایرانیان در آستراخان روسیه را حرکت جدیدی در مسیر فعلی تجارت بین دو کشور ارزیابی کرد و افزود که نشانه‌هایی را که از افق‌های روشن در پیش رو داریم ارتباط اقتصادی ایران با روسیه در موازات سایر روابط بین این دو کشور در حال توسعه است. رئیس اتاق ایران ضمن قدردانی از

مرکز تجاری ایرانیان در آستراخان که از آن با نام سرای تجارتی ایرانیان در آستراخان روسیه نیز یاد می‌شود، با محوریت اتاق بازرگانی گیلان به منظور ورود به بازار جهانی راه‌اندازی شده است. این مرکز تجاری شامل ساختمانی دو طبقه در مرکز شهر آستراخان در منطقه کیروفسکی، خیابان کراسنایا نابرژنایا، در زمینی به مساحت ۱۵۰۰ مترمربع و زیربنای ۱۰۲۱ مترمربع، در دو طبقه و در نظر گرفتن سالنی در زیرشیروانی و استفاده از فضای زیرزمین، مراحل بازسازی آن با الگوی معماری ایرانی صورت گرفت.

این ساختمان به عنوان مرکز نمایشگاهی دائمی در محل استقرار شرکت‌های مهم تولیدی و تجارتی ایرانی محسوب می‌شود. در این راستا اتاق بازرگانی گیلان و در چارچوب توافقات به عمل آمده قبلی برای توسعه تجارت ایران به روسیه پیشقدم شد تا مرکزی را تحت عنوان سرای تجارتی ایرانیان در آستراخان احداث کند تا یک مرکز لجستیک شامل انبارهای بزرگ برای پشتیبانی از عملیات این سرای تجارتی در آستراخان تاسیس

آستراخان تشبیه کرد و افزود در سال ۱۹۰۷ در کرملین آستراخان از گیلان ۹۰۰ تاجر فعالیت می‌کردند، یعنی ۹۰۰ غرفه در کرملین آستراخان متعلق به ایرانیان بود.

این مقام ارشد دیپلمات در سفارت روسیه احیای تاریخ را احترام به گذشتگان دانست و از سویی این پروژه را در راستای اهداف استراتژیک دو کشور ارزیابی کرد و خاطرنشان کرد احیای کریدور شمال - جنوب تاکید دکتر روحانی رئیس‌جمهور ایران است و در سفر روزهای آتی آقای پوتین به ایران، یکی از موضوعاتی که مطرح می‌شود همین مسئله می‌باشد. سفیر ایران در مسکو به تقویت روابط بین ایران و روسیه پرداخت و از این روابط به عنوان پیشرفت در همه امور در کشور یاد کرد.

استاندار آستراخان نیز با ابراز امیدواری مبنی بر اینکه سرای تجاری موفقیت خود را کسب می‌کند گفت: آستراخان از سرمایه‌گذاری خارجی حمایت می‌کند و دولت روسیه در این رابطه تسهیلاتی را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد. الکساندر ژبلیکین با اشاره به اینکه آستراخان می‌تواند از ظرفیت‌های ایران در بخش مواد غذایی، مصالح ساختمانی، شیشه و... و نیز از استان‌های شمالی از جمله گیلان در زمینه محصولات کشاورزی، باغی، ماهیان و قابلیت‌های دیگر موجود در این استان استفاده کند، ادامه داد که نسل آینده ما می‌باید تلاش کند تا هیچ‌گاه چنین دری بسته نشود و این سرا برای آستراخان یک پایگاه مهم اقتصادی است.

هادی تیزهوش تابان، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گیلان، ضمن قدردانی از حمایت سفیر ایران در روسیه، مقامات عالی‌اتاق ایران و استاندار آستراخان از سرای تجاری به عنوان قدمی در جهت شناسایی بازار روسیه برای تجار، بازرگانان و تولیدکنندگان ایرانی نام برد و با اشاره به اینکه روسیه یکی از مهم‌ترین هدف‌های صادراتی است که در طی سال‌های اخیر به جای بهره‌گیری از این بازار آن را در اختیار دیگران قرار دادیم افزود: سرای تجاری پایگاهی برای ۱۴ اتاق ایران و نیز فعالیت منطقه آزاد انزلی است. اتاق گیلان

برای احداث این سرا و تحویل آن به اتاق ایران بی‌وقفه تلاش کرد و برای ساخت آن استاندار آستراخان، سفیر تهران در روسیه و افراد دیگر کمک کردند.

وی شرایط پیش رو در اقتصاد کشور در تجارت با روسیه را مثبت ارزیابی کرد و یادآور شد استان‌های شمالی از جمله گیلان هم دارای قابلیت‌های فراوان تجارت با روسیه است و روسیه با صادرات چوب، آهن، آلومینیوم و ورق‌های فولادی و گیلان با صادرات محصولات کشاورزی، باغی، مصالح ساختمانی و غیره نقش پررنگی در این روابط دارد. وی در ادامه حجم تجارت ایران با روسیه را با رقم ۲ میلیارد دلار در سال بسیار کم دانست و با تکیه بر توسعه روابط ایران و روسیه که روبه‌روز در حال گسترش است، افزود یکی از مشکلات روابط اقتصادی ما با روس‌ها این است که ایرانی‌ها هم صادرکننده و هم واردکننده هستند، یعنی واردکننده کالا از روسیه به ایران هم طرف ایرانی است و روس‌ها چون در یک طرف این روابط نقشی ندارند، بنابراین خیلی از مشکلات به سختی مرتفع می‌شود. وی توسعه زیرساخت‌ها در زمینه حمل و نقل، تردد خط کامیونی، خطوط کشتیرانی، خدمات بانکی و LC را ضروری دانست و از دولت به عنوان توسعه‌دهنده زیرساخت

و ناظر نام برد.

وی یادآور شد روس‌ها حتی برای کسانی که از آنان خرید انبوه می‌کنند مشوق در نظر می‌گیرند بنابراین برخی از نگاه‌های آنان به کسانی که فعالیت‌های اقتصادی و سودآور برای کشور روسیه می‌کنند و مورد تشویق قرار می‌دهند، باید مورد توجه باشد. به گفته وی سرای تجاری یک سکوی برای تقویت تجارت ایران در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود و تجارت ایران پتانسیل حضور موفق در بازارهای جهانی را دارد و منویات اقتصادی رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر بهترین پشتوانه برای حضور موفق در بازارهای هدف با تولید محصولات صادرات‌محور است.

بر اساس بازدید جناب آقایان اشرف، دبیرکل محترم، و زمانی، معاونت محترم امور استان‌ها، از سرای تجاری و هماهنگی‌های لازم در جلسه‌ای که بدین منظور در اتاق ایران تشکیل گردید، مقرر شد که مالکیت سرای تجاری ایرانیان به اتاق ایران واگذار گردد و هزینه‌های انجام شده نیز به اتاق گیلان پرداخت و مدیریت آن همچنان توسط اتاق گیلان انجام پذیرد و با هماهنگی اتاق ایران نسبت به جایگزین نمودن شرکت‌های بزرگ تولیدی و بازرگانی به جای چهارده اتاق اقدام شود.



سرمقاله

اقتصاد سیاسی

بازارها

مطالبه‌گری

دولت رانتیر

نگاه دیگران

رانت پتروشیمی

چه باید کرد

تحریم

روزگار صنعت

ایران در جهان



بسمه تعالی

ماهنامه تخصصی اتاق بازرگانی، متعلق به اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با هدف اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به فعالان بخش خصوصی و پیشبرد اهداف کلان اقتصادی کشور به صورت منظم و ماهیانه منتشر می گردد.

این نشریه بر اساس سیاست های بالادستی اتاق بازرگانی ایران در جهت انعکاس اخبار، فعالیت و خدمت رسانی به اعضای محترم اتاق و صاحبان کارت بازرگانی و ارسال مستقیم برای مشترکین و صاحبان مشاغل، کلیه اتاق های سراسر کشور و با تیراژ بالا و مطلوب در کیوسک های مطبوعاتی نیز توزیع می گردد.

این نشریه ضمن ارتباط دوسویه و مستقیم میان اعضا و اتاق ایران، زمینه انعکاس نظرات دیدگاه های نخبگان اقتصادی و صاحب نظران را فراهم می آورد.

تعارف آگهی سازمان آگهی های ماهنامه اتاق بازرگانی

پشت جلد ۱۰ میلیون تومان	صفحه داخلی ۲ میلیون تومان
پشت روی جلد ۷ میلیون تومان	گزارش ویژه ۵ میلیون تومان
صفحه ۳ ۷ میلیون تومان	تخفیفات:
صفحه ۴ ۵ میلیون تومان	■ پرداخت نقدی: ۱۰ درصد
پشت پشت جلد ۴ میلیون تومان	■ سه شماره متوالی: ۱۵ درصد
دو صفحه ماقبل پشت جلد (هر صفحه) ۳ میلیون تومان	■ شش شماره متوالی: ۲۰ درصد
دو صفحه روبروی وسط ۵ میلیون تومان	■ دوازده شماره متوالی: ۳۰ درصد

فرم اشتراک ماهنامه «نامه اتاق بازرگانی»

نام و نام خانوادگی مشترک:

تاریخ تولد: میزان تحصیلات:

تعداد نشریه مورد تقاضا و مدت اشتراک:

نشانی:

تلفن ثابت: تلفن همراه:

کد پستی: صندوق پستی:

به پیوست فیش بانکی به شماره و به مبلغ ریال

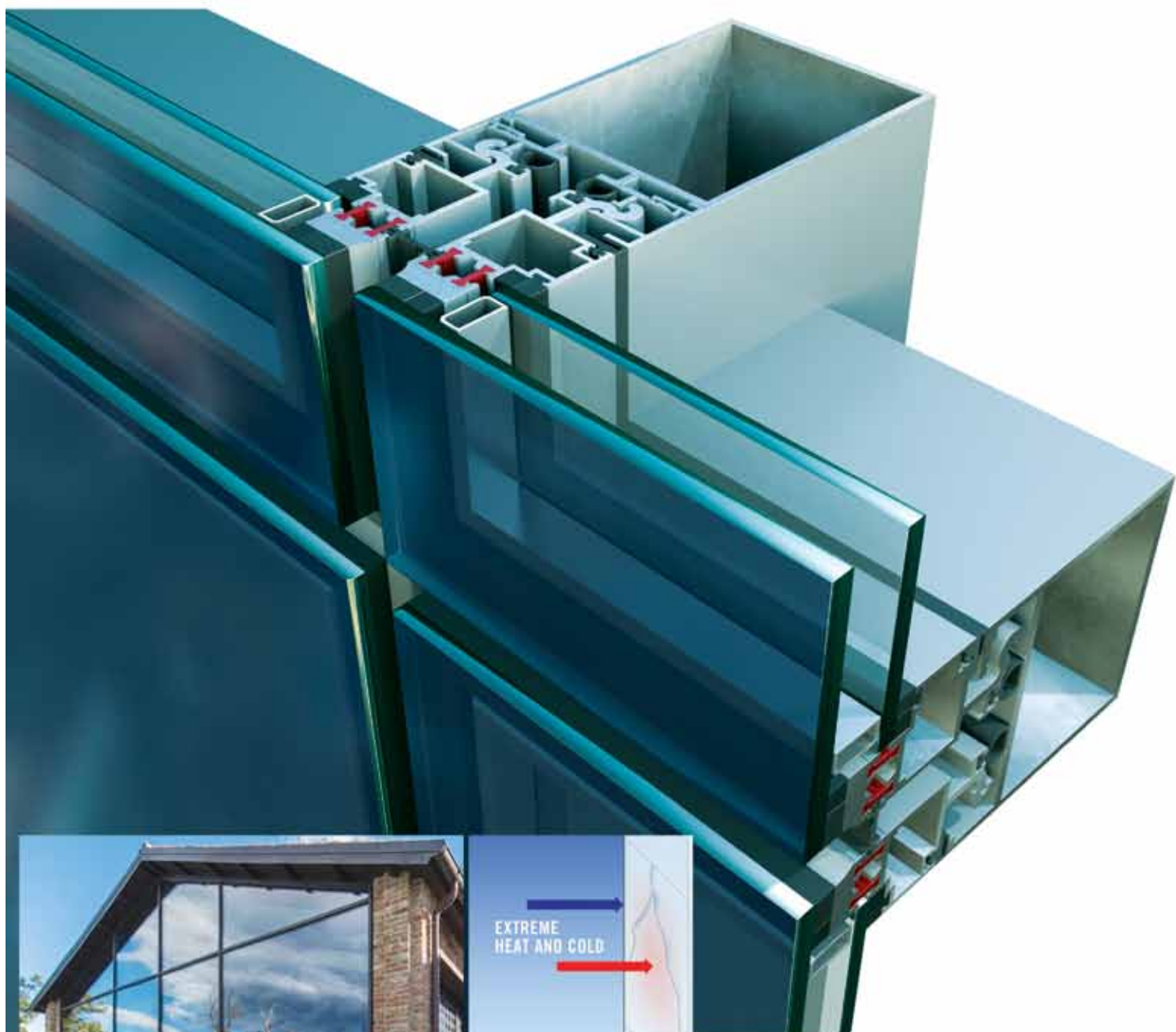
بابت حق اشتراک ماهنامه نامه اتاق بازرگانی از شماره ارسال می شود.

تاریخ:

امضاء:

SECCO

Thermal Break *Facade*



دفتر مرکزی: تهران - خیابان ویلاي شمالی، شماره ۱۹۶، ساختمان سکو
تلفن: ۸۸۹۰۳۸۶۶ (۲۰ خط)، فاکس: ۸۸۸۰۲۵۰۰

info@seccoiran.com www.seccoiran.com

 Secco.iran

دارای نمایندگی رسمی در مراکز استان ها و شهرهای بزرگ



پایگاه خبری اتاق ایران

مرجع اخبار روز

پارلمان بخش خصوصی



otaghiranonline.ir



[@otaghiranonline](https://t.me/otaghiranonline)



[iccima.ir](https://www.instagram.com/iccima.ir)



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران



اپلیکیشن اتاق

سامانه‌ی همراه فعالان اقتصادی ایران



چهارموتق نوین بازرگانان ایران نمین

با اپلیکیشن **اتاق** می‌توانید:

- در میان اطلاعات دارندگان کارت‌های بازرگانی جستجو و بازرگانان و مشتریان بالقوه را شناسایی کنید؛
- با فعالان اقتصادی ارتباط داشته و گروه‌ها و جلسات تجاری B2B تشکیل دهید؛
- در لحظه به اطلاعات اقتصادی، اخبار و گزارش‌های اتاق ایران دسترسی داشته باشید؛
- اعتبار کارت بازرگانی و گواهی مبدأ را استعلام بگیرید؛
- از فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور مطلع شوید و ...

اتاق را



دانلود کنید...

www.otagh.me